

- قصه های شهر، غصه های شهرداری
- فضا و منظر شهری
- مسیر یابی و انتهای پیاده‌روی گردشگری
- تاریخی شهر مشهد
- یادمانی از یک سده خاطره‌ی تاریخی شهر
- سفر، قطب جدید گردشگری غرب کشور
- خاطره‌ی جمعی، هویت و ساخت
- مکان در برلین دوباره متحد شده
- ایجاد تباطو بین
- خاطره‌ی جمعی و ترکیب اجتماعی
- ساختمان‌ها، راوی تاریخی یک شهر
- زدودی شهر و هویت شهری
- برگزاری کارگاه‌های معماری ایران
- از پنجره‌ی بو شهر



شهر

انتشار: مرداد ۱۳۹۱

سال دوازدهم شماره ۱۰۶ فروردین ۱۳۹۱

یادداشت صفحه ۲

گزارش اصلی صفحه ۳

• قصه‌های شهر، غصه‌های شهرداری: گفتگو با احمد محیط طباطبایی، حمیده توسلی، شادمهر راستین / مینا فراهانی

اندیشه و پژوهش صفحه ۸

• زمان و انسان / سحر قاسمیان

• فضا و منظر شهری / حسین قنبری، فردین اسدی

• بازشناسی قرارگاه‌های رفتاری در کیفیت‌بخشی به فضاهای شهری، خیابان سپه قزوین / مصطفی عباس‌زادگان، رامین نوروزیان

• مسیریابی راه‌های پیاده‌روی گردشگری تاریخی شهر مشهد / راضیه رضازاده، فرزاد زرین‌قلم

• طرح یک ایده: نقش مکان‌ها در خلق خاطره‌ی جمعی (محل‌ی شارق تهران) / امین خراسانی

گفت و گو صفحه ۳۰

شهر پایدار: توسعه در بستر سنت متحول / ناصر تکمیل همایون

شهرداری به روایت استاد صفحه ۳۴

• یادمانی از یک سده خاطره‌ی تاریخی شهر / عباس جلالی

از نگاه شهردار صفحه ۳۹

• سقز، قطب جدید گردشگری غرب کشور / ماجد حمیدیان

با استان صفحه ۴۴

• کردستان، استان فرهنگی / ماجد حمیدیان

شورا و مشارکت صفحه ۴۵

• اثر مشارکت در دستیابی به روح زندگی با خاطره‌های شهری محله‌ی عودلاجان (تهران) / مینا فراهانی

الفبای شهر صفحه ۵۲

• تأملی در باب دو مفهوم از منظر شهرشناسی: "هویت" و "خاطره‌ی جمعی" / مجید منصوررضایی، نازیلا رشیدپور

تجربیات جهانی صفحه ۵۷

• بررسی یک تجربه در مدیریت شهری جهت بازآفرینی هویت مکانی (کشور آلمان) / موسی پژوهان، بهاره حیدری

• خاطره‌ی جمعی، هویت و ساخت مکان در برلین دوباره متحد شده / نوشته: لوئیس هایدنریخ، ترجمه: علی ذوقی، نازیلا رشیدپور

شهرها و شهرداری‌های جهان صفحه ۶۸

• ایجاد ارتباط بین خاطره‌ی جمعی و ترکیب اجتماعی / فاطمه شاهانی

• ساختمان‌ها، راوی تاریخ یک شهر

طرح و شهر صفحه ۶۹

• مطالعه‌ی تطبیقی چهار شهر جدید / سحر قاسمیان

آموزش صفحه ۷۵

• تأثیر انگاره‌ی شهر - خاطره در برنامه‌های بازآفرینی شهری / ابراهیم زرگری مرندی

رهاورد سفر صفحه ۷۸

• تلاش برای نابودی خاطرات یک امت / سعید بابائی

گزیده پژوهش صفحه ۸۱

• ورودی شهر و هویت شهری (با تأکید بر ورودی‌های شهر مشهد) / مریم قاسمی

گزارش خبری صفحه ۸۹

• برگزاری کارگاه فهم معماری ایران از پنجره‌ی بوشهر (به همراه تصاویر برگزیده)

• سرگذشت عبرت‌آموز یک خیابان / علی رنجی‌پور

اخبار سازمان صفحه ۱۰۵

اخبار کوتاه صفحه ۱۰۷

اجبار پارکینگ سقف‌دار در بندرعباس / تجهیز پارک‌های فرسوده‌ی کرج / تابلوهای خورشیدی در بزرگ‌راه‌های مشهد / احداث مرکز داده‌ی استاندارد اصفهان / برگزاری نخستین جشنواره انتخاب شهرداران نمونه‌ی کردستان / واگذاری اتوبوس‌رانی اراک به بخش خصوصی

یک شهر، یک نگاه صفحه ۱۰۹

آمل / بم / بوکان / بیرجند / پاره / دزفول / ساری / شوشتر / شهرکرد / کاشان / لاهیجان / مهریز / ورامین

معرفی پایگاه شبکه صفحه ۱۱۰

• پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه‌ی رویدادهای معماری / سعید بابائی

تازه‌های نشر صفحه ۱۱۱

• خاطره‌ای تاریخی از نوباوگی یک کلان‌شهر / عباس جلالی

فهرست لاتین صفحه ۱۱۲

محور اصلی: شهر، سنت و خاطره‌ی تاریخی

طرح روی جلد: مربوط به گزارش اصلی
عکس پشت جلد: نمایی از شهر هایدلبرگ (Heidelberg)
آلمان (حفظ بافت تاریخی در کنار بافت مدرن)

۱. مطالب مندرج در ماهنامه از وبسایتگردیدگاه‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های است.
۲. ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
۳. مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهد شد.
۴. استفاده از مطالب و طرح‌های ماهنامه تنها با ذکر ماخذ مجاز است.
۵. مقالات باید با دیسکت یا لوح فشرده در محیط فارسی (windows XP) همراه باشد.

صاحب امتیاز:
وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

مدیر مسئول:
حمیدرضا ارشادمش

مدیر انتشارات:
حسین رجب صلاحی

تحریریه:
غلامحسین تاشفر، محمدرضا بمانیان، حمیدرضا صارمی، حمیدرضا حاجوی، محمد مهدی توسلی، جواد نیکنام

همکاران:
عباس جلالی، مصطفی رستم خانی، آرش سرائی، فرشید قاسملو، حدیثه گرشاسی

همکاران این شماره:
حسین ساویز، علیرضا احسان فر، ماجد حمیدیان، امیر امیری فر، سعید بابائی

ناشر:
انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

نشانی:
تهران خیابان کارگر شمالی، بالاتر از بلوار کشاورز، نبش کوچه میر، پلاک ۱۱۸۲، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

تلفن: ۰۲۱-۶۳۹۰۱۲۸۳
نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۲۸۰۸۹

کد پستی: ۱۴۱۸۷۳۳۵۱۶

ISSN: ۱۶۰۶۷۴۹۵
http://www.imo.org.ir
E.mail:shahrdariha91@yahoo.com

این شماره ماهنامه با حمایت شهرداری سقز بچاپ رسیده و لازم است از جناب آقای عثمان رحیمی شهردار سقز و مدیران استانی مرتبط قدرانی نماییم.



♦ حمیدرضا ارشادمنش

یادداشت

یکی از بحث برانگیزترین موضوعات عصر حاضر، موضوع هویت است. به طوری که در دوره‌ی معاصر به دغدغه‌ی ملت‌هایی که از سامانه‌های فرهنگی تاریخی برخوردار می‌باشند، بدل شده است. آغاز قرن بیستم، آغازی بود بر مهاجرت افسارگسیخته‌ی جمعیت روستایی به سوی جوامع شهری به گونه‌ای که هر چه به انتهای این قرن و شروع قرن بعدی نزدیک شدیم این رشد نه تنها متوقف نشد بلکه عواملی همچون خشکسالی، قحطی، رفاه شهری و... باعث شد شیب تندی پیدا نماید. شهرهایی که هنوز به درستی ساختار خود را پیدا نکرده بودند و به تازگی با مفاهیم جدید این قرن روبرو بودند به ناگاه با سیل روزافزون مهاجرت (چه داخلی و چه خارجی) مواجه شدند. همین امر نیز سبب شد تا در بسیاری از کشورها دو مسئله‌ی مهم کم‌رنگ گشته و بلکه نادیده انگاشته شود: محیط زیست و هویت تاریخی.

بافت‌های تاریخی و سنتی شهرها تا زمانی که پاسخگوی نیازهای مکانی و معیشتی مردم بودند به شکل خود باقی ماندند اما همین که قدرت برآورده نمودن این نیازها را از دست دادند، تخریب و تبدیل به بناهای تودرتو و رفیع امروزی شدند. بناهایی که هر چند روح اصیل بافت سنتی آن شهر را دارا نبود اما در عوض آسمان را می‌شکافت و فضای بیشتری را جهت اسکان مهاجران فراهم می‌نمود. بالا رفتن نرخ زمین و در نتیجه مسکن نیز عامل مکملی شد بر این که بناهای سنتی که بخشی از هویت شهری تاریخی را یک می‌کشیدند تخریب و تبدیل به سود بادآورده‌ای برای وارثان این بناها گردد.

تکثر اقوام مهاجر که نشان‌دهنده‌ی گوناگونی فرهنگ و آداب و رسوم آنان بود نیز در شهرهای بزرگ‌تر باعث شد تا مفاهیم سنتی شهر مزبور رنگ بپازد. به همین سبب و همین طور به علت نداشتن خاطرات قدیمی از محل اسکان جدید باعث شد بافت‌های تاریخی به سادگی تغییر کاربری داده و به شکل و شمایل امروزی خود درآیند.

شاید بتوان این تغییرات را تا زمانی که مشکل حادی در جامعه ایجاد نمی‌کرد، نادیده گرفت اما از دست دادن هویت شهری معضلاتی را پدید آورد که یکی از آن‌ها افزایش میزان جرم در مناطق جدید بود. بخش عمده‌ای از هویت یک شهر را «هویت محلات» آن شهر شکل می‌دهد. محلات به عنوان اجزای اصلی تشکیل‌دهنده‌ی سازمان فضایی شهرها از گذشته‌های دور وجود داشته‌اند. کم‌رنگ شدن وجدان و روح جمعی خانوادگی، خاندانی، محله‌ای و... در این مناطق به سبب نداشتن تعلق خاطر به این نقاط، عامل چنین اتفاق نامبارکی شد. برخی از کشورها پیش از پیدایش این مشکلات، زودتر به فکر چاره افتادند و در پی درمان آن برآمدند. حفظ و مرمت بافت‌های تاریخی، وضع قوانین جدید در جهت جلوگیری از تعرض به این بافت‌ها، ایجاد نماد (سمبل) و همچنین تابلوهای معرفی این بخش‌ها به مردم و گردشگران از شیوه‌هایی بود که دولت‌ها و شهرداری‌های این شهرها به کار بستند تا آیندگان صاحب گوشه‌ای از تاریخ خود باشند. به آن ببالند یا از آن عبرت بگیرند و در نهایت نیز روحیه‌ی جمعی آنان تقویت گردد. این فعالیت‌ها بدان جهت صورت گرفت چون بالاترین سطح داشتن وابستگی با محیط زندگی آن است که فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان زندگی خود دارد و فداکاری زیادی برای گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در این سطح آمادگی برای رها کردن علائق فردی و جمعی به دلایل علایق بزرگتر نسبت به مکان و محله‌ی زندگی وجود دارد و همین مورد است که سبب تسهیل در حفظ و ارتقای سطح زندگی در شهرها و محلات آن می‌گردد و در بعد کلان نیز یکی از عوامل حفظ استقلال هر کشور است.

این امر در کشور ما نیز دیری است که آغاز شده است و شاید بتوان گفت نبرد بین بافت‌های تاریخی و سنتی با بافت‌های نوین و مدرن امروزی به نقطه‌ی اوج خود رسیده است. در این میان میزان توجه شهرداری‌ها و شهرداران کشور می‌تواند در جهت حفظ میراث تاریخی و معنوی مردم و تقویت هویت شهری آنان نقش بسزایی داشته باشد.

قصه‌های شهر، غصه‌های شهرداری

♦ مینا فراهانی



انسان شهری هر روز که می‌گذرد بیش از پیش به دنبال رشد و ارتقای وضعیت خود و خانواده‌ی خویش است. این تلاش و کوشش در کشورهایی که توسعه یافته نامیده می‌شوند و یا در کشورهای در حال توسعه به وضوح قابل رؤیت است به گونه‌ای که اگر چند سال کوتاه از این شهرها فاصله بگیری، پس از مراجعه با مناظر جدیدی روبرو خواهی شد که پیش از عزمیت از آن‌ها خبری نبود. ابزار توسعه در خدمت تمدن بشری قرار گرفته است تا برای بشر امروزی زندگی برتر و بهتری را به ارمغان بیاورد.

داستان بالا یک روی سکه بود؛ روی دیگر سکه ساکنان شهرهایی با قدمت چندصدساله یا بعضاً چندهزار ساله هستند که خاطرات خود و میراث آبا و اجدادی‌شان را یک شبه در جهت بهبود وضعیت معیشت از دست می‌دهند و فراموش می‌کنند چیزهایی را که از دست می‌دهند مجدداً قابل تولید نیست و با بهای گزاف نیز نخواهند توانست در آینده دوباره آن‌ها را به دست بیاورند. حال ما در این میانه‌ایم: یک سویمان توسعه‌ای که ناگزیر از حرکت به سوی آن هستیم و سوی دیگر حفظ سنت‌ها و خاطره‌هایی که در جای‌جای شهرها پیمان نهفته است و روزبه‌روز مثل برف در برابر آفتاب سوزان پیشرفت آب می‌شود و به زیر زمین فرو می‌رود...

برای بررسی بهتر این مسئله در این شماره میزبان عزیزانی بودیم که در این حوزه فعالیت نموده‌اند:

دکتر سیداحمد حیط‌طباطبایی

دبیر آی‌کوم (کمیته‌ی بین‌المللی موزه‌های ملی ایران)، تهران‌شناس

دکتر حمیده توسلی

دکتر جامعه‌شناس، مدیر دفتر توسعه‌ی محلی عودلاجان

مهندس شادمهر راستین

معمار، فیلم‌نامه‌نویس

برای این که میزگرد این شماره در فضای همین موضوع باشد در یکی از خانه‌های قدیمی محله‌ی تاریخی «عودلاجان» شهر تهران برگزار شده است.



رسانه برای من ایجاد خاطره کرد. در حال حاضر گوینده‌ها و مجری‌های شبکه‌ی پنج تلویزیون در سطح رسانه و مسئولین خانه‌ی فرهنگ و خانه‌ی محله در سطح محله، راوی شهر تهران هستند. مثل راهنماهای اینبیه تاریخی. این‌ها خاطره ایجاد نمی‌کنند. به نظر من ضد خاطره‌اند. چون شکل آن را رسمی می‌کنند. پلاک فلزی که جلوی یک ساختمان تاریخی نصب می‌شود، به اندازه‌ی همان پلاک فلزی ارزش دارد. همین قدر که یک توریست بخواند و برود. در تهران داستان‌های زیادی وجود دارد. اکباتان، بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی و همین‌طور محله‌ی سرچشمه به‌خصوص که در سال ۵۷ داستان‌های زیادی از شهدا دارد. اما ما روایت را از دست داده‌ایم یکی از دلایل از دست دادن روایت، رسانه‌های شدن گذشته است که ثبت می‌شود و خاطراتی نیست. سندیت روزنامه و تلویزیون از پدربزرگ‌هایمان بیشتر است. پدربزرگ سند بودنش را از دست داده و روایت جای خودش را به تاریخ داده است. نگاه مدیریت شهری به دنبال دسته‌بندی و فهرست شدن همه‌چیز است. اما این جواب‌گوی زندگی شهری نیست. شهر مثل یک موجود زنده است که نمی‌توان حکم به خوب یا بد بودنش داد. موجودی است که گاهی حالش خوب است و گاهی بد و در این دوره نیز دچار بحران راوی شده است.

شربلیا: برگشتیم به کلیدواژه‌ی شهر. دیرزمانی بود که شهرهای ایرانی بر اساس اسلوبی نانوشته اما محکم و جدی بنا می‌شد. ساکنین شهرها، خانه‌هایشان را به دست معمارانی می‌سپردند که مثل ایشان فکر کرده و ایده‌های ساده و نیازهای ساکنین را راهنمای طراحی‌های خود می‌کردند. در مقیاس شهری نیز پیرو ذات فرهنگ ایرانی همبستگی با ایده‌آل‌های مردم کم‌رنگ و بی‌اهمیت نمی‌شد. اما برای خود من، با وجود آن که در شناخت عوامل و رویدادهای تأثیرگذار در تغییر ساختار شهر امروزیمان تلاش می‌کنم، بسیار سخت است که مسیر درستی از این تغییرات را پیدا کنم. در واقع ردپای حضور و تأثیر ذهنیت ساکنین شهر را به عنوان اصل هسته‌ی جامعه در شکل‌گیری شهر نمی‌توان به درستی یافت.

احمد محیط طباطبایی: در این دوره برای معمار مهم نیست که مسیر بادهای تهران کجاست و یا چند روز در تهران آفتاب است و یا مصالح شهر چیست. زمانی معمار ایرانی خاک را از زمین بالا می‌آورد به رنگ خاک و آسمان را از بالا به پایین روی آن می‌کشید به رنگ فیروزه‌ای. انگار اکنون در دنیایی جدا از دنیایی که تابحال در آن زندگی می‌کردیم هستیم. در آن دنیا پدرانمان جواب همه‌ی سوال‌ها را داشتند. اما امروز برای سوال‌ها جواب از نوع دیگری است. وقتی سوال می‌شود چرا از این کوچه‌های قدیمی ماشین گذر نمی‌کند؛ کسی به دنبال ماشین‌هایی با اندازه‌ی مناسب کوچه نیست؛ بلکه جواب در خراب کردن کوچه و افزایش عرض کوچه است. شهر تهران، اصفهان و شیراز در دوره‌ی صفویه روش معماری بومی زمان خودشان را داشته‌اند. این معماری در دوره‌ی زندگی تغییر شکل می‌یابد؛ اما در چارچوب معماری ایران بروز می‌کند و پس از آن معماری قاجاریه که خود به سه دوره تقسیم می‌شود. همه‌ی نمونه‌های موجود نشان می‌دهد که معماری ملی (مترادف کلمه‌ی ناسیونال) شرایط زمانی خود را در چارچوب زمان گذشته بررسی کرده و به نوآوری می‌رسیده است. در دیگر هنرها نیز به همین گونه.

شربلیا: امروز این‌جا در یکی از خانه‌های قدیمی محله‌ی عودلاجان دور هم جمع شده‌ایم تا مباحث ارزشمند شما عزیزان را پیرامون کلید-واژه‌های شهر، سنت و خاطره‌ی تاریخی بشنویم. در ابتدای گفتگو برای نظم‌دادن به افکار خودم در این باب، از پدربزرگم شروع می‌کنم. پدربزرگ من خاطره‌ی احداث اولین خیابان‌های شهر زادگاهش را که مصادف با انفجار نوگرایی ناقص در ابتدای دوره‌ی پهلوی بود، همیشه بازگو می‌کند. از تاریخی که ایشان نقل می‌کند تا امروز، نزدیک به یک قرن می‌گذرد. ولی جالب است که خاطره‌ی بازار قدیم و بافت منسجم شهر تا قبل از هجوم خیابان را هنوز می‌تواند قدم به قدم ببیند و خاطره‌ی دوران ابتدای نوجوانیش را مرور کند. شهر قدیمی که پدربزرگ من در خاطرش دارد برای او و معدود هم‌نسل‌هایش معنی دارد. عجیب است که من با وجود آن که ساخت‌وسازهای دوره‌ی خودم را دیده‌ام هیچ بار احساسی در آن ندارم. کاملاً به یاد دارم که حدود ۲۰ سال پیش زمین‌های خالی و بیابانی غرب تهران با سرعت زیاد تغییر شکل یافته و محله‌ی پونک فعلی شکل گرفت. اما هیچ‌گاه احساس نمی‌کنم که برای این تغییرات بتوانم مثل پدربزرگم قصه بگویم. نمی‌دانم چرا نمی‌توانم خاطرات دوران نوجوانیم را در آن دوره و در آن فضاها بازبازی کنم. چرا نسل من هم چون نسل پیش از خود نتوانست همان خط گذشته را بدون نابودی آن تغییر دهد؟ نمی‌دانم نتوانستیم یا نخواستیم یا حواسمان نبود و یا این که شهر عاملش بود یا ما؟ اما آن‌چه که اتفاق افتاده احساس نیاز به بازیابی خاطراتم است که هر چه فکر می‌کنم بسیار کمتر از آن خاطراتی است که پدربزرگم همیشه و همیشه از هر گوشه و کناری دارد.

شادمهر راستین: حقیقت آن است که مشکل از شهر نیست. آدم‌های امروز جامعه‌ی ما قصه‌گویی نمی‌دانند. پدران ما عجله نداشتند که به کار دیگری برسند. قصه‌سرایی و قصه‌گویی می‌کردند. حتی اگر واقعی نبود. امروز ما فکر می‌کنیم که تهران چقدر داستان داشته که حالا ندارد؛ در حالی که اتفاق‌ها می‌افتد، اما قصه‌گویی نیست که آن‌ها را روایت کند. تا دل‌تان بخواهد تاریخ‌دان داریم. اما کجاست شهرزاد قصه‌گوی امروز تهران؟ زمانی افرادی هم چون پدر آقای محیط طباطبایی راوی شهر تهران بودند. در آن زمان تهران حدود یک میلیون جمعیت داشت و امروز جمعیت آن ده برابر افزایش پیدا کرده است و راوی تهران خود ایشان هستند.

حمیده توسلی: در کشورهای دیگر راوی‌های شهر علاوه بر صحبت‌های شفاهی، خاطراتشان را می‌نویسند و یا مستنداتی بر پایه‌ی قصه‌های آنان ساخته می‌شود. مثلاً یک قصه‌ی قشنگ از این محله‌ی تاریخی - عودلاجان - که آن را هم جناب آقای محیط طباطبایی برایمان تعریف کرده است و کاملاً قابلیت مستند شدن دارد؛ در زمان شهرداری آقای شهرستانی اتفاق می‌افتد که تصمیم به خراب کردن محله‌ی عودلاجان گرفته بود. در آن زمان هنرمندان بسیاری در این محله شروع به اجرا و یا نمایش آثار هنری خود می‌کنند تا با این کار از خراب شدن محله‌ی تاریخی جلوگیری نمایند.

شادمهر راستین: من در آن زمان نوجوان بودم و این اتفاقات را که به صورت زنده در تلویزیون پخش می‌شد دنبال می‌کردم. در واقع آن زمان،

مثلاً صنایع خاتم در همان دوره در خاتم‌سازی خود شیوه‌ی دوره‌ی زندگی را کنار گذاشته و روش جدیدی به کار می‌برد و یا حسین بهزاد که در مینیاتور خودش تحولی ایجاد کرد که تنها سبک اوست. فرهنگ ملی همیشه نو بود؛ اما در چارچوب ساختار اصلی. در دوره‌ی پهلوی، بالأخص از سال‌های ۱۳۳۰، اصرار به نشان دادن قالب جدیدی در مقابل فرهنگ ملی بود. آن چه را که در طی تاریخ، فرهنگ ملی تلقی می‌شد سنت نامیدند و پدیده و قالب جدید را مدرن. ناگهان خطی کشیده شد به نام فرهنگ مدرن امروزی ایران که مخالف فرهنگ سنتی بود.

شیرازی: سنت چیست و از نگاه علمی چه ویژگی‌هایی دارد؟

احمد محیط طباطبایی: همان‌طور که گفتیم در آن دوره، خطی کشیده شد به نام فرهنگ مدرن امروزی ایران، که مخالف فرهنگ سنتی بود. سوءتفاهمی بزرگ که تاکنون نیز ادامه دارد. اگر چه دوره مدرنیته‌ی واقعی با دوره‌ی قاجار مقارن بود و آثار معقولی از این نگرش از آن دوره به‌جا مانده است؛ اما در آن زمان جبهه‌گیری از آن کلمه اتفاق نیفتاد. از اصلاحات غازان خان تا زمان جنگ چالدران، جامعه‌ی ایران رویکردی تقریباً ثابت در مسائل املاک و مسائل مالی و دیگر مسائل مردم داشت. این تداوم از گذشته تا آن دوره چنان درست به نظر می‌رسید که برای هر سوالی جواب وجود داشت. سوال تاریخی در نامه‌ی عباس میرزا وجود دارد که در هنگام شکست جنگ چالدران از شاه می‌پرسد که چرا ما در جنگ شکست خوردیم؟ از آن زمان راه‌حل‌ها ارائه شد. سخت‌ترین جواب و راه‌حل، اصلاح روش است. از نظم و ترتیبی که میرزاتقی‌خان خواهان آن بود که به تغییر لباس ارتش ایران به لباس یک شکل اروپایی انجامید تا قانون‌خواهی میرزا ملکم‌خان که راه‌حل همه‌ی مسائل را در وضع قانون می‌دانست. براساس همان فرهنگ ملی و بومی این تغییر و تحولات به جایی می‌رسد که کسی هم چون سیدجمال‌الدین نیز سهیم شدن مردم را، راه‌حل مناسب می‌داند و در این زمان مشروطیت پاسخی به چرایی شکست چالدران می‌شود. در این دوره با مشروطیت همه چیز متحول می‌گردد. شغل‌ها دستخوش تغییر شده و عکاسی و سینما وارد تهران می‌شود. مشروطیت چنان تغییرات بنیادینی در شهر بوجود آورد که هیچ انقلاب دیگری، هرگز نتوانست با این قدرت، تحولات ساختاری در جامعه به دنبال داشته باشد. تحول عظیم نشأت‌گرفته از مشروطیت، نوگرایی در سیستم آن بود. همه چیز در فضای کلی خودش رو به نو شدن داشت؛ اما رضاخان با کودتایی که بر علیه مشروطیت برپا می‌کند، جریانی میان‌بر را بر علیه سیر تحول منطقی مملکت در جامعه بوجود می‌آورد که جریانی رفرم کار است. در این دوره است که عده‌ای، بیسوادی در مملکت را ناشی از خط فارسی می‌دانند و تقاضای تغییر خط را دارند و یا بدی زندگی را به ساختمان ربط می‌دهند. اولین تخریب‌ها در تهران از همان زمان‌ها آغاز می‌شود. بوذرجمهری شهردار موردعلاقه‌ی رضاخان شروع به تخریب و نوسازی‌هایی می‌کند که ما امروز به نقدش می‌نشینیم. در واقع جامعه‌ی ما با انقلاب مشروطیت آرام آرام پاسخ مسائل را در چارچوب فرهنگ ملی به دست می‌آورد تا این که این جریان میان‌بر همه چیز را زیر و رو کرد.

شیرازی: پس در واقع می‌توانیم بگوییم که گسست شهر و سنت ما در همان دوره اتفاق می‌افتد؟

شادمهر راستین: در لغت نامه‌ی دهخدا سنت همان است که از حضرت رسول به امت می‌رسد و قبل از آن نیز سنت حضرت موسی بوده است. علت آن که نوگرایان دوره‌ی رضاشاهی به تداوم فرهنگ ایرانی تا پایان قاجاریه، کلمه‌ی سنت را اطلاق کردند، خصوصیت تغییرناپذیری

بود که در ظاهر آن می‌دیدند و به همین دلیل، با کلمه‌ی سنت از آن یاد می‌کردند و در مقابل آن، مدرنیته را گذاشتند. این درحالی بود که در اروپا، کلاسیک در مقابل مدرنیته بود. کلاسیک اصول فرهنگی بود بر مبنای انسان - خدا که مدرن با مبنای انسان - انسان در مقابل آن قرار می‌گرفت. در حکومت احمد شاه بود که به نظر نوگرایان برای خواسته‌های انسان مدرن جوابی وجود نداشت. به همین دلیل نتیجه‌ی سعی در تغییر مفاهیم که به‌نظر عقب‌افتادگی ایجاد می‌کرد، کنار گذاشتن فرهنگ و طبیعت ایرانی بود. این تغییر به مهندسان تعلیم داده شد. دیگر بررسی و تحلیل شرایط اقلیمی، محبت جذابی نبود. آن چیزی مهم بود که مصالح اروپایی قابلیتش را داشت. حتی تا این سال‌ها نیز مهندسان می‌خواهند با معماری‌شان اقلیم معماری را عوض کنند. درحالی که معماری کوشک احمدشاهی در کاخ نیاوران کانسبت و مفهومی از معنی مدرنیته بود که در مسیر درستی، نوگرایی را دنبال می‌کرد. در این بنا هرگز جهت ساختمان یا مفهوم معماری ملی عوض نشد. اما مهندسان امروز ما صرف‌نظر از اقلیم، ساختمان را در هر جهتی که مایلند طراحی می‌کنند. نگران جنوب و شمال نیستند. می‌گویند شوماژر و کولر می‌گذاریم. درواقع از تکنولوژی و امکاناتش جهت تسلط بر طبیعت استفاده می‌کنند. اشتهایی که ۲۰۰ سال در اروپا رواج داشت. از طبیعت نه بعنوان مادر و جان‌پناه، بلکه بعنوان تأمین‌کننده‌ی مواد اولیه یاد می‌شد. اصلی‌ترین نتیجه‌ای که دوران مدرنیته از قرن هجدهم به آن دست یافت و تا عهدنامه‌ی ریو و بررسی توسعه‌ی سبز ادامه داشت. بنابراین از آن دوره سنت برای ایرانی‌ها در معماری و شهرسازی‌شان قیدی در مقابل سرعت توسعه محسوب می‌شد. چه کسانی می‌خواستند سریع همان‌طور که می‌خواهند توسعه پیدا کنند؟ کسانی که از مسیر کوچ منظم توسعه یا همان مسیر سنتی پیشرفت، میان‌بر زده بودند. یعنی از روستا به شهرستان و از شهرستان به شهر و از شهر به تهران نیامده بودند. از روستا به تهران آمده بودند. این گروه، سنت را مانع خودشان می‌دیدند و هر چیزی که آن‌ها را آزاد می‌کرد، مدرن محسوب می‌شد. بنابراین تعریف علمی از سنت نداشتند. این دسته از آدم‌ها فکر می‌کنند اگر روح را عوض کنند، کالبد می‌تواند با شکل دیگری هم به حیات خود ادامه دهد. بعنوان مثال تصویر یک انسان هنگامی که بچه‌ی چند ساله است و هنگامی که انسان ۵۰ ساله است؛ اگر چه در ظاهر متفاوت است، ولی نقاط مشترک دارد. چشم و استخوان‌بندی صورت هیچ‌گاه عوض نمی‌شود. اگر اجازه دهیم که همه چیز عوض شود آن وقت نمی‌شود روایتی از ۱۵ سالگی مان داشته باشیم.

شیرازی: بله. پدربزرگ‌های ما وارث شهری بودند برآمده از سنتی طولانی. خطی ممتد در طول سال‌ها و سال‌ها که اگر از جایی در مسیر بریده می‌شد، مردم آن را دوباره برقرار می‌کردند. اما امروز من و هم‌نسل‌هایم کاری کرده‌ایم که علاوه بر سیر حرکت این خط، خودمان هم عوض شده‌ایم. تغییری با سرعت و شتابان در خود ما و در هر پدیده‌ی انسان‌ساخت دیگر.

حمیده توسلی: عدم شناخت باعث به‌وجود آمدن این سرعت می‌شود. راه‌حل همه‌ی مسائل، به نوعی با سرعت ارتباط دارد. حل همه‌ی مسائل شهری در ساخت اتوبان، تونل و پل خلاصه می‌شود. درحالی که هر کدام از این پدیده‌ها بجای آن که مشکلات آن را کم کند، مشکل دیگری را به شهر اضافه می‌کند. متأسفانه در این‌جا حل مسئله نیست که مورد توجه است، صرف بودجه‌ی عمرانی است که اهمیت دارد.

احمد محیط طباطبایی: هر شهری در دنیا باید مشکلاتش را بر اساس شرایط خودش حل کند. اما با هر اندیشه‌ای در هر جای دنیا، در طی این قرن‌ها، توسعه را بر اساس اقتصاد پی می‌گیرند و این توسعه



شادمهر راستین

و پاسخ‌گویی به مسائل اقتصادی است که سرعتی عظیم را به وجود می‌آورد و این سرعت منجر به انهدام کره‌ی زیستی ما می‌شود.

شادمهر راستین: می‌خواهیم توسعه با سرعت ارتباط داشته باشد. جمله‌ی معروف "ما فقط یک‌بار زندگی می‌کنیم" زائیده‌ی تفکر مدرن است. در حالی که در تفکرات دیگر، نتایج در همین دوره قرار نیست دیده شود. می‌خواهیم در کمال سرعت به تمام آن چه که مدرنیته می‌خواهد برسیم. سرعت حوصله را در جامعه کم می‌کند. در حالی که فرهنگ ملی ایرانی، روش تدریجی است. سرعت با سنت ما مغایرت دارد. با این نگاه هرچا پدیده‌های مانعی بر تغییر سریع باشد، می‌گوییم آن پدیده سنتی است. همان قید که گفتیم، مثلاً اگر بگوییم مشکل میدان توپخانه با تخریب سریع ساختمان شهرداری حل می‌شود؛ این بحث حاکی از تفکری مدرن است. در حالی که اصلاح تدریجی، بهتر و درست‌کردن، براساس نگاه سنتی است. به هر حال براساس آن که سنت قطعاً بد است یا خیر، نمی‌توان فعالیت کرد.

اساس تفکر رضاشاهی در دو کلمه‌ی رفرم (reform) و یونیفرم (uniform) بود. در آن دوره عده‌ای متفکر فرنگ‌رفته، فرهنگ ایرانی را فرم یا شکل می‌دیدند نه یک محتوا یا مفهوم. برای آن که این فرهنگ با فرهنگ کلاسیک اروپا، قابل قیاس و تطبیق باشد و بتوان آن را شناخت، باید رفرم می‌شد و برای شناخت با درون خودش (مثل فرهنگ کردی، عرب، زابلی و...) باید یونیفرم می‌شد. کل کشور به یک پادگان یک‌شکل تبدیل شد. بزرگان کشور در این شرایط و تقسیم‌بندی راحت‌تر می‌توانستند کار کنند. رفرم و یونیفرم هزینه و زمان شناخت را حذف می‌کرد چراکه دیگر به شناسایی تک به تک نیاز نبود و سرعت هم بالا می‌رفت. در این مرحله باید بخش‌نامه‌ها صادر و اجرا می‌شد چراکه با یک بخش‌نامه مشکلات شهر حل می‌شد. در آن نگاه با رفرم و یونیفرم هم به توسعه می‌رسیدیم و هم مدرن می‌شدیم. اما مشکل آنجا بوجود آمد که دیدیم این یکسان‌سازی‌ها جوابگو نیست. در گذشته‌ها، مثلاً در محله‌ی عودلاجان عرفا هر پلاکی با پلاک دیگر تفاوت داشت. مسیر آبی که باید از هر محل می‌گذشت، به تعداد درخت‌های هر پلاک و نوع آن‌ها و دیگر عوامل بستگی داشت. وقت می‌گذاشتند تا نیاز به آب برای هر پلاک را بررسی کرده و قاعده‌ای برای آبیاری قرار دهند. اما برای رسیدن به توسعه، فرصت کافی وجود ندارد. پس عرف را قانون می‌کنیم. در این مرحله است که جامعه، خوب و بد را گم می‌کند. زمانی که عرف قانون می‌شود. بالعکس بهترین شکل جامعه این است که قانون عرف شود.

حمیده توسلی: این در حالی است که آن که در فرنگ درس خوانده، می‌خواهد با خلاقیتش پویا باشد. نیاز به نو شدن را احساس می‌کند و عرف مورد قبول جامعه را نیز باید در نظر بگیرد. این نو شدن چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

شادمهر راستین: نیاز شهری خاستگاه نوشتن است. نیاز شهری بر اساس دو تغییر کمی بوجود می‌آید. افزایش جمعیت، افزایش سرانه. این نیازها و تغییرات کمی، جواب می‌خواهند و فرهنگ ایرانی تغییر کمی را کمی جواب نمی‌دهد؛ کیفی جوابگوست. این کلیدواژه‌ی اصلی است. وقتی ترافیک اتوبان صدر سنگین است، راه‌حل آن در این دوره، راه‌حل کمی است. آن را دوطبقه می‌کنند و پل می‌سازند.

شادمهر راستین: برگردیم به موضوع خاطره. خاطرات تاریخی که در شهر نمود دارند را چگونه می‌توان بازشناسی کرد؟

احمد محیط طباطبایی: به نظر من خاطره فقط خاطره‌ی تاریخی نیست. خاطره بحثی شفاهی است که مستقیماً با تاریخ ارتباط ندارد. در فرهنگ ما اسطوره‌ها یا ادبیات شفاهی یا اشعار دوتار زن اهل تربت‌جام



احمد محیط طباطبایی

و عاشق آذربایجانی، خاطره می‌گویند. خاطراتی که سینه به سینه نقل شده است. بیان قصه‌ی یک عروسی، یک شکار، یک جنگ و یا یک فرار. به عبارتی در کشورهایی با تاریخ کهن، بخشی به نام فرهنگ روایی وجود دارد. این فرهنگ از روایت‌های مادر به بچه‌اش در خانه شروع می‌شود و در بیرون از خانه در فرهنگ و هنر نیز روایت می‌شود. مثلاً در موسیقی. اما زمانی که باید همه چیز را مشخص و معین کرد، بحث روایت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در تاریخ و فرهنگ معاصر، همه چیز تاریخ می‌شود نه روایت. همه چیز به رسانه و مطبوعات وابسته می‌شود نه انسان. مثلاً بیان کشته‌شدن حسن علی منصور روی پلکان مجلس شورا یک خاطره‌ی تاریخی است. یک افسر بازنشسته‌ی پلیس که مغازه‌ی سماورسازی در جلوی مجلس داشت این جریان را تعریف می‌کرد. به طوری که همه دوست داشتند پای صحبتش بنشینند و این خاطرات را که بخشی از آن، واقعی نبود بشنوند. این روایت است. مدت‌هاست که در تهران ادای تاریخ در می‌آورند. مثلاً تازگی‌ها در جلوی بازار و خیابان خیام، مغازه‌ها را سقف می‌زنند. درحالی که این کار اصلاً در خیابان‌های تهران منبایی ندارد و با معماری بوشهر و اهواز متفاوت است. در واقع به جای باززنده‌سازی خاطره، ضدخاطره به وجود می‌آورند.

شادمهر راستین: مشکل اینجاست که این‌گونه توسعه، مشخصاً با بی‌شناسامگی طرف است. وقتی یکپارچه‌سازی می‌کنیم، نیاز به خاطره احساس می‌شود. چراکه یکپارچه‌سازی ضدخاطره است. هسته‌ی فرهنگی ما ایرانی‌ها از گذشته تا انقلاب مشروطه، دست به دست می‌گشت و تنها پوسته‌ی ظاهریش در هر دوره عوض می‌شد. در حالی که مدام نسبت به تغییرات کمی نو می‌شد. امروزه با تفکر توسعه‌ی پایدار، پایداربودن خواست ما شده است. اما من سنتی هنوز فکر می‌کنم که تفکر سنتی خودمان پیشروتر از این تفکر کنونی است؛ چراکه حتی برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار هم، بخش‌نامه و قانون وضع می‌شود. به عنوان مثال، مهم‌ترین پیشنهاد ما برای کسی که در محله‌ی قدیمی تهران می‌خواهد خانه‌اش را بازسازی کند، چیست؟ این که به او یادآوری کنیم که "بعد از خودت چه می‌خواهی به میراث بگذاری؟" ۷۰متر مربع آپارتمانی که متری فلان قیمت می‌ارزد یا خاطرهای که می‌توانی داشته باشی؟" شاید بگویند در تهران خاطرهای ندارد و خاطراتش در روستایی بوده که به دنیا آمده است. صادقانه باید بپذیریم که هفتاد درصد از ساکنین فعلی تهران، از مهاجرین زیر ۳۰ سالی هستند که نسبت به آن بی‌خاطره‌اند و خاطرات خودشان را نیز بلد نیستند روایت کنند. دیگر خاطرهای نیست که به درد امروز بخورد. آن چه می‌توانیم به کسی که می‌خواهد خانه‌اش را بازسازی کند توصیه کنیم، خاطره‌ای است که به تاریخ تبدیل شده است. برایش ارزش افزوده ندارد. می‌خواهد زود تغییر کند. پولش بیشتر شود. ماشینش هم به داخل منزل بیاید تا خانه‌اش را بهتر بخزند و ما فقط برایش حرف خوش می‌زنیم. فقط می‌شود خوش‌بودن از این احساس را غبطه‌برانگیز کرد؛ وگرنه نمی‌شود به زور به آدم‌ها گفت "بیا و بهتر زندگی کن. چرا شما خاطره ندارید؟ چرا خانه‌تان ایوان ندارد؟" درستش آن است که به جای آن که پل بسازیم در مدرسه آموزش دهیم که ماشین نشان‌دهنده‌ی تشخیص نیست. اگرچه با این روش تغییرات بسیار کند اتفاق می‌افتد و زمان بسیار می‌برد. کدام مدیریت شهری و در چه دوره‌ای برای این مباحث، سرمایه‌گذاری کرده و یا وقت صرف کرده است؟ نمی‌شود با روش شهرداری بر علیه شهرداری کاری کرد. روش مدیریت شهری بنگاه زودبازده است ولی ما می‌گوییم روش ما چیز دیگری است.

این‌جا باغ تفرج است و بس میوه نمی‌دهد به کس

حمیده توسلی: دقیقاً این مبحثی است که مردم آن را کاملاً درک می‌کنند. زمانی که ما وارد این محله تاریخی - عودلاجان - شدیم؛ با گروه‌های مختلف مردم ارتباط برقرار کردیم و از افراد مختلف به عنوان نمایندگان گروه‌های مختلف مردم دعوت کردیم که به دفتر ما بیایند. می‌خواستیم بدانیم در ۲۰ سال آینده آن‌ها می‌خواهند چه نوع زندگی را در عودلاجان داشته باشند. چه نوع زندگی برای آن‌ها قابل قبول است و رفاه به همراه دارد. در ابتدا همه از شرایط بد و بی‌توجهی شهرداری و اعتیاد و... گله می‌کردند اما در مقابل، تاریخی بودن محل را از نقاط مهم و ارزشمند محل می‌دانستند. از وجود اماکنی هم چون امامزاده یحیی یا ساختمان‌های ارزشمند فلان‌الممالک و فلان‌السلطنه، به عنوان نقاط قوت محله یاد می‌شد. این گروه‌ها چشم‌اندازهای مورد خواست خود را بیان کردند. تلفیق این چشم‌اندازها، در نهایت متنی است که مورد توافق همه‌ی گروه‌هاست و در آن، با انجام شبکه‌ای از اقدامات هم‌پیوند می‌توان به تجدید حیات این محله‌ی تاریخی رسید. اما مدیریت شهری به دلیل عمر مدیریتی کوتاه خود که نیازمند آمار و ارقام فوری است، اقدامات بلندمدت دیده شده در چشم‌انداز را تحمل نمی‌کند. می‌خواهد با فروش تراکم صرفه‌ی اقتصادی زودبازده داشته باشد. درحالی که ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه بدون در نظر گرفتن دیگر اقدامات هم‌پیوند، تنها به تولید انبهارها و تولیدی‌های نامناسب دیگری در محله می‌انجامد. دفتری که ما در این محله برای انجام فعالیت‌های خودمان انتخاب کرده‌ایم، ساختمانی قدیمی است. البته هیچ عنصر و المان ارزشمندی ندارد. اما همه‌ی کسانی که به این‌جا رفت و آمد می‌کنند از چنین فضای خاطره دارند. احساس آشنایی با خانه‌ی مادر بزرگ‌هایشان. البته قطعاً کسی نمی‌خواهد این معماری یا معماری دوره‌ی قاجار را هنگام ساخت و ساز امروزی کپی کند، اما هارمونی و زیبایی‌شناسی در طراحی بناها، باید بر اساس تاریخ و خاطرات گذشته به وجود بیاید. در نیویورک چند انجمن مساله‌ی مهمی را در مورد بررسی قرار داده‌اند. این که "چرا مکان‌ها مهم‌اند و میراث فرهنگی چیست؟" نتیجه‌ی جالب این پرسش مشخص می‌کند که چه مکان‌هایی حس خوبی به مردم می‌دهد و این احساس با خاطرات و اتفاقات پیش آمده در این بنا ارتباط مستقیم دارد.

خریبا: خانم دکتر تأثیر باززنده‌سازی خاطرات تاریخی در باززنده‌سازی فضای شهری و کالبد تاریخی چیست؟

حمیده توسلی: قطعاً تأثیر دارد اما چنان‌چه گفته شد این مسائل، دولتی حل نمی‌شود. ارگان‌های مرتبط باید توسط مردم بوجود بیایند و آستین اقدام را بالا بزنند. شهرداری در این محله ساختمان‌های زیبایی را به خانه‌ی محله و خانه‌ی فرهنگ تبدیل کرده است؛ اما هیچ اتفاقی در آن‌ها نمی‌افتد. اما یکی از خانه‌ها را در اختیار یکی از انجمن‌های کودکان کار و خیابان‌ها گذاشته‌اند. این انجمن بسیار تأثیرگذارتر از خانه‌ی فرهنگ و محله است. در هیچ کجای دنیا این گونه خدمات و فعالیت‌های فرهنگی را نه شهرداری انجام می‌دهد و نه به پیمان کاران واگذار می‌کند؛ بلکه انجمن‌ها و نهادهای مردمی وارد اقدام می‌شوند.

احمد محیط طباطبایی: در این دوره بعضی از اشخاص ساکن در تهران خانه‌ی قدیمی خودشان را مرمت کرده و در آن با فرهنگ قدیمی پدران خودشان زندگی می‌کنند و سعی دارند آن را به فرزندان خود منتقل نمایند. این اشخاص، خانه‌ی فرهنگ محله هستند، نه خانه‌ی فرهنگی که توسط سازمان‌ها ساخته می‌شود. خانه‌ی فرهنگ واقعی، افراد خود محله‌اند. آدم‌هایی که باقی مانده‌اند تا فرهنگ محله را در خانه‌هایشان تداوم دهند. این همان چیزی است که دلبری می‌کند. این همان است که اگر کسی بیاید و ببیند، شیفته‌اش می‌شود و این روش را الگو قرار می‌دهد. گاهی هم اتفاق می‌افتد مثلاً خانه ۲۰۰۰ متر مربعی

مربوط به دختر حاج حسین آقای ملک که داماد سردار اسعد بختیاری بود، آهن فروشی (شاید بدون سوابق تاریخی یا روایی) این خانه را در ازای فروش آپارتمان مجللش در کامرانیه به قیمت دو میلیارد تومان خریداری و مرمت کرد. این همان نگرش است. کسی که می‌خواهد ایرانی زندگی کند و از زندگی لذت ببرد. درحالی که بسیاری با همین شرایط مالی ترجیح می‌دهند با پولشان آپارتمان سازی کنند و پولشان را زیاد کنند. روایت آدم‌هایی که در این خانه زندگی می‌کنند پشوانه‌ی این شخص آهن‌فروش شده است. مثل این که من در خانه‌ی شیخ بهایی زندگی کنم. درست است که من اولاد شیخ بهایی نیستم، اما دنباله‌ی او در آن خانه خواهم بود. برای خودم پشوانه و عقبه درست می‌کنم. پس شدنی است.

خریبا: با توجه به این گفت‌وگو، آیا می‌توان گفت که در حال حاضر شهر ما امروز نشانی از هویت ندارد؟

حمیده توسلی: برگزاری مسابقه‌ی عکاسی در محله‌ی تاریخی تهران با موضوع محله‌ی عودلاجان، نشان داد که شرکت‌کنندگان جوان متعدد و آماتور در این محله به دنبال هویت خودشان بودند و این خواست، آنان را از اقصی نقاط شهر (و حتی کشور) به این محله کشانده بود. نتیجه‌ای که خواست عمومی نسل جوان را برای بازیابی هویت خود نشان می‌دهد.

احمد محیط طباطبایی: به نظر من در حال حاضر جامعه‌ی شهری در دوران خوبی به سر می‌برد. اما فاصله‌ی بین مدیریت شهری و جامعه‌ی شهری به بیشترین حد خودش رسیده است.

خریبا: در نهایت با توجه به صحبت‌های شما کارشناسان و صاحب‌نظران، وقتی به این نتیجه می‌رسیم که همه‌ی این باززنده‌سازی‌ها، از خاطرات گرفته تا فضای کالبدی شهر، باید خودجوش باشد؛ آیا مدیریت شهری بیش از پیش در انجام وظایف خود کوتاهی نمی‌کند و یا مسیرهای اشتباهی را که طی می‌کند، ادامه نخواهد داد؟

شادمهر راستین: ما فقط باید خودمان کارمان را درست انجام دهیم و نگران هیچ چیز دیگری نباشیم. نباید بعنوان پدرشهر به شهردار نگاه کرد. مدیریت شهری بهترین مدیر خدمات و عمران شهر است؛ اما فرهنگ شهر را آموزش نمی‌دهد. با خاطراتی که پدرانمان دارند فرهنگ شهری را می‌شناسیم. اگر دوست داشتیم آن را به فرزندانمان آموزش می‌دهیم. آدم شهری با احتیاط صحبت می‌کند. "اگر دوست داشتیم" گفتگو در جملاتش نهفته است.

اما نگران نباشیم. همه‌ی فعالیت‌ها نتیجه می‌دهد؛ اما نه زود. در طی روزها و سال‌ها. فراموش نکنیم که در هر ثانیه‌ای در حال نتیجه‌گرفتن هستیم. مدرنیته به دنبال نتیجه‌های برنامه‌ریزی شده، زمان‌بندی شده و قسمت‌بندی شده است. در تفکر فرهنگ شهری ایرانی، این شیوه جواب نمی‌دهد.

احمد محیط طباطبایی: جواب ما به همه‌ی مسائل شهری جواب‌های دوساله نیست. جواب‌های هشت‌هزار ساله برای آن وجود دارد. حل این مشکل تنها با تغییر عینک مدیران امکان‌پذیر است و باور کنیم که امکان‌پذیر است. پس صبور باش! راهی نمانده است.



حمیده توسلی

زمان و انسان



سحر قاسمیان
کارشناس ارشد طراحی شهری
دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

جدید هستند. اهمیت موضوع ارتباط برقرار کردن انسان با شهرهای جدید در مشکل فقدان هویت و گذشته در این شهرهاست. در این جا انسان‌هایی که همه دارای گذشته‌های متعدد و متفاوتی هستند با فضایی روبرو شده‌اند که بدون گذشته است و تنها رو به آینده دارد. انسان هم در رویارویی با چنین محیطی دچار سردرگمی و آشفتگی می‌شود. چون بعد از دل کندن از محل سکونت و تمام خاطرات و روابط اجتماعی خود پا به محیطی می‌گذارند که هنوز غبار زمان بر آن ننشسته و زندگی‌ای در آن جریان نیافته است. بنابراین استقبال مردم هم از این شهرها چه با رضایت یا از روی اجبار انکارناپذیر است. تأمین یک بستر مناسب برای تسریع و تسهیل این رابطه از وظایف طراحان این شهرهاست. در این جا به یک مطالعه‌ی مختصر در خصوص زمان و انسان، رابطه‌ی انسان و محیط و روند شکل‌گیری احساس تعلق به شهرهای جدید مورد مطالعه قرار گرفته است. در نهایت با ارائه‌ی اصول و راهکارهای اولیه‌ای که می‌توانند منجر به این همانی مهاجران با شهرهای جدید می‌شود، به جمع‌بندی مطالب می‌پردازیم.

زمان و انسان

لینچ (لینچ، ۱۹۷۲: ۶۶) بین زمان ذهنی و زمان واقعی برای انسان تفاوت قائل می‌شود. زمان واقعی همان زمانی است که با ساعت سنجیده می‌شود و زمان ذهنی زمانی است که در ذهن انسان به نظر می‌آید گذشته باشد. این زمان الزاماً منطبق با زمان واقعی نیست و می‌تواند تندتر و یا کندتر بگذرد. به عنوان مثال حضور در یک محیطی که اتفاقات زیادی در آن جاری است آن قدر فرد را به خود جذب می‌کند که احتمالاً انسان متوجه گذر زمان نمی‌شود. بالعکس در محیطی که به خصوص جاذبه‌های تفریحی، گردشگری و وجود نداشته باشد،

در دنیای امروز که آهنگ تغییرات زندگی پرشتاب است و بر تمام جنبه‌های زندگی ما نفوذ کرده و باعث تغییر سریع نیازهای ما و ضعیف شدن ساختار اجتماعی ما شده است، رابطه‌ی انسان با محیط فیزیکی هم ناپایدار گشته و احساس تعلق خاطر افراد به مکان، شهر و به خانه‌شان از بین رفته است. انسان‌ها دیگر به راحتی از تعلقات مکانی خود دل‌کنده و برای هماهنگ شدن با سرعت زندگی، خاطرات خود را فراموش می‌کنند. از طرفی انسان هم به عنوان یک موجود زنده ظرفیت محدودی برای پذیرش این تغییرات دارد و به ناچار این ظرفیت شکسته می‌شود و پدیده‌ای رخ می‌دهد که "آلویین تافلر" نام آن را "شوک آینده" گذاشته است. این شوک در شرایطی پیش می‌آید که بشر دچار "عارضه یا بیماری تغییر" شده باشد. بسیاری از این تغییرات گریزناپذیرند و انسان نمی‌تواند گذشته‌ی خود را حفظ کند، ولی پاره‌ای دیگر افسارگریخته و هدایت نشده‌اند. تند شدن آهنگ جابه‌جایی، سفر، مهاجرت و تحرک زیاد، دیگر فرصتی برای برقراری رابطه‌ی پایدار با افراد و اشیاء و مکان‌ها باقی نمی‌گذارد و آن احساس تعهد به پایداری و وفاداری و آن توان ریشه‌دواندن و دلبسته‌شدن رو به ضعف می‌گذارد (تافلر، هشت: ۱۳۷۴). در رابطه‌ی انسان و محیط هم فرآیندهای متنوعی در جریان هستند. شهر به عنوان بستر وقوع اتفاقات، شکل‌گیری خاطرات و هویت هر فرد دائم در حال تغییر است. در کنار تغییرات محیط، انسان و رابطه‌ی او با شهر به عنوان محل سکونت هم دچار تغییر و تحول می‌شود. تغییر مکان سکونت یکی از مهم‌ترین این تغییرات است که می‌تواند برای فرد اتفاق بیفتد. حال چنانچه این مکان جدید هویتی غنی را در خود داشته باشد، تأثیرات این تغییر محدودتر و کوتاه‌مدت‌تر خواهد بود. ولی چنانچه خود این محیط از مشکلی چون بی‌پیشینگی و فقدان هویت رنج برد، بر انسان تأثیراتش چند برابر است. یکی از این مکان‌ها، شهرهای

فرد تنها به واسطه‌ی در اختیار داشتن یک قلمرو یا امکانات محدود، اوقات روز و سال خود را به سختی و به کندی می‌گذراند.

ادراک انسان از گذر زمان در محیط‌های مختلف متفاوت است. میزان آشنایی فرد با محیط، تأثیر زیادی در این خصوص دارد. درک یک ساکن یا توریست (بازدید کننده) از یک مکان متفاوت است. اگر فرد با مکان آشنایی قبلی نداشته باشد یا نتواند آن چه را که در آن مکان با آن مواجه خواهد شد، پیش‌بینی کند و یا آن مکان ارتباطی با عادت‌های روزمره‌ی او در استفاده از زمان نداشته باشد، نمی‌تواند زمان ذهنی خود را با زمان واقعی منطبق سازد و یا حداقل بدین منظور نیاز به زمان دارد. در نتیجه ممکن است زمان واقعی را از دست بدهد و گذشته و حال و آینده‌ی خود را مخدوش بباید.

نکته‌ی دیگری که بایستی در این جا به آن اشاره شود، ماهیت خطی بودن زمان است. منظور از خطی بودن پشت سرهم قرار گرفتن گذشته، حال و آینده است. ولی این سه زمان به یکدیگر وابسته‌اند و درک حال بی‌گذشته و بدون در نظر گرفتن آینده غیرممکن است. زمان حال، زمان محدودی است، در حالی که گذشته بسیار تفصیلی‌تر و پربارتر است و تا هرکجا که خاطرات خود و دیگران و روایت‌ها به ما اجازه بدهند می‌توان در آن به کنکاش پرداخت.

آینده هم که هنوز دست نیافته است، در نتیجه تا هر کجا که قوه‌ی تخیل و دانش فرد اجازه بدهد می‌توان به خیال‌پردازی و پیش‌بینی در آن پرداخت. در نتیجه بایستی این زمان حال را هم از این دو جدا نکرد تا هم از ثمره و تجربیات و خاطرات گذشته به آن افزوده شود و هم پیش‌بینی‌ها و خیال‌پردازی‌های آینده ممکن گردد. ادراک انسان از زمان حال و گذشته وابسته به وقایعی است که در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد، یعنی در واقع انسان زمان را به خاطر نمی‌آورد بلکه مجموعه رویدادها هستند که جای لحظات مختلف نشسته‌اند. در نتیجه لحظه به تنها معنایی ندارد.

در نتیجه می‌توان گفت در ادراک انسان از گذر زمان، محیط به عنوان یک واسطه عمل می‌کند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که طراحی محیط می‌تواند به گونه‌ای باشد که بر ادراک انسان از گذر زمان تأثیر بگذرد.

از آن جایی که در شهرهای جدید تجزیه‌ی زمانی گذشته، حال و آینده برای مهاجرین گسسته شده است و در واقع گذشته‌ای وجود ندارد، بررسی موضوع خاطرات جمعی و تأثیر آن در طراحی شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انسان‌هایی که با این محیط‌ها برخورد می‌کنند دارای دو ویژگی عمده هستند، اول این که دارای گذشته هستند و متناسب با سن خود، خاطرات و ذهنیات و شخصیت‌شان شکل گرفته است. دیگر این که این انسان‌ها مهاجر محسوب می‌شوند و مهاجر دارای خصوصیات ویژه‌ای است که وی را از دیگران متمایز می‌کند. مهاجر از مکان قبلی زندگی خود به هر دلیلی، دل‌کنده است و خود را به یک محیط جدید رسانده جایی که هیچ تعلق خاطری به آن ندارد. مهاجر به دلیل این که تمام دلبستگی‌های خود را رها می‌کند و گذشته‌ی خود را در یک مکان دیگر به جا می‌گذارد، روحیه‌ی بسیار حساسی دارد.

تنها رسیدن به یک کیفیت مطلوب است که می‌تواند بار این تغییر بزرگ را سبک‌تر سازد. وی در هر نقطه از این محیط جدید به دنبال نقطه‌ی اتصال با گذشته است. حال اگر این گسست با گسست پیوندهای خانوادگی هم همراه باشد که دیگر تحمل آن سخت‌تر خواهد بود به خصوص برای جامعه‌ی ایرانی هم که این ارتباطات از ارزش بیشتری برخوردارند، کاستششان فرد را با مشکلات بیشتری روبرو می‌کند.

رابطه‌ی انسان و محیط

در مطالعات روان‌شناسی اجتماعی دو مدل مختلف از انسان ارائه شده است، مدل ارگانیزمیک و ارتباطی. در مدل ارگانیزمیک انسان‌ها به عنوان موجودیت‌های زیست‌شناختی تلقی می‌شوند، در حالی که مدل ارتباطی انسان را به عنوان یک موجود کاملاً اجتماعی می‌بیند (گلکار، ۲۷:۱۳۸۷). در این جا با مدل ارتباطی انسان روبرو هستیم که بررسی تغییرات وی در طول زمان را با در نظر گرفتن این ویژگی‌های وی دنبال می‌کنیم. شکل‌گیری عادت‌ها، شکل‌گیری ذهنیت، شکل‌گیری شخصیت، شکل‌گیری خاطرات از این تغییرات است.

شکل‌گیری عادت‌ها: استمرار یک سری روابط در طول زمان، برای

انسان به مرور تبدیل به عادت می‌شود. از آن‌جایی که همه‌ی روابط انسان هم در محیط شکل می‌گیرد، می‌توانیم از این عادت‌ها تحت عنوان عادت‌های محیطی نام ببریم. این روابط ممکن است به انسان و گروه‌های اجتماعی اطراف انسان برگردد و یا به روابطی که انسان با محیط انسان‌ساختش برقرار می‌کند. در نتیجه می‌توان عادت‌های انسان را به دو دسته‌ی عادت‌های محیط اجتماعی و عادت‌های محیط مصنوع تقسیم کرد. عادت‌های محیط مصنوع به آن دسته از عادت‌ها که در واقع بر اساس رابطه‌ی مستمر انسان با یک محیط شکل می‌گیرد، گفته می‌شود. می‌توان این عادت‌ها را بر اساس مدل مکان دیوید کانتر، در سه مؤلفه‌ی مکان دسته‌بندی کرد:

۱) عادت‌های فرمال انسان در واقع شامل آن عادت‌های بصری و زیباشناختی هر فرد می‌شوند. تجارب محیطی هر روزی فرد است که این عادت‌ها را می‌سازد. ارتباط مستمر با این محیط‌هاست که در نهایت عادت‌های زیبایی‌شناختی و تعریف ما از زشت و زیبا را شکل می‌دهد.

۲) نحوه‌ی رفتار انسان در محیط‌های مختلف (چه در عرصه‌ی عمومی و چه در عرصه‌ی خصوصی و چه در ساختمان و چه در فضای باز) عادت‌های عملکردی یا رفتاری انسان را تشکیل می‌دهند.

۳) انتظارات و توقعات ذهنی انسان از مکان‌های مختلف که در نتیجه‌ی تجارب و آموخته‌های بیشتر شکل می‌گیرد را زیر عنوان عادت‌های معنایی آورده‌ایم. این نوع عادت‌ها باعث می‌شوند که در هنگام مقابل شدن با یک مکان جدید انتظاراتی در انسان وجود داشته باشد.

در طراحی و توسعه‌ی شهرهای جدید هم بایستی بستری متناسب با عادت‌های مشترک گروه مخاطب در نظر گرفت. هم‌چنین تغییرات باید به سرعتی مطرح شوند که فرصت شکل‌گیری عادت‌های جدید را برای ساکنین مهیا سازند. هنگامی که فرد با یک محیط آشنائی کامل پیدا کند، عادت‌های هم شکل گرفته‌اند و بالعکس شکل‌گرفتن عادت‌ها باعث می‌شوند که دیگر آن محیط برای انسان غریب نباشد.

یکی از وجوه سازنده‌ی خاطرات انسان که باعث اتصال انسان به گذشته (فعالیت‌ها، مکان‌ها و...) می‌شود، همین عادت‌های انسان است. از طرف دیگر، چیزهایی که بر خلاف عادت برای انسان پیش می‌آیند (مانند محیط‌های جدید، رویدادهای جدید و...) هم در ذهن انسان به سرعت نقش و وجه دیگری از خاطرات وی را تشکیل می‌دهند.

شکل‌گیری ذهنیت و تصویر ذهنی: بر اساس میزان برخورد با پدیده و اطلاعات کسب شده از آن و تکمیل اطلاعات توسط آن چه در ذهن ما موجود است، طرح واره ای تشکیل می‌شود. این طرح‌واره‌ها بر مبنای میزان جزئیاتی که دارا هستند و یا نکته‌ای که بر آن متمرکز می‌شوند، لایه‌های مختلفی دارند. (قاسمی، ۵۶:۱۳۸۳) برای مثال، طرح‌واره‌ی بازدیدکننده‌ی یک شهر جدید با طرح‌واره‌ی یکی از ساکنین آن‌جا متفاوت است. در طرح‌واره‌ی بازدیدکننده، تنها اطلاعات کلی از محیط و حداکثر برخی از تداعی‌ها، در حالی که در طرح‌واره‌ی دوم جزئیات بیشتری از محیط و خاطرات فرد از آن نیز نهفته است.

مردم به کمک طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی خود، خاطرات‌شان را با موقعیت‌های فعلی پیوند داده و مشکلات و مسائل خود را حل می‌کنند. در این شرایط سازمان‌دهی و انتخاب‌های موجود در محیط هم به مردم کمک می‌کند تا تصاویر ذهنی خاصی را توسعه دهند. (Rapoport, ۴۲:۱۹۷۷). این تصاویر هم حاصل احساس آن شخص است و هم مبتنی بر خاطره‌ی تجارب گذشته‌ی او و ایده‌آل‌هایش و به کمک آن‌ها هم به تعبیر اطلاعات تازه موفق می‌شود و هم راهنمای او در اقدام به عمل هستند. شکل‌گیری تصویر ذهنی قائل بر سلسله‌مراتبی است. نقاطی که فرد اولین و بیشترین تماس‌ها را با آن‌ها دارد، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری تصویر ذهنی او دارند و سریع‌تر معنا می‌یابند. در شهرهای جدید این نقاط محلات مسکونی افراد هستند. در مجموع می‌توان گفت که تصویر ذهنی فرد از محیط، حاصل دو عمل اصلی است. از یک سو، خاطرات، تجربه‌ها، آرزوها و توقعات که همه به صورت یک مجموعه‌ی ادراکی، پیوند میان فرد و محیط را زمینه‌سازی می‌کنند و از دیگر سو، اطلاعات ارسال شده‌ی سه بعدی از منظر که تصویر را ترسیم می‌سازند. (پاکزاد، ۱۳۷۸)

شکل‌گیری شخصیت: مجموعه ویژگی‌هایی که انسان در طول زمان در طی فرآیندهای مختلف (ارتباطات محیط اجتماعی، ارتباطات محیط مصنوع) کسب می‌کند، شخصیت وی را تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌ها شامل توانایی‌ها، تحصیلات، عادت‌ها، فرهنگ و رسوم، محل سکونت و اشتغال، موقعیت اجتماعی و... می‌شوند.

تاجفل در این رابطه، تئوری‌ای به نام هویت اجتماعی مطرح می‌کند که به مفهوم آگاهی فرد از تعلق داشتن به یک گروه اجتماعی خاص است، به همراه داشتن ارزش‌ها و احساساتی که به واسطه‌ی عضو بودن در آن گروه برای وی شکل می‌گیرد. به عقیده‌ی وی مردم ادراک از خودشان و دیگران را به وسیله‌ی گروه بندی اجتماعی انتزاعی شکل می‌دهند و این ویژگی‌ها تبدیل به بخشی از خود آن‌ها می‌شود. این موضوع باعث شکل‌گیری رفتار گروهی می‌شود. معمولاً خصوصیات مثبت یک گروه به عنوان ویژگی‌های آن گروه شناخته می‌شود، برای این که مردم به دنبال بدست آوردن و نگاه‌داشتن رضایت از خود هستند. در نتیجه‌ی همین ویژگی‌های فردی و گروهی، مردم به مکان‌هایی نقل مکان می‌کنند که بتوانند این رضایت را در خود حفظ کرده و ارتقاء دهند و از مکان‌هایی که تأثیر منفی بر روی آن‌ها می‌گذارد گریزانند.

شکل‌گیری خاطرات: به گفته‌ی بنیامین خاطره بر خلاف تاریخ ابزار تفحص گذشته نیست، بلکه صحنه‌ای است برای آن. خاطره میانجی تجربه‌ی گذشته است. در نظرات بنیامین، همواره در رجوع خاطرات، نقش مکان‌ها از نقش مردم قوی‌تر است (تاج‌بخش، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره ۲۰). پس متوجه می‌شویم که خاطره پیوسته با مکان در ارتباط است و هم بستر وقوع یک امر خاطره‌انگیز در یک مکان خاص می‌باشد و هم نمود خاطره در یک چارچوب فضایی صورت می‌پذیرد. بنابراین در چیدمان شهرها و مکان‌هاست که یادآوری و به یاد آمدن رخ می‌دهد.

در روان‌شناسی، خاطره به معنای توانایی ذخیره‌ی تجارب و اطلاعات آموخته شده به همراه ارتباط آن‌ها با گذشته، در ذهن است که یک فرآیند خودآگاه تلقی می‌شود. زیرا انسان آگاهانه، از میان وقایعی که در اطرافش رخ می‌دهد، متناسب با ترجیحات خود و متناسب با هدفی که با محیط روبرو شده است، دست به انتخاب می‌زند و آن شناخت‌های ادراکی یا محیط‌های اجتماعی خاص را در حافظه‌ی خود ثبت می‌کند. (Postalci et al, ۷) خاطره یک ویژگی فردی باشد که به مرور زمان بر بار آن افزوده می‌شود. ولی همان‌طور که می‌دانیم، پرداختن به خاطرات تک تک افراد جامعه، مسأله‌ی طراحی شهری نیست. بنابراین چیزی که ما باید از آن سخن بگوئیم خاطره‌ی جمعی یا خاطره‌ی اجتماعی است. خاطره‌ی اجتماعی ارزش‌هایی است که به تجارب گذشته‌ی یک جامعه تعلق دارد و خاطره‌ی جمعی به یک خانواده، گروه یا کل جهان تعلق دارد بنابراین می‌توانیم از اصطلاح دیگری تحت عنوان خاطره‌ی شهری به عنوان یک نوع خاطره‌ی جمعی نام برد. (Postalci et al, ۱) خاطره‌ی شهری مانند این است که با شهر مانند یک انسانی برخورد شود که دارای خاطره است. این مفهوم بیشتر به این موضوع اشاره دارد که شهر به عنوان یک منظره‌ی کالبدی و متشکل از اشیاء و فعالیت‌های مختلف، تجدید خاطره‌ی گذشته را ممکن می‌کند. این مفهوم شهرها را به عنوان مکان‌هایی در نظر می‌گیرد که در آن‌ها زندگی جریان داشته و نشان می‌دهد که در ورای بحث‌های معماران، سازندگان، برنامه‌ریزان و... چه چیزهایی به خاطر می‌مانند. بنابراین ماهیت جمعی خاطره است که باعث می‌شود خاطره به یک موقعیت فضایی مشترک که همان شهر است متصل گردد (Crimson, ۲۰۰۵: xii-xiii).

خاطره تقسیم‌بندی منطقی زمان را از بین برده است. یعنی در سیستم به خاطر آمدن چیزها، ترتیب زمانی وقوع آن‌ها اهمیت نداشته و خط زمان تغییر می‌کند و جلو و عقب می‌شود. چنین فرآیند پیچیده‌ای است که زندگی و تجارب ما را شکل می‌دهد. گذشته توسط خاطره در زمان حال حضور می‌یابد، پس می‌توان گفت که خاطره، گذشته‌ی حاضر است.

رابطه‌ی انسان با محیط

به طور کلی می‌توان گفت که ارتباط عبارتست از فرآیند انتقال پیام از سوی

فرستنده برای گیرنده، مشروط بر آن که در گیرنده‌ی پیام مشابهت معنی با معنای موردنظر فرستنده‌ی پیام ایجاد شود. ارتباط یک فرآیند است، یعنی رویدادها و روابط میان عناصر آن، به صورتی پویا و بطور مداوم در حال تغییر است و آغاز و پایانی ندارد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۲). آنچه در این مطالعه هم مد نظر می‌باشد، بررسی فرآیند شکل‌گیری ارتباط بلندمدت بین انسان و محیط که در این‌جا شهرهای جدید می‌باشد است. هنگامی که نوعی ارتباط خاص بین انسان و محیط وجود داشته باشد که به طور مداوم به صورت تکرار خود را به نمایش گذارد. فرد می‌تواند با آن رابطه‌ی درازمدت یا همان "این همانی" برقرار کند. به این معنا که آن فضای خاص به صورت مکرر و به صورت مختلف در زندگی ما ظاهر شود. در این حالت آن فضا جزئی از زندگی‌اش شده است. لازمه‌ی حفظ این ویژگی، استمرار و تداوم رفتار است (پاکزاد، ۲۲-۲۱: ۱۳۸۵). چنانچه فردی قادر شود که با یک محیط این همانی را برقرار کند، آن محیط در ذهن وی نقش می‌بندد و فرد با آن محیط رابطه‌ی ذهنی هم برقرار خواهد کرد.

اولین قدم در شکل‌گیری رابطه با محیط تجربه کردن آن است. شهر جدید به علت خالی بودن از معانی و تصورات می‌تواند مکانی تازه برای تجارب شهری جدید باشد. حضور صرف انسان در محیط به معنی تجربه کردن آن نیست، انسان با تجربه کردن خود می‌تواند بگوید که آن‌جا بوده است و آن محیط را حس کرده است. در سطح سطحی، فرد یک سری اطلاعاتی را که با ساختار منظره‌ی شهری و فهم کلی آن در ارتباط است به دست می‌آورد، ولی باز به مرور زمان و به تدریج با حضور در محیط و فرورفتن در آن، منظره‌ی شهری خودش را برای ما آشکار می‌کند و ما را با اطلاعاتی که از قبل به ما وعده داده بود رودررو می‌کند. این همان کیفیتی است که آن‌ها نام رازآلودگی را بر آن گذاشته‌اند و در واقع همان نقطه‌ای است که تفاوت ساکن شهر را با یک بازدیدکننده مشخص می‌کند.

انسان پس از دریافت اطلاعات از محیط شروع به کدشکنی و دسته‌بندی آن‌ها می‌کند که این فرآیند در فرهنگ‌های مختلف و در نزد افراد مختلف هم متفاوت است. این فرآیند را ما در این‌جا تحت عنوان بازشناسی می‌خوانیم. محصول این فرآیند شناسایی محیط است. البته این شناسایی هم لایه‌به‌لایه صورت می‌گیرد و سلسله‌مراتب آن‌ها هم تحت تأثیر همان عواملی است که بر نحوه‌ی بازشناسی محیط هم مؤثرند. در این راستا اهداف انسان در برخورد با یک محیط جدید هدایت‌گر نحوه‌ی تفسیر وی از فضا می‌باشند. اهداف انسان چیزهایی از پیش تعیین شده هستند، در نتیجه انسان توقعاتی را متناسب با اهداف خود در ذهنش شکل داده است. ورود به هر مکان، بر پیش‌فرضی استوار است و به انتظاری جامه‌ی عمل می‌پوشاند که از پیش تعیین شده است. هر مکان هم توقعی خاص برمی‌انگیزد و این توقع به ویژگی‌های خاص از آن مکان در ذهن فرد برمی‌گردد که هم متمایزکننده‌ی آن از مکانی دیگر است و هم به این واسطه می‌تواند آن را در رده‌ی دیگری که با آن مکان هم‌ارزند قرار دهد. بنابراین گذشته و تجارب قبلی فرد در توقعات وی مؤثرند. بنابراین به طور کلی یا دو دسته‌ی کلی از توقعات انسانی روبرو هستیم. یک سری از این توقعات از قبل و از گذشته متناسب با تجارب گذشته، دانش و خاطرات شکل گرفته، که همان توقعات فضایی (عام) انسان را در برمی‌گیرد. دسته‌ی دیگر توقعاتی هستند که از زمان حال گذر کرده و انسان را به آینده متصل می‌کنند. (توقعات خاص). در این شرایط است که فرد به پیش‌بینی و یا خیال‌پردازی در زمینه‌ی آینده می‌پردازد. انسان پیش از روبروشدن با یک محیط جدید و یا انسان‌های جدید، شروع به تصویرکردن خصوصیات آن در ذهن می‌کند. در نتیجه انسان در رویارویی با یک محیط جدید هر دو دسته‌ی این توقعات را با خود به همراه دارد و بایستی به آن‌ها توجه شود.

پس از شناسایی اجزای محیط توسط انسان، تصویری از آن در ذهن انسان نقش می‌بندد. در این مرحله انسان بر اساس معیارها و ترجیحاتی که از قبل به واسطه‌ی تجارب محیطی گذشته، فرهنگ، دانش و هدفش به دست آورده، بر روی آن محیط ارزش‌گذاری کرده و جایگاه آن را در ذهنش تثبیت می‌کند. نظریه‌های روان‌کاوی معتقدند که ترجیحات انسان در زمینه‌ی ارزش‌گذاری از تداعی بین فرم‌ها و خاطرات در ضمیر ناخودآگاه فردی یا ضمیر ناخودآگاه



جمعی شکل می‌گیرد. در این زمان است که فرد نسبت به آن محیط یک احساس شخصی پیدا می‌کند. این احساسات شامل تنوعی از این دوتایی‌ها مانند: دوست داشتن یا نداشتن، زشتی و زیبایی، هیجان‌انگیز و کسل‌کننده، ترسناک یا امن، آرام و شلوغ و... می‌شود. بر اساس این احساس هم فرد در محیط رفتار می‌کند.

در نتیجه در فرآیند ارزش‌گذاری بر روی نقاط مختلف یک محیط برخی از مکان‌ها برای فرد شاخص‌تر و مطلوب‌تر می‌شوند و نوع فعالیت و رفتار انسان در مکان‌های مختلف متفاوت می‌گردد. جک نسر در این رابطه مفهومی را تحت عنوان مهرانگیزی پیشنهاد می‌کند و آن را قابلیت دوست داشتن محیط ترجمه می‌کند. وی در این راستا برای این که محیط برای فرد خوشایند باشد دو مؤلفه را مطرح می‌کند: اولین مؤلفه به این برمی‌گردد که ما نسبت به آن محیط احساس مثبتی بدست آوریم و دومین مؤلفه به این برمی‌گردد که آن محیط چه مقدار می‌تواند در یاد ما بماند. وی سپس برای هر کدام از این مؤلفه‌ها فاکتورهایی را معرفی می‌کند. برای ترجیحات انسان ۵ عامل را عنوان کرده که بر ایجاد احساس مثبت نسبت به محیط مؤثرند:

- ۱) مردم بتوانند خود از فضا و محیط اطراف و متعلق به خود نگهداری کنند.
- ۲) محیط دارای فضای باز مناسبی باشد.
- ۳) محیط دارای نظم کالبدی باشد.
- ۴) از عناصر طبیعی در محیط استفاده شده باشد.
- ۵) دارای اهمیت تاریخی باشد.

یکی از ویژگی‌هایی از محیطی که می‌تواند باعث تحکیم پیوند انسان و محیط گردد، تداعی و یا شکل‌گیری خاطرات است. انسان به خاطراتش زنده است. هرچند که فرد در زمان حال زندگی می‌کند و مشغول به مسائل روزمره است باز هم همواره گذشته‌ی خود را با خود یدک می‌کشد. گذشته‌ی انسان هم به صورت خاطرات تلخ و شیرینی است که در قالب مجموعه‌ای از تصاویر ذهن انسان را انباشته کرده‌اند. از آن جایی که خاطره با تجربه‌ی مستقیم شکل می‌گیرد، با مکان وقوعش بسیار درگیر است و ممکن است با لایه‌های مختلف یک مکان (از فرم خارجی آن گرفته تا فعالیت‌هایی که در آن به وقوع پیوسته و تا معانی نهفته در آن) در ارتباط باشد.

از آنجایی که در سطح محلات برخورد‌های اجتماعی بیشتر باشد و مقیاس مکان‌ها انسانی‌تر باشد، آشنایی افراد و شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و در نتیجه تعاملات اجتماعی بیشتر خواهد بود و احتمال شکل‌گیری خاطرات با تناوب بیشتر، بیشتر است. از طرف دیگر تأثیر شکل‌گیری هر خاطره چه در قالب رویداد باشد چه در قالب هر چیز خاص دیگری، به سادگی به آن مکان مرتبط نمی‌شود، بلکه ارزش و احساسی که فرد نسبت به آن خاطره پیدا می‌کند به آن مکان متصل می‌شود. فضاهایی که به واسطه‌ی داشتن بار خاطرات نسل‌های مختلف و گروه‌های مختلف، غنی محسوب می‌شوند برای فرد بوی آشنایی می‌دهند، چون یا خود در آن جا خاطراتی داشته‌اند و یا محل وقوع خاطرات و ابستگان‌شان بوده است. حال چنانچه فرد با یک فضای

جدیدی برخورد کند که چنین احساس آشنایی را در وی ایجاد کند، حتی در حالی که هیچ خاطره‌ای از آن در ذهنش شکل نگرفته باشد. پدیده‌ی تداعی اتفاق افتاده است. برخی از رویدادها یا پدیده‌ها با روابطی مخصوص چنان به هم پیوستگی پیدا می‌کنند که هرگاه یکی از آن‌ها به دلیلی در تماس عینی یا ذهنی با فرد قرار گیرد، دیگری را تداعی می‌کند. موضوع تداعی در واقع به مطرح شدن جلوه‌هایی از گذشته در حال برمی‌گردد.

لزوم این موضوع هم به این دلیل است که وجود نشانه‌هایی از گذشته سرعت تند زندگی عادی را می‌شکند و اشارات گذشته به طور موقت جهت و ذهنیت مسافر شهر را تغییر می‌دهد و در نهایت باعث می‌شود که مشاهده‌گر خاطرات فراموش شده‌ی خود را بیدار کند و تغییری در توجه خود نسبت به محیط اطراف ایجاد کرده و حضور خود در شهر را تحسین کند. با وجود این که عناصر خاص و برجسته یا وقایع خاص بیشتر در ذهن مانده و تبدیل به خاطره می‌شوند، اشیاء و جزئیات معمولی یک رابطه‌ی پنهانی با به یاد آوردن دارند. این عناصر یا باعث تحریک ذهن می‌شوند و یا در فرآیند به یاد آوردن یک نقش لنگرگاهی دارند.

چنانچه انسان جذب یک محیط شود و در آن شروع به فعالیت و تجربه کند، به مرور زمان خاطراتی در ذهنش شکل می‌گیرند و مکان‌های مختلف به واسطه‌ی آن خاطرات در ذهن فرد نقش می‌بندند. این در واقع همان تأثیری است که مردم بر محیط می‌گذارند. در واقع با این فعالیت‌ها، به فضا نقش داده و آن را زنده می‌کنند، در نتیجه باعث می‌شوند که دیگران هم با توجه به آن نقش در آن جا فعالیت کنند و تغییراتی را بر محیط اعمال کنند تا به شرایط مطلوب‌تر برسند. نتیجه‌ی این فعالیت‌ها خاطره‌سازی در اذهان مردم است که فضا را تبدیل به مکان می‌کند و در نتیجه باعث برقراری پیوند بین انسان و مکان و ایجاد حسن تعلق است. احساس تعلق هم می‌تواند به گروه‌های اجتماعی مختلف و یا به مکان‌های مختلف شکل بگیرد. اولی را تعلق اجتماعی و دومی را تعلق مکانی می‌گوییم. شکل‌گیری احساس تعلق به گروه‌ها و نهادهای مختلف بر اساس ویژگی‌ها و خصوصیات مشترک صورت می‌گیرد و عضویت انسان در هر گروه به مشترکات وی به آن گروه برمی‌گردد. در طول زمان هم فرد می‌تواند عضو یک گروه جدید شده و یا از یک گروهی خارج شود. در نتیجه‌ی شکل‌گیری این روابط در مکان‌های مختلف است که تعلق مکانی انسان هم شکل می‌گیرد. انسان به عنوان عضوی از یک گروه به واسطه‌ی این ارتباطات و تجاربی که از این طریق بدست می‌آورد، مکان‌های مطلوب خود را انتخاب می‌کند. توان در این رابطه از واژه‌ی توپوفیلیا استفاده می‌کند که به مفهوم عشق انسان به مکان و پیوند عاطفی بین مردم و مکان است. آشنا شدن با محیط به تنهایی نمی‌تواند احساس تعلق در فرد ایجاد کند، بلکه تکرار دفعات استفاده از محیطی که انسان با آن آشنا شده است باعث ایجاد احساس تعلق می‌تواند بشود. تکرار دفعات استفاده از یک مکان هم می‌تواند به منظورهای مختلفی باشد. به واسطه‌ی کاربری‌ای که در یک مکان مستقر شده است ارتباط و تماس فرد با آن مکان افزایش می‌یابد. در نتیجه وابستگی عملکردی به یک مکان می‌تواند باعث وابستگی مکانی به آن شود. کیفیت دیگری از محیط که می‌تواند در شکل‌گیری تعلق خاطر

نقش داشته باشد، خوانایی محیط است. یک محیط خوانا امکان حرکت، تجربه‌ی مثبت، شناسایی محیط و شکل‌گیری خاطرات مثبت را تسهیل کند. خوانایی و تصویر روشن از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد. به عبارت دیگر احساس شیرینی که شخص از خانه و شهر خود دارد نه تنها به سبب آشنا بودن با آن بلکه به دلیل داشتن تصویری دقیق از آن در ذهن است (اسدالهی، ۱۳۸۴:۳۹). خوانایی باعث نقش‌انگیزی محیط در ذهن شده و روند برقراری ارتباط انسان با محیط را تسریع کرده و یک درگیری ذهنی مثبت و فعال ایجاد می‌کند. در نتیجه فرد و محیط به یکدیگر نزدیک شده و آشنایی و الفت شکل گیرد. بنابراین خوانایی می‌تواند حس تعلق را در شخص بینگیزد. یکی از عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق، مالکیت است. مالکیت به فرد احساس موقتی بودن نمی‌دهد؛ در نتیجه فرد انتظار یک رابطه‌ی بلندمدت را دارد. مالکیت یک فضا، امکان دخل و تصرف در آن را هم فراهم می‌کند که آن خود باعث افزایش احساس تعلق می‌شود. از طرف دیگر، مالکیت باعث می‌شود که فرد بتواند بین خود و دیگران حریمی قائل شود و یا یک گروه خود را به واسطه‌ی این محدوده از گروه دیگر جدا و متمایز کند و با شخصی‌سازی و دخل و تصرف در آن مکان را سمبل محدوده‌ی خود سازد. به این محدوده قلمرو می‌گویند. این قلمرو می‌تواند مکانی و یا ذهنی باشد و در نتیجه فرد هم می‌تواند مکان جغرافیایی‌ای را که بدان تعلق دارد دقیقاً با مرزهای مشخص کند و یا از این قلمرو با استفاده از یک سری مشخصات و سمبل‌هایی که در ذهنش نقش بسته صحبت کند. هر گروهی هم برای خود سمبل‌ها و الگوهای رفتاری خاصی دارد که نیاز دارد تا یک مکان جغرافیایی برای نمود آن‌ها پیدا کند.

انسان‌ها زمانی روی فضا و محیط شهری خود حساسیت نشان می‌دهند که آن را به نوعی به خود نزدیک می‌بینند. زمانی که بر آن تأثیرگذارده و برایش زحمت کشیده باشند، ارزش بیشتری نیز برای آن قائل می‌شوند. انسان‌ها به فضاهایی که به نوعی توسط خودشان متأثر شده‌اند کنش بیشتری پیدا می‌کنند. بنابراین می‌بینیم که مشارکت مردم در محیط می‌تواند متضمن پدید آمدن حس تعلق و پیوند انسان و محیط شود (اسدالهی، ۱۳۸۴:۳۹). یکی دیگر از عواملی که در شکل‌گیری تعلق خاطر تأثیر دارد که البته قبلاً بدان اشاره شده بود، شکل‌گیری روابط اجتماعی است. در این رابطه هم نیازهای

اجتماعی بایستی در تعادل با احساس استقلال فردی حاصل از خلوت قرار گیرد.

در رابطه با حس تعلق دو مفهوم دیگر هم مطرح می‌شوند که یکی وابستگی مکانی و دیگری هویت مکانی است. وقتی فرد به یک محیط احساس تعلق پیدا می‌کند، این محیط برایش معنا یافته و رنگ و بوی آشنایی می‌دهد. هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان یک مکان متمایز از سایر مکان‌ها بازشناسی کند. مکان‌های معنی‌دار و قابل درک تکیه گاه مناسبی هستند که خاطرات شخصی، احساس و ارزش‌ها بر آن تکیه می‌کنند. به وقوع پیوستن رویدادهای مختلف و خاص در مکان‌ها باعث متمایز کردن آن‌ها و معنی‌دار شدن آن‌ها می‌شود. چنانچه مردم بتوانند با فعالیت‌ها و مداخلات خود در محیط و یا به طور کلی به واسطه‌ی رابطه برقرار کردن با محیط، به محیط معنی ببخشند، دیگر به راحتی خواهند توانست به آن احساس تعلق پیدا کنند. این فرآیند باعث می‌شود که خود را به وسیله‌ی آن محیط شناسایی کند. در واقع در رابطه‌ی دوطرفه‌ی انسان و محیط است که به واسطه‌ی کنش و خواست انسانی معنایی به فضا مرتبط می‌گردد و فضای خالی را به مکانی تجربه شده تبدیل می‌کند. به همین ترتیب مکان هم بر انسان تأثیر متقابل می‌گذارد، چرا که حال محیط به واسطه‌ی معنایش به ارزش‌ها و کنش‌های انسان سمت و سو می‌دهد.

در این مرحله است که می‌توان گفت که فرد با محیط احساس آشنایی دارد. این حس آشنایی در واقع مجموعه‌ای از حواس را در بر می‌گیرد، احساس امنیت، آرامش، حس جهت‌یابی، حس تعلق داشتن به یک محیط، حس هویت‌یابی توسط محیط و... در مجموع بوی یک محیط آشنا می‌تواند انسان را در گذشته و حال و آینده جولان دهد. این بوی آشنا همان روح حاضر در آن مکان است که به مرور زمان شکل گرفته است.

جمع بندی

با توجه به مطالب ارائه شده در بالا، می‌توان یکی از راهکارهای رسیدن به هدف غایی یعنی ایجاد این‌همانی با شهرهای جدید و احراز هویت در آن‌ها را در جداول مقابل خلاصه کرد:

میانمات	هدف صورت
<p>مطابق آراء و نظریات مطرح شده در این مقاله، هدف اصلی از طراحی و ساخت محیط‌های شهری و معماری، ایجاد فضاهایی است که بتواند نیازهای روانی و اجتماعی انسان را برطرف کند. در این راستا، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد این‌همانی، شکل‌گیری خاطرات مثبت است. این خاطرات می‌تواند از طریق عوامل مختلفی مانند: طراحی فضای باز، استفاده از مصالح طبیعی، ایجاد مناظر دیدنی، و... حاصل شود.</p>	<p>نمایش اثرات مثبت طراحی و ساخت محیط‌های شهری و معماری بر روی روان و احساسات انسان.</p>
<p>در این راستا، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد این‌همانی، شکل‌گیری خاطرات مثبت است. این خاطرات می‌تواند از طریق عوامل مختلفی مانند: طراحی فضای باز، استفاده از مصالح طبیعی، ایجاد مناظر دیدنی، و... حاصل شود.</p>	<p>نمایش اثرات مثبت طراحی و ساخت محیط‌های شهری و معماری بر روی روان و احساسات انسان.</p>
<p>در این راستا، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد این‌همانی، شکل‌گیری خاطرات مثبت است. این خاطرات می‌تواند از طریق عوامل مختلفی مانند: طراحی فضای باز، استفاده از مصالح طبیعی، ایجاد مناظر دیدنی، و... حاصل شود.</p>	<p>نمایش اثرات مثبت طراحی و ساخت محیط‌های شهری و معماری بر روی روان و احساسات انسان.</p>

فضا و منظر شهری

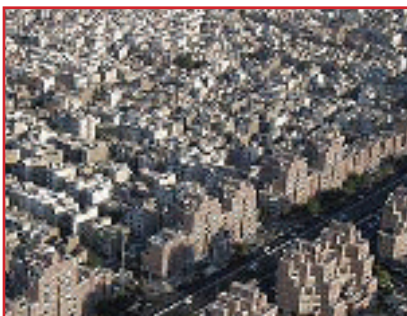
♦ حسین قنبری
دکتری جغرافیای طبیعی، استادیار دانشگاه پیام نور رشت
فردین اسدی
دانشجوی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور رشت



نیز توجهی نشان دهند. برون‌رفت از این محافظه‌کاری هر چند که ابتدا با احتیاط بسیار انجام می‌گرفت، در دوره‌ی رشد شتابان شهرنشینی، سرعت و شتاب فزاینده‌ی به خود گرفت. اما مدیریت شهری برای این مقوله که به سرعت چهره‌ی شهرهای ایران را شکل می‌داد، کوچک‌ترین تدبیر و ضابطه‌ای نتوانست تدوین و ارائه کند. به طوری که امروز آشفتگی وسیعی در طراحی منظر شهری، حداقل تا آن‌جا که به نمای ساختمان‌ها مربوط می‌شود، در شهرهای ایران دیده می‌شود که مهار و سازماندهی آن را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

مفهوم منظر شهری:

منظر شهری عبارت از ترکیبی از آمیزهای فیزیکی، هندسی، طبیعی فضای شهری است که براساس اصول زیباشناسی، تناسب رنگ‌ها، با رعایت ضوابط کاربری فضا و با استفاده از ذوق و هنر معماری به وجود می‌آید. در فضاهای شهری هنر معماری می‌تواند با استفاده از سه عنصر فیزیک با استفاده از مصالح ساختمانی هندسه یا تجسم فضایی اشکال و طبیعت، یعنی بستری که شهر روی آن ساخته شده، منظر را ایجاد کند که بر بیننده و استفاده کننده، از فضای شهری تأثیر زیبایی‌شناسانه بگذارد. به عبارت دیگر در طراحی منظر شهری سه عنصر اصلی، یعنی نوع مصالح ساختمانی، شکل هندسی بناها و ساخت و سازها و نهادهای طبیعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. مراد از منظر شهری در طول تاریخ همیشه یکسان نبوده است؛ جغرافی‌دانان قدیمی منظر شهری را در مفهوم دیگری نیز به کار می‌بردند، حمدالله مستوفی، اصطخری، ابن حوقل، یاقوت حموی، در معرض برخی شهرها از منظر یا چشم‌انداز شهری به عنوان سواد شهر یاد کرده‌اند که منظور همان دورنمای شهر است که به هنگام نزدیک شدن به آن‌ها نخستین تصویر را به بیننده القا می‌کند. در عین حال وجود حصار، برج و بارو، دروازه‌ها باغ‌ها و ارگ از دیگر عناصر تشکیل‌دهنده‌ی منظر شهری بودند که به توصیف آن‌ها پرداختند. منظر شهری به عنوان یک مقوله‌ی جدا از معماری و شهرسازی نیست، اما در عین حال نه معماری است نه شهرسازی بلکه آمیزه‌ای از هنر در کنار هم قرار دادن اجزای شهر است که می‌توان به وسیله‌ی فردی بدون مهارت معماری و شهرسازی نیز انجام گیرد.



چکیده:

یک منظر شهری پایدار، منظر نیست که ثابت نگه داشته شده باشد و بدون تغییر به گذشته‌ای که ممکن است بوده باشد خیره‌شود، بلکه منظره‌ای است در حالی که به آینده و نیازهای آتی می‌نگرد، به امروز پاسخ می‌دهد. این منظر باید برخی عناصر ثابت را در برگیرد اما باید قادر به انطباق نیز باشد. در گذشته، تغییراتی که بر فضای باز اعمال می‌شدند، از طریق اتفاقی بودن و به‌طور حاشیه‌ای اعمال می‌شدند. از جمله مباحث بسیاری که در ساخت‌وسازهای شهری ایران کمتر به آن توجه شده، موضوع منظر شهری است به عبارتی می‌توان گفت که مدیریت شهری این مقوله‌ی بسیار مهم و در عین حال بسیار اثرگذار و تأثیرپذیر شهری را به مالکان و سازبفروش‌های شهری واگذار کرده تا بر اساس سلیقه‌ی خود، به هر شکل و با هر نوع مصالح و هندسه‌ای که می‌خواهند آن را شکل دهند. همچنین فضا را پدیده‌ای فیزیکی زاینده‌ی فکر یا محصولی از فرایند اجتماعی دیدن است. هدف این پژوهش بیان شکل‌گیری و به وجود آمدن نما در گذشته و در زمان حال و بیان عوامل تأثیرگذار در به وجود آمدن منظر شهری در شهرهای ایران می‌باشد. اطلاعاتی که در این پژوهش استفاده شده است به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای است. نتایج تحقیق بیانگر این است که در گذشته عواملی نامنی و حفاظت در مقابل پورش اقوام دیگر و... بوده است. در زمان حال واگذاری شکل نما و منظر شهری به دست سازبفروش‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی است که موجب به‌وجود آمدن نماهای غیرسازگار و غیر هم‌نسخ با محیط سبب به وجود آمدن منظر شهر نازیبایی شده است که این عوامل از اصلی‌ترین موارد ناهنجاری در منظر شهرهای ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، فضا شهری، چشم‌انداز شهری، دورنمای شهر، فرایند توسعه، مبلمان شهری.

برنامه‌ریزی و طراحی شهری در قرن‌ها و دهه‌های مختلف بر توسعه‌ی شهری با هدف فراهم‌آوردن جایگاهی برای زیست و تأمین حداقل نیازهای آدمی و با باز طراحی و ساخت فضاهای درون و برون شهری متمرکز بوده است. شهرها فضای خلق شده توسط انسان است که لایه‌هایی از محیط‌های خلق شده و اشکال اجتماعی هستند، که فضاهای طبیعی را در گون می‌سازند و روی آن‌جا می‌گیرند و با گذشت زمان انباشته می‌شوند، همگی در کنار هم فضای شهری را می‌سازند. می‌دانیم که خانه‌ها و ساختمان‌های خصوصی در بسیاری از بافت‌های قدیمی شهرهای ایران به‌طور کلی ظاهری معمولی و ناآراسته دارند. در تبیین علت این درون‌گرایی در معماری خانه‌های ایران مسئله‌ی چشمگیر نبودن، امنیت و ایمنی در مقابل تجاوز نقش تعیین‌کننده‌ی داشته است. نمای بیرونی ساختمان‌ها که یکی از عناصر اصلی سازنده‌ی منظر شهری به‌شمار می‌رود، در شهرهای قدیمی به دلایل سیاسی، امنیتی و ملاحظه‌کاری در مقابل تعدیات و تجاوزات عوامل حکومت امکان شکوفایی و بالندگی نیافته و بدین ترتیب یکی دیگر از سازنده‌های منظر شهری در غباری از سادگی و بی‌پیرایگی پنهان مانده است. توجه به نمای بیرونی ساختمان‌ها در شهرهای ایران پس از انقلاب مشروطیت قوت گرفت، یعنی زمانی که حقوق مدنی در قالب علوم اجتماعی تعریف و تثبیت شد و از آن پس به‌تدریج بیم تاریخی و نگرانی ناشی از امنیت فروکش کرد. مردم چسته و گریخته جرأت کردند که علاوه بر آراستگی درونی خانه‌ها به آراستگی بیرونی ساختمان‌ها

فضای شهری:

فضا را پدیده‌ی فیزیکی زاینده‌ی فکر یا محصولی از فرایند اجتماعی دیدن است و در فرهنگ انگلیسی آکسفورد دست‌کم ۱۹ معنی برای این واژه آورده که از جمله می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

۱. گستره‌ی پیوسته که در آن اشیاء وجود دارند و حرکت می‌کنند.
۲. مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می‌کند یا برای هدف خاصی در نظر گرفته شده و فاصله‌ی میان نقاط و اشیاء واضح است که کارکرد هر ساختمان خلق دو نوع فضاست، فضای داخلی و فضای بیرونی. به هر حال در خلق فضای شهری اشیاء دیگری نیز دخیلند نظیر: پل‌ها، تک‌ستون‌ها، فواره‌ها، مجموعه‌ی درختان و نمای ساختمان‌ها.

به گفته‌ی چومی مفهوم فضا در فضا نهفته است. فضا در فرایند تاریخی پدید می‌آید که مولد و حالت‌دهنده به جنبه‌های آرمانی و نیز واقعی آن است. برای درک فضای شهر باید سه وجه فیزیکی، اجتماعی و نمادینش را به شیوه‌ای منسجم و در فرایند تولید فضا دریا بیم.

هندسه‌ی اجتماعی و مکانی فضای شهر:

شکل شهرها معادل با سیمایی گرفته شده است که اسمایلز آن را مترادف با چشم‌انداز شهری مطرح کرد و شامل اشکال مرئی مناطق ساخته شده است: سه مؤلفه‌ی عمده‌اش عبارتند از:

۱. نقشه‌های خیابان یا جانمایی
۲. سبک معماری ساختمان‌ها و طراحی شان
۳. کاربری زمین

تاکنون در همین راستا هندسه‌ی همین عناصر سازنده یا برخی از جنبه‌های جزئیات‌دارترشان به عنوان شکل شهر تعریف شده است. عناصر فیزیکی شکل شهر را با این‌ها می‌شناسد: کاربری زمین، توده‌گذاری و شکل ساختمان، پارکینگ، فضای باز، راه‌های پیاده‌رو و حمایت از فعالیت‌ها و نشانه‌گذاری‌ها. به واقع تنوع تعاریف شکل شهر عمدتاً ناشی از این واقعیت است که بافت شهری اثری است هم فیزیکی و هم اجتماعی. بافت شهری را می‌توان به لحاظ فیزیکی، تجمع واحدهای فضا‌ساختی دید. بعد اجتماعی شکل شهر به آرایش فضا‌ساختی و ارتباطات متقابل ویژگی‌های انسان‌هایی که آن را می‌سازند، استفاده‌ی بافت شهری را دارای ارزش می‌کنند سروکار دارد. محیط فیزیکی طبیعت، عنصر عمده‌ی سازنده‌ی فضای شهر است و نخستین بستری که در آن محیط مصنوع شکل می‌گیرد. این تنوع در فرم فیزیکی و کیفیت‌های طبیعی به نوبه‌ی خود، بر کیفیت فضای شهر تأثیر گذارده‌اند.

نمای شهر:

اکنون به بررسی اثرات بصری که یک شهر می‌تواند بر روی مردمی که در آن زندگی می‌کنند داشته باشد می‌پردازیم. اگر ساختمان‌ها را به دور هم جمع کنیم در مجموع از یک لذت بصری که از تک تک ساختمان‌ها ایجاد نخواهد شد برخوردار خواهیم شد. ساختمان‌ها، درختان، طبیعت، آب، ترافیک، علائم تبلیغاتی و مانند آن‌ها را باید به گونه‌ای به هم مرتبط کنیم تا این که نمایش هنری به حقیقت پیوندد زیرا یک شهر یک رویداد هیجان‌انگیز در یک شهر می‌باشد. در حقیقت، منظر به این خاطر مفید است که خاطرات و تجربیات ما را به یاد آورد، یعنی همان عکس‌العمل‌های احساسی درونی که وقتی ظهور کردند قادرند روند افکار ما را بر هم بزنند. مه‌سنجی موفقیت‌آمیز رنگ‌ها یا یکدیگر موضوع عینی است. نه تنها ما از هارمونی به دست آمده، تجربه می‌آموزیم، بلکه رنگ‌ها نیز به طور مساوی در یک ترکیب مناسب واقعی تر جلوه می‌کند.

تأثیر تحول در فرایند توسعه بر فضای شهری

می‌توانیم اشکال متعددی از تحول در فرایند توسعه شناسایی کنیم که هر کدام تأثیری متفاوت بر فضای شهری می‌نهد. قابل ذکرترین آن‌ها، به صورت کالا در آوردن فضای شهری، اندازه و حوزه‌ی رو به افزایش کارگزاری‌های توسعه است. این‌ها موجب استانداردسازی‌های طراحی و خصوصی‌سازی فضای شهری شده‌اند. منظر شهری سندی متراکم و در عین حال ناقص از توالی اوج،

رکودها و گزینش نوآوری‌ها در مکانی خاص است. توجه به روابط اجتماعی به معنای پرداختن به پویایی و تحول در فضای شهریست؛ به حساب آوردن عامل زمان می‌تواند درک ما از فضا و کارهای طراحی شهری کشورمان را به نحوه قابل‌توجهی بهبود ببخشد. برای کامل‌تر فهمیدن فضا باید از سیر تکاملی و تحولی‌اش در طی زمان تابعیت کنیم. تولیدفضا، در نقطه نظر تاریخی و هم در کوتاه‌مدت کلید درک فضاست. دیدن انسجام فضا با زمان رویکردی پویا به ما عرضه می‌دارد که پدیده‌ها را به همین صورت که پیوسته در حال تغییرند، تحلیل می‌کند و به طرحی همگام با تحول و برای تحول می‌انجامد. اما تحول بیش از حد و شتاب بیش از حد تغییر به انفکاک هویت‌ها و از دست رفتن کنترل بر اشیاء و رویدادها خواهد انجامید.



امکانات فضا

مفهوم فضای شهری مستلزم وجود مکان‌های مناسب با ویژگی‌های زیباشناختی برای استراحت، قدم‌زدن و تجمع است، هر شهر به فضای مناسبی برای گسترش توانایی‌های فکری و روحی مردم نیاز دارد. گاهی مفهوم فضا در شهر، فقط به نوع خاصی در فضاهای شهر مانند میدان و پلازها گفته می‌شود و برخی گمان می‌کنند که در حیطه‌ی طراحی شهری است و کاری به برنامه‌ریزی شهری ندارد.

منظر مطلوب

مشخص‌ترین جنبه‌ی زیبا شناسی یک شهر منظر است. در شهر و پیرامون شهر هر چیزی که به نظر خوشایند و مطلوب برسد منظر نامیده می‌شود.



منظر از عوامل متعددی تشکیل می‌شود: از ترکیب بناها، سیمای ساختمان‌ها و شکل فضاهای تا چگونگی ترکیب عناصر طبیعی در کالبد شهرها در حیطه‌ی منظر شهری و منظر طبیعی است. نتیجه‌ی نهایی منظر خوب، خوشایندی و منظر بد، تنفر از محیط زندگی است. اصل زیبایی در شهرسازی با ایجاد مناظر مطلوب و خوشایند تجلی می‌کند.

ایجاد فضای شهری:

خلق مطلوبیت فضای شهری، با آگاهی از عوامل تشکیل‌دهنده‌ی آن، چندان هم دشوار نیست، اما هیچ فرد یا نهادی به تنهایی مسئول ایجاد شهر نیست؛ طراحی شهر یک اقدام عمومی مشخص است که شهرداری آن را به عموم مردم اهدا می‌کند. آن چه به عنوان فضای شهر پدیدار می‌شود تقریباً اتفاقی به وجود می‌آید. الگوی صبورانه در ایجاد فضای شهری، تداخل خیابان و میدان با فضای باز، حیاط هتل‌ها، بیمارستان‌ها و دانشگاه‌هاست که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در جهان به عنوان شاهد مثال ذکر کرد.

سازندهای اصلی در منظر شهری

هنگامی که از منظر شهری به به عنوان یکی از تأثیرگذارترین عوامل اثرگذار بر ذهن بیننده‌ای صحبت می‌شود، باید کدام سازنده یا سازنده‌ها در شکل‌گیری این تصویر ذهنی نقشی اثرگذار و تعیین‌کننده دارند البته نیز باید توجه داشت که ذهنیت افراد نسبت به یک مجموعه‌ی شهری تنها از درک مضامین فیزیکی و کالبدی آن به وجود نمی‌آیند، بلکه در کنار آن رفتار ساکنان شهر نیز به سهم خود می‌تواند در شکل‌گیری مثبت و منفی از شهر نیز نقش مؤثری داشته باشد. چه بسا رفتار شهروندان غریبه‌ای که به شهر آن‌ها وارد می‌شود، بتواند از عناصر کم‌زیبا نیز ذهنیتی زیبا به وجود بیاورد. در هر حال درک زیباشناسی از منظر شهری تنها به خصوصیات فیزیکی و کالبدی محدود نمی‌شود، بلکه رفتار اجتماعی و فردی ساکنان شهر نیز به اندازه‌ی ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی سازنده‌های آن می‌تواند بر ذهن تأثیرگذارند. چرا که از ذهنیت و حالات روحی ایجاد شده از برخورد مردم، زمینه‌ای برای داوری درباره‌ی منظر شهری به شمار می‌رود.

این که ساخت و سازهای شهر بازتابی از روحیه‌ی زیستی ساکنان آن است یا نه و عوامل روحی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ابزاری تا چه حد در شکل‌دادن در منظر شهری دخیلند، مقوله‌هایی است که نیازمند پژوهش‌های علمی گسترده‌ای است و به همین سادگی نمی‌توان در مورد آن داوری کرد. برای نمونه حداقل در تبیین شکل کوچه‌های کم‌عرض و بن‌بست شهرهای ایران می‌دانیم که عامل دفاعی و حفاظت ساخت و سازهای شهری به عنوان نمادهای معیشت یکجانشینی در ایران و بسیاری از کشورهای مشرق زمین، ضمن کوشش برای ساخت و توسعه، تداومی برای ایمنی و نگهداری آن‌ها در مقابل اقوام بیابان‌گرد و غارت‌گر می‌اندیشیده است، به همین دلیل تجربه‌ای بس طولانی به این نتیجه رسید که در صورت سقوط دروازه‌های شهر دشمن به محله‌های شهر و سپس به خانه‌های ساکنان روی خواهد آورد. بر این اساس مسیر عبور، یعنی کوچه‌ها و خیابان‌ها را در ابعادی می‌ساخت که عبور سواره به صورت گروهی در آن‌ها ممکن نباشد و پیاده‌ناگزیر باشد به صورت تک‌تک گذر کنند. بدین ترتیب می‌توان در کنج‌ها و پیچ و خم‌های کوچه‌ها به کمین نشست و به مقابله با دشمن مهاجم پرداخت. شکل‌گیری این گونه کوچه‌ها و خیابان‌ها در بافت‌های قدیمی شهرهای سنتی ایران بر جای مانده‌اند، نه به ضعف دانش منظر شهری نه به امکانات و محدودیت‌های مادی ساخت شهر مربوط است. اگر به کوچه‌های تنگ و بایک و پر پیچ و خم بافت‌های قدیمی شهرهای ایران از زاویه‌ی علمی بنگریم از مفهوم زیباشناسی منظر شهری آن درک جدیدی به دست می‌آوریم که برای توصیف آن باید سنجه‌های زیباشناسی متناسب با زمان و مکان خاص را به کار گرفت. به همین ترتیب علت عدم توجه یا توجه اندک به نمای بیرونی ساختمان‌ها در بافت قدیمی شهرهای ایران را تبیین کرد.



سازنده‌های اصلی در منظر شهری را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. توپوگرافی
۲. هندسه‌ی ساختمان‌ها
۳. خیابان‌ها و شبکه‌ی گذرگاهی
۴. تابلوهای اطلاع‌رسانی
۵. نمای ساختمان‌ها
۶. مبلمان شهری
۷. فضای سبز
۸. مصالح ساختمانی
۹. نورپردازی

منظر عنصر ساختار دهنده‌ی غالب

الگوی دیگر برای ایجاد ساختار شهری که طبقه بندی آن آسان نیست بر این مبنا قرار دارد که منظر باید به عنوان عامل اصلی در نظر گرفته شود می‌توان گفت که از یک جنبه در نظر گرفتن منظر باید بر همه‌ی نوع ساخت و ساز تأثیر گذارد. شکل ستاره‌ای برای ساختن شهر همان قدر برای منظر اهمیت قائل می‌شود که برای حمل و نقل ارزش قائل است. مثلث‌های سبزی که به طور یک در میان بین کریدورها یا شاخه‌های طرح قرار می‌گیرند، از اولویت برای شکل دادن به شهر برخوردارند. با این وجود این بحث از این نکته غافل می‌ماند که منظرسازی را می‌توان به عنوان عاملی که کل شکل شهری را متحد می‌کند مورد استفاده قرار گیرد. در این صورت منظر به صورت عنصر غالب در فضای شهری تبدیل می‌شود. این فکر را می‌توان بدین صورت فراتر برد که منظر در آن به سطح عامل غالب در ایجاد فرم شهری ارتقاء یابد. احترام برای منظر دارای ریشه‌ای عمیق در ذهنیت بریتانیایی است. در میان دستاوردهای بزرگ این کشور، باغ‌های منظرسازی شده قرن هیجدهم قرار دارد که نقطه‌ی اوج آن کارهای «کاپابیلیتی براون» می‌باشد. تحول افکارهای وارد در مورد باغ‌شهر در «لیچ ورث» و «ولولین» فکر منظرسازی به عنوان وجهی مشخصه‌ی منسجم‌کننده‌ی نواحی بزرگ یک شهر را مطرح کرد. در کشورهای دیگر، منظرسازی حومه‌ها بسیار موفق بوده است. این امر به ویژه در ایالات متحده صادق بوده است، که در آن نشاط و جسارت موجود در حومه‌هایی مانند: «ریور ساید» در نزدیکی شیکاگو که از کارهای «اولمستود» است و همچنین «رولند پارک» در بالتیمور، معیارهای جدیدی برای نواحی مسکونی منظرسازی شده تثبیت کردند. «هارلو» که «فردریک گیبرد» آن را طراحی کرده است، شهری جدید در بریتانیا است که بیشترین شباهت را به نوعی از ساختار شهری دارد که در آن منظرسازی نقش غالب در تعیین شکل شهر ایفا می‌کند. این شهر در منظر روستایی واقع است. به اجرا درآوردن سیاست‌هایی برای توسعه‌ی پایدار صرفاً به قراردادن ساخت و سازهای شهری در ارتباط با مشخصه‌های منظر، مانند: تپه‌ها، دره‌ها، رودخانه‌ها و جنگل‌ها خلاصه نمی‌شود. چیزی که از اهمیتی مشابه برخوردار است احترام برای عملکرد اکولوژیک منظر می‌باشد اندازه و تداوم زیستگاه‌ها عوامل مهمی در حفظ ارزش اکولوژیک امکانات منظر یک شهر می‌باشند.

منظر درون و فضای برون

این تقسیم‌بندی بین دو نوع فضا است. محیط به عنوان یک قلمرو که برای برآوردن نیازهای معقول اجتماعی و دادوستد مردم اشغال شده و به وسیله‌ی شبکه‌ی ترافیک تغذیه می‌شود. حالا یک روند طبیعی به وجود می‌آید و آن این که اگر فضای برون مورد استفاده قرار گیرد. سپس مردمی که این کار را انجام داده‌اند تلاش می‌کند تا منظر را در درون نیز برای نیازهای انسانی به کار گیرند یعنی همان چیزی که امروزه در فضاهای درون انجام می‌شود. در این جا اختلاف کمی ما بین آن دو، یعنی چشم‌انداز درون و فضای خارجی معنی پیدا می‌کند. اگر قرار است فضای درون مورد بهره‌برداری قرار گیرد، صرف کاربرد معماری برای تحقق این هدف کافی نیست. فضاهای خارج محل نمایش کارهای منفرد معماری شبیه تصاویر در یک گالری نیستند. فضای برون محیطی است برای انسان که در هر حالت می‌تواند مدعی تصاحب آن باشد. انسان چیزی بیش از تصویر در یک گالری تقاضا می‌کند آن منظر که در اطراف انسان از کف، آسمان، ساختمان‌ها، درخت‌ها و سطوح با استفاده از هنر نظم می‌تواند تجسم پیدا کنند.



نقش درختان در منظر شهری

فضای سبز موجود در شهرها نقش بسزایی در خلق منظر شهری دارند و در میان درختان به خاطر ساختار و حالت ویژه‌ی خود اهمیت زیادی دارند. درختان مانند ساختمان‌ها، ساختارهایی دارند که سبب ایجاد سبک معماری گیاهی می‌گردد، شهرها با نسبت بالایی از فضای باز روبرو هستند که هر کدام از آن‌ها وضعیت فیزیکی خاصی دارند، از جمله این فضاها می‌توان به خیابان‌ها، میادین و فضاهای اطراف پارکینگ اشاره کرد که ملاک انتخاب درخت و پوشش گیاهی برای هر کدام متفاوت است و انتخاب گیاهان مناسب و سازگار با محیط در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. درختان از روی اندازه، شکل، ترکیب رنگ، حالت و انسانی که تولید می‌کنند برگزیده می‌شوند. زمان تشکیل یا افتادن برگ‌ها، نوع سایه یا افتادن درخت برای انتخاب آن تأثیر زیادی دارد. اوضاع زیست‌محیطی در محیط‌های شهری متغیرتر از دیگر محیط‌های انسان‌ساخت است. سایه‌ی ساختمان‌ها، نور، باد، دما و خاک از محیطی به محیط دیگر متفاوت است. نور خورشید نیز به دلیل تأثیر مستقیم بر رشد درختان نقش مهمی در انتخاب محل کاشت درختان دارد. کاشت درختان یکی از مؤثرترین و اقتصادی‌ترین راه‌های تلطیف محیط شهری است. جای‌گزینی درختان جدید به جای قدیمی، کشت گیاهان روی پشت‌بام‌ها یا کنار پیاده‌روها بحث ارتقای کیفیت منظر شهری می‌شود. درختان برای ایجاد تغییر در هویت بصری شهری باید به اندازه‌ی کافی بزرگ یا تعدادشان زیاد باشد تا قادر به ایجاد جلوه‌ی خاصی در سیمای شهر شود. درختان و گیاهان در شهرهای امروزی در ایجاد منظر مناسب شهری نقش بسزایی دارند، حتی اگر فاقد ارزش کاربری باشند. یکی از ارکان اصلی در طراحی فضای سبز آشنایی با گیاهان و خصوصیات آن‌ها می‌باشد، مواردی مانند نوع آب و هوا، میزان رطوبت، تابش خورشید و جهت و میزان وزش باد بایستی در انتخاب گونه‌ها مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص به مواردی مانند سازگاری گونه معرفی شده با خصوصیات آب و هوای منطقه، زیبایی و ظاهر آراسته، خصوصیات مورفولوژیک و فیزیولوژیک گیاه توجه ویژه شود چرا که شاید پس از کاشت و مواظبت آن گیاه نتواند هم‌خوانی لازم با محیط داشته باشد و باید دانست که گاهی صمغ و سایر اسانس‌های موجود در بخش‌های مختلف انواع گیاهان می‌تواند باعث مسمومیت نیز شود که البته سال‌هاست که فضای سبز شهری پوشیده از درختان سبز جنگلی چون چنار، نارون و زبان گنجشک است و مهم‌ترین نوع پوشش در سطح زمین در پارک‌ها و میادین چمن است، در صورتی که بیشترین آلرژی از طرف همین گیاهان ایجاد می‌شود و چمن نیز با توجه به وضعیت خشکسالی‌ها و کمبود آب و هزینه‌ی بالای نگهداری باید در پاره‌ای از مناطق که امکانات و بودجه‌ی وسیع در دسترس نیست از چرخه‌ی کشت و فضای سبز خارج شود. بنابراین ایجاد تنوع گیاهی و شناسایی آن امری ضروری و رویکردی الزامی برای بهبود فضای زندگی در شهرها می‌باشد تا بتوانیم با استفاده از گیاهان و درختان فرصتی برای خلق یک منظر زیبای شهری ایجاد نماییم که البته ترکیب مجسمه‌سازی و معماری در توازن و وحدت بصری شهری دوچندان خواهد شد و این خود می‌تواند باعث شود تا درختان و گیاهان نقش یک حائل میان انسان و محیط دست‌ساز انسانی در جهت پیوند ساختمان‌ها که از سنگ و آجر هستند خواهد شد.



مبلمان شهری

موقفیت فضای شهری و میزان کارایی آن‌ها بستگی مستقیم به کیفیت فضاها

دارد و این امر نیز تابع امکانات و تجهیزاتی است که در آن فضاها تعبیه شده است. این تجهیزات باید در نقش و عملکرد فضا بوده و استفاده‌ی از آن را تسهیل، راحت و بی‌خطر گرداند. همین امر است که بحث مربوط به مبلمان شهری را اهمیت می‌بخشد. هر گونه فعالیتی که در فضاهای شهری مورد نظر باشد، راحتی آن باید مد نظر قرار گیرد. گاهی رهایی از نور زیاد خورشید و زمانی دیگر دسترسی به آن ممکن است جزء اهداف دسترسی به فضا باشد. عامل دیگر فضاهای نشستن برای استراحت موقت باشد که در راحتی استفاده‌کنندگان از فضا مؤثر است. استفاده از عناصر طبیعی خصوصاً آب در ایجاد محیطی متفاوت با فضاهای معمول شهری نقش مؤثری دارد. همچنین به کارگرفتن عناصر دیگری همچون درخت و فضای سبز خدمات عمده‌ای را در فضای شهری به عهده دارند؛ از آن جمله‌اند: اطاقک تلفن، دکه‌ی روزنامه‌فروشی، بلیط‌فروشی، ایستگاه اتوبوس، صندوق پست، سطل زباله و نوع کف‌سازی باید کیفیت فضا را ارتقاء بخشیده و جذابیت آن را افزایش دهد.



نتیجه‌گیری

در بسیاری از شهرهای قدیمی ایران که معمولی و ظاهری ناراسته دارند که در تبیین علت این درون‌گرایی در معماری خانه‌های ایران مسئله‌ی چشمگیر نبودن و امنیت و ایمنی در مقابل تجاوز نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. در شهرهای قدیمی ایران به دلایل سیاسی، امنیتی، ملاحظه‌کاری در مقابل تعدیات و تجاوزات عوامل حکومت امکان شکوفایی و بالندگی نیافته است و منظر شهری در ایران در گذشته در عباری از سادگی و بی‌پیرایگی پنهان مانده است. اکنون در شهرهای ایران به دلایل در اختیار گذاشتن نما و منظر شهری در اختیار بسازفروش‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی سبب به وجود آمدن منظر شهری نازیبا شده است. همه‌ی این‌ها هر چند جزئی و ناچیز به نظر می‌رسد ولی نقش بسیار مؤثری در منظر شهری ایفا می‌کنند و با افزایش نقش شهرداری‌ها در نمای ساختمان‌ها می‌تواند این ناهنجاری که در شهرهای ایران وجود دارد تا حدودی سر و سامان ببخشد. این مقوله‌ی مهم شهری را در اختیار بسازفروش‌های شخصی قرار نداد.

خیابان‌ها و شبکه‌ی گذرگاهی بستگی به این که تا چه حد برای عابران ایمنی، راحتی و آسایش فراهم می‌کند و از نظر ساخت و ساز و ابعاد چه تناسبی میان ظرف و مظهر به وجود می‌آورد در ارائه‌ی منظر شهری نقش مؤثری دارند.

نمای ساختمان‌ها به دلیل این که نقش تعیین‌کننده‌ی در ارائه‌ی منظر شهری دارند، مقوله‌ی خصوصی نیست، بلکه در محدوده‌ی شهری به عنوان حق عمومی تلقی می‌شود، از این رو ساماندهی و تعریف الگوی نمای ساختمان‌ها، صرفاً باید در اختیار مدیریت شهری قرار گیرد اعمال سلیقه‌های شخصی در طراحی نمای ساختمان‌ها موجب می‌شود که عناصر ناسازگار و گاه غیر هم‌نسخ با محیط، منظر شهر نازیبایی به وجود آورند. اعمال سلیقه‌های شخصی در ارائه‌ی نمای ساختمان‌ها را می‌توان از اصلی‌ترین عوامل ناهنجاری در منظر شهری ایران به شمار آورد. همچنین مبلمان شهری اعم از این که در مفهوم گسترده یا محدود آن به کار گرفته می‌شود، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری منظر شهری دارد مثل جانمایی و محل قرارگیری کیوسک‌های تلفن، سطل زباله، صندوق‌های پست، علائم راهنمایی و رانندگی، نصب نیمکت‌ها در کنار پیاده‌روها، تعیین حریم ایستگاه‌های اتوبوس و ورودی‌های مترو، علائم هشداردهنده‌ی تقاطع‌های راه آهن شهری و صندوق‌های صدقه نصب می‌شوند.

منابع و مأخذ:

۱. سعینیا، احمد، کتاب سبز شهرداری‌ها، جلد یک (شهرداری)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، چاپ سوم، ۱۳۸۳.
۲. رهنمایی، محمدتقی، مجموعه مباحث و روش‌های شهرداری، انتشارات شهیدی، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۳. کان، گوردون، ترجمه‌ی منوچهر طیبیان، گزیده‌ی منظر شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۴. مدنی‌پور، علی، ترجمه‌ی فرهاد مرتضایی، طراحی فضای شهری، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۵. موتین، کلیف، شری، پیترو، ترجمه‌ی کاوه مهرابی، ابعاد سبز طراحی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. بحرینی، سید حسین، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۷. بهبهانی، هما، ارزیابی از پارک‌های تهران تا تعیین الگوها، فصلنامه‌ی فضای سبز، شماره‌ی ۸، سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، ۱۳۷۳.

بازشناسی مفهوم قرارگاه‌های رفتاری در کیفیت بخشی به فضاهای شهری نمونه‌ی موردی، خیابان تاریخی - گردشگری سپه قزوین

♦ دکتر مصطفی عباس زادگان

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
رامین نوروزیان
دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران



چکیده

در توسعه‌های جدید شهری، جایی که عمده‌ی تمرکز پروژه‌های شهری روی کالبد و بدنه‌ی ساختمان‌های پیرامون فضاهای شهری بوده است، رویکرد فعالیتی - رفتاری به این گونه پروژه‌ها صرفاً شعارگونه و در مقیاس مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. نوع نگاه به ساماندهی پروژه‌های موضعی و موضوعی شهری فقط تک‌بعدی بوده و حضور انسان و رفتارهای وی در محیط‌های شهری نادیده گرفته شده است. در صورتی که به انسان به عنوان مهمترین گروه ذینفع در فضاهای شهری توجه کافی صورت نگیرد و شهرسازان به نیازهای او در فضاهای شهری پاسخ ندهند. محیط‌های شهری علیرغم برخورداری از محوطه‌سازی‌ها و طراحی منظر هدفمند، فاقد روحیات فضایی کیفیات محیطی مناسب می‌باشند. این مقاله درصدد است تا با تدقیق مفهوم قرارگاه‌های رفتاری در بستر محیط‌های شهری کیفیت فراموش شده در فضاهای شهری را بازگردانده به عبارت دیگر این مقاله رویکرد رفتاری - فعالیتی به خیابان شهری به عنوان یک فرهنگسرای رو باز داشته و در ارتباط با یک محور گردشگری - تاریخی به آزمون گزارده می‌شود.

کلمات کلیدی: فعالیت، قرارگاه رفتاری، کیفیت، خیابان، فضای شهری

مقدمه

زمانی که از خیابان‌های تاریخی سخن می‌گوییم، همواره مواجه با مکانی هستیم که زمان در آن متراکم شده، درجای‌جای آن نشان‌هایی از پایداری و سرمایه‌گذاری نسل‌های متفاوت وجود دارد. این چنین پایداری خیابان‌های کهن قبل از پایداری بناها، پایداری بنیان‌ها و ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. بدیهی است تخریب این مسیرها در واقع تخریب و تضعیف این بنیان‌ها و ارزش‌های هویت‌بخش می‌باشد. به قول هیوسان: "انگیزه‌ی حفاظت از گذشته، جزئی از انگیزه‌ی حفظ خویش است". بدون آگاهی از این که کجا بودیم مشکل بتوان گفت کجا می‌رویم. گذشته اساس و پایه‌ی هویت فردی و جمعی است. عناصر گذشته به عنوان نهادهای فرهنگی، منبع اهمیت می‌باشد. تداوم بین گذشته و حال به جای هرج و مرج و بی‌نظمی حس تناوب را ایجاد می‌کند. انگیزه‌ی دلبستگی به گذشته عامل مهمی در انطباق با شرایط موجود است و به عنوان یک حامی اجتماعی در شرایط ضعف و یا تهدید اعتماد، هویت ملی را تقویت می‌کند (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۶).

بخش‌های تاریخی شهر در زمینه‌ی کل شهر امروز همان نقشی را دارند که عناصر و یادمان‌های اصلی در شهر گذشته داشتند. یعنی هویت‌بخشی، هدایت، نقاط عطف، مرکز فعالیت و تحرک و جایگاه خاطرات جمعی. شهری که فاقد این عناصر باشد شهری است با هویت مخدوش، بدون جاذبه و بدون معنی، البته به هر حال شهرها در صورت فقدان پیشینه، برای این عناصر جایگزین‌هایی برای آنان تولید خواهند کرد. اما نخست این که این تولید در زمانی طولانی صورت می‌گیرد و دوم اینکه تولید آنها لزوماً به معنی بهترین پاسخ نیست. بر اینها باید عدم پاسخگویی به ریشه‌های هویتی جامعه و خاطرات جمعی آن را افزود. آنچه مسلم است این است که پیوند گذشته شهر با آینده‌ی آن نتیجه‌ای غنی‌تر، پایدار تر و مقرون به صرفه‌تر ایجاد می‌کند که نه تنها به حفظ گذشته می‌انجامد، بلکه عامل مهمی در ارتقای کیفیت شهر در آینده است. حال اگر خواستار حفظ هویت شهری هستیم نمی‌توان بخش‌های تاریخی را به فراموشی سپرد و بخش‌های جدید را جایگزین آن‌ها نمود.

فعالیت

به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می‌گیرند، فعالیت گفته می‌شود. علیرغم تنوع زیاد رفتارهای انسانی، می‌توان آن‌ها را از طریق تشابه در جنبه‌ی فیزیکی آن‌ها یا اشتراک برآوردن نیاز، در بسته‌های بزرگتری دسته‌بندی کرد و به آن نام یک فعالیت خاص را داد (پاکزاد ۱۳۸۵: ۳۲).

هر فعالیتی که توسط انسان صورت می‌گیرد، متکی به فرهنگ است و فرهنگ نتیجه مقررات نامدون (عرف)، عادات، آداب و رسوم، سنت‌ها، سبک و شیوه‌های متداول زندگی است. از سوی دیگر، دانش شهرسازی با فضاهایی سرو کار دارد که فعالیت‌های مختلفی در آن‌ها جریان داشته و به آن‌ها معنی می‌دهند. فعالیت‌های جاری در این محیط‌ها تابع خصوصیات فرهنگی جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیت‌ها به آن‌ها تعلق دارند. (بحرینی ۱۳۸۸: ۲۳۵)

فعالیت‌هایی را می‌توان مرتبط با فضای شهری خواند که به‌گونه‌ای حضور فرد و سایر افراد در یک فضای مشترک و عمومی با دیگران در آن‌ها دخیل است. فعالیت‌هایی که در حضور دیگران امکان‌پذیر نیستند از این مقوله حذف می‌گردند. البته ممکن است یک فضای شهری به عده‌ای از رفتارها اجازه‌ی بروز ندهد. ولی همین که بستر مناسب برای تعدادی از رفتارهای ناشی از یک فعالیت را فراهم آورد می‌گوییم این فعالیت در ارتباط با فضای شهری موجودیت دارد، مانند: راه رفتن، نشستن، دیدن، شنیدن، صحبت کردن، خرید و فروش و... (پاکزاد ۱۳۸۵: ۳۲)



وجود مردم و فعالیت‌های آنها در فضای شهری عاملی جذاب برای حضور دیگران در فضا در شکل‌گیری رفتارهای متنوع می‌باشد.

رفتار

نحوه‌ی انجام یک فعالیت را رفتار گویند. رفتار انسانی برآیندی از انتخاب‌ها و نیازهای فرد، زمان و مکان، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج، فرهنگ و ارزش‌های اجتماع و... می‌باشد (لنگ ۱۳۸۱: ۹۷). بنابراین هر فعالیت تحت تأثیر عوامل مختلف فوق می‌تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. پس آنچه ما می‌بینیم رفتارهای انسانی هستند نه فعالیت‌ها، مثلاً روی نیمکت نشستن، چمباتمه زدن، لم دادن و... رفتارهای مرتبط با فعالیت نشستن هستند. رفتار تنها تابع فعالیت نیست بلکه ترکیبی از فعالیت و زمان و مکان می‌باشد. (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۳۷)

محیط

محیط به آنچه در پیرامون وجود دارد و بصورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هر چند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط تمامی اطلاعاتی است که از پیرامون ما ارسال می‌گردند. هر چند که تنها برخی از آنان در گزینش ادراک، جذب می‌گردند. محیط مجموعه‌ای از زیرمحیط‌های گوناگون است که هر یک بنا به شرایط ادراک فرد، بعنوان محیطی مستقل دریافت می‌گردند. همچون یک محله و خیابانی از آن محیط می‌تواند از عناصر طبیعی مانند (کوه و جنگل)، مصنوعی (مانند میدان و خیابان) و یا ترکیب آنان (مانند پارک) تشکیل شود. فضای شهری نیز به عنوان ساخته‌ای مصنوعی در پاسخ‌گویی به مسائل شهری شهروندان (ترافیکی، اجتماعی، کالبدی و...) یک محیط محسوب می‌گردد. (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۵۹)

ارتباط رفتار و محیط

از الگوهای گوناگونی برای بررسی محیط و رفتار انسان‌ها استفاده شده است. الگوی رفتاری می‌گوید انسان موجودی رفتارمحور است. این رویکرد کنشگرانه بر وابستگی‌های محیطی به مثابه‌ی عوامل تعیین‌کننده رفتار تأکید دارد و تلاش می‌کند آنها را شناسایی و در طراحی لحاظ کند. در الگوی بوم‌شناختی، رفتار و محیط چنان در هم تنیده شده است که تفکیکشان دشوار است. رفتار در بستر محیط تعریف‌پذیر است. (آلتمن، ۱۳۸۲: ۱۳)

طراحی شهری به هیچ وجه نباید قصد رویارویی و برخورد مستقیم با الگوهای رفتاری جامعه و تغییر و یا اصلاح آنها را داشته باشد. بلکه باید سعی کند با استفاده از ابزار و وسایل موجود طراحی شهری و بکارگیری تکنیک‌های مفید و موثر، فضاها و عناصر مربوط به آنها را به گونه‌ای طرح نماید که با تسهیل انجام رفتارهای مطلوب آنها را تشویق و با ایجاد مانع برای انجام رفتارهای نامطلوب، اینگونه رفتارها را محدود و یا کلاً متوقف نماید. (بحرینی، ۱۳۷۵: ۴) در این بخش به بررسی مقوله «ارتباط رفتار و محیط» و همچنین «عکس‌العمل‌ها در انطباق با محیط» می‌پردازیم. رایاپورت ارتباط رفتار و محیط را در سه سطح طبقه‌بندی کرده است: (عباس زادگان، ۱۳۸۴)

۱- جبرگرایی (Enviromental determinism)

در این نظریه محیط کالبدی هیچ ارتباطی با نوع رفتار ندارد. گویی محیط نوعی اجبار مبنی بر به کار بردن نوعی رفتار خاص ایجاد می‌کند و مسئله‌ی رفتار و فرهنگ در این نظریه جایی ندارد.

۲- امکان‌دهندگی (Enviromental posibilism)

در این نظریه محیط امکان و با محدودیت فراهم می‌سازد و رفتار بر اساس مسائل فرهنگی شکل می‌گیرد. در اینجا بحث انعطاف‌پذیری مطرح می‌شود. از دیگر مثال‌هایی که می‌تواند امکان‌دهندگی محیطی را توجیه نماید، در یک پارک محله‌ای به عنوان مثال استقرار نیمکت (یکی در کنج و دیگری در گذر عبوری) امکان نشستن در هر دو نیمکت وجود دارد و اینجاست که مفهوم تأثیر مسائل فرهنگی هویت پیدا می‌کند.

۳- احتمال‌دهندگی (Enviromental probablism)

در این نظریه محیط به دلایل شرایط کالبدی خاص احتمال بروز برخی رفتارها را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر محیط شرایطی ایجاد می‌کند که احتمال بروز برخی رفتارها را نسبت به برخی دیگر افزایش می‌دهد. در اینجا بحث گوناگونی و حق انتخاب پیش می‌آید، اما قدرت انتخاب خود به میزان تحرک بستگی پیدا می‌کند. (عباس زادگان، ۱۳۸۴)

محیط، بستری جهت شکل‌گیری قرارگاه رفتاری یا گره‌های فعالیتی - رفتاری نیاز به بستری جهت بروز الگوهای خاص رفتاری و تعاملات اجتماعی مردم داشته و محیط‌های شهری قابلیت تبدیل به یک نشانه‌ی فعالیتی در دو مقیاس خرد و کلان دارد. بدین منظور که در برخی موارد کل محیط به عنوان یک قرارگاه رفتاری بزرگ مقیاس بوده و در برخی موارد بخشی از محیط این نقش را ایفا می‌نماید. پس منظور از محیط در این پژوهش زمینه، جهت شکل‌گیری قرارگیری قرارگاه رفتاری است.

کیفیت‌های فضای شهری کیفیت

کیفیت واژه‌ای است که در تمامی رشته‌های هنری، علمی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به صورت مستمر در چارچوب گفت‌وگوهای حوزه‌های مزبور به کار برده می‌شود. با این وجود، تلاش برای درک کامل معنای این واژه تلاشی ساده و آسان نیست. دشواری این امر نه به واسطه‌ی معنای شهودی واژه (که به سادگی قابل وصف است) بلکه از سرشت متکثر و چندگانه‌ی آن سرچشمه می‌گیرد. "کیفیت" مفهومی دوجویی است، یعنی مفهومی است روشن و واضح، ولی در عین حال چند پهلو؛ مفهومی است قابل فهم ولی در عین حال فرار که به راحتی تن به تعریف شدن نمی‌دهد. به عبارت دیگر هنگامی که این واژه در مورد کیفیت‌هایی ملموس همچون سختی، نرمی و غیره به کار گرفته می‌شود مفهومی روشن و قابل فهم دارد؛ لیکن زمانی که در مورد کیفیت‌های غیر ملموسی نظیر زیبایی، شکوه، تأثیرگذار و غیره استفاده می‌شود، به مفهومی فرار و چند پهلو مبدل می‌گردد. گستردگی ابعاد و جوانب

تأثیر رفتار بر کیفیت فضا

از طریق رواج دادن برخی رفتارها یا کاستن از بعضی رفتارهای دیگر در فضا، می‌توان احساس خاصی را در افراد ایجاد نمود، به طوری که کیفیت ویژه‌ای را از فضا استنباط نمایند. برای مثال فرد فضایی که انواع رفتارها با تراکم زیاد در آن اتفاق می‌افتد، زنده احساس می‌کند و به آن کیفیت سرزندگی را مترتب می‌سازد. اما به فضایی که تنها مردم بصورت پراکنده بر روی نیمکت‌ها نشسته‌اند، چنین کیفیتی نسبت داده نمی‌شود، یا آن‌که مردم در فضاهایی که رفتارهای خلاف در آنها کمتر اتفاق می‌افتد، احساس امنیت می‌کنند و فضا را امن می‌خوانند. (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۵۶)

جدول (۱-۲): مقایسه تطبیقی مولفه‌های کیفیت محیطی

مؤلفه‌های کیفیت	زبان	معنی
کیفیت زندگی	Quality of Life	کیفیت زندگی
کیفیت محیطی	Environmental Quality	کیفیت محیطی
کیفیت فضای شهری	Urban Quality	کیفیت فضای شهری
کیفیت فضای سبز	Green Quality	کیفیت فضای سبز
کیفیت فضای آبی	Blue Quality	کیفیت فضای آبی
کیفیت فضای صوتی	Sonic Quality	کیفیت فضای صوتی
کیفیت فضای بویایی	Olfactory Quality	کیفیت فضای بویایی
کیفیت فضای دیداری	Visual Quality	کیفیت فضای دیداری
کیفیت فضای حرارتی	Thermal Quality	کیفیت فضای حرارتی
کیفیت فضای نوری	Luminous Quality	کیفیت فضای نوری
کیفیت فضای صوتی	Sonic Quality	کیفیت فضای صوتی
کیفیت فضای بویایی	Olfactory Quality	کیفیت فضای بویایی
کیفیت فضای دیداری	Visual Quality	کیفیت فضای دیداری
کیفیت فضای حرارتی	Thermal Quality	کیفیت فضای حرارتی
کیفیت فضای نوری	Luminous Quality	کیفیت فضای نوری

نمونه موردی: خیابان سپه قزوین

محدوده‌ی مورد مطالعه "خیابان سپه" در منطقه‌ی یک و در محدوده‌ی فرهنگی - تاریخی شهر قرار دارد و از ضلع شمالی به مجموعه عالی‌قاپو و از ضلع جنوبی به خیابان راه‌آهن منتهی می‌شود.

خیابان سپه اولین خیابان طراحی شده در ایران است که در دوره‌ی صفوی در زمان شاه طهماسب اول ساخته شده و در سال ۱۳۸۷ رسماً به عنوان اولین خیابان ایران در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. ساخت این خیابان همزمان با ارگ صفوی بوده است. خیابان سپه در دوره‌ی صفوی عرض بیشتری داشته و مدل اولیه ساخت میدان نقش جهان بوده و در دوطرف آن دو ردیف جوی آب وجود داشته است. به گفته‌ی یکی از محققین این خیابان جزء اولین چهار باغ‌هایی بوده که در دوره‌ی صفوی در ایران ساخته شده است.

با توجه به این‌که سایت در یک بافت تاریخی قرار گرفته است، حضور افراد اصیل در بافت کمتر به چشم می‌خورد چرا که با توجه به کمبود امکانات در محدوده‌ی سایت اکثر ساکنان ترجیح داده‌اند به نقاط بالای شهر مهاجرت نمایند. به همین دلیل قشر جوان در محدوده‌ی بافت کمتر به چشم می‌خورد. ساکن در بافت به لحاظ مالی جزء طبقه‌ی متوسط و فقیر می‌باشند و مشاغل آن‌ها عموماً شامل: کارگری در صنایع، کار در مزارع و کشتزارها و باغات اطراف شهر است. در بررسی‌های به عمل آمده از مطالعات میدانی مشخص شد رفتارهای گوناگونی در خیابان سپه وجود دارد. این الگوهای رفتاری به شرح زیر در سایت جریان دارند:

با توجه به این‌که مقاله، رویکرد رفتاری به طرح ساماندهی خیابان سپه قزوین دارد بر اساس جدول مولفه‌های کیفیت بخش محیطی مواردی که مرتبط با بعد فعالیت و رفتاری این فضای شهری دارند به قرار زیر است:



هر دو حالت مورد اشاره باعث گردیده است که مفهوم کیفیت به مفهومی نسبی که واجد معنایی فراتر و متفاوت با معنای بدیهی و معمول آن است، تبدیل شود. (گلکار، ۴۰: ۱۳۸۰)

معنای لغوی واژه‌ی کیفیت در فرهنگ زبان فارسی عمید، چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی عنوان گردیده است.

واژه‌ی «کیفیت» در زبان انگلیسی به معنای چیزی است که یک شخص، یک شیء و یا یک فکر داشته و موجب خاص و جالب شدن آن‌ها می‌گردد. فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز در ذیل واژه‌ی کیفیت چهار معنا به ترتیب زیر ارایه می‌نماید:

۱. درجه‌ی خوبی و ارزش چیزها
۲. خوبی و کمال به مفهوم عام
۳. صفات و خصوصیات
۴. جنبه‌ی ویژه و علائم ممیزه

واژه‌ی «کیفیت» بعضی اوقات به عنوان متضاد واژه‌ی «کمیت» (quantity) به کار گرفته می‌شود، که در این حالت بر خلاف مفهوم کمیت که به خصوصیتی غیر ملموس اشاره می‌نماید. مراد از واژه‌ی کیفیت، هنگامی که به عنوان درجه و میزان خوبی یک شیء به کار می‌رود، این است که درجه‌ی خوبی آن شیء زیاد است. به عبارت دیگر واژه‌ی کیفیت در زبان انگلیسی، چنانچه بدون قید و اضافات به کار رود، به مفهوم کیفیت خوب است. لذا کیفیت یک شیء از این نظر به درجه و میزانی که یک شیء از شیء دیگر بهتر است اشاره دارد.

کیفیت در فضای شهری

فضاهای شهری نیز همانطور که گفته شد همچون دیگر پدیده‌ها واجد مولفه‌های معنایی، عملکردی و فرمی می‌باشند هر چقدر این مولفه‌ها همسوتر و هماهنگ‌تر باشد کیفیت فضا بهتر می‌شود.

تجربه‌ی اجرای طرح‌های شهری در ایران، چه در بافت‌های موجود که در قالب برنامه‌ی طرح‌های جامع صورت پذیرفته و چه در بافت‌ها و توسعه‌های جدید که در قالب برنامه‌هایی نظیر شهرهای جدید و پروژه‌های آماده‌سازی صورت گرفته، نشان داده است که برنامه‌های مزبور در خلق محیط‌های شهری واجد کیفیت مطلوب با توفیق چندانی روبرو نبوده‌اند. (گلکار، ۱۳۸۰: ۳۹)

برخی، مفهوم کیفیت محیط شهری را وابسته به عناصر و فعالیت‌هایی که به شهر، شهرت می‌بخشند و ارزش‌هایی که عناصر شهرت را کیفیت می‌دهند، می‌دانند.

تیبالدز در کتاب «شهرسازی انسان محور» مفهوم «کیفیت زندگی» را مفهومی جامع می‌داند (Quality of life) که کیفیت محیطی رادر دل خویش دارد. وی می‌نویسد: «کیفیت زندگی» واژه‌های پیچیده در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک ناحیه است. دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را دربرمی‌گیرد. در برخی موارد رضایت‌های اجتماعی (Social Satisfaction) نیز نامیده می‌شود. (تیبالدز ۳۹: ۱۳۸۰)

مولفه های کیفیت محیطی	وضع موجود خیابان پیه	طرح پیشنهادی خیابان پیه
ادراکی	مسجد جامع	نمارت عالی قاپو، مسجد جامع
حیثیت	مسجد جامع	عمارت عالی قاپو، مسجد جامع امامزاده اسماعیل، سوزه تاریخ
گذرانی	نچاری در محور	بازار، هتل آبارتاجان
اجتماعی	مسجد جامع، بازار	خانه فرهنگ، بسیج، محلی
سوزندگی	بازار	بازار، چاپخانه، کانون فرهنگی جوانان

بر اساس یافته‌ها و استنتاجات فوق می‌توان نقشه‌ی زیر را ارائه داد:

جمع بندی:

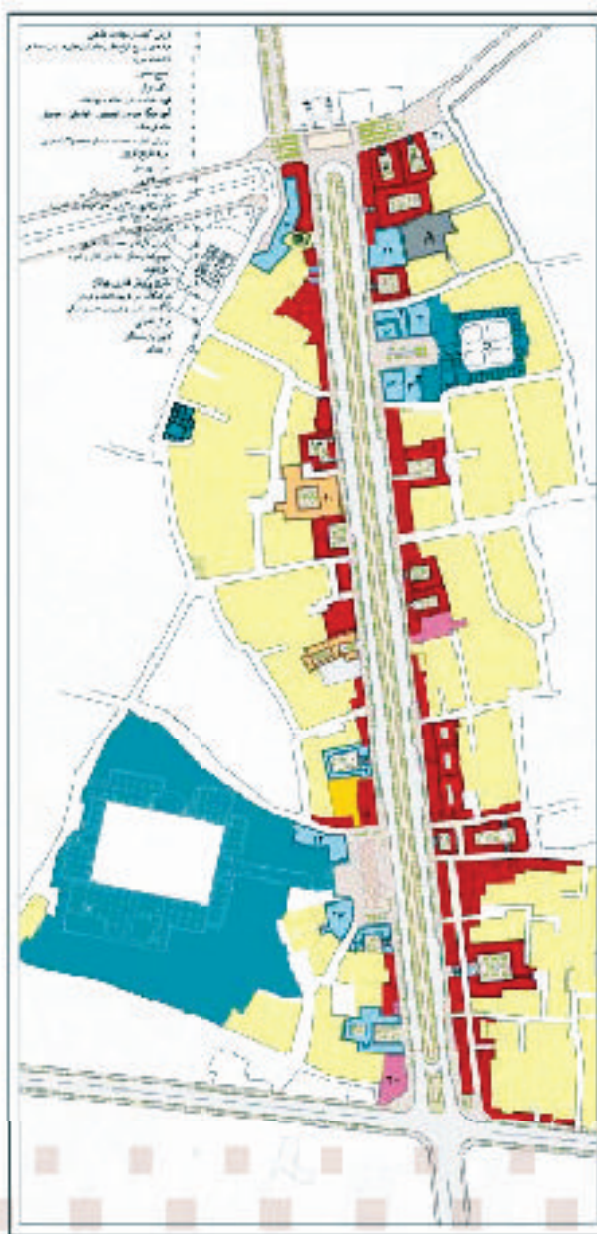
محیط شهری خوب به عنوان یک قرارگاه رفتاری پویا مکانی است که تا حدی با فرهنگ، فعالیت و رفتارهای وی تناسب داشته باشد و ابزاری برای برقراری پیوند بین فرد و جامعه‌اش، گذشته و تاریخش، حیات شهری، زمان، محیط و طبیعت پیرامونش گردد.

مولفه‌های کیفی محیط که به آن‌ها اشاره گردید از بعد فعالیتی و رفتاری در شکل‌گیری محیط‌های شهری، کیفیاتی هستند که می‌بایست در شهرها مورد نظر قرار گیرند و به صورت یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی و طراحی شهری برای ارتقاء کیفی محیط با رویکرد فعالیتی رفتاری مطرح می‌گردند.

مسئله‌ی دیگر همانا چگونگی رسیدن به این مفهوم و کیفیت فضایی و بخشیدن مفهوم فعالیتی رفتاری به این موضوع و ارائه‌ی دستورالعمل‌ها و راهکارهای مربوط، در شهرها است. خیابان به عنوان مهمترین فضای شهری نیازمند دمیدن روحیه‌ی فضایی مطلوب بوده و این مهم با اعمال مؤلفه‌های کیفیت‌بخش فضا و تعریف فعالیت‌های رسمی و غیررسمی سازگار قابل حصول می‌باشد.

منابع و ماخذ:

- آتمن، ایروین، محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام)، ترجمه‌ی علی نمازیان (۱۳۸۲)، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، تهران.
- بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۸، تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، پهنای بکری، سوده تقاین، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۹۸۷:۹۷ Lang.
- پاکزاد، جهانشاه، ۱۳۸۵، مبانی نظری و فرایند طراحی، انتشارات سازمان مسکن و شهرسازی.
- تیبالدز، فرانسیس، شهرسازی شهروندگرا (ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری)، ترجمه‌ی محمد احمدی‌نژاد، ۱۸۳۱، نشر خاک.
- طاهری، حمید رضا، حفظ هویت شهری در نوسازی بافت مرکزی شهر مشهد (۱۳۸۱)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد شهرسازی، به راهنمایی مصطفی عباس‌زادگان، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- عباس‌زادگان، مصطفی، ابعاد اجتماعی-روانشناختی فضاهای شهری (۱۳۸۴)، مجله‌ی بین‌المللی علوم مهندسی، جلد ۶ شماره ۱.
- گلکار، کورش، ۱۳۸۰، "مولفه‌های سازنده‌ی کیفیت طراحی شهری"، فصلنامه‌ی صفا، تهران، سال یازدهم، شماره‌ی ۲۳.
- لنگ، جان، آفرینش نظری معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.



مسیریابی راه‌های پیاده‌گردشگری تاریخی نمونه‌ی موردی: شهر مشهد

♦ راضیه رضازاده

دکترای طراحی شهری، استادیار دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
فرزاد زرین‌قلم
دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

چکیده:

بافت تاریخی شهرها امروزه بنا به دلایل متعددی در حال فراموشی و نابودی است. توجه به این بافت‌ها و میراث گران‌بهای نهفته در دل آن‌ها شاید یکی از بااهمیت‌ترین و ضروری‌ترین مسائل امروزه باشد. این موضوع از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است و راه‌حل‌ها و پیشنهادات متفاوتی برای احیای این بافت‌ها می‌توان داد. مسیرهای پیاده‌گردشگری راه‌حلی است که این پژوهش به آن پرداخته است. راه‌حلی دوجانبه که هم بافت‌های کهن را احیا می‌کند و هم باعث جذب گردشگران و پیامدهای مثبت آن می‌شود. این راه‌حل، آثار و پیامدهای جنبی بسیاری هم چون رفع کمبودها، احیای ارزش‌ها و سنت‌ها، خدمات‌رسانی و حفظ ساکنین بافت را باعث می‌شود. برای این منظور پس از بیان نمودن مبانی نظری مربوط به گردشگری و مسیرهای گردشگری، بافت تاریخی شهر مشهد به عنوان نمونه‌ی موردی انتخاب، آثار و نقاط تاریخی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی مشخص و سپس سه مسیر گردشگری پیاده و یک مسیر مخصوص اتوبوس پیشنهاد شده است. دوره‌ی تاریخی هر یک از بناها، سرعت فرد پیاده، آداب بازدید از بناهای مذهبی، طول مسیر و زمان مورد نیاز برای بازدید از آثار تاریخی از جمله عواملی بودند که در انتخاب مسیرها نقش عمده داشتند. روش تحقیق این پژوهش بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استوار است. مبانی نظری بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای تهیه شده و اطلاعات نمونه‌ی موردی بر اساس برداشت‌های میدانی به دست آمده است.

واژگان کلیدی: راه پیاده، گردشگری، مسیرهای گردشگری، بافت تاریخی، مسیر ویژه‌ی اتوبوس

۱- مقدمه

بافت‌های کهن با ساخت‌وسازهای بی‌رویه و نادرست و عدم توجه و رسیدگی به آن‌ها، در بیشتر شهرهای ایران رو به ویرانی و تخریب است. این مسأله پیامدهای منفی بسیاری را در شهرها و گاه حتی در روستاها دربرداشته است. نادیده گرفته شدن انسان (به‌عنوان فرد پیاده)، فقدان حیات‌شهری، تخریب عرصه‌های عمومی، از بین رفتن خاطرات جمعی و بسیاری آثار سوء دیگر می‌توانند در شمار این پیامدها قرار گیرند. ولی آن‌چه که در این پژوهش تأکید بیشتری روی آن شده، ارزش این بافت‌ها و آثار و بناهای ارزشمند موجود در آن در گردشگری و جذب گردشگران است. حضور گردشگران می‌تواند اثرات مثبت بسیاری را بر جای گذارد. درک و شناخت محیط، آشنایی با فرهنگ و رسوم مردمان و نحوه‌ی تفکر آن‌ها در هر منطقه، افزایش عرصه‌های عمومی، ارتقای حیات شهری، رشد و سود اقتصادی، حفظ ساکنین بافت و بسیاری دیگر از جمله‌ی این اثرات مثبت هستند.

در حال حاضر با سرعت زیاد، بافت تاریخی شهر مشهد (بافت پیرامون حرم امام رضا) و بافت‌های با ارزش متصل به آن در حال نابودی و تخریب است و نقش انسان، فرد پیاده و گردشگر به کلی نادیده گرفته شده. هتل‌ها و مهمان‌پذیرها به دلیل سود اقتصادی زیاد، به سرعت در حال افزایش است که جایگزین بافت تاریخی و عناصر ارزشمند شهر می‌شوند.

مسیرهای پیاده‌گردشگری تاریخی می‌تواند هم باعث حفظ بافت و آثار ارزشمند گذشته شود و هم با طراحی برای انسان، ارزش‌های گذشته را احیا کند و در کنار این‌ها بسیاری مشکلات دیگر و کمبودهای امروز را برطرف نماید و محیطی جذاب برای گردشگران به وجود آورد.

مسیری که برای این راه‌ها در نظر گرفته می‌شود باید دارای جذابیت‌ها و ارزش‌های منحصر به‌فرد خود باشد و طوری مسیریابی شود که فرد پیاده را خسته نکند و به عبارتی نه زیاد طولانی باشد و نه کوتاه.

برای این منظور نخست بایستی نقاط ارزشمند تاریخی و آثار مهم معماری و عناصر ارزشمند دیگر شناسایی شوند، سپس یک‌سری عوامل که برای

یافتن مسیر اهمیت دارند، باید فهرست شده و پس از اولویت‌بندی، باتوجه به آن‌ها و پس از برداشت میدانی، بهترین مسیر مشخص شود. برای راحتی بیشتر گردشگران، پس از مسیریابی نقشه‌ای تهیه می‌شود که مسیرها روی آن مشخص شده است و تعداد بناها و آثاری که می‌توانند در آن راه از آن‌ها دیدن نمایند و همچنین زمان لازم برای پیاده‌روی مشخص می‌شود.

۲- گردشگری

۲-۱- تعریف گردشگری و گردشگر

تا چندی پیش شاید به گردشگری فقط از نگاه یک گرایش در یک رشته‌ی خاص (مثلاً جغرافیا) توجه می‌شد. ولی امروزه گردشگری مفاهیم گسترده‌ای پیدا کرده و توجه بیشتری به آن صورت گرفته است، در حدی که امروزه از آن به عنوان فعالیت چهارم (در کنار کشاورزی، صنعت و خدمات) نام برده می‌شود (موحد، ۱۳۸۶، ۲).

به دلیل گستردگی موضوع گردشگری و خاصیت بین رشته‌ای آن (پاپلی، ۱۳۸۵، ۱۳) و همچنین پیچیدگی گردشگری به مثابه امری تجربی، ذهنی و احساسی (Morgan, 2010, 3)، تعاریف گوناگون و توضیحات بسیاری راجع به مفهوم آن در منابع مختلف داده شده است. در این پژوهش تا حدی به تعاریف پرداخته می‌شود که مفهوم آن برای دریافت بهتر مطلب اصلی (مسیر پیاده‌گردشگری) روشن شود. در هر تعریف روی یک بعد خاص از ابعاد گردشگری (مانند فاصله، زمان، اجتماع، آگاهی انتخاب و غیره) تأکید بیشتری شده است. لغت گردشگری (Tourism) از کلمه‌ی Tour گرفته شده که به معنی گشتن است (پاپلی، ۱۳۸۵، ۱۸ و Wikipedia: واژه‌ی گردشگری). کولتمن گردشگری را مسافرتی کوتاه‌مدت که از نقطه‌ای شروع و در نهایت به همان نقطه باز می‌گردد و در طول مسافرت بر اساس یک برنامه‌ی خاص از مکان‌ها و جاهای متعدد دیدار می‌شود و مبالغ زیادی ارز که گردشگران خرج می‌کنند، تعریف نموده است (Michel, 1989, 3) به نقل از: پاپلی، ۱۳۸۵، ۱۴). در تعریفی که در کنفرانس بین‌المللی سفر و گردشگری توسط سازمان جهانی

گردشگری ملل متحد (UNWTO) مطرح می‌شود، گردشگری شامل فعالیت‌های جایجایی و اقامت فرد به محیطی غیر از محیط همیشگی‌اش است که کمتر از یک سال باشد و اهدافی چون تفریح، کار و غیره را در بر می‌گیرد (Goeldner, ۲۰۰۹).

۲-۲- انواع گردشگری

عوامل مختلف و بسیار متفاوتی در گردشگری نقش دارند. عواملی چون ارزش‌های فرهنگی، توان مالی افراد، زمان سفر، امکانات بهداشتی، امکانات رفاهی، توان‌های طبیعی موجود و غیره. به دلیل وجود این عوامل بسیار زیاد، دسته‌بندی‌های متعددی برای گردشگری انجام شده است و گونه‌های زیادی را برای آن برشمرده‌اند.

رضوانی برای گردشگری دسته‌بندی دیگری را قائل است: ۱. گردشگری تفریحی، ۲. گردشگری درمانی، ۳. گردشگری فرهنگی، ۴. گردشگری اجتماعی، ۵. گردشگری ورزشی، ۶. گردشگری مذهبی و زیارتی، ۷. گردشگری بازرگانی و تجاری و ۸. گردشگری سیاسی (رضوانی، ۱۳۷۴، ۱۸ تا ۲۰ به نقل از: پاپلی، ۱۳۸۵، ۴۷).

امروزه انواع دیگر گردشگری نیز مطرح شده‌اند که در گذشته وجود نداشته‌اند. گردشگری الکترونیک (e-Tourism) و همچنین گردشگری فضایی (اعزام افراد به ایستگاه بین‌المللی فضایی) از این دسته هستند. (Wikipedia: عبارت گردشگری فضایی)

پاپلی گونه‌های گردشگری را در دو نوع کلی، تحت عنوان گردشگری از نظر مکان مقصد و گردشگری از نظر موضوع تقسیم بندی می‌کند. هر کدام از این دسته‌ها خود تا چند سطح جزئی‌تر و دسته‌بندی نسبتاً جامعی ارائه شده است (پاپلی، ۱۳۸۵، ۴۸ تا ۵۳).

مسیرهای گردشگری پیاده، قبل از هر چیز دیگر به گردشگری بودن اشاره دارد و در مراحل بعدی بر پیاده‌مداری و امتداد و مسیر بودن آن تأکید می‌کند. در این‌جا برای دقیق‌تر شدن مسئله، یاد می‌شود که مسیرهای مورد نظر تاریخی هستند. پس باید ابتدا در نظر داشت که این مسیرها معمولاً در بستر شهرها اتفاق می‌افتند. به همین جهت از نظر مقصد جزء گونه‌های گردشگری شهری محسوب می‌شوند و اصول و معیارهای گردشگری شهری بر آن حاکم است. از سوی دیگر به دلیل ماهیت این نوع گردشگری و مسیرهای آن که به آثار تاریخی و فرهنگی به‌طور عام می‌پردازد، می‌توان آن را در گونه‌های دیگر از نظر موضوع قرار داد و آن گردشگری فرهنگی هنری و گاه گونه‌های گردشگری اجتماعی است. از این پس هر جا از واژه‌ی گردشگری به‌طور مطلق استفاده شد منظور گردشگری مورد نظر این پژوهش است یعنی گردشگری شهری و فرهنگی و هنری.

۲-۳- گردشگری شهری و گردشگری فرهنگی

۲-۳-۱- ساختار گردشگری شهری

شهرها همواره در طول قرن‌ها با توجه به این که کانون قدرت و تصمیم‌گیری بوده‌اند، درون خود حوادث و جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیاری را جای داده‌اند که امروزه مورد توجه گردشگران است (نوری کرمانی و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۳۹). گردشگری شهری را می‌توان مسافرت به شهر با انگیزه‌های مختلف بر پایه‌ی جاذبه‌های گوناگون، امکانات و تسهیلات شهری دانست که باعث ایجاد انگیزه و علاقه در شخص می‌شود (موحد، ۱۳۸۶، ۳۴). باتوجه به این تعریف می‌توان گفت که فضای گردشگری شهری، فضایی است که منابع گردشگری در آن وجود دارد.

برای شناخت دقیق‌تر گردشگری شهری، عناصر بنیادی آن را باید شناخت. این عناصر عبارتند از:

۱. عناصر اولیه‌ی گردشگری

- فعالیت‌هایی مانند تئاتر، سینما، نمایشگاه‌ها و...

- مکان‌های قابل بازدید مانند مکان‌های تاریخی، بوستان‌ها، موزه‌ها و...

۲. عناصر ثانویه شامل مهمانسراها، بازارها، فروشگاه‌ها و...

۳. عواملی چون اطلاعات، خدمات موجود، نقشه‌های راهنما و اداره‌ی اطلاعات برای راهنمایی گردشگران (موحد، ۱۳۸۶، ۳۴)

در ارائه‌ی نقشه‌ی مسیرهای پیاده‌ی گردشگری نیز به این فعالیت‌ها توجه شده است و وجود یا نبود آن‌ها در مسیر در انتخاب مسیر نقش داشته است.

۲-۳-۲- گردشگری فرهنگی و هنری

در پیرامون امر گردشگری، آثار فرهنگی بسیاری شکل می‌گیرد. توسعه‌ی گردشگری به عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی باعث می‌شود که فرصتی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه‌ی میزبان به‌وجود آید و آنان بتوانند یکدیگر را بهتر درک کرده و به فرهنگ هم بیشتر احترام بگذارند (پاپلی، ۱۳۸۵، ۸۹).

یک نوع از آن گردشگری فرهنگی و هنری می‌باشد که خود زیرمجموعه‌هایی چون آثار باستانی، آثار تاریخی، آثار فرهنگی (موزه‌ها، گالری‌ها، کنسرت‌ها، تئاتر و...)، آثار فرهنگی، سنتی، مردم‌شناسی، لباس‌شناسی، غذای محلی و مراسم محلی، گردشگری غذایی و گردشگری دینی را شامل می‌شود. البته منظور، این دیدگاه نیست که جاذبه‌ها (در اینجا جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی) به تنهایی عامل جذب‌کننده است و دیگر نیازی به افزودن امکانات و خدمات‌دهی وجود ندارد. بلکه اولویت این پژوهش چنین امکاناتی نمی‌باشد. مناسبانه دیدگاه اخیر - که جاذبه‌ها خود به تنهایی کافی هستند - باعث شده که جاذبه‌های بسیاری را که در کشور وجود دارد و ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به یک جاذبه‌ی مهم را دارا می‌باشند، در حال فرسوده شدن باشند و تنها به عنوان یک اثر تاریخی نگهداری شوند (موحد، ۱۳۸۶، ۷۵).

۲-۴- گردشگری و اطلاعات شهری

همان‌طور که در بخش گردشگری شهری نیز بیان شد، دادن اطلاعات و خدمات و نقشه‌ها و غیره نیز از عناصر بنیادی گردشگری محسوب می‌شوند. دادن اطلاعات شهری به گردشگران در شهر یکی از ضروریات صنعت گردشگری محسوب می‌شود. این اطلاعات می‌توانند شامل:

۱. اطلاعات مربوط به مراکز تاریخی، فرهنگی، هنری و تفریحی، موقعیت، ویژگی‌ها و تاریخچه و ارزش اجتماعی و...
۲. اطلاعاتی راجع به تأسیسات شهری مانند سامانه‌ی حمل‌ونقل عمومی، مراکز خرید، پلیس، بیمارستان و...
۳. اطلاعات مربوط به خدمات شهری مربوط به گردشگری مانند خدمات بانکی، رستوران‌ها و... باشد (موحد، ۱۳۸۶، ۹۷).

هدف اصلی این پژوهش نیز تهیه‌ی همین اطلاعات و هم‌پوشانی آن‌هاست که در نهایت بتواند مسیرهایی را برای گردشگری پیاده پیشنهاد دهد و آن‌ها را اولویت‌بندی نماید.

۲-۵- مسیرهای پیاده‌ی گردشگری

ابتدا در قرون وسطی به اصطلاح پیاده‌روها ایجاد گردیدند. در قرن نوزدهم نیز با ایجاد بلوارهای شهری، الگوی جدید ظاهر شد و مسیرهای عابر پیاده به فضایی سبز و پر درخت تبدیل شدند. سپس چندین دوره تحولات دیگر مثبت و منفی در حرکت عابر پیاده تا دوره‌ی حاضر صورت گرفت (کنف لاکر، ۱۳۸۱، ۲۳).

آنچه که باید به‌طور کلی در نظر داشت این است که اتومبیل امروزه بخشی از زندگی ما و ایجادکننده‌ی فعالیت‌های شهری است. مسئله در اینجا است که نباید نیازهای عابر پیاده فدای حضور اتومبیل شوند (میرغلامی، ۱۳۸۶، ۱۳۵).

لزوم توجه به خیابان‌ها به عنوان عرصه‌ی عمومی، مطرح شدن مجدد مفاهیمی چون حیات شهری و درک و دریافت اهمیت بافت‌های کهن و لزوم حفاظت از آن‌ها و راه‌حل‌های گردشگری و نقش گردشگری در حفاظت بافت، باعث شد تا مفهوم مسیرهای پیاده‌ی گردشگری مطرح شود. مسیرهایی که می‌تواند تمام آثار مثبتی که در بخش اثرات گردشگری یاد شد را در بر داشته باشد و به دلیل این که به حرایم خصوصی مالکین نیز داخل نمی‌شود، از سوی ساکنین و مالکین مورد قبول واقع شود (حبیبی، ۱۳۸۰، ۴۵ تا ۴۷).

این مسیرها به دلیل آن که از دل بافت انتخاب می‌شوند و مسیرهایی هستند که هماهنگ با بافت هستند، تخریبی به بافت وارد نمی‌کنند و مانند خیابان کشی‌هایی نیستند که امروزه در بافت‌های کهن ایجاد می‌شود. رویکرد پیاده‌محور، نه تنها حیات گذشته را به بافت تاریخی خود باز می‌گرداند بلکه جاذبه‌هایی را برای گردشگران فراهم می‌آورد (میرغلامی، ۱۳۸۶، ۱۲۶).

۶-۲- اصول انتخاب مسیرهای پیاده‌ی گردشگری

عوامل مختلفی در انتخاب مسیر پیاده‌ی گردشگری نقش دارند، از آن میان برخی که در انتخاب مسیرهای این پژوهش نقش اصلی داشتند به صورت زیر است:

- مسیر انتخاب شده از مسیرهای موجود بافت باشد و با در نظر داشتن شرایط هر بافت ساماندهی شود.

- مسیری باشد که به‌طور تاریخی مکان حوادث و وقایع شهری باشد و یا در زندگی امروز شهر نقشی هویت‌بخش و تأثیرگذار داشته باشد.

- مسیری باشد که بتواند تلفیقی از حرکت سواره و پیاده را میسر سازد و امکان حضور وسایل نقلیه‌ی عمومی سازگار با بافت را فراهم کند.

- مسیری باشد که بتوان حد اکثر فضای آن را به پیاده و حداقل فضای مطلوب سواره را در آن تدارک دید.

- مسیری باشد که پیوستگی آن در دل بافت پیرامونی انعطاف‌پذیر بوده و مانع سلب حق انتخاب گردشگر در مسیر نگردد.

- مسیری باشد که بتوان اجرای آن را در مراحل مختلف و با توجه به شرایط بافت، محدودیت‌ها و مشکلات اجرایی و نیز پذیرش تغییرات از سوی ساکنان تدارک دید. (حبیبی، ۱۳۸۰، ۴۹)

۳- معرفی نمونه‌ی موردی

۳-۱- سابقه‌ی تاریخی شهر مشهد و محدوده‌ی مورد نظر

مشهد در اوایل قرن نهم میلادی روستایی به نام سناباد بوده است. در همین قرن امام رضا(ع)، هشتمین امام شیعیان مسموم و شهید و در این روستا مدفون شدند. حرم امام رضا(ع) باعث جذب زائران از نقاط مختلف ایران و جهان شیعه شد و روستای کوچک سناباد به تدریج به یک شهر عمده تبدیل گشت. نام سناباد به مشهد (به معنای جای شهادت) تغییر یافت و مشهد تقریباً جایگزین توس شد (خیرآبادی، ۱۳۷۶، ۹۶).

حرم امام رضا(ع) به عنوان نقطه‌ی کانونی رشد شهر عمل می‌کرد. خیابان‌های اصلی و کوچه‌های قدیم مشهد به‌صورت شعاعی از حرم شروع می‌شدند و سپس تا حصار شهر ادامه پیدا می‌کردند. شاه عباس صفوی توجه بسیاری به حرم و پیرامون آن داشت. وی دو خیابان عریض و مستقیم بالاخیابان و پایین خیابان را از حرم به دروازه‌های شهر کشید که تا امروز مورد استفاده و با اهمیت هستند.



نقشه‌ی شماره‌ی ۱: دوخیابان احداث شده توسط شاه‌عباس و ارگ حکومتی، نقشه‌ی قدیم مشهد، برگرفته از اسناد آستان قدس

در کنار این عامل (حرم امام رضا) عامل دیگری به وجود آمد که مقداری از نیروی کشش حرم را کم می‌کرد. عامل جدید، ارگ حکومتی و میدان چسبیده

به آن بود. این ارگ در کنار حصار شهر و در قسمت جنوب‌غربی احداث شد. بافت نزدیک به این ارگ ارزش جدیدی پیدا کرد و توانمندان مالی و افراد وابسته به حکومت، زمین‌ها و بناهای اطراف آن را خریدند و وجود باغ‌های بسیار و خانه‌های وسیع نیز از مشخصه‌های این بافت شد. در گذشته این بافت قسمت جنوبی بالاخیابان را شامل می‌شد. در دوره‌ی رضاشاه که خیابان‌کشی‌های متعددی در شهر صورت گرفت، بافت پیرامون حرم به وسیله‌ی خیابان‌ها به چهار قسمت تقسیم شد.

در دوره‌های بعدی که حصار و ارگ شهر تخریب شد، ارگ حکومتی و میدان آن جای خود را به خیابان ارگ داد ولی همچنان مکانی برای افراد ثروتمند بود. کم‌کم با خیابان‌های جدید و گسترش شهر از همه‌ی جهات، محلات قبلی رونق خود را از دست دادند، افراد با توان مالی بالاتر از مرکز شهر به دلیل شلوغی و آلودگی رانده شدند و بافت پیرامونی حرم به بافتی برای زائران و عده‌ای از افراد قدیمی تبدیل شد. امروزه در این بافت شاهد تعداد زیادی هتل و هتل‌آپارتمان و مسافرخانه هستیم. از مشخصه‌های امروزه‌ی این بافت می‌توان کوچه‌های پیچ‌درپیچ، آلودگی، تراکم جمعیتی بالا، شلوغی، سروصدا و خانه‌های قدیمی و فرسوده را ذکر کرد.

۳-۲- آثار تاریخی شهر مشهد

آثار تاریخی شهر مشهد (که در مسیرهای پیشنهادی این پژوهش قرار می‌گرفتند) به تفکیک دوره‌های تاریخی دسته‌بندی شده‌اند. (برگرفته از پژوهش‌های میدانی؛ و سیدی، ۱۳۸۲؛ رهنما، ۱۳۸۸؛ بختیاری، ۱۳۸۱؛ یاسبان حضرت، ۱۳۸۳؛ نوروزی، ۱۳۸۶) آثاری که تخریب شده یا قابلیت بازدید را ندارند در این دسته‌بندی حذف شده‌اند. هم‌چنین از دوره‌ی قاجار جز قسمتی از صحن‌های حرم و تزئینات داخل حرم، بنای شاخص دیگری به‌جا نمانده است. محل این آثار در نقشه‌ی شماره‌ی ۲ مشخص است.



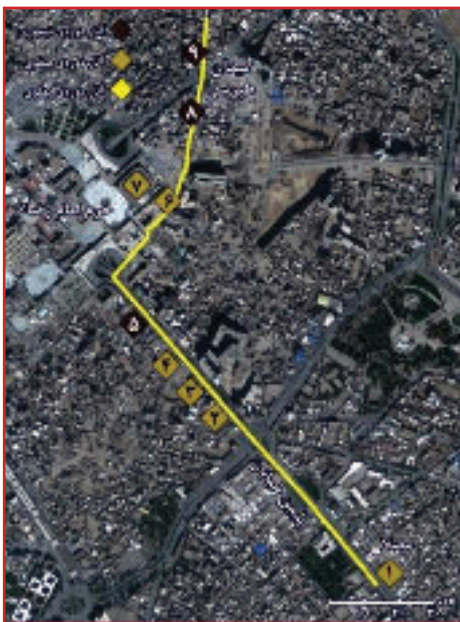
نقشه‌ی شماره‌ی ۲: آثار تاریخی شهر مشهد به تفکیک دوره‌ها

۴- انتخاب مسیرهای گردشگری

برای انتخاب مسیرهای گردشگری پیاده باید قبل از هر چیزی به تولید چند نقشه پرداخت که بدون آن‌ها انتخاب مسیر ممکن نیست. در این پژوهش برای این منظور دو نقشه تولید شد. یکی نقشه‌ی آثار ارزشمند و تاریخی و دیگری نقشه‌ی مسیرهای تاریخی یا جذاب و تجاری. (نقشه‌ی شماره‌ی ۳) این دو نقشه به انتخاب مسیر پیاده‌ی گردشگری کمک می‌کنند. یعنی مسیری انتخاب شود که علاوه بر دارا بودن آثار تاریخی از جذابیت‌های دیگر نیز برخوردار باشد. در حقیقت بازارها و راسته‌های تجاری هدف نیستند و تنها به یافتن مسیری دلپذیرتر کمک می‌کنند.

۴-۱- معرفی و توضیحاتی درباره‌ی مسیرها

مسیر شماره ۱: ابتدای مسیر مصلا انتخاب شده است. این مبدأ از فرصت مناسبی برخوردار است، چراکه روبروی آن بوستان نسبتاً وسیعی قرار دارد که می‌تواند به جذب گردشگران کمک کند و محلی برای استراحت باشد. ادامه‌ی مسیر از پایین‌خیابان می‌گذرد، محوری تاریخی که به دستور شاه‌عباس صفوی احداث شده است. در این مسیر آثار فراوانی چون کاروانسراها و مساجد برای بازدید وجود دارند و همچنین کاربری‌های حاشیه‌ی خیابان نیز تجاری است. سپس این مسیر از کنار حرم عبور کرده و به میدان طبرسی می‌رسد و از آنجا وارد محله‌ی نوغان می‌شود که انتهای مسیر همین منطقه است. محله‌ی نوغان یکی از قدیمی‌ترین محله‌های شهر مشهد و دارای بناهای تاریخی متعددی است. اگر زمان مورد نیاز برای بازدید هر بنای شاخص را به طور میانگین ۸ دقیقه در نظر بگیریم، زمان مورد نیاز برای طی این مسیر و بازدید از آثار تاریخی حدود ۱۰۰ دقیقه است. (زمان مورد نیاز برای بازدید هر بنا بر اساس مطالعات میدانی به‌دست آمده است.)



نقشه‌ی شماره ۵: مسیر شماره ۵: ۱. مصلا ۲. کاروانسرا ۳. مسجد صاحب‌الزمان ۴. کاروانسرا ۵. مسجد فیل ۶. مقبره‌ی پیرپالان دوز ۷. آرامگاه ۸. گنبد خشتی ۹. مسجد

مسیر شماره ۲: ابتدای این مسیر چهارراه شهید یعنی مقبره‌ی نادرشاه افشار است. مسیر، منطبق بر یکی دیگر از خیابان‌های تاریخی - که شاه‌عباس آن را احداث نمود - یعنی بالاخیابان است. سپس با انحراف مسیر به داخل بافت و عبور از کوچه‌های تاریخی همچون پنجه - که منتسب به پنجه‌ی حضرت رضا(ع) است - از کنار حرم و از طریق بازار فرش فعلی که قسمتی به جای مانده از بازار قدیمی شهر است به کوچه‌ی بازار سرشور می‌رسیم و مسیر در امتداد این کوچه‌ی تاریخی و پر از واحدهای کوچک تجاری ادامه می‌یابد. با فرض این که زمان مورد نیاز برای بازدید از هر بنای این مسیر به طور میانگین ۱۰ دقیقه باشد (با توجه به وجود موزه‌ی نادری و موزه‌ی مردم‌شناسی در مسجد شاه و زمان مورد نیاز برای مشاهده‌ی آن‌ها، میانگین زمان لازم برای بازدید از هر بنا بیشتر از مسیر شماره ۱ یک در نظر گرفته شده) کل زمان لازم برای پیمودن و بازدید از عناصر تاریخی آن حدود ۱۰۰ دقیقه است. ارتباط مسیر شماره ۱ یک و شماره ۲: علاوه بر ارتباطی که توسط وسیله‌ی نقلیه عمومی بین این مسیرها فراهم می‌شود یک راه ارتباطی برای افرادی که مایل به پیاده‌روی هستند نیز در نظر گرفته شده است. این راه که از میان بافت قدیمی شهر می‌گذرد و دارای جذابیت‌های بسیاری است (و همچنین گردشگران را با فرهنگ ساکنان و نحوه‌ی زندگی آن‌ها بیشتر آشنا می‌سازد)، به نقطه‌ی آغازین مسیر شماره ۲ دو می‌رسد. این مسیر در نقشه‌ی شماره ۴ مشخص است.



نقشه‌ی شماره ۳: مسیرهای تجاری و بازارها، مسیرها: ۱. خیابان تهران ۲. خسروی نو ۳. سرشور ۴. ارگ ۵. خسروی ۶. جنت ۷. جم ۸. سعدی ۹. دانشگاه ۱۰. بالاخیابان ۱۱. پایین‌خیابان ۱۲. بازار رضا، متمرکز: ۱. هفده شهریور ۲. عباس‌قلی‌خان ۳. قلعه‌ی آب ۴. بازار مرکزی ۵. بازار حکیم عمیدان شهیدا

حال برای یافتن مسیر پیاده‌ی گردشگری از این نقشه‌های تولید شده استفاده می‌کنیم. مسیرها را می‌توان بر اساس عوامل مختلفی تعیین کرد. مثلاً مسیری که تنها بتوان در آن به دیدن مساجد و یا مسیری که به دیدن آرامگاه‌ها پرداخت. در نوع دیگر می‌توان مسیرهایی را پیشنهاد داد که اطراف حرم را دربر می‌گیرد و مسیری که خارج از محدوده‌ی بلافصل حرم قرار دارد. تعداد زیادی از این گونه تقسیمات را برای یافتن مسیرها می‌توان انجام داد.

تقسیم‌بندی که در این پژوهش، برای یافتن مسیرهای پیاده‌ی گردشگری در بافت تاریخی مشهد، در نظر گرفته شده است، بر اساس دوره‌های تاریخی است. بدین منظور آثار تاریخی به دو دسته‌ی کلی دوره‌ی پیش از پهلوی و دوره‌ی پهلوی تقسیم شده است. آثار دوره‌ی پیش از پهلوی تقریباً در بافت پیرامونی حرم و در قسمت مرکزی و شرقی قرار دارند و آثار دوره‌ی پهلوی به‌طور عمده در قسمت غربی قرار گرفته‌اند.

با توجه به موارد یاد شده در انتخاب مسیرهای گردشگری، سه مسیر پیاده در نظر گرفته شد (نقشه‌ی شماره ۴). مسیرها به گونه‌ای انتخاب شدند که قابل پیاده‌روی باشند و برای فرد پیاده خسته‌کننده نشوند. طول این مسیرها حدود دو کیلومتر است. اگر سرعت پیاده‌روی یک فرد عادی را ۵ کیلومتر در ساعت فرض کنیم، پیاده‌روی از ابتدا تا انتهای هر مسیر بدون توقف تقریباً ۲۵ دقیقه است.



نقشه‌ی شماره ۴: مسیرهای پیاده‌ی پیشنهادی (با رنگ زرد) و مسیرهای ارتباطی (با رنگ سفید)

مسیر شماره ۱ به آثار تاریخی دوره‌ی تیموری و صفوی اختصاص دارد. مسیر شماره ۲ علاوه بر آثار این دوره‌ها، بناهایی از دوره‌ی پهلوی را دربر می‌گیرد. و مسیر شماره ۳ به بناهای دوره‌ی پهلوی اختصاص دارد (به استثنای یک بنا). تفکیک مسیرها بدین گونه باعث می‌شود که حال‌وهوای هر دوره نیز برای گردشگر تداعی شود. مثلاً در مسیر شماره ۱ یک بازدیدن بناهای دوره‌ی صفوی و عبور از کنار کاروانسراها و بناهای قدیمی حسی به فرد پیاده دست می‌دهد که از تجربه‌ی مسیر شماره ۱ سه متمایز است. مسیر شماره ۲ سه که در دوره‌ی پهلوی به‌وجود آمده و معماری بناها، نحوه‌ی استقرار آن‌ها در فضا و کاربری‌ها و فعالیت‌های آن همگی حکایت از روح آن دوره دارد.

در این جا بحث درباره‌ی چند موضوع ضروری است. یکی آن که مجموعه‌ی حرم امام رضا(ع) و آثار و بناهای داخل مجموعه در طول هیچ‌یک از این سه مسیر پیاده در نظر گرفته نشده است. این مجموعه به دلیل شرایط خاص حاکم بر آن و همچنین زمان نسبتاً طولانی برای بازدید (صحن‌های مختلف، موزه و...)، به صورت جداگانه قابلیت گردشگری دارد.



نقشه‌ی شماره‌ی ۸: آثار و بناهای شاخص در مجموعه‌ی حرم امام رضا(ع)، موزه‌ی آستان قدس ۲، مقبره‌ی شیخ بهایی ۳، مسجد گوهرشاد ۴، ایوان و گنبد طلا و مدارس قدیمی ۵، مقبره‌ی شیخ حر عاملی ۶، مقبره‌ی شیخ طبرسی

موضوع دیگر، مشمول نشدن تعداد اندکی از آثار تاریخی در این مسیرها است. این امر به دلیل دور بودن و جدا افتادن آن بناها از مسیرها بود که امکان داشت گردشگران را خسته کند و از ادامه‌ی مسیر بازدارد. می‌توان این بناها را جزء آثار دیدنی به صورت جداگانه مطرح نمود.

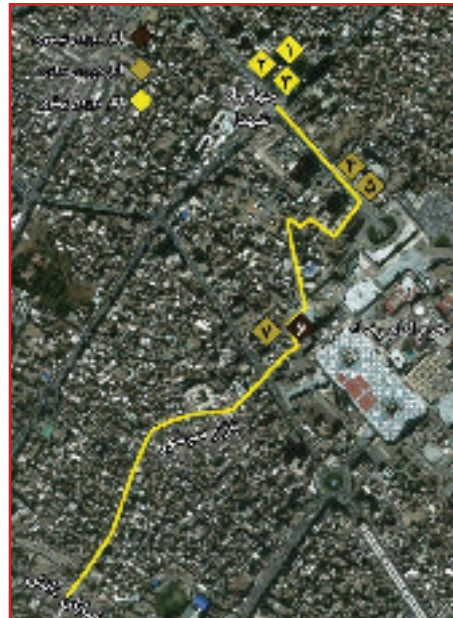
جدول شماره‌ی ۱: مشخصات مسیرهای پیاده‌ی گردشگری

راه پیاده‌ی گردشگری	ابتدای مسیر	انتهای مسیر	طول مسیر	زمان مورد نیاز برای بازدید هر بنای تاریخی (به طور متوسط)	کل زمان مورد نیاز برای طی مسیر و بازدید از آثار (با تقریب ۵ دقیقه)
مسیر شماره‌ی ۱	مصلا	میدان طبرسی	۲.۱ کیلومتر	۸ دقیقه	۱۰۰ دقیقه
مسیر شماره‌ی ۲	چهارراه شهنا	انتهای بازار سرشور	۲.۱۶ کیلومتر	۱۰ دقیقه	۹۰ دقیقه
مسیر شماره‌ی ۳	میدان شهنا	میدان دودی	۱.۶ کیلومتر	۴ دقیقه	۵۵ دقیقه
مسیر شماره‌ی ۳ و ۴	-	-	۲.۴ کیلومتر	۴ دقیقه	۸۰ دقیقه

مسیر گردشگری مخصوص اتوبوس: علاوه بر مسیرهای پیاده یک مسیر به صورت حلقه، برای اتوبوس نیز پیشنهاد شده است. یعنی مسیری که اتوبوس از محورهای تاریخی و از جلوی بناهای با ارزش و تاریخی عبور می‌کند. این مسیر دارای چندین ایستگاه است. این روش گردشگری معمولاً مورد استفاده‌ی گروه‌های خاصی قرار می‌گیرد. افرادی که زمان کافی برای پیاده‌روی و بازدید از آثار را ندارند. افراد سالخورده و معلولان که توانایی حرکت آن‌ها کم است. و همچنین افرادی که تمایل ندارند وقت زیادی را به بازدید از آثار تاریخی اختصاص دهند. البته ممکن است عده‌ای برای تجربه‌ی این مسیر به صورت سواره به استفاده از اتوبوس تمایل داشته باشند.

این اتوبوس‌ها در زمان‌های مشخصی باید حرکت کنند و برنامه داشته باشند و طبق آن به ایستگاه‌ها برسند. ایستگاه‌های این مسیر باید در نقاط ابتدایی و انتهایی مسیرهای پیاده، در قسمت ابتدایی و انتهایی بازارها و همچنین در قسمت‌هایی که آثار در داخل بافت قرار گرفته‌اند و امکان رفتن با اتوبوس به آن محل‌ها نیست، جانمایی شوند. ایستگاه دیگری که در این نمونه باید وجود داشته باشد در قسمت ورودی و خروجی حرم امام رضا(ع) است. گردشگران می‌توانند در این ایستگاه‌ها پیاده شده و به بازدید مجموعه‌ی حرم امام رضا(ع) بپردازند.

برای مسیر در نظر گرفته شده چهار اتوبوس پیشنهاد می‌شود که به فاصله‌ی هر ۱۵ دقیقه حرکت کند. گردشگران با خرید یک بلیت می‌توانند کل مسیر را طی کنند و یا در یک ایستگاه پیاده شده و در ایستگاه بعدی با همان بلیت سوار شوند و مسیر را ادامه دهند.



نقشه‌ی شماره‌ی ۶: مسیر شماره‌ی دو، ۱. آرامگاه نادرشاه ۲، آرامگاه محمدتقی‌خان پسیمان ۳، موزه نادی ۴، مسجد نایب (ملاهاشم) ۵، مدرسه‌ی نواب ۶، مسجد شاه ۷، بازار فرش کنونی

مسیر شماره‌ی ۳: ابتدای آن میدان شهنا (میدان اصلی شهر در دوره‌ی پهلوی و یکی از مهم‌ترین میدان‌های فعلی) و انتهای آن میدان دودی است (میدانی سرزنده و دارای فعالیت‌های خرد و جاذب گردشگر). محور اصلی خیابان ارگ است که در دوره‌ی پهلوی اول احداث شده است. این مسیر دارای دو انشعاب - مسیرهای فرعی - است که یکی از آن‌ها خیابان پیاده‌ی جنت و دیگری کوچه‌ی ثبت است. این دو محور فرعی به دلیل دارا بودن آثار تاریخی و جذابیت‌های کالبدی و اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. کاربری‌های حاشیه‌ی خیابان ارگ تجاری، تفریحی و اداری است.

طول این مسیر بدون در نظر گرفتن خیابان‌های فرعی حدود ۱.۶ کیلومتر و زمان مورد نیاز برای بازدید از بناها به طور میانگین ۴ دقیقه است. (به دلیل عدم امکان بازدید از داخل برخی بناهای این مسیر که دارای کاربری اداری و مسکونی هستند، میانگین زمان لازم برای بازدید از هر بنا کمتر از مسیر شماره‌ی یک و دو در نظر گرفته شده است.) زمان تقریبی لازم برای این مسیر حدود ۵۵ دقیقه می‌باشد.

ارتباط مسیر شماره‌ی دو و شماره‌ی سه: این ارتباط (که در نقشه‌ی شماره‌ی ۴ مشخص است) انتهای مسیر دو را به انتهای مسیر سه متصل می‌سازد.



نقشه‌ی شماره‌ی ۷: مسیر شماره‌ی سه، ۱. ساختمان شهرداری ۲، دبیرستان فردوسی ۳، مسجد مقبل (حمزه) ۴، فرهنگسرای بهشت ۵، کلیسا عباغ ملی ۷، بانک ملی ۸، اداره‌ی ثبت ۹، گنبد سبز ۱۰، اداره‌ی دارایی ۱۱، خانه‌ی ملک ۱۲، ساختمان هلال احمر

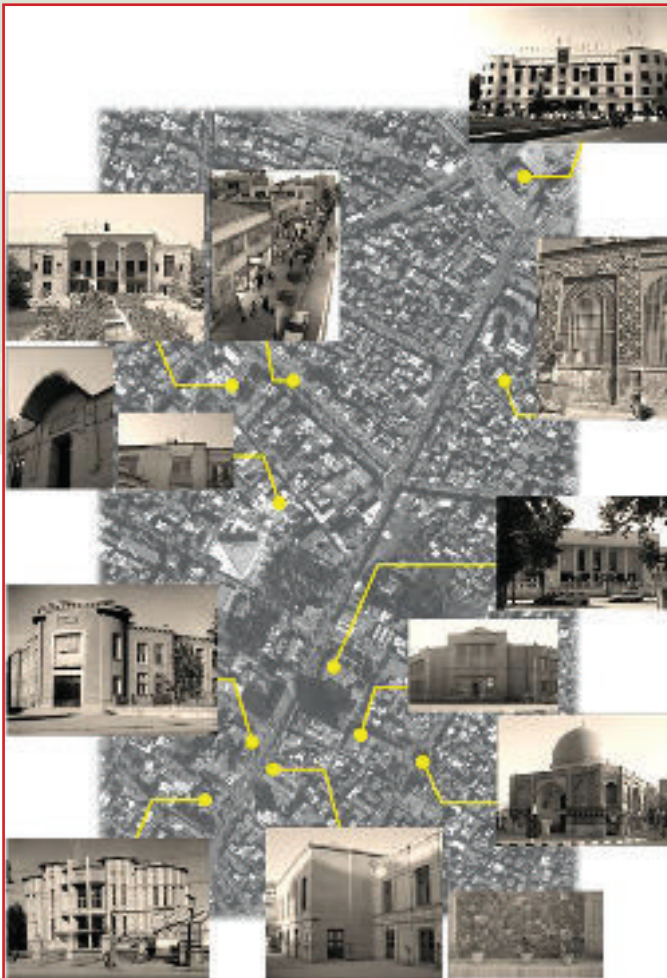


نقشه‌ی شماره‌ی ۹: مسیر مخصوص اتوبوس برای گردشگری و ایستگاه‌های در نظر گرفته شده

دلایل جانمایی ایستگاه‌ها در زیر آمده است:
 ایستگاه شماره ۱: ابتدای مسیر پیاده‌ی شماره‌ی یک
 ایستگاه شماره ۲: ورودی و خروجی مجموعه‌ی حرم امام رضا (ع) و بازدید از آثاری که در داخل بافت قرار گرفته‌اند.
 ایستگاه شماره ۳: انتهای مسیر پیاده‌ی شماره‌ی یک
 ایستگاه شماره ۴: ورودی و خروجی مجموعه‌ی حرم امام رضا (ع)
 ایستگاه شماره ۵: ابتدای مسیر پیاده‌ی شماره‌ی دو
 ایستگاه شماره ۶: ابتدای مسیر پیاده‌ی شماره‌ی سه و مراکز تجاری میدان شهدا
 ایستگاه شماره ۷: ابتدای خیابان پیاده‌ی جنت، بازدید از آثار داخل بافت
 ایستگاه شماره ۸: انتهای خیابان پیاده‌ی جنت، بازدید از آثار داخل بافت
 ایستگاه شماره ۹: انتهای مسیر پیاده‌ی شماره‌ی سه
 ایستگاه شماره ۱۰: انتهای مسیر پیاده‌ی شماره‌ی دو، بازدید از آثاری که در داخل بافت قرار گرفته‌اند، ورودی و خروجی مجموعه‌ی حرم و ابتدای بازار سرشور
 ایستگاه شماره ۱۱: ورودی و خروجی مجموعه‌ی حرم، ابتدای بازار رضا
 ایستگاه شماره ۱۲: انتهای بازار رضا

جدول شماره‌ی ۲: مشخصات مسیر گردشگری مخصوص اتوبوس

ردیف	نام ایستگاه	مختصات
۱	ایستگاه شماره ۱	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۲	ایستگاه شماره ۲	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۳	ایستگاه شماره ۳	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۴	ایستگاه شماره ۴	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۵	ایستگاه شماره ۵	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۶	ایستگاه شماره ۶	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۷	ایستگاه شماره ۷	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۸	ایستگاه شماره ۸	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۹	ایستگاه شماره ۹	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۱۰	ایستگاه شماره ۱۰	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۱۱	ایستگاه شماره ۱۱	۳۶° ۳۰' ۰۰"
۱۲	ایستگاه شماره ۱۲	۳۶° ۳۰' ۰۰"



تصویر شماره‌ی ۱: بازتجربه‌ی دوره‌ی پهلوی از طریق مشاهده‌ی آثار شاخص این دوره با حرکت در مسیر شماره‌ی ۳

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گردشگری بدون کنش و واکنش بین میهمان و میزبان نمی‌تواند وجود داشته باشد و با توجه به این که در این کنش و واکنش پول مبادله می‌شود، گردشگری را نمی‌توان تنها یک امر فرهنگی محسوب نمود (پاپلی، ۱۳۸۵، ۶۴). این منافع اقتصادی از راه‌های مختلفی حاصل می‌شود خود نیز بر جنبه‌های مختلفی تأثیر گذار است. اشتغال‌زایی، درآمدزایی، منافع حاصل از مالیات‌های اخذ شده از فعالیت‌های گردشگری، حفظ آثار تاریخی، توسعه‌ی صنایع دستی و فعال شدن صنایع قدیمی و فراموش شده، ایجاد و افزایش انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و بسیاری موارد دیگر از جمله اثرات فعال شدن حوزه‌ی گردشگری شهری و تاریخی و فرهنگی است (موجود، ۱۳۸۶، ۱۱۹ و غفاری، ۱۳، ۲۹). به یقین، اثرات مختلف گردشگری جدای از هم نیستند و با یکدیگر در تعامل و بر روی هم تأثیر می‌گذارند. یعنی نمی‌توان اثرات اقتصادی را جدای از اثرات ایجاد شغل دانست و یا ایجاد مشاغل را جدای از حفظ بافت و آثار تاریخی. در این میان آثار مثبت فراوان دیگری وجود دارند که گاه به صورت جنبی مطرح می‌شوند. آثاری مانند حفظ ساکنین بافت‌های کهن و کنترل منطقه‌ی توسعه‌ی شهری (جیبینی، ۱۳۸۰، ۴۶). گرچه امکان دارد این اثرات از ابتدا به عنوان هدف طراحان و تصمیم‌گیران نبوده باشد ولی اثراتی هستند که با توجه به گردشگری اتفاق می‌افتند. گردشگری با تمام اثرات مثبت خود، در برخی موارد می‌تواند دارای اثرات منفی و زیان‌بار باشد. اثرات منفی هم می‌تواند بر محیط فیزیکی باشد و هم بر محیط فرهنگی. جمعیت بیش از حد، ترافیک و مسئله پارکینگ، فرسایش و خسارات اتفاقی، آلودگی صوتی از جمله‌ی این اثرات منفی است (میرغلامی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). ولی با اندکی توجه در طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت در گردشگری و بافت‌های تاریخی و مسیرهای گردشگری، می‌توان آثار منفی را رفع کرد و یا تا مقدار زیادی کاهش داد. مسیرهای پیاده و سواره‌ی گردشگری پیشنهاد شده در این پژوهش سعی دارد آثار مثبت گردشگری را تا حد امکان در شهر باعث شود و همچنین راهنمایی باشد برای گردشگران و مدیران شهری. مسیرها و آثار یاد شده می‌تواند به صورت نقشه‌ای با اطلاعات مورد نیاز دیگر در اختیار گردشگران قرار گیرد. پس از یافتن مسیرها، در مراحل بعد می‌توان برای آن‌ها طرح‌های جدید و یا ضوابط طراحی در نظر گرفت. طرح‌هایی که نیاز گردشگران و ساکنین بافت را پاسخ‌گو باشد و به خلق فضاهای جذاب و جدید بیانجامد.

منابع

- [۱] موجد، علی، گردشگری شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۶
- [۲] پاپلی یزدی، محمدحسین و سقایی، مهدی، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۵
- [۳] سیدی، مهدی، سیمای تاریخی - فرهنگی شهر مشهد، چاپ اول، نشر آوام، ۱۳۸۲
- [۴] کشف‌لاخر، هرمان، اصول برنامه‌ریزی (طراحی) تردد پیاده و دوچرخه، ترجمه قریب، فریدون، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- [۵] رهنما، محمدرحیم، شناسایی نقاط بارز شهری (مفاهیم، مبانی، تئوری‌ها و انواع ارزش‌های شهری)، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۸
- [۶] بختیاری، سمیه، اطلس گردشگری و زیارتی مشهد مقدس، چاپ اول، مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی کیتاشناسی، ۱۳۸۱
- [۷] میرغلامی، مرتضی، "سایت‌های مذهبی - گردشگری و طراحی شهری پایدار با تأکید بر پیاده‌محوری - بافت اطراف حرم امام رضا (ع)"، فصل‌نامه‌ی هفت‌شهر، شماره ۲۱ و ۲۲، صفحات ۱۲۵ تا ۱۳۷، ۱۳۸۶
- [۸] جیبینی، محسن، "مسیر پیاده‌ی گردشگری"، فصل‌نامه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۹، صفحات ۴۳ تا ۵۱، ۱۳۸۰
- [۹] غفاری، رامین، "گردشگری و توسعه‌ی پایدار شهری"، بی‌جا، شماره ۶۳، صفحات ۲۹ تا ۳۴، بی‌تا
- [۱۰] نوری کرمانی، علی، ذوقی، ایوب و دیگران، "گردشگری شهری و پیوند عملکردی آن با اکوتوریسم"، مجله‌ی علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی، شماره ۲۶، صفحات ۱۳۷ تا ۱۵۶، ۱۳۸۸
- [۱۱] پاسبان حضرت، غلامرضا، "مردم شهر مشهد و گذران اوقات فراغت"، فصل‌نامه‌ی جستارهای شهرسازی، شماره ۱۰ و ۱۱، صفحات ۲۱ تا ۲۵، ۱۳۸۳
- [۱۲] نوروزی، لیلاد، "گردشگری و توسعه‌ی آن در مشهد"، فصل‌نامه‌ی جستارهای شهرسازی، شماره ۲۲ و ۲۳، صفحات ۵۸ تا ۶۵، ۱۳۸۶
- [۱۳] Morgan, Michael, Lugosi, Peter, Ritchie, J. R. Brent, The Tourism and Leisure Experience: Consumer and Managerial Perspectives, Channel View Publications, ۲۰۱۰
- [۱۴] Goldner, Charles R., Ritchie, J. R. Brent, Tourism: Principles, Practices, Philosophies, Eleventh ed., John Wiley and Sons, ۲۰۰۹
- [۱۵] <http://fa.wikipedia.org/wiki/گردشگری>

طرح یک ایده: نقش مکان‌ها در خلق خاطره جمعی نمونه موردی محله شارق

♦ امین خراسانی / کارشناس معماری



چکیده:

جستار حاضر با بررسی کوتاه دو رویکرد محله‌محور و محله‌زدا، در پی آن است تا نشان دهد چگونه با تعریف یک مکان، بر اساس نقش و توانایی‌هایش می‌توان امکاناتی را بازشناخت که در تعاریف ذات مدار ناممکن است. در بخش دوم با بررسی بسیار اجمالی تحولات محله‌ای در تهران - شارق - اشاره می‌کنیم چگونه مکان‌های قدیمی می‌توانند با ایجاد یک نظام تداعی، حامل خاطراتی باشند که شکاف موجود بین تازه‌واردان و ساکنان قدیمی محله را با برقراری رابطه‌ی تاریخی معینی پر کنند.

این درحالی است که علم تجربی در روند استدلالی خویش مجاز به کار بست تعاریف ذات مدار - خاصه در مقام نقطه‌ی عزیمت تحلیلی - نیستند. یافتن پاسخ تجربی اقتضاء می‌کند که پرسش آغازین، پرسشی نقش‌محور باشد. چرا که محله یا هر واحد دیگری فی نفسه هیچ چیز نیستند جز نقشی که در نسبت با دیگر محلات و سازماندهی فضایی کلی شهر ایفا می‌کنند.

از دیگر سوی، تعریف ذات‌مدار همواره مستقل از مصداق تجربی، حیاتی مستقل دارد؛ یعنی وقتی می‌گوییم محله چیست، منظورمان این است که محله به طور کلی - فارغ از هرگونه تعیین تجربی خاص - چیست و در گام بعدی محلات خاص را بر اساس این تعریف آغازین می‌سنجیم؛ به بیان دیگر این تعریف آغازین است که باید به ما بگوید کجا محله است و کجا نیست و کدام محله خوب است و کدام کم‌تر خوب.

اما در تعریف نقش‌محور، آن چه در مقام آغازگاه و نقطه‌ی عزیمت تحلیل اهمیت حیاتی دارد، تعیین نقش خاص هر یک از بسته‌ها و قطعات فضایی شهر، در نسبت با یکدیگر و کل شهر است. و شهر نیز در اساس چیزی جز این شبکه‌ی ارتباطات و پیوندها و گسل‌های فضایی نیست. سپس باید دید که هر یک از این فضاها مستقل چگونه حیات شهری را سازمان می‌دهند و چگونه می‌توانند بهتر سازمان دهند. در واقع، تعریف، چیزی جز تعیین نقش یک فضا نیست. در این جا می‌بینیم که بر خلاف تعریف ذات‌مدار، بدون بررسی‌های تجربی خاص در مورد هر یک از این فضاها نمی‌توانیم رأی و نظری صادر کنیم.

بررسی کوتاه بالا ناظر بر شکل استدلال هر یک از رویکردهای محله‌محور و محله‌زدا بود، که بنا بر آن چه آمد نشان داده شد این دو رویکرد هر دو در شکل استدلال از الگوی مشابهی پیروی می‌کنند. اما آن چه این دو رویکرد را از یکدیگر متمایز می‌سازد تصویر ارزشی و آرمانی آن‌ها از محتوای شهر و حیات شهری است. به طور کلی رویکرد محله‌محور تصویری از محله را در ذهن دارد که تا حدی نوستالژیک است؛ فضایی امن که اعتماد اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی به وفور در آن وجود دارد و مدام بازتولید می‌شود، افراد واجد هویت محلی مشابهی هستند، اتحاد و همدلی و هم‌زمانی و... مشخصه‌ی شهری است که محلات زنده دارد. در مقابل رویکرد محله‌زدا با این استدلال که محلات محتضر و مضمحلند و اجتماعات فضایی محلی، پایداری خود را به دلایل گوناگون از دست داده‌اند، بر این باورند که باید با هدایت سرمایه و توجه مدیران شهری به سوی سازماندهی‌های فضایی مرکزی‌تر و بزرگ‌تر، عمر در بستر بیمار لاعلاج تلف نکرد و با مجتمع‌سازی و شهرک‌سازی و اقداماتی مشابه امکانی برای سکونت مردمان رانده‌شده از محلات جست.

این دو تصویر و نگاه، پیامد منطقی و ضروری رویکرد ذات‌مدار به محلات

در نگاهی گذرا به مباحث جاری در حوزه‌ی مطالعات و مدیریت شهری در تهران، دو نگاه عمومی را می‌توان بازشناخت. در نگاه نخست کسانی در پی سازماندهی تهران بر اساس و با محوریت محله هستند و در نگاه دوم، دیگرانی بر این باورند که محلات در تهران مرده یا دست کم محتضرند و در شرایط جمعیتی و اقتصادی - فرهنگی کنونی، احیاء آن‌ها اقدامی ایترو بی‌فایده است. چرا که در این شرایط مفروض، مرگ و اضمحلال، سرنوشت محتوم محلات است. در نتیجه باید توجه و سرمایه را به اشکال مرکزی‌تر سازماندهی جمعیتی - فضایی معطوف ساخت.

بدبختانه در اثر نبود - یا کمبود - مطالعات جدی تجربی و نظری، چندان عجیب نیست که عموماً این مباحث از پایه‌ی استدلالی سست و مفاهیم غیرتجربی برخوردار باشند. در این جا تنها بنا داریم بر اندکی دقت در مفهوم بنیادی هر یک از دو منظر بالا (۱) چشم‌اندازی برای یک برنامه‌ی تحقیق بگشاییم که با تدقیق و نقادی دو دیدگاه بالا، تصور نگاه سومی را ممکن سازد و (۲) نشان دهیم که در این صورت‌بندی مجدد، مسئله سایت‌های خاطره‌ی محلی از اهمیت بسیاری برخوردار می‌گردند.

در ابتدا برای آسانی کار، نگاه نخست را محله‌محور و نگاه دوم را محله‌زدا می‌نامیم. پرسش محوری در هر یک از این دو نگاه تصویری است که هر یک، از مفهوم محله دارند. و بنا بر این تصور بهبود شرایط را منوط به محوریت یا زدایش محله می‌دانند. فارغ از این که از میان انبوه تعاریف موجود، کدامیک مبنای کار این دو نگاه قرار می‌گیرد، می‌توان خصلت مشترکی برای این تعاریف برشمرد. و آن این که تعاریف مذکور عموماً پاسخ سؤال مشخصی هستند: «محله چیست؟»

در پاسخ به این پرسش محوری، هر یک از منظرهای محله‌محور و محله‌زدا تعریف معینی را در پس پشت تحلیل خود مفروض می‌گیرند. هر یک از این تعاریف‌ها عواملی را بر می‌شمرد و فضایی را محله می‌خوانند که عوامل و معرف‌های آن تعریف، در آن وجود داشته باشد. اما از آن جا که این تعاریف در پی پاسخ به چستی یک محله هستند، به ناگزیر منطقی ذات‌مدارانه به محله اتخاذ می‌کنند.

است. حال آن که اگر از منظر پرسش نقش و توانایی به محلات بنگریم، اموری آشکار می‌شوند که تا پیش از این در ذیل سایه‌ی سنگین تعاریف پیشینی نادیده مانده بودند. پرسش اصلی بدین قرار است: «محلّه چه می‌تواند باشد؟»

با طرح این پرسش که شکلی از همان نگاه نقش محور به محلات است، در مقابل نگاه محله محور باید گفت، چنان تصویری از محلات، یا چنان محلاتی، برای همیشه، به شکل بازگشت‌ناپذیری از میان رفته‌اند و هرگونه عملی که احیاء آن را انتظار کشد نیز حکایت آب و هاون است. در مقابل در پاسخ به محله‌زادایان نیز باید گفت، محلات در تهران نه تنها محتضر نیستند بلکه بسیار جان‌سختانه، مدام در حالت تغییر شکل و تحول‌اند. آن چه مرگ یا اضمحلال محله خوانده می‌شود، شبیه آن است که از درختی تناور انتظار نهال شدن داشته باشیم. پرسش نقش محور در وهله‌ی نخست پرسش از راز بقا، تحول و انعطاف محلات تهران است که باید بر اساس آن پژوهش‌هایی سامان داد.

اکنون برای روشن شدن منظورمان از داعیه‌ی بالا نمونه‌ای تجربی را با نهایت اختصار و کاستن از پیچیدگی‌های واقعی، طرح می‌کنیم.

محله‌ی شارق

محله شارق الف سابقه ای حدوداً ۱۰۰ ساله دارد اما تاریخچه این محله با تاریخچه محلات مجاور تقریباً یکسان است زیرا این محلات در گذشته‌ای نه چندان دور به همراه یکدیگر بخش‌هایی از محله‌ی بزرگتر نظام آباد را تشکیل می‌دادند. از حدود ۱۰۰ سال پیش تعدادی منزل در این محله ساخته شده بود اما محله، صورت مسکونی به خود نگرفته بود و منازل بیش از ۲ یا ۳ خانه در هر کوچه نبوده‌اند. کوچه‌ها نیز هنوز خیابان‌کشی نشده بودند و اصولاً منازل ساخته شده در میان بیابان‌های وسیع که از یکسو تا میدان رسالت و از سوی دیگر تا میدان امام حسین (ع) ادامه داشتند پراکنده بودند.

از حدود سال ۱۳۲۰ بر جمعیت محله افزوده شد و خانواده‌های بیشتری به این محل آمدند اما محله هنوز شکل اصلی خود را پیدا نکرده بود. این وضعیت تا سال‌های دهه‌ی ۱۳۳۰ ادامه داشت و تنها تعداد معدودی منزل به محله اضافه شده بود اما از این سال خیابان‌کشی در محله صورت گرفت و خیابان‌های اصلی آسفالت شدند. همچنین تا پیش از این تاریخ آب لوله‌کشی در محله وجود نداشت و اهالی آب مورد نیاز خود را از آب قنات که در آب‌انبارهای محل جمع می‌شد تهیه می‌کردند. علاوه بر این آب‌شاهی هم از طرف دولت به مردم فروخته می‌شد و در سطح محل ایستگاه‌هایی وجود داشت به نام فشارکی که بخشی از آب آشامیدنی مردم نیز از این محل تأمین می‌شد.

بیشتر ساکنان اولیه‌ی این محل از اقشار کارگر و کاسبان خرده‌پا بودند که با استطاعت مالی کم، منازل نسبتاً کوچکی را در این محل ساختند و ساکن شدند. همچنین بیشتر ساکنان اولیه این محل را مسلمانان تشکیل می‌دادند اما تعداد اندکی خانواده‌های یهودی



نیز در این محله زندگی می‌کردند که امروزه تعدادشان بسیار کم شده است. از جمله افراد قدیمی ساکن در محله که از معتمدین محل و فردی شناخته شده بودند فردی به نام شارق بود که نام محله نیز به احترام ایشان شارق گذاشته شده است.

در طول سالیان متمادی از دهه‌ی ۱۳۳۰ تا به امروز این محله تغییر چندانی نداشته است و بافت قدیمی این محل تقریباً دست نخورده باقی مانده است. با این حال در سطح محله برخی ساختمان‌های عمومی دچار تغییراتی شده‌اند از جمله می‌توان به ساختمان سینما نپتون اشاره کرد که در کوچه‌ی کهن واقع شده بود و هم اکنون تخریب شده و به جای آن تئاتر و کتابخانه ساخته شده است.

با بررسی محله‌ی شارق از این منظر بالا، با تسامح فراوان، داستان تحول بسیار پیچیده‌ی این محله را تنها در عباراتی چند بازمی‌گوییم، تا منظورمان از افزایش پیچیدگی، تحول و تغییر شکل تا اندازه‌ای روشن گردد و بر اساس موضوع جستار حاضر تنها به یکی از راهکارهایی اشاره می‌کنیم که دربرگیرنده‌ی مسئله‌ی خاطره‌ی محلی است. در سه یا چهار دهه‌ی پیش، شارق نیز محله‌ای بود شبیه به آن‌چه محله‌ی محوران، تصویر می‌کنند. نسبت متناسبی میان ساکنان و فضا برقرار بود. به رغم وجود تفاوت، میان ساکنان، محله، دارای یک یا دو مرکز بود که این تفاوت‌ها را مشروع و یا هم‌تراز می‌ساخت. به طور کلی محله از پایداری بالایی برخوردار بود بدین معنا که ساختارهای محلی، دوام مناسبی داشتند. در دهه‌ی شصت، در اثر تحول جمعیتی و تغییرات سیاسی دو اتفاق، تقریباً به شکل هم‌زمان، رخ داد. (۱) سرریز شدن شمار بالایی از مهاجران کوچ کرده از محلات و گاه شهرهای دیگر به محله. (۲) هجرت تعدادی از افراد تأثیرگذار محلی که در دوام ساختارهای پیش‌گفته نقش حیاتی داشتند.

در نتیجه‌ی دو اتفاق بالا، ابتدا تناسب فضایی پیشین محله، بسیار دستخوش تغییر شد. به نحوی که منجر به متراکم‌تر شدن و مرتفع‌تر شدن محله گردید. این امر در سال‌های بعد رقابتی سرسختانه را برای تصاحب فضا سبب شد. دوم، از آن‌جا که تعداد بسیاری از تازه‌واردان به محله، مستأجر و ساکنان موقت محله بودند، دو مرکزیت پیشین که معطوف به کل محله بودند، با تکثیر خویش به مرکزیت‌های خردتر، به بهای از دست دادن نظارت بر کل محل، امکان بقا و ساخت‌یابی منعطف فضاهای متراکم را فراهم ساختند.

کوتاه سخن آن که پیچیده‌تر شدن محله، پاسخی به تحولات پیش‌گفته بود. به همین مناسبت، صفحه‌ی محله در دو لایه‌ی مهاجران موقت و ساکنان قدیمی محل شکل گرفت. این دو لایه‌ی جمعیتی در نسبت با فضاهای محلی دو مواجهه‌ی کاملاً متفاوت داشتند. گروه اول یعنی مهاجران موقت محلی، به جهت عدم تعلق به فضاهای محلی و عدم حضور در تجربه‌های تاریخی محله، امکان سهیم شدن در خاطره‌ی جمعی محل را نداشته و اساساً فضاهای محلی را به شکلی مقطعی و گذرا مصرف می‌کنند. اما در خصوص گروه دوم، جمعیت قدیمی محل در کنار فضاهای شهری و مکان‌های محلی، حاملان اصلی خاطره‌ی محلی هستند.

در این میان به نظر می‌رسد، به منظور ایجاد یک منظومه‌ی تداعی در محله، ما به ازای مکانی بسیاری از وقایع تاریخی محله به نمایندگی از حافظه‌ی جمعی، امکان سهیم شدن تازه‌واردان در مناسبات و خاطره‌ی محلی را فراهم می‌آورد. به واقع، تازه‌واردان در رویارویی با مناسبات محل، به جهت حضور کوتاه‌مدت و مقطعی در محله، کلیت آن را در شکافی عمیق با گذشته، تجربه می‌کنند که در صورت بازسازی این مکان - فضاها، امکان درک کلیت محله در خاطره‌ی محلی فراهم خواهد آمد. ضمن خوانش حافظه‌ی شفاهی محل و نیز دسترسی به نقش محله در وقایع مهم و تاریخی دهه‌های گذشته، در این محله - شارق - زورخانه‌ی شجاعت، مسجد خاتم‌الوصیاء، سقاخانه و بسیاری نام‌ها، زیرفضاها و گذرهای مرکزی از منظر اهالی محل، به عنوان نمونه‌هایی از مکان‌های حامل خاطرات جمعی به چشم می‌خورند که احیا این قبیل مکان‌ها، گامی است در جهت بازسازی خاطره‌ی جمعی محله و سهیم کردن آن با دیگر ساکنان محلی.

شهر پایدار؛ توسعه در بستر سنت متحول

مصاحبه باناصر تکمیل همایون



این بار با **خاطر حال و هوای**
«**خاطره‌های تاریخی**» ماهنامه،
درباره‌ی استاد تکمیل همایون از زبان
خودش می‌شنویم که **کمی گویند:**

به نام خدایی که به ما جان داد و کمی هم به ما فکر آموخت. من لیسانس فلسفه و علوم تربیتی را در سال ۱۳۳۸ از دانشگاه تهران اخذ کردم و در سال ۱۳۴۱ فوق لیسانس علوم اجتماعی را گرفتم. مدتی در دانشسرای عالی که وابسته به دانشگاه تهران بود، به عنوان مربی و معلم جامعه‌شناسی درس می‌گفتم. از سال ۱۳۴۵ به بعد در فرانسه مشغول به تحصیل در دوره‌ی دکترای دولتی جامعه‌شناسی شدم. عنوان رساله‌ی من "مدرنیزاسیون در ایران دوره‌ی قاجاریه" بود. بعد از مدتی احساس کردم که صحبت از مدرنیزاسیون [نوآمدسازی] در آن دوران زود است و به همین علت سراغ رشته‌ی تاریخ رفتم و دکترای تاریخ گرفتم و در مورد قاجاریه تحقیق کردم. پس از آن دوباره سراغ استاد راهنمای جامعه‌شناسی رفتم و پیشنهاد کردم تا واژه‌ی "مدرنیزاسیون" را به "تغییرات" تبدیل کنیم. ایشان هم موافقت کرد. وقتی که فهمیدم من دکترای تاریخ گرفته‌ام نامه‌ی نوشت و بنده به مدت ۴ سال بورسیه شدم. پس از چهار سال که رساله‌ی دکترای خود را نوشته و دفاع کردم. در همان دانشگاه فرانسه از من خواسته شد که مشغول به کار شوم، اما در سوربن نماندم و ترجیح دادم به ایران برگردم. نخستین پست من بعد از انقلاب معاون وزارت فرهنگ و هنر بود. پس از پایان حوادثی ناخواسته وارد پژوهشگاه "علوم انسانی" شدم. پس از سالها تحقیق و تدوین اینک در سن ۶۵ سالگی به مقام استادی رسیده بودم. در پژوهشگاه ۵ سال بازنشستگی‌ام را به تعویق انداختند تا اینکه در ۷۰ سالگی بازنشسته شدم. البته هنوز بر کرسی تدریس کارم را ادامه می‌دهم و شاید این فعالیت‌های فرهنگی، خمس و زکات ما به شمار آید.

شهر پایدار: لطفاً برای ورود به بحث، واژه‌های سنت و خاطره‌ی تاریخی را تعریف نمایید.

سنت روشی است که فرد یا جامعه در طی تاریخ آموخته و ریشه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی و دینی داشته و پس‌زمینه‌ای در فرهنگ و زندگی انسان دارد که به وسیله نهادهای خانواده و آموزش و پرورش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. هر کسی بر مبنای فطرت خود زاینده می‌شود ولی پدر و مادر و جامعه است که بر مبنای فرهنگ و سنن موجود در جامعه او را تربیت می‌کنند. ما در ایران سنتی به نام "سنت ایرانی" داریم که مانند همه‌ی سنت‌ها در حال تحول است. سنت حال حاضر قطعاً مانند سنت دوران هخامنشیان نیست. هر سنتی را که تجزیه کنیم و به بطن آن برویم، می‌بینیم که رگه‌هایی از سنت‌های گذشته‌ی را ولو کم‌رنگ به همراه خود دارد. سنت‌های نو، سنت‌های کهن را از بین می‌برد. میان سنت و مدرنیته همیشه تقابل است اما همواره بخشی از سنت باقی می‌ماند. البته شاید مدرنیته بنای از بین بردن کامل سنت را هم نداشته باشد. روش‌های نویی که در تاریخ پدید می‌آید، جامعه تمام روش‌های سابق را از بین نمی‌برد بلکه آنها را ترمیم می‌کند. این سنت‌ها می‌تواند در شهرها، روستاها، ایلات و عشایر، شمال، جنوب و مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت باشد. بنابراین در ایران، هم می‌توانیم بگوئیم سنت ایرانی داریم و هم می‌توانیم بگوئیم "سنن ایرانی" داریم. این سنن گاه به ما هویت می‌دهد و گاهی اوقات به علت غلطی و ریشه‌های محکم تاریخی، جلوی نوآوری جامعه را می‌گیرد.

*بقعه شیخ صفی



شهریاری: آیا سنت برای شهر امروزی و شرایط اجتماعی جدید فقط می‌تواند در کالبد شهر بماند یا در میان مردم نیز جاری و ساری شود؟

سنت فقط معنوی نیست، مادی نیز هست. ما سنت‌های ساختمان‌سازی و کوچ‌سازی هم داریم. ما وقتی می‌گوییم عودلاجان (اودلاجان)، سنت شهرسازی زنده و اوایل قاجاریه را می‌بینیم، در صورتی که وقتی می‌گوییم "سعادت‌آباد" سنت شهرسازی جدید را می‌بینیم. سنت هم کالبد را می‌گیرد و هم عملکردها را و هم گاهی اوقات ظواهر قضیه را و در انسان نوستالژی بوجود می‌آورد در صورتی که انسان عمق داستان را نمی‌فهمد. مثلاً چیدن سفره‌ی هفت‌سین سنت است، اما این کار از آن قاعده‌ی معنایی خود خالی شده است. برخی از سنت‌ها هم ظواهرش حفظ شده و هم حیات باطنی‌اش ادامه یافته است و انسان را به خود پایبند می‌کند. عاشورا و ماه رمضان سنت‌هایی است که فقط کالبدی نیستند. حس و حال انسان در این روزها فرق می‌کند که البته این مقدار در انسان‌ها متفاوت است.

شهریاری: آیا در کالبدی مثل تهران قدیم سنن بیشتر پناه می‌گیرند و هر چه به سمت محیط‌های جدید می‌رویم سنن رنگ می‌بازند؟

ما در نیمه‌ی نخست سده‌ی ۲۱ هستیم. اگر شما ۳۰۰ سال قبل با من مصاحبه می‌کردید، می‌دیدید که در طول ۱۰ سال و ۲۰ سال سنت من باقی مانده است. امروزه از نظر جهانی جنگ بین سنت‌ها و نوسازی‌ها صورت گرفته است. این روزها اگر داخل عودلاجان زندگی کنیم، زندگی‌مان متفاوت با زندگی در سعادت‌آباد است. در محله‌ی عودلاجان وقتی وارد خانه می‌شوی ناخودآگاه کفش‌هایت را باید بکنی، اما در بالای شهر کفش درآوردن منتفی می‌شود. در یکجا روی زمین می‌نشینیم و در جای دیگر روی مبل. نظام سنتی در ایران تبدیل به نظامات شده است. برخی داخل یک کالبد مدرن زندگی می‌کنند ولی روحیه‌ی سنتی دارند مثلاً در زمستان‌ها کرسی می‌گذارند.

شهریاری: چگونه می‌شود حس نوستالژی [=گذشته‌ی روشن و شیرین] و زندگی مدرن را با هم نشان داد؟ تضاد و رویارویی میان سنت و نوگرایی را می‌توان در کتاب طهران قدیم یا تاریخ اجتماعی تهران در سده‌ی سیزدهم آقای جعفر شهری دید که در هر دو سو تلخ‌گویی دارد.

مرحوم شهری، ایرادات به حقی در برابر هر دو مورد می‌گیرد. خود سنت متحول است. اگر سنت متحول نشود مانند آب جوی می‌شود که اگر بماند می‌گندد. سنت هم اگر تحول پیدا نکند می‌پوسد. ایران در دوران صفویه شروع به ماندن می‌کند. سنت باید در حال شدن باشد نه در حالت ماندن. شدن‌ها سنت را زنده می‌کند. ما در دوران قاجاریه به بعد ماندیم و پوسیده شدیم. رضاشاه هم مدرنیته را تفهیم نکرد. اروپا زمانی مدرنیته را شروع کرد که ۲۰۰ سال از رنسانس گذشته بود. پهلوی، "نوگرانی" را وارد ایران کرد. مثلاً برداشتن حجاب برای رضاشاه مدرنیته بود. روزی که رضاشاه با زنش رفت و زنش روسریش را برداشت به رضاشاه گفت که در کمال رنج و عذاب است. در عکس‌های آن روزگار، زن‌های دیگر که کشف حجاب کرده‌اند همه در حال عذاب وجدانی دیده می‌شوند در حالی که مدرنیته باید شادی آور باشد که این‌گونه نیست. زمان رضاشاه مدرن‌نمایی در کالبد (ظاهری) بود. وقتی یک دفعه معمارهایی با به‌کارگیری سبک ایران باستان ساختمان بسازند یا به سبک ایران باستان سخن گفته شود، به عقیده من در پشت آن بیشتر اسلام‌ستیزی دیده می‌شود تا نوگرایی.

شهریاری: نقش تحصیل کرده‌ها و روشنفکرهای آن دوران چه بود؟

آن‌ها نیز نقش بسیاری داشتند و آنان نیز در این روند "نوگرانی" نقش داشتند. وقتی رضاشاه می‌گویم منظورم نماینده‌ی تفکری است که حاکم شده است. در آن دوران سخن بزرگان مشروطیت مانند مرحوم مدرس و دکتر مصدق نیز شنیده نشد.

شهریاری: آیا ثبت و نگاه‌داشت کالبد شهر همراه با نوشتن خاطرات شهر مانند آنچه که شما در کتاب رویدادها و یادمانهای تاریخی تهران آورده‌اید، می‌تواند خاطره‌ی تاریخی شهر باشد یا خاطره‌ی تاریخی شهر چیز دیگری است؟

منظر شهری نشان‌دهنده‌ی موجودیت یک شهر در گذشته است که اگر عوض شود آن خاطره‌ها از بین می‌رود. در فرانسه هر میدان منظره‌های مختلفی دارد. حالا اگر میدان را بخواهی عوض کنی و بافت را تعویض کنی کل خاطرات تاریخی آن منطقه از بین می‌رود. این منظره‌ها که حاوی خاطرات هستند می‌تواند باقی بماند. گاهی اوقات ممکن است ماندن خاطره‌ای امکان نداشته باشد. یک ساختمان ممکن است خراب شود و فرو بریزد. در اروپا سازه‌هایی داریم که ماندگار هستند، اما ساختمانی هم دیده‌ام که ۳۰۰ سال عمر داشته و به کلی آن را خراب کرده‌اند. بعد از مدتی همان ساختمان را با همان طرح اما با مصالح مقاوم ساختند و سیمان‌ها را جوری ساختند که رنگش مانند گذشته بود. آن ساختمان را ساختند تا خاطرات مجلس سنای فرانسه از بین نرود. ما در تهران میدان



خانه ویکتور هوگو

هشت گنبد داشتیم؛ در چهارراه حسن آباد، اما با ساختن بانک، یک گنبد آن را خراب کردند. با ساختمان مخابرات جدید که بافت میدان توپخانه را از بین برد. من خاطرات بسیار زیاد و شخصی از میدان توپخانه دارم که مکان‌هایش از بین رفته است. لاله‌زار دیگر آن لاله‌زار نیست که می‌خواستند "شانزلیزه"ی تهران بشود!

تئاتر نصر و ... را نجات بدهیم می‌توانیم خاطره‌ی این خیابان را نگه داریم. حتی بخشی از ریل واگن اسب‌کش را می‌توانیم حفظ کنیم. البته در این میان فقط تئاتر نصر در حال بازسازی است. جز این باشد باید لاله‌زار را در شهرک سینمایی غزالی ببینیم نظر شما چیست؟

در پاریس مردابی بود در محل پرت و بی مصرفی تنها حسنی که داشت این بود که منزل ویکتور هوگو در آن محل بوده است. زمانی که من درس می‌خواندم زمین آن منطقه را دولت بازسازی کرد و هم‌اکنون در آن منطقه می‌توان پاریس قدیم را دید و قیمت زمین‌های منطقه در آن جا ۵۰ برابر شده است. در ایران نوگرایی‌های تحمیلی ما را از این مسأله خارج کرد. تمام رجال سابق ما چه خوب و چه بد محل‌های قدیمی را رها کردند و به شمال شهر رفتند. در همین محله‌ی عودلاجان ۵۰ خانوادگی وابسته به دربار و دیوان زندگی می‌کرده‌اند که کوچ کرده‌اند و رفته‌اند. چند خانه باقی مانده که مردم نگاه می‌کنند و آه افسوس می‌کشند و می‌روند. این بلا در شهرستان‌ها نیز آمده است. در اردبیل، وقتی به مقبره‌ی شیخ صفی می‌رفتی احساس عزت می‌کردی که ایرانی و مسلمان هستی. حالا میدان بزرگی درست کرده‌اند به اندازه‌ی میدان هفت‌تیر تهران که خانه‌ها با نماهای گوناگون اطراف آن را گرفته است بسیار زشت و گویی روح آن را گرفته‌اند. اسم میدان را هم گذاشته‌اند میدان آرژانتین! چون لابد تهران میدان آرژانتین داشته است! در سرعین به استاندار گفتم شهری که حکومت ۲۲۲ ساله صفوی را ساخته و قبل از آن هم شیخ‌صفی در آن بوده حالا این میدان آرژانتین چه حکمتی دارد؟! در همین قزوین خودمان هم خیلی مکان‌ها به تناسب تهران نام‌گذاری شده است. آن‌جا کاروانسرای قدیمی شاه تهماسبی بود که به کلی خراب کردند و به نام کوروش کبیر خیابان ساختند! بنای شاه‌تهماسبی را خراب کردند و نام هخامنشی گذاشتند. الان هم می‌خواهند این خیابان را گسترش دهند که باعث می‌شود بافت تاریخی سلجوقی نیز تخریب شود. بنده مشاور شورای فرهنگی و علمی قزوین بودم، اما ما حرف می‌زنیم و شهرداری کار خود را می‌کند. میدان ولیعصر تهران چندین بار عوض شده است و الان هم معلوم نیست بالاخره چه می‌خواهد بشود. در شهرداری‌ها عده‌ای فن‌سالار و عده‌ای فرهنگ‌سالار هستند. از این‌ها قوی‌تر پول‌سالاران! هستند. در تجریش خانه‌های قدیمی را تخریب کرده‌اند و معلوم نیست آن دهکده‌ی زیبای تهران چه خواهد شد. در تونس که رفته بودم ۵۰۰ سال قبل را می‌شد در برخی مکان‌های شهر دید. اما زمین‌های قدیمی تهران با مترآژ و پول سنجیده می‌شود. عکس‌های قدیمی مساجد را هم ببینیم همین اتفاق افتاده است. من الان می‌توانم تصویر هر مسجدی را که به من نشان بدهید، بگویم این مسجد متعلق به کدام منطقه و حتی در کدام کشور است. اما اکنون مسجدسازی ما نیز حالت گذشته را ندارد و روحانیت آن گرفته شده است. سابق روحانیت فضای مسجد انسان را می‌گرفت. و حال مسجد گویی کارکرد دینی خود را از دست داده است.



میدان حسن آباد



شهریاری : مدیریت شهری در دام زنجیره‌ی ناتمام خواسته‌های شهرنشینان افتاده است. مثلاً کاروانسرا را خیابان می‌کنند و بعد مشکلات بعدی زنجیره‌وار ادامه پیدا می‌کند. مدیریت شهری اعمال قدرت خود را از دست داده است. بزرگراه می‌سازند و بعد مجبور می‌شوند آن را دوطبقه کنند! تهران از غرب به کرج و قزوین رسیده است. شهرهای سنتی مانند قزوین و یزد نیز دارند از تهران تقلید می‌کنند. آیا راه برون‌رفتی وجود دارد؟

بهترین راه را قانون تعیین کرده است. شورای شهر باید جلوی این روند را بگیرد. اعضای شورای شهر باید متخصص باشند. زمین‌شناس، زلزله‌شناس، جامعه‌شناس، شهرساز و... باشند. قدرت شورای شهر باید از ادارات پیرامونی خود بیشتر باشد تا بتواند آنها را مدیریت کند. مسأله‌ی دیگر برای بهبود، منطقه‌ای کردن است. اگر مثلاً بگویند منطقه‌ی یوسف آباد باید دو نفر را بفرستند آن وقت اتفاقات بهتری می‌افتد. در آن صورت هر منطقه متخصص ویژه‌ی خود را دارد. امکانات شهری هم در همان منطقه وجود داشته باشد. این اتفاقات مشکلات زیادی را حل می‌کند. البته اسم محله را هم نمی‌شود به برخی جاها اطلاق کرد. نمی‌توان گفت محله‌ی دارآباد! باید پیشینه را نیز در نظر گرفت. شهردار هر محله توسط مردم همان منطقه برگزیده شود تا حرف‌ها به راحتی زده شود. تعویض شهردارها باعث می‌شود کارهای عمیق در منطقه صورت نگیرد. باید اداره‌ی محلات را به خود مردم محلات سپرد.

شهریاری : در شهرهای کهن اروپایی، مانند رم، پاریس، لندن و حتی شهرهای کوچک چون "بث / bath" انگلیس که حمامهای دوره رومیان را دارد یا حتی استانبول می‌بینیم سنت کالبدی را نگه داشته اند و حتی در شهری مانند سیئنا در ایتالیا که فرهنگ را همراه با کالبد حفظ کرده‌اند و جشنواره‌های سنتی آن آوازه‌ی جهانی دارد، اما در خاورزمین و مخصوصاً در برخی کشورها مثل کره و سنگاپور و... نتوانسته اند سنت‌های خود را در کالبدها حفظ کنند. چرا کشورهای غربی با توسعه‌ی صنعتی این کار را کردند ولی ما در شرق برای توسعه همه چیز را زیر و رو می‌کنیم؟

این مسأله چند علت دارد. یکی این‌که در این روند مردم نقشی نداشتند و دولت‌ها هر کاری خواسته‌اند کرده‌اند. کریم آقا بوذرجمهری هر کاری خواست کرد و این ادامه یافت. او با کینه‌ی ضد قاجاریه هر جا را که مربوط به تاریخ قاجاریه بود خراب می‌کرد. خیابان سیروس این‌گونه که امروز هست نبوده است و چندین مسجد و امامزاده داشته و نابود شده است. اگر زور رضاشاه بیشتر می‌رسید بازار تهران را هم خراب می‌کرد! همان‌گونه که دیدیم بعد از ۲۸ مرداد سقف بخشی را خراب کردند. در پاریس که مترقی‌ترین متروی جهان را دارد وقتی قرار بود مترو از روی رودخانه سن بگذرد، منظره‌ی کلیسای نتردام را خراب می‌کرد. مردم کنار رودخانه تحصن کردند و نگذاشتند. مردم اجازه ندادند حتی مترو از زیر رودخانه هم برود و در نهایت مسیر مترو عوض شد.

دومین مسأله این است که از زمان قاجاریه هر چه جنبه‌ی شرقی داشت ارزش‌زدایی شد. فرد وقتی فکر می‌کرد سبک غربی دارد، برای خودش انسانیت احساس می‌کرد! دهاتی‌هایی که به تهران می‌آمدند کراوات گنده‌ای می‌زدند که خنده‌آور بود. در این ۵۰ ساله چندبار مدل موهای جوانان ما بر

اساس موی سر آرتیست‌های خارجی عوض شد؟! مدل لباس خانم‌ها هم همین‌طور. در نتیجه هر چه قدیمی پنداشته می‌شد خراب شد. اروپایی که پیشرفت کرده بود دلتنگ قدیم خود شده بود و آن را احیا می‌کرد. در دانمارک جایی هست که نه برق دارد نه تلفن و مردم دلشان می‌خواهد به آن‌جا بروند چون صفای خاص خودش را دارد در صورتی که در ایران چوپان هم موبایل دست می‌گیرد! دوری کردن از فرهنگ خودمان این بلا را سر ما آورد. البته باید بتوانیم خوبی‌های دیگران را بگیریم. خوراکی که مردم می‌خورند در هر منطقه‌ای بر اساس نوع منطقه، ذائقه، وضع اقتصادی و... مردم بوده است. همه‌ی این غذاها حساب و کتاب دارند. ساختمان هم به همین‌گونه است. چند وقت قبل در بندرعباس بودم. ساختمان‌ها با همان شرایط تبریز سردسیر، در بندرعباس هم ساخته شده است! بنده در گرمسار به ساختمانی رفتم که در حیاط گرما و حشمتاک بود. در صورتی که با بادگیر آن ساختمان در زیرزمین هوا سرد سرد بود. در مورد غذا هم همین اتفاق افتاده است. من نباید در قزوین خودمان "شاتوبریان" بخورم! در غرب علوم قدیمه و جدیده ندارند! علوم جدید در ادامه‌ی علوم قدیمی است. آن‌ها را قطع نمی‌کند. به اصطلاح انقطاع فرهنگی پیش نیامده است.

شهریاری : آقای دکتر در پایان اگر صحبت خاصی دارید، بفرمایید.

سفارش بنده به کار بدستان شهرداری اینست که به قوانین بلدی‌ه عمل کنند. راه نجات در دمکراتیزاسیون اداره‌ی تهران و بازگشت به اداره کردن شهر توسط مردم محلات است. اگر این کار را ده سال ادامه دهیم مردم کم‌کم راه و چاه را یاد می‌گیرند. نباید مردم را دست کم بگیریم. اجازه بدهید مردم همانطور که خانه خود را سرپرستی می‌کنند، کوچه و محله خود را نیز با فکر و سلیقه خود و برخورداری از فنون امروزی سر و سامان دهند.

یادمانی از یک سده خاطره‌ک تاریخی شهر

عباس جلالی



زادگاه یک خیابان

در آن سوی خندق و باروی شمالی تهران روزگار فتحعلی شاه (فر ۱۲۵۰-۱۲۱۲ق) باغ بسیار گسترده و سرسبزی نهاده بود که در بهاران هر سال با انبوهی از لاله‌های خودرو فرش می‌شد و به باغ لاله‌زار آوازه داشت. شاه قاجاری توجه ویژه‌ای به این باغ از خود نشان می‌داد، چندان که در ۱۲۲۲ ق از میهمان فرانسوی خود ژنرال گاردان - فرستاده‌ی ناپلئون بناپارت - در آن جا پذیرایی نمود. پس از وی محمدشاه (فر ۱۲۶۴-۱۲۵۰ق) نیز در آن عمارتی برافراشته بود. برای نخستین بار اوژن فلاندن، نقاش و باستان‌شناس فرانسوی که در ۱۸۳۹م/۱۲۵۵ق. به ایران آمده بود از باغ لاله‌زار در سفرنامه‌اش نام برده است. با گسترش چهارسوی‌ی پایتخت در ۱۲۸۴ق - روزگار ناصری - باغ لاله‌زار به درون شهر کشیده شد که از دیدگاه زیست-بومی در بالایش هوای شهر تأثیری بسزا داشت و تابستان‌ها هوای خنکی برای پایتخت فراهم می‌آورد. شاه ارزش چندانی برای این باغ قائل نبود و بخش خاوری آن را برای فیل‌خانه باغ‌وحش فروخت. وی که

از سفر نخست خود به فرنگستان بازگشته بود (۱۲۹۰ق) بر آن بود که تخت‌گاهی همچون پاریس برای خود داشته باشد. فرمان داد تا با گرت‌برداری از خیابان شانزله‌لیزه، خیابانی در باغ لاله‌زار ساخته شود. نرده‌های چوبی باغ برداشته شد درخت‌های کناری آن ریشه‌کن گردید. درخواست پزشک فرانسوی شاه؛ طولوزان برای نگهداشت باغ بخاطر پاکیزگی و تلطیف هوا، بجایی نرسید. با کشیدن این خیابان رفته‌رفته رو به ویرانی نهاد و زمین‌های آن به درباریان و اشراف فروخته شد.

خیابان که نام باغ را بخود گرفته بود، سنگفرش شد و راه‌آهنی برای واگن اسب‌کش در آن کار گذاشته شد. این راه‌آهن درون شهری میدان توپخانه را به خانه‌ی امین‌السلطان اتابک، نخست‌وزیر ناصرالدین شاه (۱۳۲۵-۱۲۸۰ق) می‌پیوست. آغازگاه آن در شمال خاوری توپخانه، دروازه‌ی کاشی‌کاری و بزرگ داشت. محدوده‌ی باغ لاله‌زار در ۱۳۰۹ چنین بود؛ از شمال به سفارت اتریش و عمارت مخبرالملک (خیابان استانبول کنونی) از خاور به باغ‌وحش/فیل‌خانه و از جنوب نیز به باغ‌وحش (خیابان اکباتان امروزی) و از سوی باختر به خیابان لاله‌زار بسته می‌شد.

تولد و شکوفایی

با بی‌توجهی ناصرالدین‌شاه به باغ لاله‌زار، اینک دو خیابان لاله‌زار و لُختی (سعدی امروزی) در دو سوی پهنه‌ی باغ کشیده شده بود، بی هیچ دار و درختی. گروهی از سردمداران و اشراف درباری که بخش‌هایی از باغ را خریده بودند، عماراتی را در این خیابان ساختند، مانند: امین‌السلطان اتابک، انیس‌الدوله همسر ناصرالدین‌شاه، خاندان پیرنیا/امین‌السلطنه. مغازه‌ها و دکان‌هایی چند نیز در حاشیه‌ی آن پا گرفت، مانند: نمایشگاه کالسکه و درشکه که از آن امین‌الضرب بود.



این بار سند گزارشنامه‌ای است از شهروندی ناشناس به معروف‌ترین روزنامه‌ی رسمی کشور (اطلاعات) به تاریخ چهارم دی‌ماه ۱۳۰۸ خورشیدی. این گزارش در دو روز پیاپی سر مقاله‌ی روزنامه را بخود گرفته است.

آنچه در این سند، ارزشمند می‌نماید، گزارشی دیداری از خیابانی است که در آن روزگار کانون همه‌ی کالاهای نودآمدی بود که از دروازه‌های پایتخت سنتی رخنه می‌نمود و این روند از واپسین سال‌های فرمانروایی ناصرالدین‌شاه (فر ۱۳۱۳-۱۲۶۴ق) آغاز شده بود. نویسنده با توصیف‌هایی زیبا از خیابان لاله‌زار آن را تصویر کرده است: "... همه از خیابان لاله‌زار یعنی خیابان نور و الکتریک و زیبایی خوششان می‌آید..." وی با انتقادی تند و بی‌پرده نوشته را پی می‌گیرد: "این خیابان جز آرایش ظاهری هیچ ندارد، هزارها تومان پول این مملکت از این خیابان بهوا می‌رود..." لحن دیداری گزارش می‌تواند حال و هوای واقعی لاله‌زار را تا اندازه‌ای برای اکنونیان پس از هشتاد و اندی سال به نمایش بگذارد: "... همین که از میدان سپه با به لاله‌زار گذاشتید، اولین چیزی که بیشتر نظر شما را جلب می‌کند آرایشگاه یا سلمانی "ارمناک" است. از آن جا که رد شدید، شعبه‌ی گرامافون فروشی "پدافون" است و تابلویی نظر شما را جلب می‌کند که بهترین لباس‌های دوخته‌ی اروپا را برای شما

وارد کرده‌ایم. بعد تابلوی مغازه‌ی خرازی "آرایش" نظر شما را جلب می‌کند. از همان جا دیگر مغازه‌های خرازی فروشی و گرامافون فروشی و بزازی مثل زنجیر تا آخر خیابان لاله‌زار بهم پیوسته و متصل است..." (روزنامه‌ی اطلاعات، چهارشنبه ۴ دیماه و پنجشنبه ۵ دیماه ۱۳۰۸ خورشیدی).

آن چه برای درک و دریافت چنین یادها و خاطره‌های تاریخی در شهرها، مهم می‌نماید، شناخت بافت، خیابان، کوی و برزنی است که روزگاری این یادها را آفریده است. در گذری امروزی به این خیابان - لاله‌زار - از آن چه این گزارش در دسترس، برایمان در روزنامه‌ای از آن روزگار گذاشته، هیچ نشانی نخواهیم یافت و همین، بازآوری، پیدایش، تکاپو و زندگی در این خیابان را محتوم می‌کند، تا ببینیم لاله‌زار خیابانی با یک سده یاد و خاطره چگونه جایی بوده است.

در یک سوی خیابان لاله‌زار یک ردیف تیر چوبی در کنار پیاده‌رو، سیم‌های برق را به انتهای خیابان می‌رساند تا شب‌های آن را روشن سازد و در سوی دیگر خیابان، تیرهای چدنی سیم‌های تلگراف را بخود بسته بود و نشان از اهمیت اداری و سیاسی خیابان داشت. سکونت اعیان و اشراف در این راسته که بیشتر فرنگستان رفته نیز بودند و فرنگی مابی را می‌پسندیدند، زمینه را برای گشایش مغازه‌هایی به شیوهی (سبک) اروپایی فراهم می‌آورد.

شکوفایی در دو گام

گام نخست روزگار مشروطیت: با رسوخ نوگرایی، لاله‌زار رفته‌رفته گرانیگاه مغازه‌هایی شد که برای نخستین بار جنس‌های خارجی غیرمرسوم در جامعه‌ی سنتی ایران را می‌فروختند. کافه‌هایی به شیوهی اروپاییان و به دست خارجی‌ان بویژه ارمنیان گشوده شد، مانند: "کافه لقانله" و "کافه آگاف" که در ۱۳۰۶ خورشیدی، روزگار پهلوی اول با تغییر کاربری به "سینما ایران" بدل گردید. نخستین مهمانخانه‌ی ایرانی با نام فرنگی "گراند هتل" در همین خیابان ساخته شد که سالی برای نمایش فیلم داشت، "گراند سینما" که می‌توانست کاربری تئاتر را هم داشته باشد و در آن کنسرت موسیقی نیز اجرا شود؛ چندان که عارف قزوینی شاعر و موسیقیدان ایرانی (۱۲۶۱-۱۳۱۲خ) چندین کنسرت آوازی در همین هتل برگزار نمود و میرزاده‌ی عشقی شاعر و نمایشنامه‌نویس (۱۲۷۲-۱۳۰۳خ)، دو نمایش را در آن بر روی صحنه برد. هتل انترناسیونال به مدیریت یک ارمنی هم در این روزگار ساخته شد. لاله‌زار پاتوق فرنگی‌مآبان، روشنفکران، دولتمردان، سیاستگران و اروپاییان شده بود. صنعت سینما یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های آن روزگار، جاذبه‌ای نیرومند برای این خیابان فراهم آورد. سینماهایی همچون "فاورس"، خورشید (که بیشتر آن را نخستین سینمای تهران می‌دانند) و یا "سینما مایاک". تئاتر ایران در این خیابان به همت کسانی چون نوشین، نصر و دهقان پا گرفت؛ تئاترهایی که با ساخت تئاتر تهران، در دوره‌ی قاجاری آغاز شد (جدول سینماها و تئاترهای لاله‌زار در دوره‌ی شکوفایی). در سال‌های پایانی فرمانروایی قاجاریان رفته‌رفته مغازه‌های مدرن ایرانیان در کنار خارجی‌ان چهره بست، مانند: شیرینی‌فروشی مدرن تهران از آن نایب عبدالحسین معیلی که مغازه را سراسر آینه‌کاری کرده بود و یا داروخانه‌ی پاپازیان از پیشگامان داروسازی ایران که در کنار همین شیرینی‌فروشی بود.

گام دوم روزگار فرمانروایی رضا شاه: با روی کار آمدن رضا شاه، لاله‌زار به واپسین شکوفایی خود رسید. شامگاهان این خیابان باریک، پرآمودشدترین گذرگاه پیادگان و سواران - بیشتر درشکه و کالسکه - می‌شد و چندان شلوغ که زنان، حتی امروزی‌ترین آنان حق ورود به این خیابان را نداشتند. بسیاری از مردان متدین از آمدن به این خیابان سر باز می‌زدند. در ۱۳۱۱ خورشیدی به فرمان شاه، دروازه‌ی کاشی‌کاری لاله‌زار در توپخانه از میان برداشته شد و چهره‌ی خیابان لاله‌زار دیگر گونه گشت. تاق‌نماهای دوسوی خیابان خراب شد و جای آن را ساختمان‌های دو طبقه گرفت.

از آن‌جا که حریم و اشراف، سنتی جدی برای ساختمان‌ها شمرده می‌شد، پیامدش ساخت و سازهای یک طبقه روزگار قاجاری بود. در این سال به مالکان دستور داده شد تا دست‌کم نمای دو طبقه بسازند و مانند یک ساختمان کامل در آن در و پنجره کار بگذارند. در میانه‌ی فرمانروایی رضا شاه، خیابان لاله‌زار به اصلی‌ترین جایگاه سینما، تئاتر و مغازه‌های صفحه‌فروشی، رستوران، هتل - هتل‌ها ساخته این دوره است - کافه و لوکس‌فروشی و اجناس خارجی مانند عطر و ادکلن، لوازم آرایش و پوشاک تبدیل گردید که دو مغازه‌ی معروف «پیرایش» و «اتحادیه» از آن جمله بودند. نوشین بهترین شیرینی‌فروشی و عکاسخانه‌ی خانوادگی و زنانه‌ی مادام لیلیان در لاله‌زار از این دوره‌اند.

نمونه‌هایی از آگهی‌های لاله‌زار در روزنامه‌ی اطلاعات ۱۳۰۸ و ۱۳۱۲ خورشیدی

ساندال
فقط کت‌های ساندال تخت، کر میزانه و بیچکانه مارک
F.M.Z. برای امتحان نمره یکقران از مغازه
برادران محمدرزاده لاله زار خریداری فرمائید
نمره اعلان ۱۹۶
۱۵-۶

هم ارزان هم قشنگ هم با دوام
پیراهن های پورلین انگلیسی با دو
بفته یا بهترین دوخت با ۳۰ درصد
تخفیف فروش مبرسد فقط شما
و برای دیدن دعوت میکنیم
کارخانه ونه شاپور - خیابان لاله‌زار تلفن ۱۰۴۳
نمره اعلان ۳۱۹۰

آگفا
کثرت فروش اجناس عکاسی
خوبی جنس را می‌رساند
نماینده در ایران مارکین برادران لاله‌زار - طهران
نمره اعلان ۲۲۲۰

فقط وقت و فقط
بهترین و عالیترین زیر پیراهن و شلوار وزیر پیراهن های زنانه خالص لرنک (انگلیسی)
را فقط میتوانید از برادران محمد زاده لاله‌زار و ممتازة شفق خریداری فرمائید تلفن نمره ۱۷۵۲
نمره اعلان ۳۲۴۰
۱-۲
امان - فویاد - فغان
کجا
بشاید
پوستهاییکه مازة امیرخان آذری همه نوع الوان - ارزان تهیه نموده بود روانام
است عمده فرمائید **جنب‌فراندهل امیرخان آذری** تلفن: نمره ۲۲-۴۴ نمره اعلان ۳۱۶۷ ۱۰-۷

تخت خواب
قبل از اینکه تخت خواب خریداری و با سازش بدهید برای نشانای تخت خوابهای لا‌راحت
ما مراجعه فرمائید تخت خوابهای ساده و لوکس بچه گانه و بزرگ و فول-سارنا تخته فول-مواق
سایقه برای منازل و مدارس و مریم‌خانه‌ها و اماکن آموزشی و دیگر و رنگ کردن تخت خوابهای مستعمل
نیز قبول میشود
شركت تجاری **بیلا خیابان لاله‌زار**
نمره اعلان ۶۸۰

اعلان مفید برای سینماهای ایران
انتاج اداره نماینده بزرگترین و نام ناظر دنیا (فوکس فیلم)
خیابان لاله‌زار بهترین و معروفترین فیلمهای امروزه به قیمت خیلی مناسب برای مشتریان محترم
موجود است
نمره اعلان ۳۰۳
۴-۱

در موزه آفتاب - لاله‌زار
تراج و انجم جنبه های عکاسی و با حای مدول و بولکس فلام دارت پستان و ولف
های ا ژانسیون عکاسی و فرود
نمره اعلان ۳۱۶

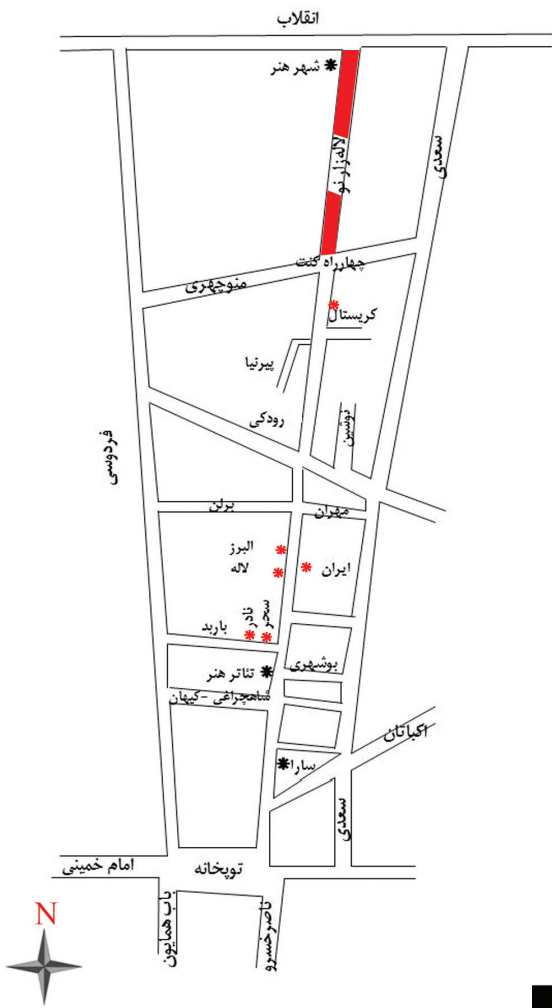


خیابان پر تکاپو و پر رفت و آمد لاله‌زار، در این هنگام تاب نگهداشت این جمعیت انبوه را نداشت و به سوی شمال شاخه دوانید. خیابان از چهارراه استانبول گذشت و به منوچهری رسید. از آن جا که در روزگار ناصری، رئیس نظمیه (شهربانی) کنت دو مونت قوت در این گذر، خانه داشت، به "چهارراه کنت" آوازه یافت. لاله‌زار باز هم به سوی شمال پیشرفت تا خود را به خیابان نوساخته‌ی شاهرضا (انقلاب کنونی) رسانید و لاله‌زار نو نام گرفت. (نقشه لاله‌زار).



جدول سینما و تئاترها در هر دو دوره‌ی شکوفایی

نام سینما	سال تاسیس	دانشگاه	مدیریت	تعداد تماشاگران	توضیحات
پارس	۱۳۳۶	تکلیف	آقای مصدق	۵۰۰	اولین سینمای تهران
گلشهر	۱۳۳۶	تکلیف	آقای مصدق	۵۰۰	اولین سینمای تهران
پارسیان	۱۳۳۶	تکلیف	آقای مصدق	۵۰۰	اولین سینمای تهران
پایتان	۱۳۳۶	تکلیف	آقای مصدق	۵۰۰	اولین سینمای تهران
پارسیان	۱۳۳۶	تکلیف	آقای مصدق	۵۰۰	اولین سینمای تهران



با همه‌ی آن چه که درباره‌ی آشتی‌نگی هنجارها در این خیابان گفته و نگاشته شده، همچون "خیابان عشاق" یا "بیکاره‌ها" طول آن را هشتصد قدم تعیین کرده بودند؟! (طهران قدیم، ج ۱، ص ۲۷۶)، وجود مدرسه، چاپخانه، کتابفروشی، دفتر روزنامه، نشریات و حزب‌های سیاسی و کلوب‌های موسیقی به لاله‌زار چهره‌ای دوگانه با بن‌مایه‌های فرهنگی و سیاسی نیز بخشیده بود (جدول زیر). پاتوق‌های روشنفکری فراوان در لاله‌زار، نخستین نمود از بیرون‌زدگی محافل مرفه و نیمه‌مرفه روشنفکران قاجاری و رسوخ آن در میان لایه‌های پایین‌تر بود. این کانون‌ها روش‌اندیشان، نویسندگان و هنرمندان و سیاستگران را در خود گرد می‌آورد. فضای پر ازدحام لاله‌زار، پایش چنین کانون‌هایی را برای حکومتیان دشوار می‌ساخت. از پاتوق‌های معروف لاله‌زار می‌توان از "کافه‌ی لاله‌زار" در کنار گراند هتل که پاتوق اعضای حزب آریا بود و یا کافه‌ی بولوارد، کافه‌ی قناری، رزنوار، پارس، کلوب انگلیسی‌ها و کلوب موزیکال (باشگاه موسیقی) علینقلی خان وزیر نام برد.

کانونها و مراکز (باتوق) روشن‌اندیشان

بنیاد	نوع فعالیت	پایه‌گذار
انجمنی تشکلات و دیو فانوس + مومینور	شعر و نمایش، مجله‌ها دوره‌نامه‌های فرهنگ و مشرق	حاج‌میرزا آبرو لاریان خوئین آرتسوی
زیوسپی سکاچراره میدیا سانیو	چاپخانه سنگ‌چاپ روز دوره‌نامه ۱۳۲۵ قمری	مسد، سعادت‌الله طرطوسی خلایق‌زاده، علی‌اکبر حکمتی، یارسان، نوری، دلچیز مرتضی قهر، مهدی اسماعیل
تلفی سرج پور پوری	روزنامه ۱۳۱۰ خورشیدی روزنامه ۱۳۲۰ خورشیدی روزنامه ۱۳۲۲ خورشیدی	شمس‌الدین حاج‌میرزا عثمان، آرزو، پناه‌نور میرزاغلام‌محمد
مطالعه‌ی ایران اصلاحات	روزنامه ۱۳۰۸ خورشیدی روزنامه ۱۳۰۶ خورشیدی	امین‌زاده
کتابخانه‌ی پهلوی	روزنامه دی‌روز دب طب، آماور، شاه‌دوست، اول و دوم	مک، تهر، رستم، اکرمه، معین، اسدزاد، جعفریان
اژدها	دب طب، آماور، شاه‌دوست، اول و دوم	حسن پرویزی، اجل‌نگار و پناه‌نگار، نوبخت‌مومکارت
معرفت	انسانیات، کتابخانه‌ی خیریا	
مهر پرستان این	دفتر حزب کتابخانه	
سنگار	دفتر حزب	

افول

لاله‌زار پس از افت و خیزهای فراوان سال‌های جنگ جهانی دوم (دهه‌ی ۲۰) و در پی آن دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی دهه‌ی ۳۰، هنوز توانسته بود خود را به عنوان یکی از سرزنده‌ترین و مهمترین گذرگاه‌های تهران از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی سر پا نگاه‌دارد، اما با آغاز اقتصاد نفت، توسعه و گسترش تهران شروع شد. محمدرضا شاه توجه چندانی به نگاه‌داشت بافت‌های اقتصادی فرهنگی روزگار پدر نداشت. زیرا فضای باز سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، میدان را برای تکاپوی اجتماعی گشوده بود که می‌توان دوران شکوفایی تئاتر و سینما را آشکارا در آن بچشم دید. کودتای ۱۳۳۲ در واقع نبردی بود در برابر شکوفایی فرهنگ، هنر و دانش آن روزگار. سرکوب نواندیشان آغاز شده بود و افول نیز از همین سال آغاز گردید و سینما و تئاتر لاله‌زاری در کالبدی تهی از پیشگامان نواندیش پا گرفت. از دیگر سو جمعیت فزاینده‌ی پایتخت که مهاجرانش بیشتر می‌نمود، پهنه‌های بازاری - اقتصادی نوین و راسته‌ی خیابان‌های تازه‌تری را می‌طلبید. پیشروی خزنده‌ی تهران به سوی شمال و شمال خاوری و باختر شهر آغاز شده بود. شهری که به کوی و برزن‌ها و شهرک‌های تازه‌ای نیاز داشت و خانه‌سازی انبوه، تنها راه چاره می‌نمود؛ این نیاز در کالبد انبوه‌سازی‌هایی چون "بهجت‌آباد" و "شهرآرا" برآورده می‌شد و همراه با این گسترش خیابان‌های تازه‌ای مانند شاه‌رضا (انقلاب)، پهلوی (ولیعصر جنوبی)، تخت جمشید (طالقانی) و حتی فردوسی رفته‌رفته جای لاله‌زار و لاله‌زار نورا می‌گرفت.

شرکت‌ها، کمپانی‌های بزرگ، فروشگاه‌های معروف و بازارگاه‌هایی مانند "فروشگاه بزرگ فردوسی" و بعدها "ساختمان پلاسکو" جای مغازه‌ها و تجارتخانه‌های لاله‌زار را گرفتند. بسیاری از آنان نیز در نسل‌های دوم و سوم از کار باز ماندند. تنها ارزش ملکی بالای دکان‌ها، مغازه و خانه‌ها بود که اعتبار داشت و پیوسته در میان بازماندگان نسل‌های قدیم قاجاری و پهلوی یکم، دست به دست می‌گشت و در این جایگاهی بود که فروشگاه‌هایی با کالای بیشتر تجاری و نیمه صنعتی برق جای لوکس‌فروشی‌ها و مغازه‌های فروش اجناس خارجی را گرفتند. با تعطیل شدن گراند هتل، گویی نبض تنه‌دهی این مرکز پررونق اروپایی‌مآبان از کار بازماند.

خیابانی با یک سده خاطره

اینک یاد‌های درخشان و رنگین یک شهر است که هر روزه بیش از پیش رنگ می‌بازد. شهری که تخته‌گاه دودمان قاجاری و پهلوی بود و در جمهوری اسلامی نیز پایتخت باقی ماند. امروزه از آن همه تکاپو و آمد و شد سیل‌وار جوانان و همه‌مهمی شامگاهی، صدای صفحه‌های گرامافون، موسیقی و ویتترین رنگارنگ و مراکز تفریح، خرید و سرگرمی تنها یاد‌هایی در ذهن مردان و زنانی مانده که روزگار پیرسالی را سپری می‌کنند و برای نسل‌های نوزاده‌ی شهر تنها نام و عکس‌هایی نه چندان روشن، پنجره‌ها و سردرهای نیمه ویران پوشیده از تابلوهای بدقواره، بجای می‌ماند.

- دیگر خانه‌ی انیس‌الدوله حالا به پاساژی به نام اخوان بدل شده است! و خانه‌ی امین‌السلطنه، مسجد کوچکی است.

- خانه‌های پیرنیا از مهم‌ترین ساختمان‌های تاریخی تهران هنوز برپا مانده‌اند و در یکی از آن‌ها مؤسسه‌ی پزشکی طب اسلامی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران تأسیس شده است.

- بالاخانه‌ای در سراسر ضلع غربی لاله‌زار نوبی جنوبی نیز از ساختمان‌های پیرنیاست. بسیاری از تئاترهای لاله‌زار به انبار کالا بدل شده‌اند. دیگر شاید کسی جای تئاتر دهقان، سینما مشعل را هم نداند کجاست!



جدول سینماهای کنونی لاله‌زار و لاله‌زار نو از شمال به جنوب

نام	تاریخ تأسیس	حالت کنونی	تاریخ آخرین نمایش
شهر نصر	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار نو	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸
شهر لاله‌زار	۱۳۰۸	در حال بهره‌برداری	۱۳۸۸

خوشبختانه خانه‌ی تاجرباشی روس هنوز برپا ایستاده است. شیرینی فروشی عبدالحسین معیلی بخشی از باغ سفارت فرانسه‌ی دوره‌ی ناصری را در چهارراه لاله‌زار و جمهوری امروز گرفته است. مغازه‌ی مانون که از آغاز دوره پهلوی نبش کوچه‌ی رفاهی و لاله‌زار ساخته شده بود، هنوز بجا مانده. بسیاری از سینماهای آن روزگار تغییر نام داده‌اند، مانند رکس که لاله نام گرفته و شماری با تغییر کاربری به پاساژ و انبار بدل شده‌اند. برای بازآوری خاطرات می‌توان در برابر درهای بسته‌ی سینما و تئاترها ایستاد و فروپاشی آن‌ها را به چشم دید. با این همه، امروز تنها ساختمان چند سینما در لاله‌زار مانده که بیشتر آن‌ها حتی تابلو هم ندارند. (جدول سینماهای کنونی لاله‌زار).

نگاه‌داشت و بازسازی و بهسازی پاره‌ای از ساختمان‌ها، نماها، عمارت‌ها، سینما و تئاترها برای کاربری‌های دیگری چون موزه، دیگر مکان‌های فرهنگی، آموزشی و فرهنگی همگانی می‌توان از مرگ و نابودی و فراموشی بخش بزرگی از تاریخ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حتی یادمان‌های ملی چون کوچه‌ی ملی (باربد) تئاتر نصر و خانه‌باغ اتحادیه در کوچه‌ی اتحادیه جلوگیری نمود.

لاله‌زار هویت یک شهر است، اگر که یاد و یادمان‌هایش زنده بماند.

تئاتر نصر (تهران)



حیات‌گراند هتل امروزی



از آن جا که داده‌های منابع تناقض و نقص‌هایی آشکار داشت، بر آن شدم که از کار میدانی برای پر کردن کم و کاست‌ها بهره‌جویم، هرچند شتابزده اما چه بجا بود! چندان که نقشه‌های رسمی از لاله‌زار ناکارآمد و نادرست از آب درآمد. ناگزیر از رسم نقشه‌ای تازه شدم که می‌بینید برآیند همان کار میدانی است. به امید کتابی شسته و رفته، گسترده و ژرف درباره‌ی لاله‌زار.

منبع:

- (۱) اطلاعات، روزنامه، سال ۱۳۰۸.
- (۲) اطلس خیابان‌های تهران، شرکت پردازش، چاپ یکم ۱۳۸۱.
- (۳) ایزدی، مصطفی، فرهنگ معاصر تهران، شرکت پردازش، چاپ یکم، ۱۳۸۶.
- (۴) تهامی، داریوش و فرشاد ابریشمی، طهران قدیم (اماکن)، انتشارات ابریشمی فر، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- (۵) دانشنامه‌ی دانش‌گستر، زیر نظر کامران فانی، علی رامین و علی سادات، موسسه‌ی علمی فرهنگی دانش‌گستر، چاپ نخست ۱۳۸۹.
- (۶) شهری، جعفر، طهران قدیم، نشر معین، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- (۷) صفری، ماجد، مطبوعات ایران، موسسه‌ی انتشارات رویداد، چاپ اول ۱۳۸۲.
- (۸) کیانی، مصطفی، معماری دوره‌ی پهلوی اول، موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر، چاپ نخست ۱۳۸۳.

سقز قطب جدید گردشگری غرب کشور

شهر سقز به عنوان دومین شهر استان کردستان با فاصله ۱۹۰ کیلومتری از مرکز استان (شهر سنندج) در ناحیه‌ی کوهستانی ایران در مسیر ارتباطی استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، استان‌های همدان، ایلام، کرمانشاه و استان‌های جنوبی کشور واقع گردیده است. این شهر یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران و یکی از ۳۰ ایالت پادشاهی ماد و مرکز امیرنشین مانائی‌ها بوده و ایزیرتا نامیده شده که پس از تسلط قوم ساکها و به پایتخت این قوم بنام سقز و نهایتاً سقز تبدیل شده است. مردم سقز کرد و از نژاد آریایی بوده که چند هزار سال قبل از میلاد از شمال غربی دریای خزر به اطراف کوه‌های زاگرس و آرات کوچ نموده‌اند. مردم سقز دارای آداب و رسوم قدیمی و سنتی منبعث از فرهنگ و ادب کردی بوده و از لحاظ مذهبی سنی و شافعی مذهب می‌باشند و سنت‌های قدیمی و باستانی نظیر عید نوروز مراسم مخصوص عروسی و مولودی‌خوانی ویژه‌ی ولادت حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام در آن هنوز پابرجاست.

طول جغرافیایی: ۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ
عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه عرض شمالی از خط استوا
ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۷۶ متر
وسعت شهرستان: ۴۵۱۴ کیلومتر مربع، شهر ۱۶۵۵ هکتار



عثمان رحیمی، ۴۷ ساله، سابقه‌ی فعالیت در جهادسازندگی، نهضت سوادآموزی و آموزش و پرورش، شهردار سقز از سال ۱۳۸۶، دارای نشان برترین شهرداری و شش لوح زرین در دومین نمایشگاه جامع مدیریت شهری



اساسی است. از سوی دیگر مدیریت، هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به اهداف ترسیم شده است. مدیران ارشد شهری باید بکوشند با گسترش فرهنگ مشارکت در جامعه و داشتن نگاهی توسعه‌گرا، به جذب و جلب تمامی مشارکت‌های ممکن و آزادسازی پتانسیل‌های موجود و خلق توانایی‌های جدید بپردازند.

تعامل مستقیم با شوراهای شهر به عنوان برگزیدگان مردم، استفاده و بهره‌مندی از کارشناسان و متخصصان و صاحبان ایده و اندیشه، ارتباط با متن جامعه و انجام تحقیقات و نظرسنجی‌های مداوم، دقیق و علمی در مورد نگاه اقشار مختلف مردم نسبت به عملکردهای مدیریت شهری و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اهم مواردی هستند که به تحقق یک چرخه‌ی فعال از مشارکت و تحقق مدیریت "مردم محور" کمک می‌کند. این امر بزرگ‌ترین سرمایه‌ی اجتماعی را که همان اعتماد متقابل جامعه و متولیان برنامه‌ریزی و مدیریت است به وجود می‌آورد. موفقیت ما در دومین نمایشگاه جامع مدیریت شهری، نتیجه‌ی مستقیم چنین رویکردی است که همان مدیریت مردم محور و مبتنی بر خواست و نظر مردم است.

نظر شما پروژه‌های عمرانی در حال اجرای سقز به چه میزان باعث رشد و توسعه‌ی این شهر خواهد شد؟
در حقیقت گسترده‌شدن وظایف شهرداری‌ها در دنیای کنونی، کارکردهای

نظر شما: شهر سقز از چه زمانی دارای شهرداری شده است و شما چندمین شهردار آن هستید؟

شهرداری سقز در سال ۱۳۰۵ تأسیس شده و نخستین شهردار آن مرحوم کاظم‌خان بوده است. البته تأسیس رسمی شهرداری در سال ۱۳۱۴ انجام گرفته و من ۳۱ امین شهردار در خدمت شهروندان فهیم سقزی هستم.

نظر شما: در حوزه‌ی مدیریت شهری سیاست‌های شهرداری چه سمت و سویی دارد؟

در مجموع اصول کلی مورد توافقی برای فهم مدیریت شهری وجود ندارد و این مفهوم بر اساس رویکردها و سلائق و همچنین اقتضانات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع مختلف، متفاوت است. می‌توان به طور خلاصه تعریفی مانند ساماندهی امور مربوط به برنامه‌ریزی بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل در محدوده‌ی شهر را از آن استنباط کرد. مفهومی که در جوامع گوناگون نهادهای متفاوتی را با الگوهای متفاوتی با خود درگیر کرده است. نهایتاً هر تعریفی از این مفهوم داشته باشیم، بدون مشارکت جامعه و ایجاد یک مدیریت کاملاً "مردم محور" که در شکل‌های مختلفی نیز تحقق می‌یابد موفقیتی به دست نخواهد آمد. مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه‌ی شهر، به سیاست و برنامه‌هایی اطلاق می‌شود که در پی اطمینان از هماهنگی میزان رشد جمعیت با دسترسی به زیرساخت‌های

این نهاد مدنی را تغییر داده است. شهرداری‌ها از خدماتی‌ترین لایه‌های مدیریتی جامعه به شمار می‌روند و ضمن ارائه‌ی خدمت در حوزه‌های مختلفی چون حمل و نقل، تنظیف، فضای سبز، ساخت و ساز، زیباسازی و مبلمان شهری، فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و... نقش قابل توجهی در رسیدن کشور به اهداف تعیین‌شده‌ی توسعه دارند. به طور کلی برای بهره‌وری مناسب از پروژه‌های عمرانی می‌توان گفت باید در وهله‌ی اول بهینه‌سازی و مدیریت منابع و زمان در اجرای پروژه‌ها اصلی‌ترین هدف باشد و پس از آن به صورت مصداقی به مواردی چون گسترش شبکه‌ی معابر مانند بلوارها، خیابان‌ها و کوچه‌ها، بازسازی و احداث پل‌ها، ایجاد اماکن و فضاهای تفریحی و فرهنگی، پرداختن به آموزش به منظور ارتقای دانش فنی شاغلین در پروژه‌ها، اصلاح ساختار اجرایی و هماهنگ نمودن پروژه‌ها و هماهنگ نمودن آن‌ها با نیازهای شهری، تربیت پیمان‌کاران و مشاوران توانمند در اجرای پروژه‌های درون‌شهری، مدیریت زمان در اجرای طرح‌های عمرانی، استفاده از معماری اصیل ایرانی و اسلامی در طراحی پروژه‌های شهری، اولویت‌بندی اجرای پروژه‌ها با عنایت به محرومیت برخی مناطق به ویژه حاشیه‌های شهر، مقاوم‌سازی بافت‌های فرسوده، استقرار سیستم مدیریت علمی در بخش نگهداری، تمرکز بیشتر در بخش مطالعات اولیه‌ی پروژه‌ها برای جلوگیری از بروز مشکلات در هنگام اجرا و بهره‌برداری، دقت در عدم تداخل موضوعی و اجرایی طرح‌ها و... پرداخته شود.

همچنان که مستحضردید سقز یک شهر تاریخی است با قدمتی چند هزارساله و آثار باستانی بسیار مانند قلعه زیویه، قلعه کرفتو، مسجد دو مناره، حمام‌های ده‌ها بنا و اثر دیرینه‌ی دیگر و همچنین موقعیت جغرافیایی ویژه و آب‌وهوای مناسب، فرصت‌هایی که اگر به درستی مورد بهره‌برداری قرار بگیرند برکات بسیار زیادی برای مردم این شهر و منطقه در پی خواهند داشت. تلاش ما در ابتدا حفظ تاریخ باستانی این شهر و افزایش بهره‌وری از ظرفیت‌های آن، احداث پارک‌ها و فضاهای سبز جدید و بازسازی فضاهای قبلی خصوصاً پارک حاشیه‌ی رودخانه‌ی سقز با حدود چهل راهنمایی، افزایش واحدهای درآمدزای شهرداری مانند کارخانه‌ی آسفالت و کارخانه‌ی قطعات بتونی، ساماندهی نیروهای شاغل در شهرداری و ارتقای کیفیت و امنیت کاری این نیروها، تجهیز واحدهای اداری، عمران، تنظیف، فضای سبز و... به ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های مدرن روز، ساماندهی سیستم حمل‌ونقل درون‌شهری و انتشار اوراق مشارکت در طرح‌های عمرانی و بازسازی بافت‌های فرسوده و احداث مجتمع‌های تجاری و فرهنگی برای اولین بار به مبلغ یکصد میلیارد تومان که نقطه‌ی عطفی در عرصه‌ی مدیریت شهری سقز محسوب می‌شود، تنها بخشی از سرفصل‌هایی هستند که در سال‌های گذشته به آن‌ها پرداخته‌ایم و خوشبختانه آثار مثبت آن، هم بر سیمای شهر و هم در نگاه رضایت‌آمیز و حمایت و اعتماد بی‌دریغ مردم شریف سقز به خوبی دیده می‌شود. امروز سقز شهری است که با افتخار تمام روبه آینده‌ی روشن و امیدبخش دارد.

توجه: اهمیت داده و پروژه‌های مرتبط با این موضوع را در دست اجرا قرار می‌دهد؟

زندگی سالم و به دور از آلودگی‌های زیست‌محیطی حق مسلم هر شهروندی است و به همین دلیل می‌بایست در اجرای هر طرح و پروژه‌ای احتیاط‌های زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد. خوشبختانه شهر ما به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه و نسبتاً کوهستانی و آب‌وهوای مناسب از جاذبه‌های گردشگری طبیعی محسوب می‌شود و بر همین اساس حفاظت از محیط‌زیست در میان مردم این منطقه یک فرهنگ دیرپا و تاریخی است. امروزه شما برنامه‌ها و مناسبت‌های مردمی مختلفی می‌بینید که در اشکال همگانی، نهادهای

مردمی، اردوهای ورزشی و... مانند راهپیمایی، کوه‌پیمایی، دوچرخه‌سواری، ورزش، حضور در طبیعت و نظافت طبیعت برگزار می‌شود. اما در مواردی که به مدیریت شهری و خصوصاً شهرداری مربوط می‌شود قوانین موجود و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط با نگهداری از محیط‌زیست از جمله در زمینه‌ی تنظیف، احداث و فعالیت واحدهای صنعتی، طرح‌های عمرانی و ساخت‌وساز شهری و مدیریت حمل‌ونقل و ترافیک کاملاً رعایت می‌شود. به طور کلی مدیریت پسماند و جمع‌آوری زباله‌ها از مهم‌ترین موضوعاتی است که شهرداری در حوزه‌ی محیط‌زیست باید به آن توجه داشته‌باشد. در چند سال گذشته طرح مطالعاتی پروژه بازیافت زباله در سقز به انجام رسیده و در تلاشیم تا با همکاری و همراهی بخش خصوصی این پروژه‌ی مهم و بنیادی را به سرانجام برسانیم. ساماندهی و مدیریت حمل‌ونقل عمومی و توسعه‌ی مراکز معاینه فنی و افزایش مراکز عرضه سوخت‌های غیرآلاینده یکی دیگر از اصلی‌ترین راهکارهای کاهش آلودگی هواست که خوشبختانه شهرداری سقز در این زمینه نیز کارنامه‌ی قابل قبولی دارد. متأسفانه در سال‌های گذشته مسئله ریزگردها و گردوغبار نیز در کشورمان شایع شده که منشأ اصلی این پدیده کویرها و باتلاق‌های در حال خشک‌شدن عراق است و غرب کشور بیشتر از سایر نقاط از این مسئله رنج می‌برد که مهار آن قطعاً به همکاری‌های بین‌المللی و طرح‌های ملی و منطقه‌ای نیاز دارد. البته به بحث شما باید آلودگی صوتی را نیز اضافه کرد که آن هم به نوبه‌ی خود مشکلات بسیاری در شهرهای در حال رشد ایجاد کرده و متأسفانه در سال‌های گذشته و با افزایش نقلیه‌هایی چون موتورسیکلت در سقز نیز افزایش نگران‌کننده‌ای داشته‌است.

توجه: سیاست‌های شما در مورد حمل‌ونقل عمومی چیست؟

همچنان که عرض کردم به دلیل قدمت تاریخی شهر بخش زیادی از خیابان‌ها و مسیرهای اصلی برای عبور و مرور مشکل دارند و بافت به‌هم‌فشرده و سنتی در برخی مناطق مرکزی شهر امکان تغییر را سخت کرده است. با این وصف در سال‌های گذشته توانسته‌ایم با نوسازی و افزایش شمار تاکسی‌ها و اتوبوس‌های فعال در ناوگان حمل‌ونقل عمومی و هماهنگ‌سازی آن با تغییرات جمعیتی و رشد فیزیکی شهر و همچنین توزیع مناسب در تمامی نقاط و ساماندهی نرخ کرایه‌ها و همچنین نظارت دقیق و شبانه‌روزی بر عملکرد آن، تا حد زیادی آسودگی خاطر را به کاربران این ناوگان هدیه کنیم.



افزایش علایم راهنمایی برای رفاه حال شهروندان و گردشگران و اصلاح و یک‌طرفه کردن برخی معابر اصلی جهت استانداردسازی آن با طرح‌های ترافیکی موارد دیگری است که می‌توان در ارتباط با روان‌سازی ترافیک به آن اشاره کرد. خوشبختانه اکنون شهروندان سقزی از نظر سرعت میزان دسترسی به وسایل نقلیه‌ی عمومی در میان شهرهای منطقه در سطح بسیار بالایی قرار دارند. از سوی دیگر کنترل کافی و نظارت بر عملکرد رانندگان و همچنین آموزش‌هایی که می‌بینند باعث شده تا شهروندان در استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی امنیت‌های لازم را داشته‌باشد. افزایش تعداد جایگاه‌های عرضه گاز سی‌ان‌جی نیز بر سرعت خدمات‌رسانی این ناوگان افزوده‌است.

تهرانیا: آیا استفاده از پتانسیل‌های بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف در دستور کار شما قرار دارد؟

اگرچه شهرداری‌ها طبق قانون جزو نهادهای عمومی غیردولتی محسوب می‌شوند و مشمول مقررات عام اصل ۴۴ نمی‌باشند ولی دلایل اقتصادی متعددی وجود دارد که ضرورت واگذاری فعالیت‌های این نهاد به بخش خصوصی را مورد تأکید قرار می‌دهد. این دلایل، از یک سو ریشه در شرایط عمومی ترجیح بخش خصوصی دارند و از سوی دیگر ناشی از مقتضیات خاص حوزه‌ی فعالیت مدیریت شهری می‌باشند. علاوه بر این استدلال‌ها، شرایط حقوقی ایجاد شده در سال‌های اخیر از سوی نهاد مدیریت شهری، باعث گردیده شوراها و شهرداری‌ها به شدت از خصوصی‌سازی حمایت کنند. با عنایت به روند روزافزون نیازهای شهری و محدودیت منابع، موضوع نحوه‌ی تأمین منابع مالی پروژه‌های در دست اجرا، همواره به عنوان چالشی جدی در مدیریت شهری مطرح بوده است که کاهش قیمت تمام شده، ارتقای کیفیت بهبود محیط‌زیست شهری و تأمین منابع مالی توسط بخش‌های مختلف به‌ویژه بخش خصوصی را می‌توان از محورهای عمده‌ی این چالش دانست.

در پاسخ‌های قبلی نیز به اجمال به اهمیت بخش خصوصی در فعالیت‌های مجموعه‌ی تحت مدیریت خود اشاره کردم. خوشبختانه شهرداری سقز نیز چون بیشتر شهرداری‌های کشور از یک ساختار حقوقی و مالی شفاف برخوردار است که این امر برای مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی انگیزه‌بخش بوده‌است. با شعار بهترین کار ممکن در کمترین زمان و با مناسب‌ترین هزینه، تلاش کرده‌ایم بخش بزرگی از طرح‌ها و پروژه‌های شهرداری را به کمک بخش خصوصی به انجام برسانیم. به جرأت می‌گوییم که امروز هیچ مانعی برای مشارکت بخش خصوصی دارای صلاحیت در پروژه‌های شهرداری وجود ندارد. این امر با انتشار یکصد میلیارد تومان اوراق مشارکت وارد مرحله‌ی جدیدتری شد که با استقبال گسترده و غیرقابل پیش‌بینی، تمامی اوراق در کمترین زمان به فروش رفت که خود حکایت از اعتماد و اطمینان مردم به مدیریت شهری دارد.

تهرانیا از مسئول روابط عمومی شهرداری سقز آقای ماجد رضایی و آقای زینعلی مدیر اداری - مالی شهرداری سقز و سایر همکاران‌شان به دلیل همراهی و در اختیار قراردادن گزارش فعالیت‌های این شهرداری تشکر ویژه می‌نماید. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی مختصر از اهم فعالیت‌های این شهرداری در سال گذشته می‌باشد:



تصویر شماره ۱

الف) پارک ساحلی - گردشگری گولان

طرح عظیم گردشگری گولان (حاشیه رودخانه سقز) یکی از بزرگترین طرح‌های عمرانی در سطح منطقه بوده که با رقم سرمایه‌گذاری بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان و مشتمل بر مجموعه‌ها و مراکز تفریحی، ورزشی و مسکونی، اقامتی اعم از هتل‌ها، موزه‌ها، سالن آمفی‌تئاتر، سینما و همایش و جشنواره و همچنین بهره‌گیری از پل‌های عابر پیاده و سواره رو می‌باشد. در فاز اول این طرح عظیم فروش اوراق مشارکت به میزان ۲۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده که عرضه آن از تاریخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۹۰ شروع گردیده است.



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۳



تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۵



ب) جشنواره تئاتر شهروند سقز

یکی از راه‌های آموزش استفاده از هنر می‌باشد. شهرداری سقز به منظور ارتقاء فرهنگ شهروندی اولین دوره جشنواره تئاتر منطقه‌ای شهروند را با حضور استان‌های کرمانشاه، همدان، آذربایجان شرقی و غربی و کردستان در تیرماه سال ۹۰ برگزار نمود. این برنامه با استقبال گسترده‌ی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران هنر تئاتر و سینما مواجه شد و با حضور هنرمندان بنام تئاتر و سینما و مسئولین کشوری و استانی به مدت چهار روز در سه بخش خیابانی، صحنه‌ای و عروسکی اجرا شد.



پ) پایانه‌ی مسافربری سقز

احداث پایانه‌ی بزرگ مسافربری به مساحت کل زیربنا ساختمان اصلی پایانه ۳۶۰۰ متر مربع و ساختمانی جانبی ۵۰۰۰ مترمربع و محوطه ۲۰۴ هکتار که تاکنون عملیات سفت‌کاری ساختمان اصلی پایانه با قطعات پیش‌ساخته‌ی بتنی به اتمام رسیده است. این پایانه که در محل پایانه‌ی کنونی شهر سقز احداث خواهد شد یکی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین پایانه‌های این منطقه می‌باشد.



ت) انتشار و چاپ هفت عنوان کتاب با نظارت معاونت آموزشی - پژوهشکده‌ی مدیریت شهری و

روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

- ۱) مقررات شهرسازی مرتبط با شهرداری‌ها
- ۲) حسابرسی در شهرداری‌ها
- ۳) کمیسیون‌های شهرداری‌ها
- ۴) قوانین و مقررات ساخت و ساز و نظارت اصولی بر آن‌ها
- ۵) پسماند، چالش یا فرصت
- ۶) آشنایی با شوراهای اسلامی شهر
- ۷) میانی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهری و تجارت شهرداری‌های کشور





ث) انجام عملیات‌های عمرانی و شهرسازی در سطح شهر

احداث خیابان‌ها و معابر جدید و اصلاح معابر قدیمی از جمله فعالیت‌های شهرداری‌ها می‌باشد. در این بین هدایت و جمع‌آوری آب‌های سطحی کانال ولیخان و بازسازی پل هوایی ۲۲ بهمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. پل هوایی ۲۲ بهمن به دلیل واقع شدن در مرکز شهر و وجود مشکلات عدیده و با توجه به فرسودگی و قدمت آن مهندسین شهرداری سقز توانستند تنها در ۱۰۰ روز این پل را بازسازی و تعریض نمایند. همچنین کانال فاضلاب و آب‌های سطحی ولیخان که به منظور دفع فاضلاب بخش مسکونی و بافت قدیمی شهر می‌باشد با هدایت این فاضلاب به سمت تصفیه‌خانه فاضلاب شهری از فعالیت‌های مهم عمرانی در سال گذشته می‌باشد.



پل هوایی ۲۲ بهمن

کانال فاضلاب و آب‌های سطحی ولیخان



ج) تأسیسات درآمدزای شهرداری سقز

تولید جدول، آجر فرش، مصالح دانه‌بندی شده و آسفالت تأسیسات تولید آجر فرش و مصالح دانه‌بندی شده و آسفالت شهرداری سقز با هدف تأمین نیاز عمرانی شهرداری سقز در زمینی به وسعت ۵ هکتار فعالیت می‌نماید.



چ) برگزاری مسابقات مختلف ورزشی - فرهنگی

برگزاری مسابقات ورزشی فوتسال کارکنان شهرداری‌های استان کردستان در شهر سقز تحت عنوان جام شهدای شهرداری سقز، برگزاری مسابقات کونگ فو بانوان کشوری با حضور ۵۰۰ ورزشکار از تمامی استان‌های سراسر کشور در شهر سقز تحت عنوان جام شهدای شهرداری سقز و همچنین برگزاری همایش‌های پیاده‌روی خانوادگی در شهر، همایش کوهنوردی، دوچرخه‌سواری و اتومبیل‌رانی و ورزش‌های محلی و سنتی از جمله برنامه‌های فرهنگی - ورزشی شهرداری می‌باشد که با استقبال شهروندان شهر سقز مواجه شده است.

کردستان استان فرهنگی

* گفتگو از :

ماجد حمیدیان



تهربیا: لطفا در آغاز خود را معرفی نمایید.

سیروان بهرامی، معاون دفتر امور شهری و شوراهای استانداری استان کردستان هستیم.

تهربیا: در حوزه فرهنگی - آموزشی این دفتر چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟

خوشبختانه استان کردستان در این زمینه از جمله استان‌های موفق بوده است. سال گذشته اولین دوره تئاتر خیابانی شهروند به صورت منطقه‌ای در شهر سقز برگزار کردیم که قالب اصلی این برنامه بیشتر در زمینه آموزش حقوق شهروندی و آشنا شدن با قوانین و مقررات شهری بود که از بیش از ۱۲ استان همجواری دعوت شد و در آن شرکت کردند. همچنین بسته‌های آموزشی را در شهرهای مختلف تهیه و توزیع شد که در برخی از شهرها به منظور مطالعه‌ی شهروندان مسابقاتی را از همین بسته‌های آموزشی برگزار نمودیم. همانطور که بیان شد برای پرسنل شهرداری‌ها نیز بیش از ۲۰ دوره‌ی آموزشی برگزار کردیم. در زمینه‌ی پژوهشی سعی کردیم در طرح‌های عمرانی بحث‌های پژوهشی را هم مطرح کنیم و به دنبال جذب اعتبار در این زمینه بودیم. پشتیبانی از پایان‌نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و برگزاری دوره‌ی مدیریت شهری که از شهرهای مختلف در آن شرکت کرده بودند از جمله فعالیت‌های انجام شده در این دفتر می‌باشد.

تهربیا: میزان مشارکت مردم با شوراها و همچنین شوراها با دفتر امور شهری چگونه بوده است؟

متأسفانه مردم با حق و حقوق خود در شهر آشنا نیستند. ما شهرداری‌ها را توجیه کردیم و بسته‌های آموزشی را در اختیار شهروندان قرار دادیم تا این آگاهی افزایش پیدا کند. به طور مثال در موضوعاتی همچون ترافیک و ساخت و ساز بی‌رویه شهرداری بانه انیمیشن با زبان محلی تولید کردند و در شبکه استانی به نمایش درآمد که امیدواریم با این تدابیر در سال‌های آینده هر یک از شهروندان با حقوق خود آشنا شوند. همچنین سعی کردیم با برگزاری کارگاه‌ها و جلسات مختلف شوراها و شهرداری‌ها را همسو کرده و از طریق روزنامه‌های محلی و استفاده از پتانسیل‌های بومی منطقه شوراها و شهرداری‌ها با مردم تعامل بیشتری داشته باشند.

تهربیا: به عنوان کلام آخر اگر مطلبی دارید بفرمایید.

در پایان از انتشار نشریه‌ی شهرداری‌ها تشکر می‌کنم، همچنین از استاندار کردستان مهندس شهبازی و دکتر رحیمی معاون اول رییس‌جمهور به دلیل حمایت‌های فراوانی که از این مجموعه کردند تشکر ویژه دارم. از مسئولین تقاضا دارم با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری که استان کردستان را استان فرهنگی نامیدند توجه ویژه‌ای به این استان داشته باشند، همان‌طور که در چند سال اخیر نیز شاهد رشد و شکوفایی استان هستیم ولی باز هم جای کار دارد و امیدوارم مسئولین توجه بیشتری به این استان داشته باشند.

تهربیا: لطفا در مورد فعالیت این معاونت توضیح مختصری بفرمایید.

فعالیت‌های معاونت دفتر امور شهری و شوراها در دو زمینه‌ی منفک و در عین حال توأمان صورت می‌گیرد. یکی در حوزه‌ی شهرداری‌ها و دیگری در قسمت شوراها می‌باشد. بازدید مستمر از شهرداری‌های استان و دریافت گزارش‌ها و ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها و شوراها از جمله فعالیت‌های این دفتر می‌باشد. سعی شده با توجه به دستورالعمل‌ها و شاخص‌های تعیین شده نقاط ضعف را پوشش داده و نقاط قوت را تقویت کنیم تا شهرها هم شورای موفق و هم شهرداری موفق داشته باشند.

تهربیا: در مورد عملکرد سال ۱۳۹۰ این دفتر به صورت مختصر توضیح بفرمایید.

عملکرد این دفتر به دو حوزه‌ی شوراها و شهرداری‌ها مربوط می‌شود. در ابتدا سعی کردیم سطح آگاهی و اطلاعاتی کلیه‌ی پرسنل شهرداری‌ها در زمینه‌ی مختلف امور شهری و شهرداری‌ها از جمله قوانین، آیین‌نامه‌ها، مسائل مالی و عمرانی ارتقا دهیم. تقویت حس همکاری اعضای شوراها با نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی، ایجاد زمینه‌های لازم برای تبادل نظرات و استفاده از تجارب شوراها و شهرداری‌ها در سایر نقاط کشور و همچنین شناسایی نقاط ضعف کاری شوراها و شهرداری‌ها از جمله فعالیت‌های مربوط به حوزه‌ی شوراها می‌باشد. در حوزه‌ی شهرداری‌ها استفاده از ۴۸ نفر از اعضای خانواده‌ی معظم شاهد، تبدیل قرارداد کارکنان غیررسمی و تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی به قرارداد انجام کار و استخدام موقت به رسمی و پیمانی از فعالیت‌های این دفتر می‌باشد. همچنین دفتر امور شهری تعداد ۳۸ عنوان دوره‌ی آموزشی در سال ۹۰ متناسب با نیازهای شغلی پرسنل شهرداری‌ها بر اساس نظام جامع آموزشی شهرداری‌های کشور را برگزار کرده، افزایش تعداد ایستگاه‌های آتش‌نشانی در سطح شهرهای استان از تعداد ۲۳ ایستگاه در سال ۸۹ به تعداد ۲۵ ایستگاه در سال ۹۰ از دیگر فعالیت‌های این دفتر می‌باشد. برگزاری همایش شهرداران در سطح استان در سال ۹۰ و برگزاری سمینار بودجه‌نویسی در سال ۹۱ و برگزاری مسابقات ورزشی کارکنان شهرداری‌های استان که به همت شهرداری سنندج برای ۲ سال متوالی در ماه مبارک رمضان یادواره‌ی شهدای شهرداری‌های استان را داشتیم، مشارکت شهرداری‌های استان در دومین نمایشگاه جامع مدیریت شهری که منجر به موفقیت شهرداری‌های سقز و بیجار و بانه شد و اعلام پاسخ استعلامات شهرداری‌ها در زمینه‌های حقوقی و مالی و پیگیری دریافت اعتبارات و نظارت بر هزینه کردن آن‌ها کلیت کارهای انجام شده در سال ۹۰ را شامل می‌شود.



• اثر مشارکت در دستیابی به روح زندگی با خاطره‌های شهری محله عودلاجان - تهران

✦ مینا فراهانی

مقدمه

می‌دانیم که انسان متأثر از محیط پیرامونش است که شامل طبیعت و جهان ساخته‌ی دست خود اوست و البته تأثیر گذر تاریخ نیز بر آن قابل توجه است. در نتیجه شخصیت و ماهیت انسان در طی تلفیق و پیوند عوامل از هر دو جهان گذشته و هم اکنون به وجود می‌آید. به همین دلیل نگاهی به گذشته و حفظ خاطره، همیشه در طراحی محیط‌های حال و آینده به صورت موضوع قابل ملاحظه، مطرح می‌گردد. شیوه‌ی نگرش، فرهنگ و سطح آگاهی، همیشه در طراحی محیطی، تأثیرگذار بوده است و به صورت پدیده‌ای همه‌جانبه و گسترده در قرن حاضر با عنوان "معماری منظر" دنبال می‌گردد. چنانچه مک‌گراهیل در فرهنگ واژه‌های فنی و علمی بیان می‌کند، معماری منظر، هنر آرایش و آمایش زمین است؛ برای استفاده‌ی انسان و لذت و تفریح او. و از آنجا که جهت تأمین این امکانات به فضاهایی خاص نیاز است، اگر بخواهیم امکانات تفریحی قابل دسترسی برای عموم داشته باشیم، یافتن مکانی که به خودی خود استعداد‌های بالقوه‌ای جهت جذب مردم را داراست، در اولویت قرار دارد.

طرح مسئله

تهران به لحاظ امکانات تفریحی و فرهنگی علی‌رغم داشتن استعداد‌های بالقوه، فاقد استانداردهای لازم در این مورد است. مهم‌تر از همه آن که تهران بیشترین قدمت پایتختی را به نسبت سایر شهرهای کشورمان داراست، اما شهروندانش در هیچ کجای شهر از تاریخ آن متأثر نشده و بهره‌ای ندیده‌اند.

در چنین شهری شرایط خاصی برای زندگی شهروند وجود دارد. این شرایط شامل جدا شدن از فرهنگ غنی و دور شدن از تمام هویت تاریخی و ملی است و این عاملی در روند کاهش علاقمندی به شهر، محله، تاریخ و از طرفی افزایش آلام روحی به حساب می‌آید. پس نیاز است که مسئولین، دست اندرکاران، هنرمندان و جامعه‌شناسان، هریک به نوبه‌ی خود در پیوند این گسستگی از تاریخ و فرهنگ، سهم خود را ایفا کنند.

شهروند امروزی تهران بیش از هر زمان دیگری به دنبال گمشده‌ای به نام هویت است که در هیچ کجای شهر آن را نمی‌یابد که اگر دست‌یابی به چنین مکانی میسر بود، درمانی برای دغدغه‌های پنهانی و نگرانی‌های شهرنشینی خود می‌یافت و اوقات فراغت کسالت‌بارش را با بازگشت به روزهای کودکی خود و پدران روح می‌بخشید. او در این میان در جستجوی خاطره‌های پنهان شده در لابه‌لای خیابان‌های پرود، ازدحام جمعیت، سروصدای ناخوشایند تمامی ابزار و ادوات و محصولات و مصنوعات بشری، خود را رها شده و بی‌اطلاع می‌یابد. در حالی که به دنبال فضایی برای کسب و حفظ هویت، به آرامشی می‌رسد که پیرو آن امنیت‌خاطر خود را بازی می‌یابد. این مکان خاص، با پتانسیل‌های درخور توجه و عوامل فیزیکی برجسته، با توانایی القای مفاهیم و ادراکی خاص، می‌تواند سکونت‌گاه‌های کهن از گذشتگان باشد.

امروزه این سکونت‌گاه‌ها، به دلیل کوله‌باری که از خاطرات گذشتگان دارند، ارزشمند و قابل ستایش‌اند و با گذشت زمان به سرمایه‌ای تاریخی و فرهنگی تبدیل شده‌اند. چنانچه در مرکز تهران، گستره‌ی عظیمی را با این پتانسیل می‌یابیم. محدوده‌ای بین خیابان‌های امیرکبیر، ری، پانزده‌خرداد و ناصر خسرو (عودلاجان قدیم) در منطقه‌ی ۱۲، که نشان از قرن‌های گذشته داشته و گذر عمر و تاریخ را بر بیشتر دیوارهای خاک‌گرفته‌ی خود نشان می‌دهد.

"عودلاجان" محدوده‌ی خاص و محصور شده بین قطب‌های تجاری شهر تهران است که به مکانی برای تغذیه‌ی بازار تهران تبدیل شده است. آثار تاریخی، گذرهای کهن، تعلق محله‌ای ساکنان باقیمانده و بقعه‌ی امامزاده یحیی در محدوده‌ی میانی این محوطه، می‌تواند شریان پرتپش زندگی آن باشد که امروزه به حد کافی مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که قرن‌ها در این مکان فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی



و با اهمیت جلوه می‌کند. در واقع توجه به ابعاد مختلف نیازهای شهروندان (مرکب از گروه‌های جنسی، سنی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی است) که هر کدام ارزش‌های فراوانی برای ارتقاء کیفیت محیط را در خود نهفته دارند، مشروط به شناخت درست مسائل و دیدگاه‌های آنان و بهره‌برداری سنجیده از آن، می‌تواند از مهمترین مشغله‌های ذهنی طراحان باشد؛ چنانچه بتواند ضعف گسستگی رابطه‌ی انسان را با محیط پیرامونش جبران کند. با دقت در سیر تاریخ، منشأ این ضعف را آن‌جا می‌یابیم که شهروند به دلایل مختلف، در مسائل مربوط به خود دلسرد و منفعل شده و یا به اجبار دستش از موضوعات مربوط به خود کوتاه شده است و نتیجه‌ی این گسستگی، مختل شدن رابطه‌ی انسان با زندگی و محیط پیرامونش است. با ایجاد پیوند و رابطه‌ی معقول در این میان (که تعبیری از مفهوم توسعه‌ی پایدار است) می‌توان رابطه‌ی گسسته‌ی انسان و محیط را بازسازی کرده و قدمی موثر در حفظ و احیای میراث شهرها برداشت.

امروزه رویکرد "تجدید حیات" یا باززنده‌سازی، با نگاه گسترده به مسائل انسانی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و ارتقاء همه‌جانبه به همراه مشارکت مردم، ذینفعان، مسئولین و دست‌اندرکاران می‌تواند راه‌حل مشکلات کلی یک بافت فرسوده و نجات یک بافت تاریخی باشد؛ تا از فراز آن سکنه و کسبه محل به امکانات درخور شأن خود رسیده، ذینفعان بهره‌ی کافی را برده، امور مدیریتی مسئولین تسهیل شده و دست‌اندرکاران افتخار احیای همه‌جانبه‌ی بافت را پیش‌رو داشته باشند. پیرو مطالعات انجام گرفته در این زمینه و احساس نیاز به حضور و مشارکت مردم جهت ایجاد و حفظ توسعه‌ی پایدار، مهندسان مشاور باوند که سالهاست در منطقه‌ی ۱۲ حضور فعال مطالعاتی داشته است، خواستار حضور و مشارکت همگی مسئولین و مردم محله برای حرکتی نو در بافت تاریخی تهران - عودلاجان شده است.

این بافت که هم‌چون گذشته به نام قدیمش "عودلاجان" از آن یاد می‌شود، نشان‌های خاص تاریخی و ارزشمندی را داراست و نزدیک به سه سال است که مورد مطالعه‌ی دقیق دفتر محلی مشاور قرار گرفته است. این دفتر، مطالعات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را به همراه بسترسازی مشارکت مردم و مسئولین تا آن‌جا پیش برده است که توسط گروه‌های مختلف مردمی، در این محل که همگی احساس تعلق محله‌ای دارند و گروه‌های کارشناسان و دست‌اندرکاران ذی‌ربط، به چشم‌اندازی مشترک برای دهه‌ی آینده‌ی محله رسیده که برای رسیدن به این چشم‌انداز، تلاشی از نوعی دیگر، فراگیر و مستمر نیاز است.

در این میان گروه‌های مختلف محلی، دست یاریشان را به خوبی بلند کرده‌اند و زمینه‌ی حرکت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را مهیا نموده‌اند. نیاز است که مسئولین مربوطه نیز در تحقق این چشم‌انداز، دست‌های یاری خود را بلند، امکانات لازمه را مهیا و سرعت حرکت را ازدیاد بخشند.

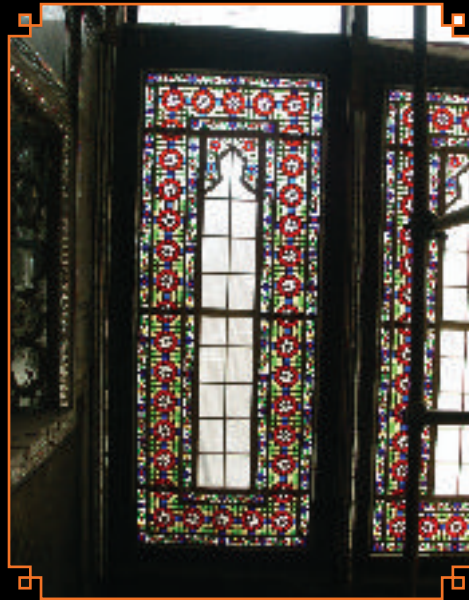
سخن آخر تکرار این نکته است که دیگر کار اندیشه در باب ماهیت "تجدید حیات یک بافت تاریخی"، بدون تحقق مشارکت مردمی پیش نخواهد رفت و فراموش نکنیم که تجدید حیات یک محله، باززنده‌سازی خاطرات آن را به همراه خواهد داشت که روح زندگی محله را ضمانت می‌کند.

و سیاسی جریان داشته و با قلب تاریخ تهران می‌تپیده و سرنوشت شهر را رقم می‌زده است. عودلاجان میان باروهای دوران صفویه و قاجاریه، واقع بوده و دارای ابنیه‌ی خاص تاریخی است که هر کدام چون نگینی در محله می‌درخشند. مرقد امامزاده یحیی، بقعه‌ی پیرعطا، مسجد کاظمیه، آب‌انبار و مسجد آقامحمود حکیم، مسجد و مدرسه‌ی خان مروی، مسجد بهاءالدوله، مسجد سنگی، مسجد پیرزن، تکیه‌ی رضاقلی‌خان، بقعه‌ی هفت‌دختران، تکیه‌ی سادات، خانه‌ی نیرنما (منسوب خانه‌ی عمه‌ی ناصرالدین‌شاه)، خانه‌ی امام‌جمعه، حمام پامنار، حمام قوام‌الدوله، خانه‌ی لشگرنویس، خانه‌ی مهربان، خانه‌ی موتمن‌الاطباء، خانه‌ی نصیرالدوله (اصفی)، عمارت کاظمی، مسجد و مدرسه میرزاابوالحسن معمارباشی، مسجد نظام‌الدوله، منار محله‌ی پامنار، مسجد و مدرسه‌ی حاج قنبرعلی‌خان، خانه‌ی جلال‌الدین تهرانی، باغ سفارت روسیه، گذر میز محمود وزیر، تیمچه‌ی صدراعظم، خانه‌ی سرهنگ ایرج، خانه‌ی فرمانفرما (خانه‌ی نوری)، خانه‌ی کودک ناصر خسرو، گذر محله‌ی حیاط‌شاهی، کوچه‌ی مروی، مسجد دانگی، منزل حاج میرزا سیدعلی، منزل کشفیان، منزل سه‌راه امین حضور - ساختمان بانک ملی، گرمابه‌ی قرقانی‌ها، خانه‌ی شهید مدرس، خانه‌ی پروین‌اعتصامی، حمام نواب، مدرسه‌ی سپهسالار قدیم، خانه‌ی قوام‌الحضور (معمدالسلطنه)، خانه‌ی قوام‌الدوله (وثوق)، خانه‌ی دبیرالملک (فخرالملک)، خانه‌ی قوام‌الحضور (معمدالسلطنه)، خانه‌ی قوام‌الدوله (وثوق)، خانه‌ی دبیرالملک (فخرالملک)، تنها تعدادی از ابنیه‌ی ارزشمند این محدوده است که کم و بیش ردپای خاطرات را در آنها می‌توان مشاهده کرد.

از آن‌جایی که بافت در نظر گرفته شده دارای امکانات بالقوه‌ای به لحاظ تاریخی، اقتصادی و... است، این محل دارای پتانسیل مکانی گردشگری است که می‌تواند مردم را به‌خود جلب نماید. برای شهروند تهرانی و یا حتی هر ایرانی علاقمند به تاریخ و فرهنگ، گشت در این کوچه پس کوچه‌های قدیمی می‌تواند توشه‌ای از افتخار ملی و فرهنگی را به‌همراه داشته باشد.

بنابراین جهت برقراری ارتباطی نو میان مردم و تاریخ، نیاز به توجه، مرمت، بازسازی و نوسازی‌های هماهنگ با بافت و دیگر ابنیه‌ی واقع در محیط و حل کردن مسائل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن است تا موانع برای ساکنان رفع شده و محیط برای بازدیدکنندگان دلپذیر گردد. ایجاد ارتباط با این‌گونه فضاها، قدم‌زدن در گذرهای زیبا و قرارملاقات‌ها در ابنیه‌های تاریخی برای ایجاد یک محل عمومی خوشایند، همگی در افزایش حس تعلق افراد، حفظ هویت تاریخی، بازیابی خاطرات و ایجاد شوق زندگی، موثرند. طراحی در این زمینه، باید بتواند با در نظرگیری و ایجاد لوازم و وسایل مورد نیاز، ارتباطی منسجم و هماهنگ با بافت محوطه را برقرار کند. طراحی شهری، ادغام و درهم‌تنیدگی ساختمان‌های نوساز، درست‌تر تاریخی (به‌طوری که در بافت بین آثار جدید و قدیم، به لحاظ ظاهری، هماهنگی وجود داشته باشد)، تلاش در جهت کشف قابلیت‌های مصالح همگون، حفظ میدان‌گاه‌های قدیمی عودلاجان، نقش‌های دیوارها و سردرهای تاریخی، ابنیه‌ای که در گذر زمان ساختار خود را حفظ کرده‌اند و گذرهایی که حال و هوای ایام گذشته را زنده می‌کنند، از اهم توجه و بازنگری به این محلات است. در واقع استفاده از این بافت تاریخی و تجهیز مجموع آن به عنوان فضاهای مختلف زندگی، کار متناسب و تفریح درخور شأن بافت، علاوه بر پاسخ به نوعی تقاضای کلی، بین افراد محل، تهران‌نشینان، خاطرات، هویت، تاریخ و فرهنگشان، ارتباط بصری و فکری ایجاد می‌کند که امید آن می‌رود طی این مسیر، شروعی برای ارتباط و آشتی عموم شهروندان تهرانی با مبحث هویت و تاریخ شهرشان باشد. چنان‌چه دریافتی ویژه پیدا کنند و کمبود بی‌توجهی به تاریخ در هر مکان و زمانی، دلشان را به درد آورد که روی گرداندن از این ارزش‌ها و اصول شکل‌دهنده‌ی فضا سازی گذشته، را خامی بدانند.

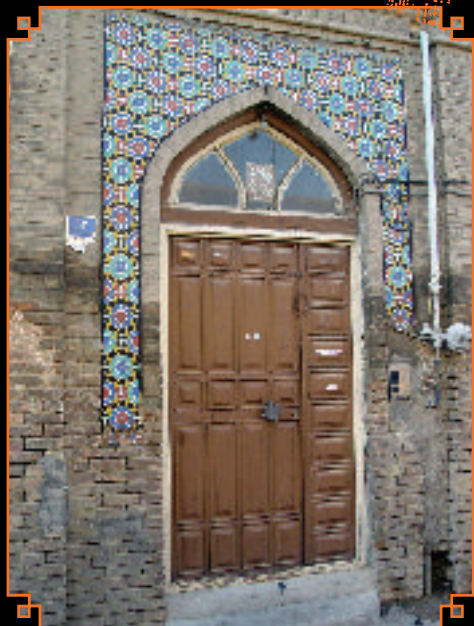
باید توجه داشت که احتیاجات فردی هر شهروند در زمان‌های مختلف به اقتضای شرایط مکانی، تربیتی، روحیه‌ای، سلیقه‌ای، علاقمندی، عادت، پیوندهای عاطفی، زمینه‌های ذهنی، خاطره‌ها و حتی تاریخ سنتی، متفاوت است و ضرورت دخالت هر فرد در مراحل مختلف ساخت محله و شهر، به تناسب درک او و نیازهایش مسمم‌تر



*عكاس: بابڪ جوانمرد

عبدالجليل

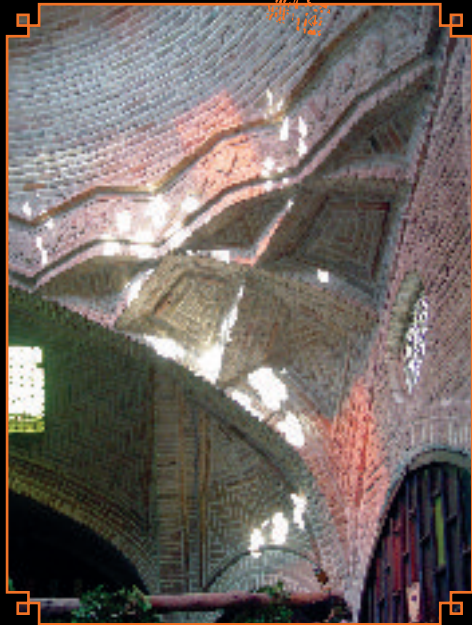
عبدالجبار





عبدلجبار

عبدالجبار





عبدالله جبار

تأملی در باب دو مفهوم از منظر شهرشناسی؛ "هویت" و "خاطره‌ی جمعی"

✦ مجید منصور رضایی

کارشناس ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری
نازیلا رشیدپور
کارشناس ارشد طراحی و برنامه‌ریزی شهری



مقدمه

یکی از بحث برانگیزترین موضوعات عصر حاضر، موضوع هویت است. بطوری که در دوره‌ی معاصر به دغدغه‌ی ملت‌هایی که از سامانه‌های فرهنگی تاریخی برخوردار می‌باشند، بدل شده است. هویت را می‌باید برگردان کلمه‌ی Identity در زبان انگلیسی تلقی نمود که تلاشی است جهت پاسخ به پیستی یا کیستی موجودات. "ژان پل سارتر" به عنوان فیلسوفی فرانسوی در قرن ۲۰ جمله‌ای را در توصیف انسان بیان می‌دارد که اساس فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم را شکل می‌دهد؛ «وجود بر ماهیت تقدم دارد». این جمله بیان می‌دارد که ماهیت انسان محتوم نبوده و بر خلاف سایر موجودات، خود در ساختن آن نقش دارد. به این ترتیب نظم زیستی وی را به مبارزه‌ی آگاهانه یا ناآگاهانه‌اش برای تأمین «هویت شخصی» می‌کشاند. ما از طریق تمایز با دیگران هویت پیدا می‌کنیم و موجودیت ما با هویتمان گره خورده است. اگر بتوان جهان را به دامنه‌ها و حوزه‌های شناختی تقسیم‌بندی نمود، تفاوت‌های بیرونی و مابین حوزه‌ها باعث تمایز و تشخیص آن‌ها از یکدیگر شده و هویت مستقل آن‌ها را ایجاد می‌نماید در حالی که شباهت‌های درونی در هر حوزه هویت گروهی آن‌ها را شکل می‌دهد. از آن‌جا که انسان اساساً موجودی اجتماعی است، نمی‌تواند بدون کمک دیگران به هویت شخصی خود دست یابد. براین مبنای دستیابی به هویت شخصی تابع یک «فرآیند اجتماعی» است. وارد شدن مفهوم اجتماع در عرصه‌ی پیرامون هویت خواه و ناخواه، مفهوم هویت جمعی و هویت باهمستانی را مطرح می‌سازد.

شهر به عنوان آوردگاه خیل عظیمی از اجتماع که فرآیندهای اجتماعی در آن از شدت و حدت بیشتری برخوردار است، کانون اصلی چانه‌زنی‌ها در باب هویت است. چراکه اغلب استدلال می‌شود که مردم نیاز به یک حس هویت تعلق به یک قلمرو و یا گروه خاص را دارند. (Carmona, 2006) این مسئله همواره در قالب این جمله مورد تصدیق قرار گرفته است، که شکل و ساختارهای مختلف شهری، هویت‌های اجتماعی متفاوتی را ایجاد می‌نماید.

(Roberts, 1971; Harvey 1973, 1992)

جان کلام آن که مقوله‌ی «هویت» پتانسیل آن را دارد که از منظرهای رشته‌ها و حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. این نوشتار تنها تلاشی است جهت روشنگری در خصوص مفهوم هویت شهری که در سطوحی جهت حفظ و شکل‌گیری ارتباط می‌یابد با مفهوم خاطره و خاطره‌ی جمعی.

۱- هویت

اولین گام جهت روشنگری در خصوص مفهوم هویت، با کنکاش در لغت‌نامه‌های فارسی آغاز می‌گردد. عموم لغت‌نامه‌های فارسی با تعاریف یکسانی به مفهوم هویت پرداخته‌اند که در این میان می‌توان به فرهنگ لغت دهخدا اشاره نمود: «هویت اشاره به غایت است و آن درباره‌ی خدای تعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات و با اشعار به غیوبیت آن. هویت گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و گاه بر ماهیت با تشخیص اطلاق می‌شود که عبارت است از حقیقت جزئی». (به نقل از: بهزادفر، ۱۳۸۷)

معنای این کلمه در لغت‌نامه‌ی Oxford چنین آمده است:

‘Who or sb/sth is, state of being the same’ فرهنگ لغات دانشگاهی Funk and Wagnalls نیز در ذیل مفهوم هویت چنین آورده است:

«حالت مشابهت کامل، همان بودن و یکی بودن، یکسانی منافع و علائق، حالات شخصی یا شئی خاص بودن و نه چیز دیگر» (پیران، ۱۳۸۴) "جان لاک" فیلسوف قرن هجدهم، هویت را مقایسه وجود چیزی که در زمان و مکان مشخص مشاهده شده است با همان چیز در زمان و مکان دیگر می‌داند. (داودپور، ۱۳۸۴)

"رحیم زاده" با تحلیل واژه‌ی identity در زبان لاتین چنین اذعان می‌دارد که این واژه از زمان پیدایش تاکنون بر پنج معنا دلالت نموده است:

۱- کیفیت یا وضعیت «همان» بودن؛ همانی مطلق یا وجود یکتایی؛

۲- فردیت، شخصیت (از ۱۶۳۸)، وجود فردی (از ۱۶۸۲)؛

۳- (در جبر) معادله با عبارتی که به ازای همه‌ی مقادیر متغیرهای خود ثابت باشد؛

۴- بازشناخته شدن از نظر احساس، علائق (از سال ۱۸۶۸، کاربرد این معنا محدود بوده است)؛

۵- آن چه مالک خود را بشناسد، مانند کارت شناسایی (از سال ۱۹۰۰) (رحیم‌زاده، ۱۳۸۳)

جمع بندی مفهوم هویت:

از مجموع تعاریف ذکر شده در خصوص مفهوم «هویت» چنان می‌توان اذعان

نمود که «هویت به معنای امر تمایز بخشی است که به واسطه‌ی آن می‌توان میان پدیده‌ای با پدیده‌ی دیگر تمایز قابل شد. این پدیده ممکن است یک فرد، یک گروه اجتماعی، یک محله، یک شهر و یا هر پدیده‌ی دیگری باشد.»

۲- هویت شهر

هویت شهر مفهومی است که در فرآیند ادراک، سهل و ممتنع است. در ابتدا هر شخص چنین می‌پندارد که هم هویت را می‌فهمد و هم شهر را، حال آن که در جایگاه حرفه‌ای و تخصصی فهم این واژه یعنی هویت و شهر بسی دشوار است. (بهزادفر، ۱۳۸۷) در واقع امر هویت در شهر مقیاس‌های مختلفی را به خود می‌گیرد. از مقیاسی در ابعاد کلیت شهر تا مقیاس خردی در ابعاد یک بنای معماری در شهر. اما اساساً ارزیابی مجموعه‌های بزرگ پیچیده، بدون استفاده از طبقات و استانداردها، غیر ممکن به نظر می‌رسد لیکن در توصیف یک طبقه رعایت تمایز بین شکل و رفتار به منظور قضاوت در انسجام و یک‌پارچگی آن‌ها حایز اهمیت می‌باشد. تحلیل کامل یک شهر مستلزم تجزیه‌ی آن به موزاییک همه‌ی بسترهای رفتاری می‌باشد، یعنی جاهایی که شکل فضایی و رفتاری، مرتباً با هم بستگی دارد.



جدول ۱: روش‌های مورد استفاده در مطالعات هویت محلات شهری

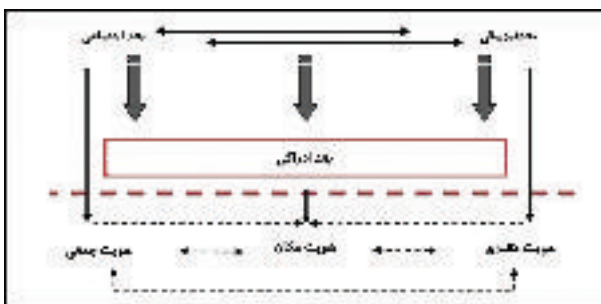
روش	روش‌های مبتنی بر نظریه‌های ادراک محیط	روش‌های مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی
روش‌های مبتنی بر نظریه‌های ادراک محیط	چون مطالعات مورفولوژی شهر	یون، مطالعات تصویریزه و علوم رفتاری - محیطی
روش‌های مبتنی بر نظریه‌های اجتماعی	چون مطالعات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی	ارنست، مطالعات با رویکرد بنده‌شناسی، عنوان ارائه‌شده در مطالعات روش ۲

از این منظر می‌باید چنین اذعان نمود که بخش عمده‌ای از هویت یک شهر را «هویت محلات» آن شهر شکل می‌دهد. محلات به عنوان اجزای اصلی تشکیل‌دهنده‌ی سازمان فضایی شهرها از گذشته‌های دور وجود داشته‌اند. محله غالباً به بخشی از شهر گفته می‌شود که محدودهای خاص (فیزیکی و یا قراردادی و ذهنی) دارد و این محدوده، مرز آن را با سایر محلات تعیین مینماید. محله علاوه بر خصوصیات متمایز فیزیکی و کالبدی نسبت به محلات اطراف، از بعد اجتماعی نیز میتواند تفاوت‌هایی را شامل گردد. ساخت یا شکل‌گیری هویت محله یک فرآیند پیچیده مکانی - اجتماعی در حوزه‌ی شهرشناسی به شمار می‌رود. (Robertson, d, et al, ۲۰۰۸)

هنگامی که از «هویت محله‌ای» یاد می‌کنیم مجموعه‌ی ویژگی‌هایی است که محله‌ی مورد نظر را از سایر محلات مجزا می‌کند که خود می‌تواند ابعاد کالبدی، ادراکی، اجتماعی، اقتصادی و ... را در برگیرد. در یک جمع‌بندی کلی با توجه به ابعاد ذکر شده، روش‌هایی که در بیشتر مطالعات مربوط به هویت محلات شهری مورد توجه قرار گرفته است را می‌توان در قالب جدول زیر معرفی نمود:

شکل می‌دهد که محصول آن «هویت جمعی» است؛ این سه بعد می‌توانند تحکیم‌کننده و یا تخریب‌کننده یکدیگر باشند. الگوواره ۱ پایگاه نظری نوشتار حاضر در خصوص هویت محله و ابعاد مختلف آن را بازگو می‌کند.

الگوواره ۱: پایگاه نظری نوشتار در خصوص هویت محله و ابعاد مختلف آن



ماخذ: مطالعات کتابخانه‌ای نگارندگان

با توجه به تعاریف ارائه شده می‌باید چنان اذعان نمود که برای شناخت «هویت محله و در مقیاسی کلان‌تر شهر» می‌باید مؤلفه‌های سازنده‌ی «شخصیت» آن را شناخت. (بهزادفر، ۱۳۸۷)

شخصیت یک محله یا شهر، شکل گرفته از دو بعد مجزا است که در کنش و واکنشی دیالکتیکی بر هم اثرگذارند. کنش و واکنشی که خود بعد سوم را به عنوان بعدی واسطه، تحت عنوان «بعد ادراکی» شکل می‌دهند.

«بعد ادراکی» محله منوط به دریافت پیام‌های ارسالی محیط محله، توسط انسان است. "جان لنگ" محیط را هر آن چه می‌داند که ما را احاطه کرده است. (لنگ، ۱۳۸۶) به عبارت دیگر محیط مجموعه‌ای از واقعیات است که به صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد. فرد بر اساس ظرفیت، شرایط، ابزار و انگیزه‌ی ادراک، دسته‌ای از اطلاعات موجود در رده‌ی واقعیت را آگاهانه یا ناآگاهانه گزینش و پدیده‌های محیط را بر اساس این اطلاعات گزینش شده ادراک می‌کند. مجموعه‌ی اطلاعات انتقال یافته از رده‌ی واقعیت که منجر به ادراک یک پدیده می‌شود، عینیت آن پدیده را شکل می‌دهد. (منصور رضایی، ۱۳۸۹)

از این منظر، «هویت محلات شهری و شهر در مفهومی کلان» حاصل سه بعد متمایز تاثیرگذار نام‌برده می‌باشد که هر یک شامل موارد زیر می‌باشند:

۱. بعد فیزیکی: که شامل عناصر مصنوع و غیرمصنوع می‌باشد که «هویت کالبدی» محله را شکل می‌دهد؛

۲. بعد ادراکی: که آگاهی، تجربه‌ی عینی و ذهنی، حس مکان و تجربه‌ی مکان درپهنه‌ی فضایی متمایز که تحت عنوان «محله» از آن یاد می‌شود را ایجاد می‌نماید که محصول آن «هویت مکان» است؛

۳. بعد اجتماعی: که تعاملات اجتماعی، خاطرات جمعی و حافظه‌ی تاریخی را



جایی که تهی نیست، جایی که سکنی‌گزینی را تجلی می‌بخشد و از هویت آکنده است.

"مکان و نامکان" رلف از اولین پژوهش‌هایی است که بر اساس نظریه‌های پدیدارشناسی شکل‌گرفت و بر روی مطالب روان‌شناسانه و تجربه‌گرایی حس مکان تمرکز نمود. (Carmona, ۲۰۰۳) رلف می‌گوید هر چند بی‌شکل و نامحسوس، هر زمان که ما فضا را درک کنیم، نوعاً مفهوم مکان نیز شکل می‌یابد. او در این کتاب نشان می‌دهد که درون بودن، کیفیتی بسیار مهم است که از طریق آن فضا به مکان ارتقا می‌یابد؛ کیفیتی که ابقاکننده‌ی عمیق‌ترین حس سکونت و سکنی‌گزینی است (Ralph, ۱۹۷۶). از نظر رلف، در درون بودن وجودی، پایه و اساس مفهوم مکان است؛ زیرا در این حالت، مکان بدون توجهی خودآگاهانه و در عین حال مملو از معانی تجربه می‌شود. از این رو اذعان می‌دارد «زمانی که معنای مکان‌ها در ساختار فیزیکی و فعالیت‌هایی که در آن رخ می‌دهد جستجو شود، چیزی یافت نمی‌شود بلکه باید معنا را در تصویرهای ذهنی و تجربه‌های انسان‌ها از مکان جستجو کرد. (Ralph, ۱۹۷۶) رلف ضمن آن که دیالکتیک درون و بیرون را هسته‌ی اصلی تجربه‌ی مکان می‌داند، برای این دیالکتیک قائل به سلسله مراتبی ۷ گانه است. (Ralph, ۱۹۷۶) این طبقه‌بندی را به شرح زیر است:



جدول ۲: سلسله مراتب دیالکتیک درون - بیرون، رلف

شخص مس و ایستگاه به رختی و تعاقب به مکان - بیرون: حس عمیق‌ترین نوع تجربه‌ی مکان است.	فرهنگی بیرونی وجودی
شخص مس بد و یا خارج بودن از مکان - اما مس بیگانگی و قلند بودن: نامشخصیت یا غیر قابل تمسک بودن.	فرهنگی بیرونی وجودی
شخص نگرفتنی مستحیده و بی طرفانه به مکان - مکان به عنوان ابزار مجزا از مورد تجربه کننده‌ی مکان وجود مطالعه قرار می‌گیرد: نوعی رویکرد علمی به مکان.	فرهنگی بیرونی مشاهده
موقعیتی که در آن مکان صرفاً جگانه‌ی برای نوع فعالیت است.	فرهنگی بیرونی مشاهده
موقعیتی که در هرگز نگردد، فقط و توجه مستحیده و حساب شده به ظاهر مکان است.	فرهنگی بیرونی رفتاری
موقعیتی که در آن شخصی به عنوان یک فرد خارجی و بیرونی تلقی می‌کند مکان را عمیقاً بداند. (این رویکرد یکی از جنبه‌های مهم بررسی مکان به روش پدیدارشناسی است)	فرهنگی بیرونی تعاملی
موقعیتی که از ترکیب حتماً دست ندم (از طریق نقاشی و داستان و...) - مکان برسط می‌شود.	فرهنگی بیرونی مشاهده

بعد فیزیکی، اجتماعی و ادراکی می‌داند. (Mansoor rezaee, ۲۰۱۰) "والمسلی" به ارتباط هویت مکان با هویت شخصی اشاره داشته و اذعان می‌دارد «هویت مکان در اثر تجربه‌ی مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد بنابراین بازتابی است از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان که در عین حال در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد.» (قاسمی، ۱۳۸۷) چراکه بخشی از شخصیت وجودی هر انسان را که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که او خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند و یا هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان دانسته و آن مکان را بخشی از خود می‌شمارد. (رضازاده، ۱۳۸۰) البته بایستی در این جا مابین «هویت مکان» و «هویت مکانی» تفاوت قائل شد. «هویت مکان» اشاره به ویژگی‌های قابل تشخیص و شناخت مکان بیرونی دارد. به عبارتی «هویت مکان» را می‌توان معادل «حس مکان» دانست. (رضازاده، ۱۳۸۰)

۵- هویت مکانی

«هویت مکانی» را نخستین بار "پروشانسکی" و همکارانش (۱۹۸۳) مطرح نمودند و در مطالعات خود تعریف روشنی از هویت مکانی را بیان نمودند:

همانگونه که ذکر گردید درک محیط شهری، فرآیندی ذهنی است که از طریق ارتباط انسان و فضاها‌ی پیرامون او انجام می‌گردد. انسان پیام‌های حسی محیط را دریافت کرده و تصویری از محیط در ذهن خود به وجود می‌آورد.

اگر محیط را واقعیت فرض کنیم و محل یا جا را اطلاعاتی از رده‌ی واقعیت بدانیم، فضا بخش‌گزینش‌شده‌ای از اطلاعات محیط است که به آن محل خاص مرتبط می‌شود. حال اگر فضا، تداعی‌هایی در ذهن فرد ایجاد کند، خاطراتی را زنده نماید یا برایش معنای خاصی داشته باشد از پدیده‌ی عینی به موجود ذهنی بدل می‌شود، جای خود را در رده‌ی ذهنیت او باز می‌کند و مکان نام می‌گیرد.

۳- مکان

مکان یک مفهوم انتزاعی و ذهنی نیست، بلکه اولین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است. از این رو سرشار از معانی، واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی است که رابطه‌ی عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند. (Ralph, ۲۰۰۷) مکان‌ها با معنی و احساسات بشری آمیخته‌اند و همین مفهوم، تفاوت میان مکان و فضا را مشخص می‌کند. از دیدگاه پدیدارشناسی مکان به عنوان «فضای زیسته» مطرح است یعنی

پس از شکل‌گیری مکان در منظر اجتماع مکان نیز چون هر پدیده‌ای می‌تواند هویتی مستقل یابد، مفهومی که در ذیل دو مفهوم «هویت مکان» و «هویت مکانی» در ادبیات حوزه‌ی شهرشناسی مطرح می‌گردد.

۴- هویت مکان

«اکتای» در سال ۲۰۰۲ «هویت مکان» را چنین مطرح می‌کند: «حوزه‌ای که شخص می‌توان آن را به واسطه‌ی وجود یک شخصیت قابل تشخیص (تمایز) نسبت به سایر مکان‌ها تشخیص داده و یا به یاد آورد.» (Oktay, ۲۰۰۲) "اریکسون" و "رابرتز" در خصوص رابطه‌ی بین مکان و هویت بیان می‌دارند «مکان و هویت ملزم به تجارب و احساسات شخصی به واسطه‌ی تداعی معنایی، شباهت و تفاوت بین خودمان، مردمان دیگر و دیگر مکان‌ها است.» (Erikson & Roberts, ۱۹۹۹)

از نظر رلف، «هویت مکان» صرفاً تصدیق می‌کند که هر مکان یک نشان منحصر به فرد دارد. او در توصیف عوامل موثر در شکل‌گیری هویت مکان اشاره دارد به تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم و آن‌ها را موثرترین عوامل در هویت مکان ذکر می‌کند. (Relph, ۱۹۷۶) کارمونا نیز هویت مکان را حاصل ارتباطات سه

«هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی و باهمستانی و حاصل شناخت‌های عمومی درباره‌ی جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند. این شناخت‌ها شامل خاطرات، ایده‌ها، احساسات، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و ترجیحات، مفاهیم و ایده‌آل‌های رفتاری و تجربی انسان در محیط‌های متنوع و پیچیده‌ی فیزیکی است که فضای تجربی انسان را اعم از ادراک و رفتار به وجود می‌آورد. محور مرکزی شناخت‌های محیط، گذشته‌ی محیطی فرد است: گذشته‌ای شامل مکان‌ها و فضاها و کیفیت‌های آن که به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به نیازهای بیولوژیک روانی، اجتماعی و فرهنگی وی عمل کرده است.» (رضازاده، ۱۳۸۰) «یون» «هویت مکانی» را قسمتی از یک فرآیند در حال پیشرفت منحصر به فرد از احساسات و عواطف می‌داند که بیشتر با یک احساس تشخیص درگیر است. (Yuen, 2004)

هویت مکانی بر طبق گفته‌ی «اریکسون» و «رابرتز» نیز بخشی از هویت شخصی برشمرده می‌شود. «استدمن» و «جورگینسن» مکان‌های اشاره شده

را که افراد و گروه‌ها به آن‌ها وابستگی داشته و تعلق دارند، مکان‌هایی معرفی می‌کنند که تجارب مختلفی را در خود سامان می‌دهند. اگرچه بسیاری چون «لالی» (۱۹۸۸)، «استدمن» و «جورگینسن» (۲۰۰۱) به «ارتباط مستقیم مابین طول مدت اقامت و هویت مکانی اشاره دارند» اما در نگاهی موشکافانه‌تر می‌باید اذعان نمود که خود این امر به عنوان شاخصه‌ای مورد بررسی در گرو ارضای توقعات افراد و گروه‌ها از محیط است. (lalli, 1988) «پروشانسکی» تقویت هویت مکانی را به واسطه‌ی تجارب مستقیم با محیط فیزیکی ذکر می‌کند و با «یون» هم‌نظر می‌شود در آن خصوص که مکان‌ها یک حس تعلق و وابستگی را نسبت به یک محل پدید می‌آورند. (Proshanesky, 1983)

«هویت مکانی» محصول تداوم و تبدیل هویت مکان از امری بیرونی به مساله‌ای درونی است. بنابر ادعای ذکر شده که «هویت مکان» را می‌توان معادل «حس مکان» دانست در بررسی میزان «هویت مکان» یا «حس مکان» در این پژوهش از «سطوح ۷ گانه‌ی حس مکان جنیفر کراس» که به تبعیت از هیومن مطرح شده است استفاده می‌گردد.

جدول ۳: سطوح مختلف هویت مکان/حس مکان از دیدگاه جنیفر کراس

این سطوح معمولاً در کارهای خاص مکانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.	می‌توانی نسبت به مکان استفاده بکنی
این سطوح متفاوتی دارند که افراد می‌دانند که در مکان‌ها چه چیزهایی می‌کند و مشاهده آن آن مکان را تشخیص می‌دهد. این نوع احساس، نه لزوماً به ذهن متصل است، بلکه وجود دارد. در این حالت فرد احساس می‌کند که در یک مکان شناخته شده و می‌داند که بخشی از آن مکان است.	کاملاً آشنایی با مکان
در این سطح فرد به تیرا از راه و اندازه‌های مکان آگاه است بلکه مکان احساسات، هیول و رفتار مشخصی را در این حالت نشان می‌دهد. مکان محسوس و آنچه در آن می‌تواند رخ می‌دهد، بر فرد مهم است.	تصور از مکان
در این سطح فرد ارتباط عاطفی برقرار می‌کند و در این مکان‌ها می‌تواند حضور و هویت است و با تجارب جنسی و هویت خود ترکیب می‌کند و مشاهده به مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت به منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود.	تعلق به مکان
این سطح نشان می‌دهد که فرد با نیازهای مکان است. در این حالت فرد صفات مکان را تشخیص می‌دهد و آن‌ها مشخص شده و آن‌ها پیوسته می‌کند. در فرد هیول، عصبی، حساسیت و این دوره‌ها در مکان پیوسته دارند.	تعلق به اهداف مکان
این سطح به نقش فعال فرد در ایجاد که علت آن ایجاد مکان است توجه دارد. در مقابل جامع سطوح قبل که هیول نظری داشتند این سطح زنده‌ی پدیده‌ی افراد برانگیز می‌کند.	حضور در مکان
این سطح بالاتر است و فرد به هیول توجه می‌کند و به مکان‌ها توجه می‌کند. برای گرایش‌ها، ارزش‌ها و رفتار در مکان‌های مختلف و هیول هیول می‌کند. در این سطح آشنایی برای زنده کردن علائق فردی و جمعی به دلایل علائق برانگیز نسبت به مکان وجود دارد.	ارتباطی برای مکان



گذشته یا شنیده‌های گذشته.»

لغت‌نامه‌ی آکسفورد، خاطره را به شکل زیر تعریف می‌کند:

«قدرت انباشت اطلاعات در ذهن خودآگاه و توانایی به یاد آوردن آن‌ها به صورت ارادی؛ ذخیره‌ی تجارب گذشته برای کاربرد در آینده.»

در هر دو تعریف فوق به وجود وقایع و تجارب اشاره شده است. به عبارتی

شکل‌گیری خاطره مستلزم وقوع یک واقعه است. (میرمقتدایی، ۱۳۸۸)

بنیامین خاطره را این‌چنین تعریف می‌کند: «خاطره ابزار تفحص گذشته نیست بلکه صحنه‌ای است برای حال آمدن گذشته، صحنه‌ای است برای پیوند مجدد

با محیط.» (حبیبی، ۱۳۸۱)

خاطره بیش از آن که منوط به زمان باشد، در بند مکان است. ما گاه می‌پنداریم

که خود را در زمان بازمی‌شناسیم. در حالی که آنچه زمینه‌ی شناخت ما است

مجموعه‌ای پیاپی از توقف‌های ذهنی ما در فضا است. (قاسمی، ۱۳۸۳) ما معمولاً

خاطرات را چنین به یاد می‌آوریم: وقتی که آن‌جا بودم، زمانی که فلان جا کار

می‌کردم و ... پس خاطره به واسطه‌ی مکان قابل ارجاع است. زمان از طریق

در این میان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تقویت هویت مکان/حس مکان، خاطره در دو ساحت فردی و جمعی آن است. چراکه اساساً زندگی انسان به معنای واقعی در محدوده‌ی مطرح می‌گردد که خاطره‌ای در آن شکل گرفته باشد. هر خاطره‌ای که در ذهن انسان نقش می‌بندد متعلق به زمانی از زندگی می‌شود که «حال» در آن گسترده شده است. مفهوم خاطره در ساحت جمعی آن که در عرصه‌های جمعی سکونت‌گاه‌های انسانی شکل می‌گیرد و با سطوح فعالیتی در فضاهای جمعی و حس تعلق ارتباط می‌یابد. از این رو از خاطره‌ی جمعی به عنوان یکی از سنجه‌های ارزیابی هویت شهری یاد می‌گردد.

۶-۱ خاطره

در ذیل واژه‌ی خاطره در لغت‌نامه‌ی دهخدا ذکر گردیده:

«اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، گذشته‌های آدمی. وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است. دیده‌های

منابع و ماخذ:

- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸۷، «هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران»، تهران، موسسه نشر شهر.
- پیران، پرویز. ۱۳۸۴، «هویت شهرها، غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده»، فصلنامه آبادی، شماره ۵ سیزدهم.
- داویدور، زهره. ۱۳۸۴، «سرعت تحولات شهری و مسئله هویت»، فصلنامه آبادی، شماره ۵ سیزدهم.
- منصور رضایی، مجید. ۱۳۸۹، «دریچه‌ای به منظر شهری در اغماء، با کنکاشی در محور زمان»، تهران، اولین همایش ملی منظر شهری.
- قاسمی، مروارید. ۱۳۸۷، «هل کجاستیم؟»، تهران، انتشارات روزنه.
- پرتوی، پروین. ۱۳۸۷، «پدیدارشناسی مکان»، تهران، انتشارات فرهنگ و هنر.
- ضرابیان، فرناز و محمدرضا منعم. ۱۳۸۷، «بررسی و میزان عوامل تاثیرگذار بر حس مکان»، ماهنامه شهرداریها، شماره ۸۹.
- میرمقتدایی، مهتاب (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، صص ۱۶-۵.
- Oktay, D. (۲۰۰۲). The Quest for Urban Identity in the Changing Context of the City. Cities, ۱۹, ۴, ۲۶۱-۲۷۱.
- Neill, W. J. V. (۱۹۹۹). Whose city? Can a place vision for Belfast avoid the issue of identity? European Planning Studies. v. ۷, ۳, ۲۶۹-۲۴۷. Erickson, B., Roberts, M. (۱۹۹۷). Marketing local identity. Journal of Urban Design, ۲, ۱, ۳۵-۵۹.
- Yuen, Belinda (۲۰۰۴). Searching for place identity in Singapore. Habitat International. Forthcoming
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K. Kaminoff, R. (۱۹۸۳). "Place- identity: Physical world socialization of self. Journal of Environmental Psychology, ۳, ۵۷-۸۳.
- Lalli, M. Urban identity. (۱۹۸۸). In: Canter, D. Jesuino, J. C., Soczka, L., Stephenson, G. M. (Eds.), Environmental Social Psychology. London: Kluwer Publishers. pp. ۳۰۳-۳۱۱.
- Uzzell, D., Pol, E., Badenas, D. (۲۰۰۲). Place Identification, Social Cohesion and Environmental Sustainability. Environment and Behavior, ۳۴, ۱, ۲۶-۵۳.
- Akçıl, A. (۲۰۰۴). Place Attachment in Gated Communities: A Case Study in Bilkent Housing Settlements, Bilkent University Masters Thesis. Ankara
- Mansoor Rezaee, Majid, Esmaily, S.H. (۲۰۱۰), "Transformation of Public Space Leads to Transformation of Neighborhood Identity", ۱۴th IPHS Conference, ITU Urban Environmental Planning and Research Center.
- Relph, E. (۱۹۷۶), "On the Identity of Places", in Relph, E. (۱۹۷۶), Place and Placelessness, Pion, London, ۴۴-۶۲.
- Carmona, M. and Tiesdell, M. (EDS) (۲۰۰۷) "Urban Design Reader", Elsevier.
- Carmona, Health, T.Oc, T. and Tiesdell, S. (۲۰۰۲), "Urban Places Urban Spaces", Architectural Press.

ردیف کردن خاطرات، به مکان امکان چندوجهی بودن و تغییرپذیری در ذهن فرد را می‌دهد. (قاسمی، ۱۳۸۳) زیرا هر بار مکان که حال در نظر فرد آشناست به واسطه‌ی زنده‌شدن خاطره‌ای، رنگ و بویی خاص به خود می‌گیرد.

۷- خاطره‌ی جمعی

خاطره‌ای است که در درون یک گروه اجتماعی نوعی اشتراک ذهنی در پیوند با گذشته و یادداشتن حال در آینده وجود می‌آورد. واژه‌ی خاطره‌ی جمعی از بدو بوجود آمدن علوم انسانی بصورت ملموس یا غیر ملموس وجود داشته است. اما برای اولین بار واژه‌ی خاطره‌ی جمعی توسط مورس هالبواکس در سال ۱۹۲۵ در کتاب "چارچوب اجتماعی خاطره" بکار رفته است و به معنی خاطراتی است که گروهی از انسان‌ها در آن سهیم بوده، آن را به دیگران انتقال داده و در شکل‌گیری آن دخالت دارند. (میرمقتدایی، ۱۳۸۸)

بستر شکل‌گیری و حفظ این نوع از خاطرات فضایی است که برای وقتی فرد در آن جا است درک می‌کند که در مکانی آشنا و متفاوت از سایر فضاها مستقر است. (حبیبی، ۱۳۸۷) از این رو هر چه یک فضا دارای بستر مناسب بیشتری برای فعالیت‌های جمعی مختلف باشد امکان شکل‌گیری و حفظ خاطرات جمعی در آن بیشتر خواهد بود. آلدوروسی معتقد است عناصر اصلی شهر "جایگاه خاطرات جمعی" جامعه هستند. (قاسمی، ۱۳۸۳)

سخن آخر

در روند سیر شهرنشینی فزاینده چند دهه‌ی اخیر، دو مفهوم «هویت» و «خاطره‌ی جمعی» در شهرهای ما مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. اگر شهرهای ما به جایی برسند که نتوانند خاطره‌ی جمعی تولید کنند و خاطره‌های جمعی قبلی را هم از بین بده باشند، نسل‌های بعدی، نسل‌های بی‌خاطره خواهند بود. نسلی که مرجع مکانی برای هویت گذشته‌ی خود و بسط آن به زمان حال را در شهر و محله‌ی خود ندارد. لذا هویت شخصی و جمعی این نسل چه خوب و چه بد در معرض تزلزل خواهد بود.

در این نقطه دو مفهوم هویت و خاطره با یکدیگر پیوند می‌خورند. چراکه بخشی از تصویر ذهنی افراد بر اساس خاطراتشان است و تزلزل آن به معنای مختل شدن عمل انطباق ذهنیت و عینیت است، امری که فرد را در احراز هویت مکانی خود با مشکل مواجه می‌سازد.

بر این مبنا میان احراز هویت، حس مکان، خاطرات و تداعی‌ها چرخه‌ای برقرار است که هر یک دیگری را تشدید می‌کند. لذا برای احراز هویت و دستیابی به هویت مکانی توجه به بسترهای خاطراتی و امور تداعی‌برانگیز در شهرها امری ضروری به نظر می‌رسد. همان‌طور که اگر مکانی هویت‌مند باشد، خواه و ناخواه هر رویدادی می‌تواند در تصویر ذهنی آن جایی برای خود باز نماید، به خاطره تبدیل شود و قابلیت رجوع مجدد و تداعی پیدا کند.

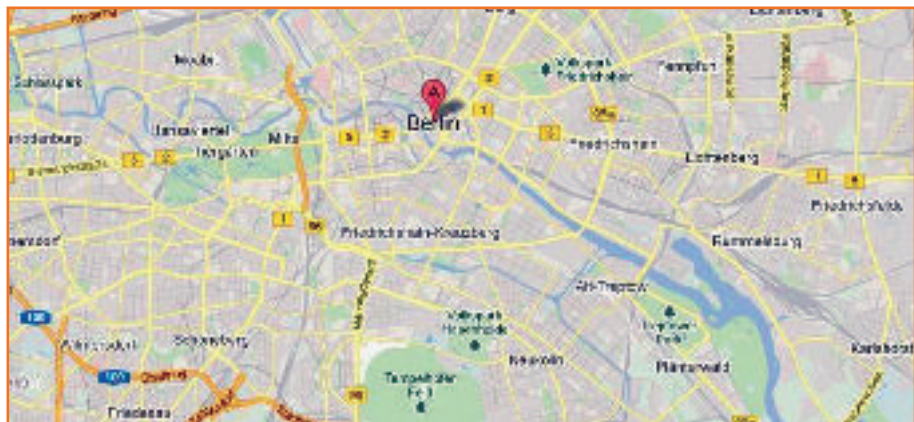
از این رو توجه به این مفاهیم در شهرهای ما نیازمند بازنگری و روشنگری در سطوح مختلف است.



بررسی و تحلیل یک تجربه در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری جهت بازآفرینی هویت مکانی

نمونه موردی: کشور آلمان

+ بهاره حیدری
پژوهشگر دوره‌ی دکتری برنامه‌ریزی فضایی، دانشگاه فنی دورتموند
موسی پژوهان
پژوهشگر دوره‌ی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران



چکیده

در دورانی که شهرنشینی سریع و شتابان در مقیاسی عظیم به جریانی غالب در دنیا و بویژه در کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است همواره یک موضوع اساسی فراموش شده است: هویت‌مندی فضاهای شهری. این موضوع از دو جهت حائز اهمیت است: یکی تضعیف عناصر و عوامل هویت‌بخش در طی زمان و همراه با توسعه‌های جدید و دیگری عدم توجه به محرک‌های هویتی و عدم بکارگیری شکلی یا معنایی آن‌ها در فضاهای شهری. بدینسان فقدان هویت امروزه به یکی از معضلات شهرهای ما تبدیل شده است. در این مقاله به بررسی مباحث بازآفرینی هویت فضایی - مکانی در برلین به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای کشور آلمان به عنوان یک نمونه موفق در مدیریت و برنامه‌ریزی در زمینه‌ی بازآفرینی هویت‌های گمشده‌ی مکانی پرداخته می‌گردد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی - توصیفی با استفاده از متون مربوطه بویژه در کشور مورد بررسی است. نتایج نشان می‌دهند که چنانچه برنامه‌ریزی‌ها و طراحی معطوف به اصول و مؤلفه‌های سامان‌مند هویتی همچون اتفاقات تاریخی - اجتماعی، ارتقاء هویت مکان از طریق حفظ سبک‌های معماری و طراحی جداره‌های مرتبط با گذشته مکان، وجود نمادهایی مرتبط با اتفاقات و وقایع گذشته‌ی مکان، فضای نشستن و گفتگو به منظور حضور بیشتر شهروندان، امکان حضور فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد، فضاهای شهری و از جمله مکان‌های مهم دولتی ارائه‌دهنده‌ی هویت مکانی پایدار و بالنده خواهند بود.

واژگان کلیدی:

هویت مکان، بازآفرینی، مدیریت، برنامه‌ریزی، آلمان

بلکه تمامی ابعاد زندگی اجتماعی زیست‌محیطی را در جوامع شهری تحت الشعاع خود قرار داده است، زیرا فرم فیزیکی شهرها در حقیقت هسته‌ی جهان اجتماعی است که بر تمامی ابعاد جامعه از اقتصاد گرفته تا زیبایی‌شناختی موثر است. هویت، در روند ناگزیر جهانی‌شدن و نفوذ فرهنگ‌هایی که از پست‌وانه‌ی «تمدن» و «توسعه یافتگی» برخوردارند، دغدغه‌ی ملت‌هایی است که از سامانه‌های فرهنگی - تاریخی برخوردار هستند و واقفند که می‌بایست راستای توسعه‌ی عمومی خود را با مکنونات فرهنگ جامعه به‌گونه‌ای سازگار کنند که از طریق ارتقاء آن یارایی مقابله با آثار و تبعات ناخواسته این نفوذ قدرتمند، امکان‌پذیر باشد (رفیعی زاده، ۱۳۸۴: ۱۴). مجموعه عوامل بالا باعث شده تا در عصر پیش‌رو، خویشتن را گم کنیم؛ به سخن دیگر، خود را در دیگری جستجو کنیم. پس یک انفصال آشکار را بین شهرسازی، فرهنگ، اندیشه و تاریخ به وجود آورده است که این نیز ناشی از همان گسست تاریخی دوران مدرن است (تختی و وثوقی، ۱۳۸۵: ۱۱۹). استفاده از عوامل محرک هویتی و از جمله مهم‌ترین آن‌ها عناصر تاریخی و مولفه‌های فرهنگی - اجتماعی از مهم‌ترین عوامل بازآفرینی هویت‌های مکانی در فضاهای شهری محسوب می‌گردند؛ در مطالعاتی که گیلگوریجویک در مورد شهر جدید بلگراد New Belgrade و ارتباط توسعه‌ی آن با هویت انجام داده به این نتیجه رسیده که استفاده از نمادهای تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی در هویت‌بخشی به ساکنان شهر جدید بسیار مؤثر بوده و این مسأله‌ای است که در توسعه‌های جدید شهری بایستی توسط توسعه‌دهندگان و مقامات مسوول برنامه‌ریزی مورد توجه جدی و ویژه قرار گیرد (Gligorijevic, 2006: 9). امروزه به هویت شهری به عنوان یکی از استراتژی‌های دستیابی به توسعه‌ی پایدار بویژه از ابعاد اجتماعی آن نگاه می‌شود؛ شبکه‌ی پایداری هویت شهری بر این پیش‌فرض استوار است که پایداری بدون یک استخوان‌بندی اجتماعی راسخ و استوار که در آن مردم اجازه یابند تا خودشان را به عنوان یک گروه یا به عنوان اجتماعی که مشخصه‌های اصلی را سهیم می‌کند و به سطوح معینی از همبستگی و انسجام اجتماعی رسیده است، ممکن نخواهد بود. ما این را هویت می‌نامیم (شکل ۱).

نمودار ۱: مدل کلی شبکه پایداری هویت شهر

Source: Enric, 2006, 9



در چند قرن گذشته احیا و تجدید ساختار مراکز تاریخی شهرها یکی از موضوعات قابل بحث در زمینه‌ی شهرسازی است که گرایش‌هایی چون مرمت شهری و باززنده‌سازی ساختار در عرصه‌ی دانش شهرسازی شکل گرفته است که حاصل آن تحول شگرف کالبدی و اقتصادی در مراکز شهرهایی از لندن، پاریس، برلین تا بارسلون و گلاسکو و حتی بیروت و استانبول بوده است. بنا بر این ضرورت که آگاهی از تجربیات موفق در زمینه‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی جهت بازآفرینی و باززنده‌سازی هویت مکانی در فضاهای شهری موجب غنا و واقعی‌تر شدن هرگونه مطالعه و اقدامی جهت بازآفرینی موارد مشابه در داخل می‌گردد، هدف اصلی این تحقیق نیز بررسی و تحلیلی بر بازآفرینی هویت‌های گمشده مکانی در فضاهای شهری در یکی از مهم‌ترین شهرهای آلمان یعنی برلین است.

هویت شهری

لینج معتقد است که هویت اغلب با زندگی درازمدت در یک محل و همچنین آشنایی زیاد حاصل می‌شود که خود موجب ایجاد خاطراتی از آن محل در

مکان یعنی جایی که ما به آن تعلق داریم و تنها با حضور انسان با معنا می‌شود و انسان نیز تنها با داشتن مکان با معنا خواهد شد و این میان حلقه‌ی اتصال‌ی وجود دارد که به آن هویت گویند. به عنوان یک اصل بعضی مواقع مکان‌ها به سرعت تغییر می‌کنند؛ اما این تغییر سریع به آن معنا نیست که هویت مکان لزوماً تغییر کند یا از دست برود. یکی از اصول و شرایط لازم برای ادامه‌ی زندگی انسان وجود کانون‌های پایدار زندگی است. یعنی مکان‌هایی که هویت فرد را در طول زمان حفظ نماید. در واقع هویت مکان به ویژگی‌هایی قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد. هویت مکانی بخشی از هویت شخصی است (رضازاده، ۱۳۸۰: ۱) و بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است که در غنای شخصیت فردی نقش محوری خواهد داشت و به عنوان راهی تعریف می‌شود، که هر مکان هویت فرد یا مردم را مشخص می‌کند و خاطرات و هویت مکان را به نمایش می‌گذارد. معانی و تعلقات که از نشانه‌های مکان هستند، کمبود آن‌ها سبب سست‌شدن و ضعیف‌شدن هویت مکان می‌شود (Shamsuddina and Ujangb, 2008). اما متأسفانه امروزه ارزش‌های مکان‌ها به فراموشی سپرده شده است و حس بی‌مکانی و لامکانی جایگزین آن شده است (رضازاده، ۱۳۸۵).

از نظر اجتماعی شهرها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری ارزش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند. لذا هویت در محیط‌های شهری به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات عصر حاضر تبدیل شده است، تاجائی که امروز هرکس به طریقی خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه در چنگال نگرانی بی‌هویتی اسیر است. بی‌هویتی، ناهماهنگی و یکنواختی که امروزه بر فضای شهرها است و به صورت روزافزونی در حال گسترش است، نه تنها سیمای نامطلوب و محیطی نامأنوس را برای ساکنین ایجاد نموده،

ذهن ساکنانش می‌گردد (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۶۷). به عبارت دیگر هویت مجموعه خصلت‌هایی است که محلی را از سایر مکان‌ها جدا می‌سازد، این خصلت‌ها شامل ویژگی‌های کالبدی سیما، منظر و سرزندگی محیط است و با حضور فعالیت و رفتار اجتماعی، کیفیت‌های اکولوژیک و محیط طبیعی، خاطرات جمعی و دیگر زمینه‌های کیفی از محیط ادراک می‌شود و ابعاد کامل‌تری به مفهوم هویت مکان می‌بخشد (ذکاوت، ۱۳۸۵: ۱۸۷). هویت شهر، برآیند همه‌ی نیروهایی است که برآیند تا شهر را به عرصه‌ی فیزیکی اجتماعی منسجم، خانه‌ای برای زندگی مشترک خانواده‌ی شهر میدل سازند. اگر شهر مفهوم و اعتبار خود را به عنوان فضای اطلاع‌رسانی از دست بدهد و برنامه‌های آن از بازخورد اطلاعات مربوط به حقایق شهر منشأ نگیرد، نه تنها انگیزه‌ای برای زندگی اجتماعی و مشارکت مردم در بازار تولید ارزش‌ها و هویت‌شان وجود نخواهد داشت، که مدنی‌ت نیز در انتظار شهرهایمان نخواهد بود (رفیعی زاده، ۱۳۸۴: ۱۸). برخی متخصصین با تعریف جامعی از هویت شهری و عناصر و انواع آن به ریشه‌یابی و شناسایی علل وقوع بحران در شهرهای امروزی پرداخته‌اند (به عنوان مثال: Relph، ۱۹۷۶؛ رضازاده، ۱۳۸۵؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ لینچ، ۱۹۸۴؛ Trancik، ۱۹۸۶؛ کالن، ۱۹۷۱ و سایرین).

عناصر و ابعاد هویت شهری

ابعاد هویت فضایی و از جمله هویت شهری را می‌توان این گونه مشخص ساخت که عبارتند از تاریخیت، مکانیت، جمعی، دوره‌ی خاص تاریخی، متن روابط اجتماعی عام و خاص و احساس تعلق فردی، خانوادگی، گروهی، قبیله‌ای، مکانی (شهری و روستایی و محله‌ای و ملی)، رویدادهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دگرگونی‌های جامعه‌ای حقوق و وظایف شهروندی یا فقدان آن‌ها، سطح تکنولوژی، روابط که تری و مه‌تری، جایگاه طبقاتی، روابط بین‌المللی و جایگاه ملی (پیران، ۱۳۸۰: ۸). هویت‌شهری از خلال کنش و واکنش عناصر یاد شده و از تضادها و فصول مشترک آن‌ها سر بر می‌آورد، می‌بالد، می‌پاید، دگرگون می‌شود و حاوی و جوه منفی و مثبت متعددی است.

محورهای تأکید هویت شهر

محورهای تأکید هویت شهر بر عواملی از قبیل نمادها و مبادله‌ی نماد، ادراک هویت فضا و هم‌گرایی هویت اجتماعی و کالبدی شهر بستگی دارد. نماد، نتیجه‌ی فرآیندی شناختی است که به تبع آن موضوع، و رای استفاده‌ی کاربردی یا ابزاری، معنایی ضمنی پیدا می‌کند. در واقع نمادها شیوه‌های غیر کلامی برای برقراری ارتباط هستند که مردم برای تبادل پیام‌های خود، پیشینه‌ی خود، شئون اجتماعی جهان بینی خود از آن استفاده می‌کنند. منظور از ادراک هویت فضا، فرآیندهای بنیادین رفتار و ماهیت انسان (شناخت، عاطفه، ارگانسیم، شخصیت، وابستگی‌های اجتماعی و فرهنگی)، ماهیت محیط (قابلیت، اطلاعات ادراکی، مفهوم و تصویر ذهنی)، تشخیص هم‌گرایی هویت اجتماعی و فضایی در محیط شهری از طریق شناخت رابطه‌ی عمیق توأم با درک منطقی، تعلق و وابستگی به مکان می‌باشد (پیران، ۱۳۸۰: ۱۶).

مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در جهت بازآفرینی هویت فرهنگی و مکان در آلمان

در ابتدا قبل از بررسی چگونگی شرایط فضایی و مکانی مفهوم هویت در آلمان، تاریخچه و گذشته‌ی آلمان بررسی شده است، سپس طرح‌های پیشنهادی و نحوه‌ی برخورد برنامه‌ریزان و طراحان شهری جهت بازآفرینی هویت مکان و مکانی در برلین بررسی می‌شود. هیتلر در کتابش نبرد من، شهرها را مکان‌های مصرفی و کالامحور می‌داند که از ناراحتی و بی‌قراری روحی رنج می‌برند، بنابراین هویت فرهنگی باید در آن‌ها قرار گیرد و آشکار شود، در واقع در نبود نماد جالب توجه برای جامعه‌ی ملی، ما نباید از پیدا کردن آن متعجب شویم چون ممکن است هیچ نمادی در شهرها وجود نداشته باشد و بی‌هویتی حاکم شود. نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر این امر، یک ویرانی است که اثر آن، بی‌تفاوتی کامل یک فرد مقیم در شهری بزرگ نسبت

به هویت شهری را نشان می‌دهد. این امر، نماد فرهنگ رو به تنزل ما و افت و سقوط کلی ماست. عصر تاریخی در حال فرونشاندن و خاموشی کمترین حالت سودمندگرای یا به بیان بهتر، در خدمت پول بودن (است، Hitler, Adolf، ۱۹۷۱: ۲۶۵-۶). در سال ۱۹۳۳، زمانی که جامعه‌شناسان ملی در کشور به قدرت رسیدند، بازسازی مجدد برلین از نظر فضایی را در نظر گرفتند تا هویت خود را پیروزمندانه و با اطمینان در جامعه ابراز کنند. در سال ۱۹۳۷، به دستور هیتلر، آلبرت اسپیر ساختمان بازرسی را ساخت و با اعتبارترین مقام برنامه‌ریزی شهری را در برلین، منتصب کرد.

معماران که با اسپیر در بازسازی ظاهر شهر برلین کار می‌کردند سبکی داشتند که اسپیر آن را «سبک امپراطوری» نامید. سبک معماری به کار گرفته شده فقط یک نتیجه‌ی فرعی و برگرفته از سبک کلاسیک بود. معماری کلاسیک به اشکال حماسی و قهرمانانه در زمان‌های کهن ارتباط داشت، این سبک تقارن و آراستگی و تشابه را در تضاد با آزادی و برابری، به هم ربط می‌داد و اطمینان را در تضاد با دلیل آزادی‌خواهی و شک به روشنفکری اظهار می‌داشت.



تصویر ۱- نسخه نهایی طرح محور شمال به جنوب برلین - فوریه ۱۹۴۲





تصویر ۳- نمایی از شهر برلین مأخذ: www.Wikipedia.com

آنچه با عنوان نمایشگاه بین‌المللی مطرح است در واقع به نوسازی شهر برلین اختصاص دارد. نوعی نوسازی مستمر شهری که همچنان ادامه دارد و نمایشگاهی است که در هر زمان چیز تازه‌ای به آن افزوده می‌گردد و نشان‌گر فرایندی پویا در بستر شهری با هدف بهبود کیفیت زندگی است.

از جمله اقداماتی که در زمینه‌ی به‌سازی و نوسازی برلین، پس از سقوط دیوار و انتقال پایتخت به برلین صورت گرفته است:

۱- احداث ساختمان‌های دولتی، سفارتخانه‌ها و مرمت و به‌سازی ساختمان قدیمی رایشتاگ توسط نورمن فاستر به عنوان محل استقرار پارلمان، آغاز شد.

۲- دسترسی، در بازسازی ویرانی‌های پس از جنگ، طراحی دسترسی‌ها در هر نیمه از هم متفاوت بود. در نیمه‌ی شرقی احداث محورهای بسیار عریض مستقیم که با نقاط تاریخی شهر تقاطع داشت (از جمله دروازه‌ی براندنبورگ، میدان الکساندر و...); معمول بود. این گونه خیابان که حالتی پرشکوه و یادمانی دارد و برای رژه رفتن مناسب است، خیابان‌های شهرهای روسی را تداعی می‌کنند.

۳- در نیمه‌ی غربی شبکه‌ای از دسترسی‌های بدون تقاطع و کمربندی، مطابق با الگوی آمریکایی احداث شد که در حاشیه‌ی رودخانه‌ی فضای سبز نواری پیش‌بینی شده است.

۴- سبک معماری بناهای احداث شده‌ی برلین شرقی، سبک نئوکلاسیک حاکم بود که این سبک معماری باشکوه و قدرتمند را به عنوان نماد حکومت جدید مطرح می‌کند. در برخی از محله‌های برلین، به ویژه در بخش شرقی آن، رد پای تاریخ را می‌توان یافت.

۵- بازسازی میدان پاریس (پاریزر پلاتز) در مقابل دروازه‌ی براندنبورگ، که نماد اتحاد دوباره‌ی شهر محسوب می‌شود، میدان پراگ، میدانی قرن نوزدهمی و مربع شکل که به صورت تقاطعی ترافیکی و بی شکل درآمده بود، میدان پوتسدام که پیش از جنگ شلوغ‌ترین میدان اروپا محسوب می‌شد و در زمان جنگ سرد به آن نوار مرگ می‌گفتند. میدان الکساندر، که در دوره‌ی حکومت "آلمان دموکراتیک" میدان مرکزی برلین شرقی بود و در سال‌های گذشته تغییرات اساسی کرده است پس از اتحاد دو آلمان نه تنها به‌سازی و مرمت میدانی قدیمی در دستور کار قرار گرفت، برلین متحد به صورت نمایشگاهی دائمی از ساختمان‌هایی درآمده است که مشهورترین معماران جهان، طراح آن‌ها بوده‌اند. کسانی چون ماریو بوتتا، ایمونیمو، آلدو روسی، آیزنمن، فرانک گهری، استرلینگ، کوروکاو، لیبسیکیند، هلموت یان و نورمن فاستر (William, 2004).

پوتسدامر پلاتز

مجموعه‌ی پوتسدامر پلاتز؛ میدان قدیمی شهر که قبلاً پیوندی با فعالیت‌های شهری داشت و روزگاری دیوار برلین آن را به دو نیم شرق و غرب تقسیم کرده بود، بخشی از ساختار تاریخی برلین بود. سال‌های ۱۹۲۰، نقطه‌ی عطفی برای پوتسدامر پلاتز بود، در آن زمان پوتسدامر قلب تپنده‌ی برلین بود، حیات اجتماعی و اقتصادی روز و شب در آن امتداد داشت. به همین سبب مرکزیت شهر برلین را به خود اختصاص داده بود. در هنگام جنگ جهانی دوم این مرکزیت شهری تخریب شد. پس از آن برلین به دو بخش تقسیم شد و دیوار

در سال ۱۹۳۷ هیتلر، وظیفه‌ی اثرگذاری و اعمال طرح‌ها و نقشه‌های ساخت برلین جدید را بر عهده‌ی اسپیر گذاشت تا مفهوم فرهنگ را خوشایندتر کند. طرح‌های هیتلر و اسپیر برای بازسازی برلین و هویت تاریخی آن در آینده، برای طراحان و معماران در طراحی مجدد و تصویرسازی برلین از سال ۱۹۸۹ حساس و مهم بود. جرمانیا برای تأیید هویت فرهنگی مردم بومی آلمان در نظر گرفته شده بود. یک محور شرق به غرب، از طریق تریامفلیس به عنوان بخشی از طرح‌های اسپیر در جرمانیا ساخته شد. این حلقه از آنتر و ورودی براندنبورگ به سمت غرب از میان شهر تا آدولف هیتلر پلازا که امروزه محور تودور نام دارد عبور می‌کرد و شامل بازسازی از رایشتاگ به سمت محل کنونی آن بود.



تصویر ۲- تودور پلاتز و محور تودور - برلین

این محور برای مسیر شمال به جنوب هم ترسیم شده بود که عمده‌ترین منبع مکان‌سازی هیتلر بود. هیتلر مسئولیت اداره‌ی برنامه‌ریزی شهری برلین را بر عهده داشت و توانست یک خیابان جدید از شمال به جنوب و از غرب و ورودی براندنبورگ و پوتسدامر طراحی کند. این مسیر به فرودگاه جدید تمپلهوف و راه‌آهن مرکزی در جنوب متصل می‌شد. در این محور، نمایش عمده‌ی قدرت، هدف اصلی ساخت مسیر بود. بازدیدکنندگان به ایستگاه جنوبی می‌رسیدند و از قوس یا کمان تریامفلیس، شمال را مشاهده می‌کردند که ۱۱۷ متر ارتفاع و ۱۷۰ متر عرض داشت و یک سالن بزرگ در آن جا واقع شده بود. در طرح نقشه‌ی نهایی سال ۱۹۴۲، سالن پیشنهادی ساخته شده، بزرگ‌ترین ساختمان در جهان بود که هزار فوت ارتفاع داشت و ظرفیت حفظ ۱۸۰/۰۰۰ نفر را داشت که می‌توانستند بر آن سوار شوند.

برلین تصویری از پیشرفت و ارتقای یک مکان

برلین مظهر وحدت ملی آلمان است، این وحدت در سال ۱۸۷۱ تحقق یافت و در همین سال برلین پایتخت آلمان شد و به عنوان مرکز دولت و مجلس فدرال این کشور معرفی شد. بسیاری از رویدادهای تاریخی آلمان در این شهر رخ داده است: سپاهیان روس و اتریش در ۱۷۶۰، فرانسویان در سال ۱۸۰۵ و متفقین جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ آن را اشغال کردند. با شکست در جنگ جهانی دوم آلمان تحت اشغال آمریکا، انگلیس، فرانسه و شوروی در آمد. اشغال‌گران در برلین مستقر شدند و هم آلمان و هم برلین را به مناطق تحت‌نفوذ خود تقسیم کردند. برلین به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد و در سال ۱۹۶۱ سرانجام جدایی دو بخش از آلمان با ساختن دیوار در برلین قطعی شد، تا ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹، تا زمان به‌وقوع پیوستن انقلاب صلح‌آمیز مردم آلمان شرقی، این دیوار هم‌چنان برقرار بود. یک سال پس از آن، دو آلمان رسماً متحد شدند، تمامی این اتفاقات برلین را به بستر مناسبی برای تحولات تبدیل نمود. این بستر مناسب در کنار اقدامات سنجیده در دوره‌های تاریخی مختلف از برلین، شهری برای زندگی امروز در ادامه‌ی زندگی گذشته آن ساخت. انتخاب شهر برلین به عنوان پایتخت آلمان از دلایلی بود که موجب شد تا شهر خود را برای ورود زندگی مدرن آماده کند.

برلین شهریست که در کانون دو جنگ بزرگ جهانی قرار داشت و هر بار با پیکری پاره پاره و کالبدی مخروبه از آتش جنگ بیرون آمد. اما این پیکر پاره‌پاره بستری شد برای در برگرفتن آثاری از بهترین نمونه‌های معماری مدرن که شهر را به صورت یک «نمایشگاه جهانی» پرآوازه کرده است.

ساختمان‌هایی همگانی و شهری نظیر فروشگاه‌ها، دفاتر، مؤسسات قرار داشت.

۳- طرحی بر پایه‌ی احیای هویت تاریخی خیابان اصلی و میدان، با حفظ تناسبات انسانی ارایه دادند.

۴- طرح بر اساس بلوک‌های شهری مستطیلی شکل با دسترسی‌های کم‌عرض به معابر اصلی و درختانی که در یک محور قرار داشتند،

۵- با در نظر داشتن اهداف برنامه؛ امکان مالکیت خصوصی و توانایی متوسط پرداخت نرخ اجاره، شکل گرفته بود. به این ترتیب هدف بوجود آوردن پهنه‌ی شهری زنده و پویا، در پیوند با هویت تاریخی، با ترکیبی از کاربری‌های متنوع و کارآمد مطرح شد.

همچنین بعد اقتصادی شکل‌گیری منطقه نیز با امکان ظهور و سکونت و خرده‌فروشی از طریق ایجاد تنوع در قیمت و توان خرید و اجاره و امکان تملک از نظر دور نمانده بود. پس از آن دولت آلمان زمین پروژه را به شرکت‌های بزرگ به تفکیک سه بلوک و با نرخ ارزان واگذار کرد و از تقسیم آن بین چندین شرکت بزرگ و کوچک امتناع ورزید. شرکت‌های سونی، A+T، دیلمر بنز هر یک بخشی از طرح مرکز شهری پوتسدام را به تفکیک ارایه دادند (William, 2004).

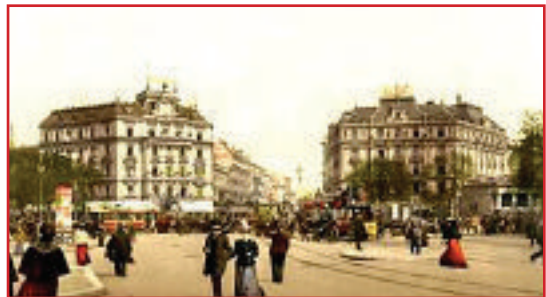


تصویر ۵- نمایی از پوتسدامر پلاتنز
مأخذ: www.flickr.com

امکانات و دسترسی‌های شهری در پوتسدامر پلاتنز

پوتسدامر پلاتنز با شهر برلین از طریق ایستگاه جدید قطار شهری زیرزمینی و روزمینی که در شمال رودخانه با حفر تونلی زیرزمینی و عبور از رودخانه و پارک وحش برلین ساخته شد، همین طور در همان جهت تونل زیرزمینی دیگری برای عبور سواره در دو طرف کانال آب واقع در راستای جنوب به شمال شهر ساخته شد؛ هزینه‌ای که برای آن در برنامه‌ی کار محاسبه و تنظیم شد، یک‌دهم هزینه‌ی نهایی ساخت بود. عملیات پشتیبانی احداث و اجرای سایت جدید قابل توجه بود. محوطه‌ی وسیعی در جنوب رودخانه در نظر گرفته شد، ترمینال بارگیری و باراندازی و همچنین وسایل مناسب جهت حمل‌ونقل و بارگیری خاک و مواد زاید حاصل از حفاری و مصالح مورد نیاز برای اجرای سازه‌های ساختمانی، پیش‌بینی و اجرا شد.

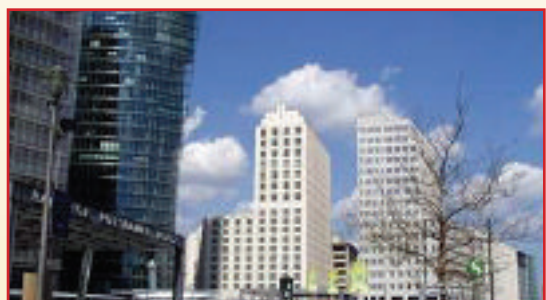
برلین از میان پوتسدام عبور کرد. دو بخش ایجاد شده هر کدام مرکز خود را بنیان نهادند؛ برلین شرقی به مرکزیت الکساندر پلاتنز و برلین غربی به مرکزیت کودام. اما پوتسدامر پس از آن واقعه تبدیل به بیابانی خالی از سکنه شد. قبل از ایجاد ارتباط میان برلین شرقی و غربی و فروریختن دیوار برلین، مساله‌ی احیا و بازسازی این مکان مورد توجه واقع شد. با فروریختن دیوار در ۱۹۸۹، فکر باززنده سازی آن به عنوان مرکزیت جدید شهری در پیرامون آن شکل گرفت. پس از برگزاری چندین مسابقه طی سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ برای طرح و برنامه‌ی فضایی به همراه آماده‌سازی و اجرای زیرساخت‌های شهری و با در نظر داشتن امکان ارتباط آسان و سریع پوتسدامر پلاتنز با کل شهر مورد بهره‌برداری قرار گرفت. به همین علت جمعی از معماران در برلین به نام IBA به همراه جمعی از سیاست‌مداران بر بازسازی آن به توافق رسیده بودند و طرح هیلمر و ساتلر برندگان اول مسابقه شد.



تصویر ۱- پوتسدامر پلاتنز، ۱۹۰۰. مأخذ: www.flickr.com



تصویر ۲- پوتسدامر پلاتنز، ۱۹۴۵. مأخذ: www.flickr.com



تصویر ۳- پوتسدامر پلاتنز، ۲۰۰۶

اصول و معیارهای طراحی پوتسدامر پلاتنز

بدین ترتیب از ابتدای برنامه‌ریزی برای پوتسدامر پلاتنز، طرح برپایی احیای هویت تاریخی مکان در یک بافت شهری و ایجاد فضای زندگی در قالبی شهری با امکانات فضایی کار و تفریح و گذران اوقات فراغت و... و دسترسی مناسب به نیازمندی‌های ساکنان این مرکزیت قرار داده شده بود.

۱- زنده و پویا کردن مرکزیت تاریخی

۲- رشد و توسعه‌ی زندگی در آن بواسطه‌ی ساخت خانه‌های مسکونی،

- مجسمه آزادی Victory column

این مجسمه یکی از یادبودهای جنگ‌های ویکتوریوس است که امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های شهری عمل می‌کند. در زمان رایش سوم از مقابل دروازه‌ی اصلی شهر (براندنبورگ) منتقل می‌شود و به این ترتیب جهت رشد و توسعه‌ی شهر را تعریف می‌کند و سازمان فضایی شهر را تعریفی جدید می‌بخشد.

- اسپری بوگن

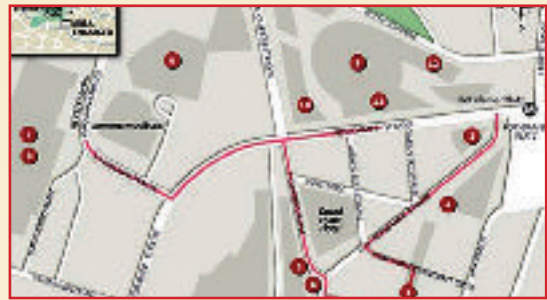
پس از اتحاد دو آلمان، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۱ مجلس فدرال تصمیم گرفت تا پایتخت از بن به برلین انتقال یابد. به این منظور نیاز به ساختمان‌هایی برای استقرار مجلس و دولت بود. محل استقرار این ساختمان‌ها در قسمت تاریخی شهر برلین و محدوده‌ی خیابان ویلمه و قوس رودخانه‌ی اسپری (شمال غربی رایشتاگ) در نظر گرفته شد تا به منظور انتخاب بهترین ایده‌ی طراحی به مسابقه‌ی گذارده شود. به این ترتیب منطقه‌ی اسپری بوگن که در جنگ جهانی دوم آسیب بسیار دیده بود به صورت مقرر حکومتی جدید دولت فدرال آلمان بازسازی می‌شود. در این پروژه، محله‌ی دولتی کاملاً با ترکیب اولیه‌ی محله‌ی قدیمی متفاوت بود و به صورت خطی ارتباط بین شرق و غرب و همچنین ارتباط بین مرکز شهر و بالای رود اسپری را فراهم می‌کرد. در وسط این نوار پهن، یک میدان عمومی و یک بازار وجود دارد که می‌بایستی ایستگاه‌های متروی زیرزمینی و هوایی در آن جای داده شود همچنین فضایی برای عابران پیاده همراه با نمایشگاه‌ها، مغازه‌ها و رستوران‌ها برای حضور فعال مردم در این فضای شهری در نظر گرفته شده است و در اطراف این محدوده ادارات دولتی قرار خواهند گرفت.

- یادبودهای جنگ جهانی دوم در برلین

بحث درباره‌ی چگونگی واقعه‌ی جنگ جهانی دوم در گذشته موجب ایجاد ساختمان‌هایی در محیط جدید در برلین و کاربرد مجدد از ساختمان‌های قدیمی می‌شود. این مباحث در قلب این موضوع قرار دارد که آلمان‌ها چگونه بر مفهوم هویت کار می‌کنند و آن را در برنامه‌ریزی شهری پایتخت قرار می‌دهند و شدت و حساسیت این امر در رابطه با فرآیند یادسپاری و حفظ یادبودها است که با ساخت مکان‌ها و تفکر درباره‌ی اتفاقات در مقابل انسان‌دوستی بررسی می‌شود. در شهر برلین طرح‌های یادبود به سادگی در جات مجسمه‌ها، تندیس‌ها و لوحه‌های منقوش، موضوع جنگ جهانی دوم را نشان می‌دهد و با وجود این امر، مکان‌های مشخص و انتخاب شده از کارهای یادبود اخیر می‌تواند موجب شگفتی در برخورد با شکاف‌ها و آسیب‌های این مکان باشد که حس مکان شکنجه شده را حفظ می‌کند. چون همه‌ی مکان‌های یادگاری، یکسان و واحد هستند، تقسیم‌بندی اصلی آن می‌تواند بین قدرت مکان‌های زیبا باشد که رویدادها و وقایع خاص در آن رخ داده است و این نواحی نشان دهنده‌ی فرصتی برای تفکر و تعمق بیشتر هستند.

هنرهای یادگاری و لوحه‌های یادبود، هنرمند را با چالشی روبرو می‌کند که موجب ارائه‌ی اصل جمعی یادبودها و شکل‌دهی آن‌ها به گونه‌ای می‌شود که در جامعه قابل قبول است. این هنر، رویدادهای تاریخی را بازیابی می‌کند و آن‌ها را به شکل قابل شناسایی و قابل فهم در ذهن، مطرح می‌کند. هنرمندان تلاش کرده‌اند که با ابزارهای هنری با پدیده‌ی جرم مخالفت کنند و نسبت به آن واکنش نشان دهند چون این پدیده از کلیه‌ی محدودیت‌های درک منطقی، جلو افتاده است و نمی‌توان آن را به صورت شفاهی و کامل بیان کرد. یادبودها نمی‌توانند داستان کامل یک رویداد یا یک مکان را بازگو کنند. این یادبودها و اثرات یادگاری فقط می‌توانند نمادهایی را ایجاد کنند و شما را به فکر کردن یا ناراحت شدن وادار کنند. این هنرها می‌توانند تصویری ایجاد کنند که در ذهن بازدید کننده یا بیننده باقی می‌ماند و بر روی آن شروع به کار کند.

به ندرت برنامه‌ریزی و طراحی شهری را می‌توان به طور گسترده درک کرد که با چنین فرآیند حساسی همراه باشد که از نظر هنری، معنا و مفهومی را القا می‌کند که مباحث آگاه‌کننده‌ای در آن وجود دارد و انتخاب‌های یادبود سیاسی



تصویر ۶- پلان پوتسدامر پلاتز مأخذ: www.flickr.com

- الکساندر پلاتز

میدانی قدیمی و بزرگ در کنار رودخانه‌ی اسپری در شرق برلین که در اکتبر سال ۱۸۰۵ پس از بازدید امپراتور روسی، الکساندر، به این نام نامگذاری شد. ساختمان‌هایی همچون ایستگاه الکساندر و مرکز خرید (مربوط به قرن نوزدهم) موقعیتی ویژه از لحاظ فعالیت‌های شهری و حضور مردم برای این منطقه بوجود آورد که با بازسازی‌های مکرری که در جهت بازآفرینی هویت و گذشته صورت گرفته است، این شرایط همچنان حفظ شده است. محل از نقطه‌نظر معماری و شهرسازی موقعیت ویژه‌ای دارد و در مسابقه‌ای که برای چند ساختمان بلندمرتبه آن برگزار شد هانس کلهوف برنده‌ی این رقابت شد. دو آلمان در ۱۹۶۹ به میدان اضافه شدند عبارتند از ساعت جهانی توسط اریک یان و آبشار دوستی بین المللی.



تصویر ۷- الکساندر پلاتز، ۲۰۰۶ اماخذ: www.Google.com

میدان الکساندر، که در دوره‌ی حکومت "آلمان دموکراتیک" میدان مرکزی برلین شرقی بود، در سال‌های گذشته تغییرات اساسی کرده است. ورود فانتانه به رقابت طراحی شهری که توسط افراد زیادی به طور مشترک در سال ۱۹۹۳ حمایت شد، مبنایی برای برنامه‌ریزی این منطقه ایجاد شد و این کار توسط معماری به نام فلینز کلهوف صورت گرفت. این طرح با ارجاع و اقتباس از منهن استخراج شد که معماری مدرن را در پوتسدامر پلاتز نشان می‌داد.



تصویر ۸- نقشه الکساندر پلاتز مأخذ: www.Google.com

در آن دیده می‌شود.

مهم‌ترین یادبودهای جنگ جهانی دوم در برلین عبارتند از:

- یادبود کتابخانه‌ی خالی در کتاب‌های سوخته‌ی موجود واقع در بیل پلاتز
- مجسمه‌های سنگی در روزن استراسس که یادآور اعتراض زنان در مقابل بازداشت و حبس است.

- یادبود قربانیان تبعید شده در ایستگاه S-Bahn در برلین

د - دروازه‌ی براندنبورگ

یکی از قدیمی‌ترین دروازه‌های شهری و از جمله بناهای تاریخی مهم آلمان است که امروزه به عنوان سمبل اتحاد این کشور به حساب می‌آید؛ با این که این بنا در دوران جنگ سرد نماد جدایی آلمان شرقی و غربی بود.



تصویر ۱۰ - دروازه‌ی براندنبورگ

زیر این بنا ۵ راه عبور ساخته شده است؛ کالسکه‌ای که با ۴ اسب روی قسمت فوقانی آن نصب شده در سال ۱۷۹۴ ساخته شد و در سال ۱۸۱۴ یک صلیب آهنی روی تاج آن اضافه شد. این دروازه سال ۱۹۶۱ بسته شد و جهت نگاه کالسکه هم که پشت به دیوار برلین بود چرخانده شد و سال ۱۹۸۹ همزمان با فروپاشی آن اسب‌ها به جهت اصلی خود بازگردانده شدند.

نام تجاری جدید برلین، ارابه‌ی چهار اسب و بر بالای دروازه‌ی براندنبورگ است که در مقابل صحنه‌ی جدید رایشتاگ قرار دارد. از یک زاویه‌ی دیگر، پوشش درخشنده‌ی مرکز سونی نیز، بازدیدکننده را به تفکر وادار می‌کند البته نه در مورد گذشته بلکه درباره‌ی آینده و آغاز جدید. معماری، برنامه‌ریزی شهری در مکان‌های مختلف شهر نشان‌دهنده‌ی تصویر «مکان وقوع» است که آینده در آن، در حال حاضر ایجاد و ساخته می‌شود.

ه - رایشتاگ (پارلمان جدید آلمان)

این ساختمان سمبل برلین جدید است، برای مدت یک قرن محل پارلمان شهر بوده، توسط نورمن فاستر طرح بازسازی ساختمان رایشتاگ در سال ۱۹۹۳ مطرح شد. دوئو کریستو و ژان کلود بنا بر طراحی فاستر معمار بریتانیایی این ساختمان را بازسازی کردند. ساختمان رایشتاگ و تبدیل آن به پارلمان جدید آلمان، امروز نیز با بازسازی صورت گرفته در آن به زندگی خود ادامه می‌دهد و نمودی از جریان یافتن زندگی امروز در کالبد دیروزی است، گنبد بزرگی که بروی آن قرار دادند دارای دو مسیر مارپیچ است که مردم می‌توانند بروی گنبد رفته و به صورت نمادین بر بالای سر نمایندگان خود صعود کنند. نورپردازی گنبد در شب به گونه‌ای است که قدرت و توانایی پروسه‌ی دموکراتیک در آلمان فدرال و آینده‌ی روشن شهر برلین را نشان می‌دهد.

الف) بیل پلاتز یادبودی در فضای خالی

این یادبود توسط مجسمه‌ساز یهودی، مایکل المن طراحی شده است که یک کتابخانه‌ی زیرزمینی خالی است که از سال ۱۹۹۵ در طبقه‌ی مقابل ساختمان اصلی دانشگاه هامبولدت واقع در آنتر وجود داشته است و محل کتاب‌های سوخته توسط دانشجویان جامعه‌شناسی ملی در مه ۱۹۳۳ بوده است.



تصویر ۹ - بیل پلاتز در برلین

در وسط بیل پلاتز یک پنجره کوچک در سنگفرش آن تعبیه شده است. در زیر شیشه، یک فضای خالی سفید وجود دارد. این فضای خالی یا قفسه‌های سفید در یک راستا قرار دارد؛ یک کتابخانه‌ی خالی، بی‌حاصل و پر از ارواح که نمادی از کتاب‌های سوخته و فرهنگ و دانش از دست‌رفته است. یک لوح منقوش که قبلاً وجود داشته است درباره‌ی دولت آلمان شرقی نزدیک آن نصب شده است و هنوز هم وجود دارد و یادآور یک پیام است: «در این خشونت نازی‌ها، بهترین آثار آلمان و نوشته‌های جهان نابود شد.»

ب - روزن ترس

از سال ۱۹۹۵ یک مجسمه و پیکره‌ی سنگی توسط یک هنرمند برلینی، اعتراضات زنان را خاطر نشان می‌کند که رویداد مزبور در توده‌ی عموم اعتراضات در نظام نازی‌ها وجود داشته است.

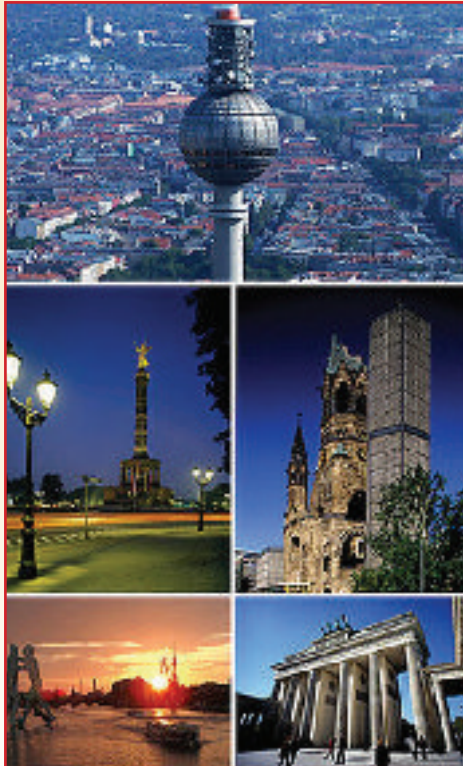
به هر حال، تصویرها و تفکرات گفته شده، یادآور خاطرات و یادبودها در سایر مکان‌های تبعیدی هستند که پایان خوشی ندارند و همانند افسانه جن و پری هستند. یادبود گلیس در گروه‌ی والد و اشیپگل واند نیز نکات مهم و قابل اشاره‌ای هستند.

ج - یادبود تبعیدگاه گروه‌ی والد (یادبودی در کتیبه‌ها، نوشته‌ها و فضاهای خالی)

جایگاه شماره ۱۷ در ایستگاه گروه‌ی والد اصلی‌ترین نقطه‌ی تبعید برای بیش از ۵۰ هزار یهودی در برلین است که به خیابان‌ها رفته و راهپیمایی کردند. از ترس در مکان‌های بسته و در تنگنا قرار گرفتند. قدم‌ها به سوی ایستگاه یا جایگاه شماره ۱۷ که شبیه یک تونل بی‌پایان است، با یک کتیبه‌ی ساده در سال ۱۹۹۸ مشخص شده است که توسط خطوط راه‌آهن آلمان ساخته شده است: حضور در جایگاه شماره ۱۷، به سوی شرق است و یک فرد می‌تواند ترس در عبور از این مسیرها را در خودش تجسم و تصور کند. توسط یک هنرمند لهستانی این مطلب بر روی کتیبه نوشته شده است: «برای مخالفت دلیرانه و آگاه کردن ما بدون هیچ تردید و دو دلی، هر کس باید بدون توجه به زندگی و شأن و مقام انسانی خود کاری انجام دهد.»

نتیجه گیری

از نظر اجتماعی شهرها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری ارزش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند. لذا هویت در محیط‌های شهری به یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات عصر حاضر تبدیل شده است. شهرهایی که تحت تأثیر تفکرات مدرن شکل گرفتند و یا بخش‌هایی از آن‌ها تغییر شکل یافتند امروزه دچار مشکل شده و روز به روز، بیش از پیش در پی یافتن هویت خود هستند، هویتی که آنان را به گذشته پیوند دهد ولی در عین حال برآورنده‌ی نیازهای حال و آینده نیز باشد. این چنین است که گذشته‌ی شهرها به صورت گنجینه‌ای برای آنان در می‌آید. اما در این دیدگاه بخش‌های کهن شهری تنها موزه‌های بزرگی نیستند که مردم از آن‌ها بازدید می‌کنند، این مناطق نه تنها نقاط عاطفی در شهر هستند که در آن کیفیات بصری و احساسی به اوج می‌رسد و در عین حال مراکزی برای تجارت، سکونت، فعالیت و عملکردهای فرهنگی نیز هستند که به پویایی و جذابیت‌های بخش برجامانده از گذشته می‌افزاید. همان‌طور که در این مقاله بررسی شد، شهر برلین یکی از نمونه‌های موفق در زمینه بازآفرینی هویت مکان براساس وقایع جنگ جهانی دوم در فضای شهری است که در نتیجه میزان حضور شهروندان و پیوند آنان با وقایع تاریخی را افزایش داده است. اما امروزه درکی که اکنون از فضای شهری وجود دارد همانی است که در ذهن همگان به طور یکسان از تقاطع چند خیابان که فضایی در میانه آن برای تفکیک حرکت سواره پدید آمده و با ترکیبی از پوشش گیاهی، آب‌نما و فواره‌شکل است و هیچ ارتباط معقولی با انسان، حرکت انسانی و حضور معنی‌دار انسان برقرار نمی‌سازد. میدان برحسب ضرورت مکانی و زمانی نقش و عملکردهای مختلف به خود گرفته است.



منابع

City Identity grow in Harmony? The Quest for a successful Public Space design for New Belgrade, ۴۲nd IsoCarP Congress ۲۰۰۶

۱۲. Hitler, Adolf (۱۹۷۱) Mein Kampf, Boston: Houghton Mifflin.

۱۳. Relph, E. (۱۹۷۶), Place and Placelessness, Pion, London.

۱۴. Shuhana Shamsuddina, Norsidah Ujang, b, Habitat International ۳۲ (۲۰۰۸) ۳۹۹-۴۰۹, Making places: The role of attachment in creating the sense of place for traditional streets in Malaysia, a Department of Civil Engineering (Urban and Regional Planning), College of Science and Technology, Universiti Teknologi Malaysia (UTM) City Campus, Jalan Semarak, ۵۴۱۰۰ Kuala Lumpur, Malaysia, b Faculty of Design and Architecture, Universiti Putra Malaysia (UPM), Serdang ۴۳۴۰۰, Selangor, Malaysia.

۱۵. Trancik, R. (۱۹۸۶), Finding Lost Space: Theories of Urban Design, Van Nostrand Reinhold, New York

۱۶. URBAN PLANNING AND CULTURAL IDENTITY by WILLIAM J.V. NEILL. First published ۲۰۰۴ by Routledge, ۱۱ New Fetter Lane, London EC۴P ۴EE Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge, ۲۹ West ۳۵th Street, New York, NY ۱۰۰۰۱

۱. پیران، هویت شهر، مجله آبادی، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۴.

۲. تختی، بیتا و ویدا وثوقی (۱۳۸۵)، تقویت هویت در شهرهای جدید، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، کتاب دوم.

۳. حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۴)، شهر بی‌خاطره، شهر بی‌هویت، نشریه داخلی - تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، ش ۱، ۲، ۳، ۴.

۴. ذکات، کامران (۱۳۸۵)، هویت شهرهای جدید، نقش عوامل طبیعی و مصنوع، مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، کتاب دوم.

۵. رضازاده، راضیه، بحران ادراکی - رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداری‌ها، زمیمه شماره ۲۳، ویژه‌نامه شماره ۵، ۱۳۸۰.

۶. رضازاده، راضیه، رویکردی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید، مجموعه مقالات شهرهای جدید، کتاب دوم، وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران شهرهای جدید، ۱۳۸۵.

۷. زاد رفیعی، ناصر، فرآیند اجتماعی - فضایی هویت شهر، مقدمه‌ای بر شناخت و توانمندسازی هویت شهر ایرانی، مجله آبادی، شماره ۴۸، پاییز ۱۳۸۴.

۸. کالن، گوردون (۱۳۸۲)، گزیده‌ی منظر شهری، ترجمه‌ی منوچهر طبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۹. لینچ، کوین (۱۳۷۶)، سیمای شهر، ترجمه‌ی حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. ENRIC, P(۲۰۰۶), THE THEORETICAL BACKGROUND OF THE CITY-IDENTITY SUSTAINABILITY NETWORK, ENVIRONMENT AND BEHAVIOR, Vol. ۳۴ No. ۱, January ۲۰۰۲ ۸-۲۵

۱۱. Gligorijevic, Z (۲۰۰۶), Can new Developments and



✦ نویسنده: لوئیس هایدنریخ
مترجمین: علی ذوقی، نازیلا رشیدپور

چکیده

برلین با داشتن تاریخی خاص به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های تغییرات شهری شناخته می‌شود. مکان‌های کمی در دنیا هستند که کسی بتواند شاهد تخریب شدید کارا کتر شهر به وسیله‌ی خود آن باشد، یک شهر همواره به دنبال پاک کردن قسمت‌هایی از گذشته‌ی خود است تا در همان حال قسمت‌های دیگر را حفظ کند. منظر شهری برلین شاهد کشمکش‌هایی بین سیاست، تاریخ و ساخت مکان هست که این کشمکش‌ها در خصوص هویت ملی آلمانی به اوج خود رسیده است. این مقاله تحقیقی را در خصوص مکان‌های شهری به شدت سیاسی برلین ارائه می‌دهد. پس از دوباره متحدشدن آلمان-ها، برلین می‌بایست موقعیت خود را دوباره تعریف کرده و هم‌چنین یک تصویر ذهنی از پایتخت جدید آلمان ارائه می‌داد. در همان زمان شهر می‌بایست درگیری‌های داخل شهر را در خصوص بازتعریف هویت در شهری متحد مدیریت می‌کرد که مخصوصاً شامل مکان‌های خاطره‌انگیز سمبلیک می‌شد. این فرایند بازتعریف، به شدت متأثر از برنامه‌ریزی شهری و معماری می‌باشد. بدین مفهوم که ایجاد تصویر ذهنی شهر و از طریق آن تغییرات پایه‌های شهر برای خاطره‌ی جمعی از طریق سیاست‌مداران، معماران و شهرسازان انجام می‌شود.

این مقاله با برخی ملاحظات نظری درباره‌ی مسائل خاطره‌ی جمعی و نقش معماری و برنامه‌ریزی شهری در شکل دادن به هویت و تصویر ذهنی یک شهر که خود در مجموعه‌ای از سوالات نهفته است، آغاز می‌شود. در مرحله‌ی بعد، موقعیت خاص برلین با بررسی این سوالات تحلیل می‌شود و مقاله با مجموعه‌ای از ایده‌ها در خصوص توسعه‌ی آتی برلین به پایان می‌رسد.

۱- خاطره‌ی جمعی، هویت و ایجاد مکان - ملاحظات نظری

این مقاله بر پایه‌ی ارتباط نظری مفاهیم خاطره‌ی جمعی، هویت و ساخت مکان استوار است. توجه به خاطره‌ی جمعی، جنبه‌ی اصلی برنامه‌ریزی شهری است و از اهمیت زیادی در ایجاد هویت برخوردار است. به علاوه، خاطره‌ی جمعی مستلزم استفاده از ایجاد مکان و بافت ساخته شده‌ی شهری است. بنابراین معماری و برنامه‌ریزی شهری، بخش مهمی از شکل‌گیری هویت شهر محسوب می‌شود.

خاطره‌ی جمعی، هویت و ساخت مکان در برلین دوباره متحد شده

مقدمه:

برلین بعد از اتحاد دوباره (بین آلمان شرقی و غربی)، با چالش‌های بسیاری در خصوص سیاست، اقتصاد، مسائل اجتماعی و فرهنگی مواجه شد. در کنار این مشکلات، تعریف هویتی یکپارچه برای برلین جزو مهم‌ترین مشکلات به حساب نمی‌آمد. با این وجود، فرایند شکل دادن هویت و تصویر ذهنی شهری بخش اصلی تمامی مباحثات بازسازی شهر بود. در این راستا، ویژگی سیاست شهری برلین در دهه‌ی گذشته، "بازسازی بنیادی" و "زیبایی‌شناسی مکان" بوده است.

هدف این مقاله، بحث کردن درباره‌ی این است که رابطه‌ی مهم بین سیاست‌های خاطره‌ی ملی و بازسازی خاطرات جمعی از یک سو و ایجاد مکان راهبردی در برلین از سوی دیگر تا چه اندازه به شکل‌گیری هویت جمعی کمک می‌کند. گفته می‌شود استراتژی‌های ساخت مکان زیبایی‌شناختی مغایر با سیاست‌های خاطره و شکل‌گیری هویت جمعی در برلین متحد است و بخشی از فرایندی است که نیل (Neill, 2004) آن را «ساختن خاطره‌ی منتخب» می‌نامد.



نمونه‌ی عالی این تقابل، برلین است. برلین شهری است که هویت و تصویر ذهنی آن دایماً بازتعریف می‌شود. پس از اتحاد مجدد، برلین با چالش جدیدی در اتحاد شرق و غرب در یک فضای شهری مواجه شد. به علاوه، پایتخت جدید آلمان باید با مسئولیت و چالش بزرگ‌تری روبرو می‌شد زیرا به نمادی برای جامعه‌ای جدا افتاده جهت شکل دادن (مجدد) به یک هویت ملی آلمانی تبدیل شده بود. چالش دیگر این بود که برلین می‌بایست موقعیت خود در مقیاس جهانی و ملی را نیز تثبیت می‌نمود.

۲- مسئله‌ی خاطره‌ی جمعی، هویت و ساخت مکان در برلین

برلین از منظرهای نمادین متعدد تشکیل شده است و وظیفه‌ی برنامه‌ریزی شهری تصمیم‌گیری بر این مبنا است که چه تصویر ذهنی و چه چیزی از گذشته نشان داده شود. دیوید کازگرو می‌گوید «شهر مکان حساسی است که در آن رقابت‌های فرهنگی ناسیونالیسم، سوپرناسیونالیسم، پلورالیسم و حتی پست مدرنیسم جهانی جریان دارد و در بیانی فضایی شکل می‌گیرند» (Cosgrove, ۱۹۹۰: ۵۶۵). در واقع، شهر یک منظر تکه تکه است که در آن تمام انقطاع‌ها، وقفه‌های تاریخی و ایدئولوژیکی قابل مشاهده است. پیتر مارکوس در کتاب «تأمل در خصوص برلین» نقشی را که معماری در خصوص ایجاد تصویر ذهنی در سایت‌های ساختمانی بازی می‌کند، مورد ارزیابی قرار داده است (Marcuse, ۱۹۹۸). او توضیح می‌دهد که برلین «غایت منظر قدرت را نه به خاطر فرم بلکه به خاطر آنچه ساخته شده» به نمایش گذاشته است (Marcuse, ۱۹۹۸: ۳۳۳). تشخیص مارکوس در خصوص این که تمرکز قدرت بر روی کنترل آنچه ساخته شده است می‌باشد، درست بود. با این حال مفهوم تاریخی هویت‌سازی باعث شد فرم (طراحی) ساختارهای مدرن و قدیمی به آلمان اصلی در مباحثات در خصوص ساختمان‌های برلین تبدیل شود.

بر اساس نظر گیتوس (Gittus, ۲۰۰۲) برلین مستعد آنالیز ارتباطات بین گذشته، حال و مکان برای هویت‌سازی است به دلیل این که: اولاً، طنین تاریخ آلمانی در تمام ساختمان‌های شهر قابل درک می‌باشد؛ ثانیاً، شهر حداقل پذیرای دو رژیم متضاد بود که تلاش می‌کردند واقعیت‌های رقابتی در یک شهر گسسته ایجاد کنند؛ ثالثاً، قوانین کالبدی در قرن ۲۰ به طور بی‌سابقه‌ای زمین‌های آزاد داخل شهر را به دولت، توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران اختصاص داد. در نتیجه‌ی اختصاص وسیع این اراضی عجیب نیست که مسایلی چون نمایش دادن، هویت و خاطره راهی به سوی مباحثات سیاسی و برنامه‌ریزی شهری پیدا کند.

در واقع، پس از اتحاد آلمان، معماران، برنامه‌ریزان شهری، سیاستمداران و سرمایه‌گذاران به صورت فعال از برلین برای نشان دادن تصاویری از آلمان استفاده کردند. جدا از ادعاهای رقابتی در خصوص این که برلین و آلمان باید به چه سویی قدم بردارند (Cochrane/Jonas, ۱۹۹۹)، برلین می‌بایست در سطح ملی و جهانی قرار می‌گرفت. برلین باید با گذشته‌ی خود رقابت می‌کرد زیرا این گذشته در مسیر تجاری‌سازی پایتخت، هم به یک مانع و هم به نوعی تسهیل‌کننده تبدیل شده بود (Gittus, ۲۰۰۲). این امر شامل میراث صنعتی‌سازی و تأثیر دو اقتصاد موجود در یک فضای شهری بود. نه تنها شهر باید با مدل‌های معماری سرمایه‌داری و کمونیستی مقابله می‌کرد، بلکه بسیاری از عملکردهای مدنی و شهری عادی نیز دوبار در برلین نمود یافته بود. از اوایل دهه‌ی ۹۰ برلین هم‌چنین باید با جابجایی جمعیتی مقابله می‌کرد که بخش عمده‌ای از آن به حومه می‌رفت

تعریف شهر گرای، به تمرکز جدیدی برای تعریف هویت‌های فردی و جمعی تبدیل شده است. در چند سال گذشته، مطالب زیادی در خصوص رابطه‌ی بین معماری و مسائل خاطره‌ی جمعی و هویت ملی نوشته شده است (Halbwachs, ۲۰۰۲). موریس هالباخ (Halbwachs, ۱۹۹۲)، که یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان در حوزه‌ی خاطره‌ی جمعی است، می‌گوید بناهای یادبود و دیگر عناصر توپوگرافیک، در ایجاد خاطره‌ی جمعی و هویت در دنیای مدرن نقش اساسی دارند. هویت همواره مرتبط با فضای کالبدی بوده است؛ برای مثال، معنی تحت‌اللفظی واژه‌ی آلمانی «Dasein Heidegger» به معنی زنده، «بودن در یک مکان» است. باور بر این است که خاطره‌ی فرهنگی و جمعی از طریق اشیاء، تصاویر و نمایش‌ها ایجاد شده و در آن‌ها منعکس می‌شود. گمان می‌رود که خاطره‌ی جمعی در مکان‌ها یا اشیاء خاصی حضور داشته باشد و از این راه اهمیت فراوانی در برنامه‌ریزی شهری دارد. با این حال، فرایند ساخت خاطره‌ی جمعی یا فرهنگی به معنا و مفهوم پیچیده‌ی سیاسی محدود می‌شود.

در این‌جا، فرض بر این است که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و معماری - ساختمانی خبگان هویت خاصی را به وجود می‌آورند تا با استفاده از آن موقعیت خود را حفظ و ثابت نمایند. استفاده از ساختمان‌ها برای بیان قدرت و کنترل، پدیده‌ی جدیدی نیست بلکه در سراسر تاریخ از آن برای نشان دادن این که قدرت دست چه کسی است و می‌خواهد چه هویت گروهی یا ملی را نشان دهد، استفاده شده است. این حاکی از رابطه‌ی دیالکتیک منطقی بین ایجاد خویشتن، شکل‌گیری معنا و هویت و ساخت شهر است. بر اساس گفته‌های بوندز (۲۰۰۴) «این رابطه‌ی منطقی بین فرم و تجربه‌ی فرم در فروش شهر تأثیر دارد» (Bounds, ۲۰۰۴: ۱۱۵).

مفهوم ساخت و فروش تصویر ذهنی شهر یا منطقه در استراتژی‌های بازاریابی و سیاست‌های جدید شهری از بسیاری از شهرهای پسا - صنعتی ضرورت پیدا کرده است. هاروی این توسعه‌ی تجاری‌سازی شهری و ساخت مکان را که اغلب با بازگشت به اشکال پست‌مدرن معماری و طراحی شهری همراه است، ویژگی جدید «کارآفرینی شهری» می‌داند. بر اساس گفته‌های وی، «تولید فعال مکان‌ها با ویژگی‌های خاص، بخش مهمی در رقابت فضایی بین محلات، مناطق و ملت‌ها شده است» (Harvey, ۱۹۸۹: ۲۹۵).

اما پیامدهای این فرایند بر مردم، تا حدی نامشخص است. تغییرات مربوط به این استراتژی‌های بازاریابی چه تأثیری بر شکل دادن هویت دارند؟ آیا این استراتژی‌ها کل جمعیت را مدنظر قرار می‌دهند یا بخش‌هایی را بر اساس تعصبات فرهنگی یا اجتماعی حذف می‌نمایند؟ چه هویتی متناسب با کل شهر است؟ چه بخش‌هایی از ساکنین امکان به نمایش درآمدن را دارند؟ آیا در محیطی مشتمل بر هویت‌ها و معانی مجادله‌برانگیز، تمام ساکنین شهر می‌توانند با شهر خود شناسایی شوند و در عین حال تصویری جذاب به گردشگران و سرمایه‌گذاران احتمالی نشان داده شود؟ به طور خاص، تنش بین تاریخ شهر و فرهنگ شهری «بازآفرینی شده» تا چه مدت می‌تواند به دست سرمایه‌گذاران، افراد حرفه‌ای توسعه‌ی شهری و حتی سیاستمداران ارتقاء یابد و خاطرات و فرهنگ‌های مختلف بومی که شهر را شکل می‌دهند، حفظ شود؟



(Hoffmann, 2000) و جوانانی که به برلین می‌رفتند و منجر به جوان‌سازی برخی محلات می‌شدند. مشکل دیگر، بدهی سنگین خزانة شهر بود. این مسائل علیه توسعه‌ی شهری غیرمعمول یا نبود آن طی ۴۰ سال جدایی نقش مهمی بازی می‌کردند. گمان می‌رود به خاطر موقعیت متفاوت برلین به صورت پایتخت و شهری دوباره متحد شده، نوزایی و احیایی که در اواخر قرن بیستم در دیگر محیط‌های شهری روی داد، در برلین با تأخیر روبرو شد.

اولین طرحی که یکپارچه شدن برلین منقطع را به صورت طرح جامع شهری مطرح کرد، «Planwerk Innenstadt» (تهیه شده توسط وزارت توسعه‌ی شهری و حمایت از محیط زیست برلین و تصویب شده از سوی سنای برلین در سال ۱۹۹۹) بود. در این طرح برلین به صورت رسمی تحت مفهوم «بازسازی بنیادی» مجدداً تعریف شد. این شهر برای بازسازی و تحکیم روابط بین دو مرکز شهر، با بیان دوباره‌ی تاریخ و آینده‌ی مشترک، و کمک به توسعه‌ی بیشتر این هویت‌های مرکز شهری طراحی شد (Senatsverwaltung für Stadtentwicklung, ۱۹۹۸). این طرح پیشنهاد می‌کند که از طراحی در پیوند دو بخش جدا شده از طریق نمایش تاریخ مشترک آلمان شرقی و غربی استفاده شود. اما این مفهوم به صورت چالشی مستقیم در طراحی شهری آلمان شرقی مورد انتقاد قرار گرفت. برخی از منتقدان معماری و برنامه‌ریزی شهری معتقدند که تصمیم بر پاک کردن میراث شهری جمهوری دموکراتیک آلمان سابق به این معنی است که شهر آلمان شرقی حق داشتن تاریخ خود را در برلین متحد شده انکار کند (Rem Koolhaas, Phillip Oswald, Mathias Ungers). این مسئله بحث در خصوص استفاده‌ی برنامه‌ریزی و طراحی شهری به عنوان ابزار ساختن خاطرات انتخاب شده را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد که اغلب بر گذشته‌ی مشترک آلمان در دهه‌ی ۳۰ تأکید دارد، زمانی که برلین در سنت اروپایی، شهری بسیار زیبا محسوب می‌شد. در واقع، هویسن (Huysen, ۱۹۹۴) اشاره می‌کند که این بازسازی بنیادی، نوعی پیوستگی اشتباه با گذشته‌ی ملی پیش از جنگ است. آن بیشتر نشان‌دهنده‌ی یک انتقال از منظر مدرنیستی به مفهومی نوستالژیک از شهرسازی پست مدرن است. آیا این بازسازی نوستالژیک توانست در خاطره‌ی جمعی برلین متحد شده شرکت داشته باشد؟ به عنوان یک تصویر ذهنی رومانیک از گذشته‌ای ایده‌آل و زیبایی‌شناسی معمارانه آیا برلین توانایی پشتیبانی از هویتی جمعی برای آلمان شرقی و جمعیت خارجی آن دارد؟

این موضوع به دو دلیل دارای شبهه است: اولاً، طرح بازسازی سایت‌های منتخب مانند سایت اولیه استادشولوس (Stadtschloss) در مرکز برلین یک نمونه‌ی عالی از چیزی است که هاروی آن را "بسیج نمایش" نامیده است (Harvey, ۱۹۸۹) که به صورت ایزاری شکننده و خام از روند اتحاد پدیدار شده است. ثانیاً شاید مهمترین نکته این باشد که پیشنهادات برای بازسازی تاریخی نتواند به صورت کمک مثبتی در تلاش برای ایجاد هویت جمعی (پسا - ملی) آلمانی نماید. زیرا آن‌ها مباحثاتی در خصوص هویت درون معماری که ارتقاء دهنده‌ی ملی‌گرایی باشد ارائه نکرده‌اند.

با این حال در این سال‌های آخر با توجهاتی که مخصوصاً توسط روشنفکران شهری انجام گرفت مشخص شد که شکاف‌های تاریخی و شهری در برلین شهر را بسیار خاص کرده است و باعث جذابیت آن برای جوانان، افراد مسن، توریست‌ها و ساکنین شده است. اکنون این موضوع بسیار واضح شده است که "معماری نه تنها مسئول ایجاد خاطره‌ی جمعی است بلکه ایجادکننده‌ی پتانسیل فرهنگی برای بیان هویت‌های جدید نیز هست" (Delanty/Jones, 2001: 464). در نتیجه کیفیت مباحثات دچار تغییر شد و بسیاری درک کردند که راه بازگشت به قرن ۱۹ راه درستی برای مواجهه با دمکراسی قرن ۲۱ نمی‌باشد. در دوران پساصنعتی شهرهای سرمایه‌داری، درگیری‌ها در خصوص جداره‌های معمارانه، عدالت تاریخی و خاطرات مجادله‌آمیز، به سمت بحث در خصوص عملکرد عمومی، فضاهای فرهنگی و اجتماعی تغییر کرده است. این موضوع به عنوان مرحله‌ی خوشامدگویی در جهت انعکاس و ایجاد یک بازتابی از هویت ملی در برلین شناخته شده است.

نتیجه‌گیری:

این مقاله مشخص کرد که معماری مهمترین مولفه در شکل‌دهی خاطره‌ی جمعی و ایجادکننده و نشان‌دهنده‌ی هویت‌ها می‌باشد. در برلین خاطرات ملی و فرهنگی و بازسازی زیبایی‌شناسانه مهمترین نقش را در مباحث معماری و برنامه‌ریزی شهری بازی می‌کند و در نتیجه در شکل‌دهی هویت و در ساخت یک تصویر ذهنی

از شهر موثر هست. دانیل لیبسکیند (Daniel Libeskind) می‌گوید "نیاز به مقاومت مقابل پاکسازی تاریخی، نیاز به پاسخ‌گویی به تاریخ، نیاز به بازکردن آینده: در ترسیم نایده‌ها در پایه‌ی دیدنی‌ها است" (Libeskind, 1999: 127). این همان ارتباط انعکاسی با گذشته و ارتباط مبهم با آینده می‌باشد که به بهترین نحو خصوصیت برلین امروزی را نشان می‌دهد.

در توسعه‌ی آینده‌ی برلین، این پارادوکس، این تنش بین گذشته و حال با شکاف‌ها و شکست‌ها باید حفظ شود. این پیچیدگی به بهترین نحو مفهوم کلی و تصویر ذهنی برلین را نشان می‌دهد و این باعث تشخیص برلین در میان دیگر مادرشهرها می‌شود. ساختار ناهمگون و شناور شهر را قادر به توسعه می‌کند، در نتیجه به شهروندان فضاهایی برای مشارکت تقدیم می‌کند، و به برنامه‌ریزان امکان تقابل حساستر و آینده‌نگران‌تر بین شهر و شهروندان می‌دهد.

منابع:

- *BOUNDS, M. (2004) 'Images of the City and the Social Construction of Meaning', Ch. 4 in Urban Social Theory. City, Self and Society, M. Bounds (ed), Oxford: Oxford University Press, pp. 114-137.
- *COCHRANE, A. & JONAS, A. (1999) 'Reimagining Berlin: World city, national capital or ordinary place?', European Urban and Regional Studies 6 (2), pp. 145-164.
- *COSGROVE, D. (1990) '...Then we take Berlin: cultural geography 1989-1990', Progress in Human Geography, 14, pp. 560-568.
- *DELANTY, G. & JONES, P.R. (2002) 'European Identity and Architecture', European Journal of Social Theory 5 (4), pp. 453-466.
- *GILLIS, J.R. (1994) Commemorations. The politics of national identity, Princeton: University Press.
- *GITUS, E.J. (2002) 'Berlin as a conduit for the creation of German national identity at the end of the twentieth century', in Space & Polity, Vol. 6, No. 1, pp. 91-115.
- *HABERMAS, J. (1998) A Berlin Republic: writings on Germany, Cambridge: Polity Press.
- *HALBWACHS, M. (1967) 'The Social Frameworks of Memory', in A.L. Coser (1992) (ed) Maurice Halbwachs. On Collective Memory, Chicago: University of Chicago Press.
- *HARVEY, D. (1989) The Condition of Postmodernity, Oxford: Blackwell.
- *HOFFMANN, H.W. (2000) 'A matter of price - the inner city', Forum: Journal for Urban Development, 1 / 00, pp. 22-23.
- *HUYSEN, A. (1994) 'Monuments and memory in a postmodern age', in J.E. Young (ed) The Art of Memory: Holocaust Memorials in History, Munich: Prestel Verlag, pp. 9-17.
- *KEARNS, G. & PHILO, C. (eds) (1993) Selling places: the city as cultural capital. Oxford: Pergamon.
- *KOSHAR, R.J. (1994) 'Building pasts: Historic preservation and identity in twentieth-century Germany', in J.R. Gillis (ed) Commemorations. The politics of national identity. Princeton: University Press, pp. 215-238.
- *KOSHAR, R.J. (2000) From monuments to traces: artefacts of German memory, 1870-1990, Los Angeles: University of California Press.
- *LIBESKIND, D. (1999) 'Traces of the Unborn', in N. Leach (ed) Architecture and Revolution. Contemporary perspectives on Central and Eastern Europe, London: Routledge, pp. 127-129.
- *MARCUSE, P. (1998) 'Reflections on Berlin: the meaning of construction and the construction of meaning', International Journal of Urban and regional research, 22, p. 331-338.
- *NEILL, W.J.V. (2004) Urban planning and cultural identity. London: Routledge.
- *SENATSV ERWALTUNG FÜR STADTENTWICKLUNG, UMWELTSCHUTZ UND TECHNOLOGIE (1998) (ed) Planwerk Innenstadt Berlin: Ergebnis, Prozess, sektorale Planungen und Werkstätten. Berlin: Kulturbuchverlag.

ایجاد ارتباط بین خاطره‌ی جمعی و ترکیب اجتماعی

The grand Paris project, France



مکان خاص به وجود آمده بود، به طور دقیق و هم‌سو با هم بازتاب داده شد. به طور حتم گروه‌های محلی بیشترین تأثیر را در ایجاد منظر و شکل شهر یا محله ایفا می‌نمایند. بعد از مصاحبه و گام‌های انجام شده چند مکان که از نظر خصوصیات منحصر به فرد بودند انتخاب گردید. این مکان‌ها از نظر ارتباط میان تاریخ اجتماعی و ملی شهر نیز دارای ویژگی‌های خاص بودند.

در این طرح به منظور ایجاد ارتباط میان خاطره‌ی جمعی و شهر و ساختار و ترکیب اجتماعی، از افرادی خاص (مسئولان شهری، افراد منتخب مردم در شهر، افرادی که به گروه‌های NGO تعلق داشتند و افراد بومی) خواسته شد خاطرات مرتبط با مکان‌ها را در شهر بازگو نمایند. در کنار این مصاحبه‌ها، نقطه نظرات افرادی که به این شهر سفر کرده و در یادداشت‌های سفرنامه مطالبی بیان نموده بودند نیز جمع‌آوری و مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. این نظرات بیشتر در مورد مکان‌ها و ساختمان‌های شاخص شهر و ارتباط آن‌ها با مفاهیم هویت آن منطقه یا شهر بود. هم‌زمان با انجام مطالعات میدانی برای کسب دید فضایی روشن از محدوده، مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی در ۴ گام مختلف به شرح زیر انجام گرفت:

در گام اول شهر بر اساس ویژگی‌های اقلیمی و خصوصیات جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفت.

در گام دوم بررسی‌های اجتماعی و اقتصادی شهر یا مکان مورد نظر انجام شد. در گام سوم ابعاد جمعیتی شهر که به چه میزان قشر کارگر، متوسط و یا سطح بالای رفاهی در آن‌جا سکونت دارند، مطالعه شد.

و در گام چهارم ابعاد بازسازی و نوسازی شهر در دوره‌های مختلف زمانی مورد مطالعه قرار گرفت.

در این تحقیق ارتباط بین نقل‌قول‌ها و دیدی که از محیط اجتماعی شهر یا

ساختمان‌ها، راوی تاریخ یک شهر (تورنتو - کانادا)



تا چه اندازه می‌دانید این شهری که امروز در آن زندگی می‌کنید، طی قرن اخیر و حتی قبل از آن، چه حوادث تاریخی‌ای را پشت‌سر گذاشته است؟ از ۱۲ سال پیش برای شهروندان تورنتو این امکان به وجود آمده است که با بازدید از ساختمان‌هایی که از نظر معماری، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اهمیت دارند، بیشتر با تاریخچه‌ی این شهر آشنا شوند. یک آخر هفته در سال، شهرداری تورنتو در فستیوالی که یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی این شهر به شمار می‌رود، بستری برای بازدید رایگان شهروندان از این ساختمان‌ها مهیا می‌کند. بیش از ۱۰۰ ساختمان، درهانشان برای بازدیدکنندگان باز خواهد بود و در بعضی از آن‌ها راهنمای تور، نمایش‌ها و فعالیت‌هایی به منظور پربار کردن بازدید مردم وجود دارد. تورنتو نخستین شهر در آمریکای شمالی است که مراسم مختص ساختمان‌های دارای اهمیت ویژه برگزار می‌کند. منشأ اصلی این ایده فرانسه است که در سال ۱۹۸۴ این برنامه را آغاز کرد و بعد از آن گلاسکو در سال ۱۹۹۰ به آن پیوست. در حال حاضر، ۴۸ کشور اروپایی هر سپتامبر (ماه میراث فرهنگی اروپا) این کار را انجام می‌دهند.



مطالعه‌ی تطبیقی چهار شهر جدید

♦ سحر قاسمیان

کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

مطالعه‌ی تطبیقی آورده شده در این جا به هدف آشنایی با سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته در نمونه‌های موفق شهرهای جدیدی است که توانسته‌اند تا حدودی بر مشکل عدم هویت و گذشته‌ی مشترک فائق آیند. بر این اساس یک نمونه‌ی شهر جدید اندیشه در تهران، شهر جدید فردیس کرج، شهر جدید پولادشهر اصفهان و شهر جدید آلمر هلند در این جا مقایسه شده‌اند. در زیر ابتدا به معرفی مختصر این شهرها از دیدگاه مورد نظر می‌پردازیم و در نهایت در یک جدول اصول منتهی به موفقیت آن‌ها استخراج شده است.

الف) شهر جدید اندیشه:

شهر جدید اندیشه در فاصله‌ای نزدیک در ۳۰ کیلومتری محور غرب و جنوب غربی پایتخت مکان‌یابی و احداث شده است. وجود شبکه‌های ارتباطی مناسب چون آزادراه و جاده‌ی تهران - قزوین و جاده‌های شهریار به اشتهارد و تهران به رباط کریم از سمت جنوب و هم‌چنین مسیر راه آهن شهری تهران - کرج از سمت این شهر را از دسترسی‌های مناسبی بهره‌مند ساخته است. اراضی شهر جدید که ۱۴۹۵ هکتار مساحت را در برمی‌گیرد، در شمال و غرب شهریار و در جنوب شرقی شهر کرج و در شرق محور ملارد واقع شده است. فعالیت‌های اجرایی آن در سال ۱۳۷۲ آغاز گردید و تا نیمه اول سال ۱۳۷۷ در حدود ۱۳۵۰۰ نفر در آن اسکان یافتند. این در حالی است که سقف جمعیت پیش‌بینی شده برای آن تا سال ۱۳۸۵ حدود ۶۰ هزار نفر است.



یافت شهری اندیشه حول محورهای ارتباطی درون شهری آن شکل گرفته است و از بافت خطی - شطرنجی تبعیت می‌کند. ساخت‌وسازها و عملیات عمرانی در این شهر در پنج ناحیه یا فاز شهری به اجرا در آمده است. عملیات اجرایی در فاز یک آغاز و در دیگر فازهای شهر به نحو گسترده‌ای ادامه دارد. با اولین نگاه متوجه می‌شویم که اولین قدم برای برقراری پیوند با محیط و ایجاد حس تعلق که همان تجربه‌ی محیط است، در این شهر به سختی امکان‌پذیر است. تجربه به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم شکل می‌گیرد ولی تجربه‌ی مستقیم است که بیشترین تأثیر را بر ادراک انسان دارد. این تجربه هم در حالت پیاده است که می‌تواند به بهترین نحو ایجاد شود. جابه‌جایی به صورت پیاده نیازمند یک مقیاس پیاده است. حال آن‌که در شهر جدید اندیشه شاهد خیابان‌های عریض و طولی هستیم که چیزی جز حرکت سریع اتومبیل‌ها در آن‌ها اتفاق نمی‌افتد. در نتیجه این خیابان‌های طولانی و بدون هیچ‌کدام حرکت کردن در آن‌ها سخت و بی‌پایان به نظر می‌رسد، هیچ اتفاقی را نه در درون، ابتدا و در انتهای خود ندارند که انگیزه و هدفی را برای فرد ایجاد کنند. از آن جایی که کاربری‌های هر کدام در مناطق مختلف قرار گرفته و به شدت از

هم تفکیک شده‌اند، برای رفع نیازهای روزمره هم فرد باید محله‌ی مسکونی خود را ترک کند و به منطقه‌ی تجاری وارد شود.

یکی دیگر از چیزهایی که بر غنای تجربه می‌افزاید، فعالیت‌های متنوعی هستند که در عرصه‌ی عمومی رخ می‌دهند. چیزی که در اندیشه با آن روبرو هستیم، درصد بالای فضای باز به توده است. ولی هر فضای بازی که عرصه‌ی عمومی بالقوه برای فعالیت‌های مختلف محسوب نمی‌شود. درصد زیادی از این فضای باز به خیابان‌ها و مجاری عبور و مرور سواره و فضاهای پراکنده‌ای اختصاص یافته که در وسط میدان و مابین ساختمان‌ها قرار دارد.

از طرف دیگر آن‌چه در شهر اندیشه می‌بینیم، ابهامی است که هم سواره و هم پیاده را گمراه می‌کند. فرد نه می‌فهمد که چه وقت وارد شهر شده و کی وارد محله شده است. در نتیجه نه تنها محیط پیچیدگی خلاقانه‌ای برای فرد ندارد بلکه در همان وهله‌ی اول خود را بر وی آشکار کرده و وی را گمراه می‌کند. لازمی تجربه کردن محیط حضور بلامانع و راحت در آن است ولی در این جا آسایش و ایمنی لازم برای حضور مردم در عرصه‌ی عمومی تأمین نمی‌شود. این منطقه در تابستان‌ها هوای گرم و در زمستان‌ها بادهای سرد و خشک دارد. در چنین شرایطی می‌توان با استفاده از فضای سبز و پوشش گیاهی مناسب این شرایط را تعدیل کرد و در تابستان بر فضای شهری سایه‌اندازی و در زمستان مانع چرخش گرفتن باد شد. در این رابطه بایستی به نقش فضای سبز از یک طرف و فاصله‌ی بین ساختمان‌ها که باعث ایجاد کولاک می‌شود، اشاره کرد. در نتیجه نبود محصوریت مناسب و کمبود فضای سبز امکان حضور دائم و طولانی‌مدت پیاده در عرصه‌ی عمومی را در زمان‌های مختلف سال مختل کرده است. از طرف دیگر سرعت بالای اتومبیل‌ها در خیابان‌های محله باعث ایجاد سروصدا شده و عبور مردم از یک طرف خیابان به طرف دیگر را مشکل می‌سازد.



یکی دیگر از معضلاتی که در برخورد با شهر جدید اندیشه با آن روبرو هستیم، مخدوش شدن توقعات ذهنی فرد است. به عنوان مثال توقع همه از محله، خیابان محلی، کوچه، مشخص بوده و متمایز از خیابان شهری، میدان شهری و ورودی شهر است. فقدان سلسله مراتب فضایی در این شهر جدید ناهماهنگی فرم و عملکرد آن‌ها با معنایی که از آن‌ها در ذهن نقش بسته است باعث می‌شود که فرد در رویارویی با این محیط‌ها سردرگم شده و تمام تصاویر ذهنی‌اش مخدوش شود. در این حالت فرد نمی‌تواند هیچ ارزشگذاری‌ای هم از آن فضا در ذهنش داشته باشد. در چنین محیطی که انسان خود را نسبت به آن بیگانه می‌پندارد، چگونه می‌تواند دست به انجام فعالیت‌های جمعی زند. در واقع جمعی وجود ندارد که بخواهند با هم فعالیت کنند. در این شرایط هیچ گونه امکانی برای شکل‌گیری خاطرات جمعی هم وجود ندارد. زیرا همه به

شکل بستن آن محیط در ذهن فرد دارد. از آنجایی که در این جا ساکنین بعد از شکل گیری کامل فاز اسکان یافتند چنین چیزی هم منتفی است. ولی در زمینه خیابان تجاری آن مردم می‌توانند از چنین خاطراتی صحبت کنند. در این جا به دلیل نحوه مهاجرت خانواده و گروهی وجود ندارد که بتوان از تعلق اجتماعی سخن گفت. تعلق مکانی هم که بسیار کم‌رنگ است. برای مردم تنها قلمرویی که بخواهند آن را از آن خود بدانند همان چهار دیواری شان است. در سطح محله هم همان طور که گفته شد، تقسیمات جغرافیایی و فزاینده‌ها حاکم بوده و اساساً محله‌ای قابل شناسایی نیست که قلمرو ساکنینش باشد. هر چه هست محیط‌های فراخی است که حد و مرزی نمی‌توان برای آن‌ها قائل شد. محل اشتغال فرد نقش مهمی در تعلق خاطر وی دارد. عدم ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای ساکنین این شهر باعث شده که شغل‌های کوچک و کاذب شکل بگیرد (در آن جا می‌توان ۱۱ عدد سوپر را در کنار هم با محصولات یک شکل مشاهده کرد) و هم افراد را هم‌چنان وابسته‌ی مادرشهرهای خود نگه دارد. در واقع این جا که در بین محل کار و سکونت خود سیال و در گردش‌اند، در وضعیت نامشخصی به سر می‌برند و نه خود را متعلق به این شهر می‌دانند و نه به آن شهر.

ب) شهرک فردیس - کرج:

شهرک فردیس در نزدیکی شهر جدید اندیشه واقع شده است. هدف از مطرح کردن این نمونه مقایسه‌ی وضعیت ساخت و ساز و اسکان در این شهرک جدید با شهر جدید اندیشه است که در فاصله کمی از آن قرار دارد. در هر دو مورد مشابهت‌هایی از نظر بستر شکل گیری (کرج) و در نتیجه احیاناً ساکنین اولیه (از تهران) وجود دارد. ولی نتایج بدست آمده در این دو از برخی وجوه متفاوت بوده و از برخی جنبه‌ها نتایج یکسانی به دست آمده است. در واقع می‌توان یکی از وجوه متمایزکننده را مقیاس شکل گیری آن‌ها دانست. حال به تبعات این تفاوت خواهیم پرداخت. در واقع یک توسعه‌ی جدید با یک شهر جدید را می‌خواهیم در این رابطه مقایسه کنیم و فاکتورهای موفقیت و عدم موفقیت آن‌ها را استخراج کنیم.



ساکنین از شکل گیری این شهرک یک نسل می‌گذرد و در آن جا با ساکنینی برخورد می‌کنیم که در آن جا به دنیا آمده‌اند. در رابطه با وضعیت این بافت بایستی بگوئیم که در گذشته (اوایل دوران شکل گیری این شهرک)، تمام بافت به صورت خانه‌های ویلایی بود که به مرور زمان با ورود افراد مختلف دیگر و با رشد جمعیت این شهر، هم شهرک توسعه‌ی سطحی پیدا کرد و هم ساختمان‌های جدید چندطبقه جای خانه‌های ویلایی را گرفتند. در ابتدا ساکنین این شهر از یکدستی بیشتری برخوردار بودند و بسیار خوب توانسته بودند با محیط جدیدشان اخت شده و رابطه برقرار کنند. ولی به مرور در سال‌های اخیر با رو آوردن مردم جدید از اقشار اجتماعی مختلف به این شهرک، بافت اجتماعی آن هم به همراه بافت کالبدی آن دگرگون شد و این موضوع در احساس تعلق ساکنین بی‌تأثیر نبوده و آن‌ها را تا حدودی از محل سکونتشان دل‌زده کرده است. در این جا ابعاد انسانی‌تر و مناسب‌تر فضا چه در فلکه‌ها و چه در خود بلوار اصلی، امکان تجربه‌ی محیط را برای ساکنین شهر آسان‌تر و دلپذیرتر کرده است.

دلیل نداشتن فضای برای گذراندن اوقات فراغت خود، وقت‌های اضافه و آخر هفته‌ی خود را در خانه‌های خود می‌گذرانند. حتی کودکان هم امکان حضور در عرصه‌ی عمومی را به بهانه‌ی بازی کردن ندارند. دلیل آن هم واضح است، با نگاهی به پارک بازی کودکان می‌بینیم که این جا مکان بازی کودکان نمی‌تواند باشد: نه درختی، نه فضای سبز. از طرف دیگر کوچه‌ای هم وجود ندارد (به معنای کوچه) که بچه‌ها بتوانند در کنار والدین‌شان به بازی با هم بازی‌های خود پرداخته و بهانه‌ای برای آشنایی آن‌ها را با یکدیگر ایجاد کنند. همان عرصه‌ی عمومی هم به ماشین یا در حال حرکت اختصاص یافته یا به ماشین پارک شده. واحدهای مسکونی هم به گونه‌ای طراحی نشده‌اند که امکان نظاره‌ی والدین به عرصه‌ی عمومی را فراهم کنند. در نتیجه آن‌ها هم اجازه‌ی خروج از واحدهای مسکونی را به آنان نمی‌دهند. همچنین هیچ پاتوقی توسط ساکنین شناسایی نمی‌شود. در واقع مردم جایی برای جمع شدن و لحظه‌ای مکث ندارند. هندسه‌ی فضا به گونه‌ای است که انسان‌ها را تشویق به حرکت و رفتن می‌کند. موضوع دیگری که در این جا با آن روبرو می‌شویم یکنواختی محیط است. ساختمان‌های سازمانی یک شکل و هم ارتفاع که به یک شکل کنار هم قرار گرفته‌اند، امکان هرگونه شخصی سازی‌ای را از آن‌ها گرفته است. شناسایی این ساختمان‌ها، از یکدیگر هم به این سبب مشکل گردیده است.



در واقع خبری از نشانه‌ای در دوردست‌ها نیست تا چشم کار می‌کند همه چیز تخت است، نه مرکز شهر، نه یک محل خاص، هیچ کدام به واسطه‌ی تمایز بصری یا ارتفاعی نتوانسته‌اند خود را در خط آسمان این شهر برجسته کنند و در ذهن افراد جای بگیرند. حتی اگر چنین عنصری هم وجود داشته باشد به دلیل فواصل زیاد به ادراک نمی‌آید. وسعتی که از آن صحبت می‌شود به اندازه‌ای است که هنگامی که فرد به عنوان مثال در یک سمت میدان ایستاده باشد، قادر نخواهد بود بدنه‌های وجه مقابل را بدرستی تشخیص دهد. مردم وقوع حادثه یا اتفاق خاطر انگیزی را در محیط سراغ نداشتند، چون چیزی جز زندگی عادی روزمره در آن جا اصولاً اتفاق نمی‌افتد بنابراین مکانیزم به یاد آوردن مکان‌های مختلف شهر در ذهن مردم به واسطه‌ی عملکردهای نه چندان شاخصی است که در نقاط مختلف جمع شده‌اند در این جا هیچ چیز یادآور گذشته نیست. هیچ جزء هر چند کوچکی هم در محیط وجود ندارد که ما را به گذشته متصل کند، چون این جا کاملاً جای دیگری است. حتی نام مکان‌ها هم تداعی کننده‌ی جای دیگری نیست. چون این نام‌ها خاص این جاست. تمام محله‌ها به عدد شناخته می‌شوند و عدد یعنی بی‌هویتی محض حضور داشتن در زمان ساخت و سازهای اولیه و کلاً روند اولیه‌ی ساخت و سازها می‌تواند برای ساکنین اولیه احساس غرور آورده و نشانه‌ی احساس تعلق باشد.



در واقع چنانچه فرد بتواند خاطراتی را از آن زمان بازگو کند، خود نشان از

ج) شهر جدید پولادشهر اصفهان

هدف از انتخاب این شهر به عنوان یک نمونه‌ی موردی به قرار زیر است:

۱. بررسی یک شهر جدید صنعتی که هدف روی آوردن مهاجران این شهر با شهرهای اقماری متفاوت است.
۲. شهر جدید پولادشهر یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جدید ایران است که خود این گذر زمان باعث شده که بتوان در مورد موفقیت و یا عدم موفقیت طرح آن در طول زمان صحبت کرد.
۳. شکل‌گیری فازهای جدیدتر هم‌چنان در این شهر در جریان بوده و ساخت و سازهای جدید را می‌توان با فازهای اولیه‌ی مقایسه کرد و موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها را پیش‌بینی کرد.



پولادشهر با فاصله‌ی منطقه‌ی از شهر اصفهان و دیگر شهرهای منطقه و مجتمع‌های صنعتی با موقعیت مکانی مناسب زیست‌محیطی و در اراضی کافی برای توسعه و فاقد توان کشاورزی با شیب مناسب در دهه‌ی ۱۳۴۰ پایه‌گذاری شد. احداث و مکان‌یابی شهر جدید پولادشهر که از وسیع‌ترین شهرهای جدید کشور به شمار می‌رود، هم‌زمان با طرح ایجاد کارخانه‌ی ذوب‌آهن به کمک متخصصان روسی صورت گرفت. پولادشهر به هدف اسکان کارکنان صنایع ذوب آهن بنیان گذاشته است. در حال حاضر پولادشهر با جمعیتی بیش از شصت هزار نفر از پرجمعیت‌ترین شهرهای جدید کشور به شمار می‌رود.



پولادشهر در فاصله‌ی نزدیک در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی پولادشهر با مساحتی بالغ بر ۷۷۰۰ هکتار که حوزه‌ی قانونی آن را تشکیل می‌دهد و با ۱۶۰۰۰ هکتار حوزه‌ی استحفاظی، از وسیع‌ترین شهرهای جدید احداث شده در کشور محسوب می‌شود. (طلاجیان، ۹۲-۹۳: ۱۳۸۴)

در طرح جامع پولادشهر، دو تپه‌ی موجود در شهر به عنوان دو عنصر مهم کالبد شهر را شکل بخشیده و ساختار فضایی شهر را به دو منطقه‌ی شمالی و جنوبی تقسیم کرده است. منطقه‌ی شمالی با بافت شطرنجی و منطقه‌ی جنوبی با بافت شهری شعاعی طراحی شده است. مناطق فوق هر کدام به چند برزن که همان ناحیه‌ی شهری است، تقسیم شده و هر برزن یا ناحیه نیز به چندین محله تقسیم شده است. در مجموع شهر ۹ برزن و ۵۱ محله را در برمی‌گیرد. برای هر محله هم اسکان ۵۰۰۰ نفر پیش‌بینی شده است. استخوان‌بندی شهر متکی به شبکه‌ی ارتباطی سواره است که تمام شهر را



از طرف دیگر وجود نداشتن عرصه‌های عمومی در قالب مرکز محلات در بافت مسکونی، مردم را در زمان‌های مختلف به این‌جا می‌کشاند. در نتیجه آن چه با آن روبرو هستیم سرزندگی این محور با فلکه‌های آن است. آن چه که مردم در وهله‌ی اول با آن روبرو شده بودند، تجلی توقعشان از یک محیط مسکونی بود. محیطی که آرامش داشت و دارای یک مقیاس خودمانی بود با سبک‌های ساختمانی که خود را از شهر متمایز می‌کند و عامل جذب‌کننده‌ی مردم به این شهرها می‌باشد. تغییر الگوهای ساختمانی به مرور زمان و افت کیفیت آن‌ها باعث شد که فردیس آن جلوه‌ی متمایزی را که توانسته بود برای خود ایجاد کند را از دست بدهد و دارای ظاهری آشفته و نیمه‌تمام گردد. به طوری که به نظر می‌رسد همواره در حال تغییر شکل و رشد است. مهاجرین جدید دیگر به خاطر آن کیفیت‌های اولیه نبود که به این شهرک می‌آمدند. بلکه دیگر بهانه‌ی تملک مسکن ارزان قیمت شده بود.



این شهر به مرور زمان توانسته بودند به واسطه‌ی شکل‌گیری پاتوق‌ها و فعالیت‌های جمعی در این محور، خاطراتی را برای خود رقم بزنند به این سبب فردیس را به قول خود فقط در همین راسته خلاصه می‌کردند. ولی توسعه‌های جدید آمدند و نه تنها فضاهای جدید و نامأنوسی را ایجاد کردند بلکه با گذاشتن نام‌های غریب بر روی فضاهای قدیمی که در ذهن مردم جای گرفته بودند، سعی در مخدوش کردن آن‌ها هم داشتند ولی امروزه هم‌چنان مردم آن‌ها را به نام‌های قدیمی می‌شناسند. میادین شهرک عناصر خوانایی آن هم محسوب می‌شوند. عنصر هویت‌بخش دیگری که در این‌جا وجود دارد، کانال است که از آن استفاده‌ای جز آدرس‌دهی نمی‌شود.

در مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری این شهر، تنها چند محله ساخته شده بودند و تعریف شدن درست مقیاس فضای شهری به صورت محله، امکان تجربه‌ی فضا را راحت‌تر و سریع‌تر می‌کرد. در نتیجه با تجربه‌ی مستقیم، ساختار کل محیط به دلیل خوانایی و خودمانی بودن محیط در زمان کوتاهی صورت می‌پذیرفت و کل محیط در ذهن انسان جای می‌گرفت. در این بین عوامل دعوت‌کننده‌ی محیط هم تجربه آن را در دل چسب‌تر می‌کردند. عواملی چون فضای سبز که به خوبی با محیط مصنوع ترکیب یافته است و فعالیت‌های تفریحی و سرزنده‌ای که در مرکز محله‌ها استقرار یافته‌اند. چنین کیفیت‌هایی در محیط فرد را دعوت به حرکت پیاده در محیط و تجربه‌ی مستقیم آن می‌کند؛ در نتیجه فرد با فراغ خاطر به عرصه‌ی عمومی پای می‌گذارد. در حالی که در شرایط جدید و در محلات جدید با غالب شدن شبکه‌ی سواره بر شهر حرکت پیاده با مشکل مواجه شده است و عرض زیاد شبکه‌ی اصلی عبور و مرور عمومی پیاده بین مکان‌های مختلف را مشکل ساخته و ماشین‌ها را دعوت به حرکت سریع می‌کند. هم‌چنین، از بین رفتن فضای سبز بین توده‌ها، محیط را سرد و بی روح ساخته است؛ از جذابیت‌های تجربه‌ی محیط کاسته است.

در واقع در این‌جا هم با همان معضلاتی که در شهر جدید اندیشه به آن‌ها اشاره کردیم روبرو هستیم. محلات جدید دارای چیدمان‌های ساختمانی یک شکل بوده که تمام فضای باز را گرفته و جایی را برای میدان محلی باقی نگه داشته‌اند. در این‌جا تراکم توده نسبت به فضا بیشتر بوده و توده‌های ساختمانی محلات مختلف با تفاوت‌های جزئی در کنار هم چیده شده‌اند. در حالی که چیدمان‌های اولیه‌ی شهر از تنوع بیشتری برخوردار بودند. به عنوان مثال در بلوک B1 با تنوع فضاهای پر و خالی روبرو هستیم. این بلوک که متعلق به اولین دوره‌ی ساخت این شهر (از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۳) می‌باشد را می‌توان به سه گروه تقسیم بندی کرد. گروه اول شامل فضاهای پر و خالی به صورت انبوهی ۱۰ و ۱۴ طبقه می‌باشد. فضاهای خالی این مجموعه هم شامل فضای سبز با محوطه‌سازی، سواره‌رو و پارکینگ می‌باشد. گروه دوم شامل ابنیه‌ی کوتاه‌مرتبه به صورت ۱ یا ۲ طبقه می‌باشد که شامل دوبلکس نیز می‌باشد. این‌ها به صورت ردیفی شامل ۵ بنای متصل به هم است. فضاهای خالی در این گروه که توسط مجموعه‌ی فضاهای پردیفی محصور شده‌اند، شامل فضاهای سبز همراه با محوطه‌سازی بوده که توسط معابر سواره و پارکینگ‌های جمعی از یکدیگر جدا شده‌اند. سومین گروه که از لحاظ تعداد در اقلیت هستند، به صورت مجموعه‌های آپارتمانی مستقل با فواصل زیاد از یکدیگر به صورت بناهای ۱۲ طبقه در امتداد ضلع شمالی بلوک واقع شده‌اند.



در چنین فضاهایی مردم به راحتی می‌توانند بخش‌های مختلف را شناسایی کنند. در حالی که در این شرایط جدید خوانایی محیط هم کمتر شده است. برخورداری از ارتفاعات تقریباً یکسان این ساختمان‌ها باعث شده که هنوز هم برجسته‌ترین عناصر شاخص خط آسمان شهر، همان ساخت و سازهای اولیه باقی بمانند. از عناصر شاخص در سطح کلان هم می‌توان به کوه و کانالی اشاره کرد که در داخل شهر جاری است؛ ولی بی‌توجهی به این عناصر، باعث کم‌رنگ شدن موقعیت آن‌ها در ذهن ساکنین شهر شده است. یکنواختی ساخت‌وسازهای جدید قدرت ارزش‌گذاری بر اجزاء محیط را از انسان گرفته است، چون معیار مقایسه‌ای وجود ندارد تا جزئی را بهتر از دیگری بدانند. در این‌جا معیار مقایسه‌ای که در ذهن مردم نقش بسته، محلات قدیم می‌باشد. تقریباً تمام افراد ساخت‌وسازهای اولیه را مطلوب و دلنشین

به هم متصل می‌کند (طلاچیان، ۱۳۸۴:۹۴). از آن‌جایی که این خیابان‌ها صرفاً به عملکرد جابه‌جایی می‌آیند از عدم سرزندگی و عدم حضور فعال مردم در خود رنج می‌برند، همین نداشتن حرکت قابل توجه در مسیرها باعث شده است که شهروندان تصویر روشنی از محورها نداشته باشند. ساخت و سازهای این شهر هم در طول زمان دستخوش تغییراتی شده است که در سیمای شهر به وضوح به چشم می‌خورد. ساخت و سازهای اولیه به خوبی از ساخت و سازهای جدید متمایزند. نسبت فضای باز به توده هم در آن‌ها کاملاً متفاوت است. دیگر از تنوع فضایی در مورفولوژی‌های جدید خبری نیست، فضای سبز ما بین توده‌های قدیمی در جای دیگری تکرار نشده است. به واسطه‌ی تفکرات حاکم بر طراحی ساختار پولادشهر، فضاهای پر بیش از فضاهای خالی مورد اهمیت قرار گرفته‌اند.



ساختار پولادشهر عمدتاً با محلات تعریف شده است. این محله‌ها که در سال‌های مختلفی ساخته شده‌اند و ساکنان مختلفی دارند هر کدام دارای ویژگی نسبتاً متمایز کننده‌ای هستند ولی نتوانسته‌اند به واسطه‌ی نشانه‌ها و ویژگی‌های خاص بر هویت‌های خود تأکید داشته باشند. در فولادشهر عناصر زیادی وجود دارند که برای مردم معنا دارند. وجود عناصر طبیعی و اکولوژیکی در فضاهای شهری مانند حضور بصری کوه‌ها، توده‌ی حجیم و مترکم پوشش گیاهی در ابتدای ورودی، جاری شدن آب در جوار محور مرکزی، از عناصر معنادار در محور مرکزی هستند. برج‌های آپارتمانی از مهمترین عناصری هستند که در ذهن شهروندان نقش می‌بندند. شهر جدید پولادشهر، محصول شهرسازی جدید است و حدود ۵۰ سال از عمر آن می‌گذرد و با توجه به این مطلب اولین عناصر ساختاری شهر را هنوز افراد زیادی به خاطر دارند و حتی نحوه و فرآیند ساخت شهر که جزء تاریخ شهر محسوب می‌شود هنوز در ذهن عده‌ی زیادی وجود دارد و بار خاطره‌ای زیادی را برای ساکنان شهر به خصوص ساکنان قدیمی‌تر در بر دارد. کلیه‌ی ساختمان‌های بلندمرتبه‌ی شهر علی‌رغم کاهش مطلوبیتشان برای ساکنین، در مقیاس کل شهر خاطره‌انگیزی زیادی برای مردم پولادشهر دارند. هم‌چنین محلات قدیمی‌تر هم در اذهان ساکنان پولادشهر به عنوان هسته‌ی پولادشهر نقش بسته‌اند. به خصوص مراکز این محلات مراکزین محلات که در ابتدا به صورت فضای شهری عمل می‌کردند و افراد مختلف را در آن‌جا جمع می‌شدند. فضای بازی و حتی رستوران عمدتاً خاطرات زیادی را برای شهروندان و به خصوص سالخوردگان و کودکان ایجاد می‌کنند اما به جز این فضاها که تنها در مقیاس محله‌ای عمل می‌کنند، هیچ فضای دیگری برای اجتماعات و گروه‌های مختلف مردم که خاطره‌انگیز هم باشد، در سطح شهر وجود ندارد.



می‌دانند ولی هیچ اظهار نظری در مورد توسعه‌های جدید نمی‌کنند. این نشانه‌ی بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به این بخش از شهر است. وجود عرصه‌های عمومی مناسب در داخل محلات و الگوهای واحدهای مسکونی‌شان به گونه‌ای بود که فعالیت جمعی، آشناسدن آن‌ها با یکدیگر بی‌واسطه‌ی جمع‌شدن در محل (پاتوق‌های مختلف) را تسهیل و پشتیبانی می‌کرد. قرارگیری مراکز خرید محلی در قالب بازار روز در محلات، همه‌ی تسهیلات را در مقیاس پیاده فراهم کرده است. از طرف دیگر معماری ساختمان‌های این محلات از نظر ارتفاع و حتی مصالح (آجر) مقیاس دوستانه‌ای با انسان و طبیعت را ایجاد کرده‌اند. هم‌چنین امکان حضور مردم در ارتفاع‌های مختلف و تجربه‌ی محیط را از آن نقاط هم برای مردم ایجاد می‌کنند با توجه با نوع معماری ساختمان‌های آن.



امروزه، با گذشت زمان این مناطق با مشکلاتی روبه‌رو شده‌اند. به عنوان مثال روشنایی شب این مکان‌ها با وجود درختان بلند و سایه‌انداز، با مشکل رو به رو شده است. هم‌چنین بایستی به بازسازی این ساختمان‌ها هم پرداخته شود تا به دلیل فرسودگی، باعث از بین رفتن کیفیت محله نشوند. در کنار مشکلات کالبدی، وجود امکانات رفاهی، تفریحی، تجاری، درمانی، ورزشی و آموزشی باعث شده است که این شهر جدید بتواند برای خود مستقل عمل کند. در این رابطه می‌توانیم به اهمیت داشتن تیم فوتبال شهر اشاره کنیم. همین موضوع نشان‌گر شناخته شدن این شهر جدید به عنوان یک شهر است. به این طریق می‌توانند به همراه افتخار به تیم فوتبالشان به شهرشان هم افتخار کنند. در واقع داشتن یک تیم محلی و یا شهری باعث ایجاد همبستگی میان ساکنین شده و فرصت یکسانی را برای گروه‌های مختلف ایجاد می‌کند تا در کنار یکدیگر، خاطرات جمعی برای شهروندان و هم محلی‌های خود ایجاد کنند. مردم با حضور در مسابقات مربوطه نه تنها به صورت پیوسته در برنامه‌های دوره‌ای هم‌دیگر را ملاقات می‌کنند بلکه در خارج از چنین مراسمی هم موضوعی برای ملاقات‌های رو در رو ایجاد می‌شود. فعالیت‌های چینی نه تنها باعث ایجاد غرور می‌شود بلکه به دلیل داشتن نمود بیرونی (اخبار و رسانه‌ها) باعث شناسانده شدن این محله و شهر به دیگران می‌شود.

د) شهر جدید آلمر - هلند:

دلیل انتخاب این نمونه‌ی موردی را می‌توان این موارد برشمرد:
 ۱) این شهر یک شهر جدید (کاملاً از پیش طراحی شده) می‌باشد که در نزدیکی آمستردام بوده و یک شهرک اقماری محسوب می‌شود. در نتیجه از این نظر قابل قیاس با شهرهای جدید اقماری ایران می‌باشد.



۲) در این شهر اخیراً اقداماتی جهت بهبود وضعیت آن شده است. با در نظر گرفتن این اقدامات از ابتدا می‌توان مانع از بروز این مشکلات در آینده شد. بنابراین می‌توان به این نمونه به عنوان یک شهر جدیدی نگاه کرد که در طول زمان آزمایش خود را پس داده است.

احداث آلمر در ۱۹۷۵ و بر بستر زمین تازه احیا شده‌ای واقع در شرق آمستردام آغاز شد. هدف از اجرای این پروژه دولتی، تأمین مسکن برای ۲۵۰۰۰۰ نفر ظرف مدت ۴۰ سال بود. برای این پروژه تیمی را سازمان دادند که وظیفه‌اش تهیه‌ی طرح توسعه‌ی آلمر تا سال ۲۰۱۵ بود. این تیم می‌بایست در این طرح انعطاف مورد نیاز را برای تطبیق با جهان در حال تغییر پیش‌بینی کند. طرح آلمر از مفهوم شهری الهام گرفته بود که یک سوم آن فضای سبز و یک سوم مسکن بود و یک سوم دیگر را نیز آب تشکیل می‌داد. در واقع این نوعی اقتباس از خود سنت هلند محسوب می‌شد. نخستین ساکنان شهر در ۱۹۷۶ به آن نقل مکان کردند آن‌چه که آن‌ها در آلمر با آن مواجه شدند، مقدار زیادی فضا، مقدار زیادی فضای سبز و آب و آزادی کافی برای احداث خانه‌هایی با معماری غیرسنتی و ابتکاری بود؛ یعنی درست همان ویژگی‌هایی که شاخص آلمر امروزی را تشکیل می‌دهد.



نخستین طرح‌هایی که برای آلمر تهیه شد، به اوایل دهه‌ی هفتاد مربوط می‌شوند. در این طرح‌ها، که هم در آن زمان و هم در زمان حاضر بلندپروازانه بودند، آلمر به صورت شهری اقماری در نظر گرفته می‌شد - خانه‌ای برای کسانی که محل کارشان در آمستردام، شیپول و نواحی پیرامون آن‌ها قرار دارد - و در آغاز برای جای دادن جمعیتی تا ۲۵۰۰۰۰ نفر در نظر گرفته شده بود. آلمر بر اساس تئوری‌های شهرسازی وقت به صورت شماری هسته‌ی نیمه‌مجزا، هر یک با هویت محله‌ای و تسهیلات خاص خود، که به کمک زیرساخت مشترک و مرکز شهر واحد به یکدیگر پیوسته‌اند، طراحی شده بود. محوطه‌های بین هسته‌ها را هم فضای سبز و آب برای تفریح تشکیل داده‌اند. خیابان‌های حلقوی برای دور نگه داشتن ترافیک عبوری از مناطق مسکونی در خارج محلات تعبیه شده‌اند. اتصالات بین هسته‌ها هم از طریق حمل و نقل عمومی و دوچرخه تأمین می‌شود. مدل هسته‌ای با موفقیت بسیار رو به رو شده است. هر هسته‌ای که دنبال هسته‌های موجود به وجود می‌آید، می‌کوشد تا مشکلاتی را که در هسته‌ی قبلی پدید آمده است، حل کند و انعکاسی از رویکردهای متحول آن عصر به توسعه‌ی شهری باشد.

اصول طراحی شهری این شهر در دهه‌ی ۷۰ تدوین شده است:

- ۱) شبکه‌ی سلسله مراتبی جداگانه‌ای برای ماشین‌ها، حمل و نقل عمومی و پیاده‌ها
 - ۲) انواع مختلف زیر ساخت‌های اجتماعی
 - ۳) فضاهای سبز و پارک‌های متنوع
- هر محله (منطقه) دارای یک ویژگی می‌باشد. یک منطقه، مرکز فرهنگی، اقتصادی، اداری است، یک منطقه حال و هوای حومه‌ای دارد. یک منطقه کاملاً مسکونی است و یک منطقه تفریحی. از نظر نحوه‌ی ساخت‌وساز هم در آن‌ها

تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. برای مثال، در هیون نفوذ نیرومند ساختمان‌سازان شهری مشاهده می‌شود که با طراحی "محله‌های اسپاگتی" می‌کوشیدند مشوق تماس‌های اجتماعی باشند؛ و این در حالی است که در بیوتن که تأثیر و نفوذ آن‌ها جای خود را به معماران داده است که به خلق نسخه‌ی کاملاً متفاوتی از محله‌ها با خانه‌های ردیفی آرایش یافته و به صورت شبکه پرداخته‌اند.

آلمر تجربه‌ی جدیدی از زندگی حومه‌ای را ارائه می‌دهد و از سنت‌های هلندی فاصله گرفته است. نکات مثبتی که در طراحی آلمر به چشم می‌خورد:

۱. برنامه‌ریزی اولیه در ایجاد حمل و نقل و دیگر زیرساخت‌ها
۲. استفاده و تعیین دقیق همسایگی‌ها
۳. طراحی و معماری خلاق
۴. استفاده از فضای سبز
۵. ایجاد محیطی که مردم علاقه به زندگی کردن در آن دارند
۶. تراکم‌های متفاوت و متنوع و اختلاط کاربری



در زمان حاضر ۱۶۵۰۰۰ نفر در آلمر زندگی می‌کنند و این شهر یکی از سریع‌ترین رشد‌ها را در میان شهرهای هلند دارد. اما این تمام ماجرا نیست. دولت در این اواخر دو هدف برای آینده‌ی این شهر اعلام کرده است - یکی این که به چهارمین شهر بزرگ هلند تبدیل شود و تا ۴۰۰۰۰۰ نفر را در خود جای دهد. آلمر با این چالش‌های جدید که به چالش‌های ذاتی و مبتلا به همه‌ی شهرها اضافه می‌شود، به مرحله‌ی توسعه‌ی جدید و مهمی وارد می‌شود. در این میان، آن چه بیشترین اهمیت را در این مرحله دارد، تعریف چیزی است که از پیش برای آن فکری نشده بود - یا نمی‌توانست بشود - و آن هویت خود آلمر بوده است.

دیگر آلمر را نمی‌توان شهری اقماری به شمار آورد و معتقدند برای این که این شهر بتواند گام بعدی را بردارد، باید خودمختارتر شود و هویتی را که در زمان حاضر فاقد آن است برای خود به وجود آورد. رم کولهاوس معمار هلندی مرکز شهر تازه‌ای طراحی کرده که در حال شکل‌گیری است و تسهیلات عمده‌ای نظیر تالار کنسرت، موزه، سالن بولینگ و تئاتر را نیز به شهر خواهد افزود. هدف از ساخت مرکز شهر، تأمین یک مرکز شهر چند عملکردی است تا آلمر را تبدیل به یک شهر کامل کند. مرکز شهر با استفاده از معماری جدید سعی در تأکید بر جدید بودن شهر دارد.

شهر به شدت در تکاپوی جذب شرکت‌ها و کسب و کارها به این ناحیه است تا تعداد کسانی را که برای رفتن به سر کارهای خود از آلمر خارج می‌شوند، کاهش دهد (در زمان حاضر ۸۰ درصد از مردم آلمر در خارج از آلمر کار می‌کنند) و از فشار فزاینده‌ای که بر زیرساخت‌های حمل و نقل وجود دارد، بکاهد. ابتکاری نیز مطرح گردیده است تا آلمر در موقعیت "شهری برای گذراندن اوقات فراغت" قرار گیرد.

جمع‌بندی:

با توجه به موارد معرفی شده در بالا می‌توان به اصول زیر به عنوان نکاتی که در طراحی شهرهای جدید در راستای رسیدن به هویت شهری بایستی مدنظر قرار گیرند اشاره کرد:

- ایجاد یک هویت مجزا و متمایز برای هر یک از محلات چه از نظر تنوع ساخت و ساز و چه از نظر نحوه‌ی چیدمان قطعات
- استفاده از فضای سبز در سطح محلات به منظور ایجاد محیطی مرفه برای گذران اوقات فراغت و سکونت
- جداکردن محلات مختلف توسعه با استفاده از فضای سبز که هم هر محله را از ساخت و سازهای اطراف در امان می‌دارد و هم امکان توسعه‌ی محلات را در آن محدوده در آینده، مهیا می‌سازد.
- ایجاد اشتغال‌زایی در سطح شهر و محلات و همچنین تعریف یک عملکرد غالب به دلیل نگر داشتن سرمایه‌ی مردم در شهر و رونق اجزاء مختلف شهر
- اقتباس از ویژگی‌های خاص شهر آمستردام (به عنوان مادر شهر) به همراه استفاده از معماری جدید. در نتیجه این محیط هم از طرفی بوی آشنایی می‌دهد و هم از طرفی خود را از مادر شهر خود متمایز کرده و یک محیط جدیدی را خلق کرده است.



✦ ابراهیم زرگری مرندی

دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی -
برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری

دانشگاه شیراز

متمادی انسان در آن‌ها منجمد می‌شود. در این میان نه تنها یادبودها و ساختمان‌ها، بلکه قطعات رفتارهای اجتماعی، سنت‌ها و رسومات و فعالیت‌های شاخص نیز می‌توانند در محیط شهری باقی مانده و مشاهده شوند. آلدوروسسی (Rossi, ۱۹۸۴) نیز شهر را بایگانی‌ای از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌های مختلف در آن ثبت می‌شوند.

استعاره‌ی پالیمسست در خوانش شهر - خاطره

بخشی از متون مرتبط با بحث خوانش شهر - خاطره پس از بحث ژاک دریدا در زمینه‌ی پارادوکس دوگانه‌های حضور - غیاب و گذشته - حال با ابداع نو - واژه‌ی "هانتولوژی" (Hauntology) در مقابل "هستی‌شناسی" (Ontology) به حضور شیخ‌وار گذشته و حیات آن در حال می‌پردازد. (Derrida, ۱۹۹۴: ۱۰) این جهت‌گیری به تفسیر تاریخ با شکستن دوگانگی‌های مذکور موجب توجه مجدد به استعاره‌ی "پالیمسست رومی" فروید (Freud, ۱۹۸۹) شد. لغت یونانی "پالیمسست" متشکل از دو بخش "پالیم" (Palim) به معنای مجدد و "سستوس" (Psestos) به معنای ساییدن و پاک کردن است و به معنای ساییدن و پاک کردن متن موجود روی پاپیروس و نوشتن متن جدید روی آن است، در حین این که اثر نوشته‌های پیشین در آن نمایان باشد. فروید این استعاره را در اشاره به شباهت میان ساخت لایه‌های شهر و روان بشر به کار برد و مقصود او از این واژه ادامه‌ی حیات تمامی مراحل اولیه توسعه در کنار آخرین آن‌ها است. بیان‌کنندگی این استعاره در زمینه‌ی طرح حیات گذشته و حال در کنار هم و رازگونگی تصور متن گذشته‌ی شهر از روی آثار به یادگار مانده و نه مشاهده‌ی کامل آن موجب استفاده‌ی واژه‌ی پالیمسست در ادبیات مرتبط با حیات خاطره و فرهنگ در شهر و نوع خوانش آن شد. ویژگی چند لایه‌ای توسعه‌ی شهر در قرون متمادی و حذف‌ها و اضافات که به کاوشگر اجازه‌ی خوانش شهر را به عنوان ترکیبی از قسه‌های بی‌شمار می‌دهد.

مانایی گذشته در ریخت امروزی شهر می‌تواند خود را به صورت تباین شدید و آشوبی گیج‌کننده نمایان کند که در عین حال به صورت اجزای یک تصویر هماهنگ و واجد هارمونی با کل ظاهر می‌شود. (Busa, ۲۰۱۰: ۱۵۹)

سیاست‌های شهری در زمینه‌ی خاطرات شهری

مسئله جهت‌دهی به خاطرات جمعی (Collective Memory) از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری در راستای سیاست‌های ایجاد هویت جمعی در بسیاری از متون مرتبط با ارتباط خاطره، فرهنگ، هویت و زندگی هرروزه به نقد کشیده شده است. مسائل حساس در این حوزه عبارتند از امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (میرمقتدایی، ۱۳۸۸)، دستکاری و سیاست‌های گزینش خاطرات جمعی (Huyssen, ۱۹۹۷, ۲۰۰۳) و جهانی شدن و محو یکتایی خاطرات شهرها (Assmann & Ladd, ۱۹۹۷).

تأثیر انگاره‌ی شهر خاطره در برنامه‌های ازآفرینی شهری

مقدمه

محیط، اعم از شرایط کالبدی، معنایی و معنوی عامل مهمی در احراز هویتی خاص برای انسان است. محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است، می‌تواند در احساس هویت یا بی‌هویتی تأثیرگذار باشد. (حبیب و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴) محیط شهری برای ساکن آن نقش ظرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خاطره‌های شهرنشینان و عامل زمان موجب ایجاد خوانش‌های متفاوت و پژوهش‌های گسترده در زمینه‌ی ارتباط مداخلات و توسعه‌های جدید در متن شهر و تعامل نسل‌های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است. این هم‌نشینی گفته‌ی ویلیام فالکنر در "مرثیه‌ای برای راهبه" را به یاد می‌آورد که "گذشته هیچ‌گاه نمرده است، در حقیقت حتی سپری نشده است." به دلیل همین ارتباطات است که گرایش‌ها به سمت برنامه‌ریزی در جهت بازآفرینی شهری با نظر به میراث خاطرات شهروندان و توجه به ایجاد تداوم تجربیات شهری با انگاره‌ی شهر - خاطره است. در این مقاله در ابتدا با مروری بر ادبیات موضوع افق‌های پژوهش‌های مرتبط روشن شده است و در ادامه به تبیین انگاره‌ی خاطره - مبنا در بازآفرینی شهری و سیاست‌های مرتبط با آن پرداخته می‌شود.

تداوم گذشته در شهر امروز

زندگی هر روزه (Everyday-Life) ساکنان شهر گستره‌ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی و فعالیت‌ها در قالبی از فضاهای ساخته شده است. آشنابنداری شهرنشین با محل سکونتش در فرآیندی از تجربه و آموزش ایجاد شده و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت‌های مختلف نتیجه‌ی تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت‌ها و فضاها است. این فرآیند آشنابنداری در شهرنشین به دلیل ارتباط او با سکونتش در قالب خاطره‌سازی و ایجاد نوعی هویت براساس خوانش او از ریشه‌دار بودن اقامت در سکونت‌گاه و نوعی در آن جا بودن مداوم است. خوانشی که شهر - خاطره را همچون تصویری دنباله‌دار و چون متنی که در طول زمان و در طی توسعه‌های متمادی همچنان در حال نوشته شدن است، در ذهن می‌آورد.

ویکتور هوگو در "تتردام پاریس" شهر را کتابی سنگی می‌خواند. والتر بنیامین (Benjamin, ۱۹۹۹) شهر را کتابی حماسی می‌داند که حاصل به خاطر سپاری‌های انسان پرسه‌زن (Flaneur) در شهر است. با این خوانش است که شهر را چون لایه‌های متعدد دیرینه‌شناسانه در مقابل دیدگان شهرنشین قرار می‌دهد. منظری هزارتو که اثراتی از حیات، فرهنگ، سنت‌ها و وقایع پیشین در آن حفظ شده است.

مامفورد (Mumford, ۱۹۸۱) بر ارتباط میان زمان و فضای شهری تأکید می‌کند. شهرهایی که محصول زمان بوده و چون قالب‌هایی هستند که حیات

Conrad, ۲۰۱۰) و تعیین هویت تاریخی و فرآیند ایجاد هویت ایده‌آل (Crimson, ۲۰۰۵) که نه به طور جداگانه، بلکه با ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر از طرف پژوهش‌گران حوزه‌های جامعه‌شناسی، سیاست، برنامه‌ریزی، معماری، تاریخ، فلسفه و فرهنگ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

می‌توان اذعان داشت که روش دیالوگ شهر و خاطرات بر تمامی ابعاد زمانی شهر پرتو می‌افکند. تفسیر شهر و شهرنشینان از گذشته ناگزیر بر چشم‌انداز آینده شهر تأثیر می‌گذارد. چرا که خاطره در شهر یک رونوشت از پیشامدهای گذشته بوده و در یک استعاره‌ی پالیمستی‌ساز و کار تفسیر، خوانش و انتخاب است. (Busa, ۲۰۱۰: ۱۵۹) بررسی تعامل شهر در ارتباط با گذشته‌اش برای ساخت هویت شهری ضروری است و می‌توان گفت خاطره‌ی حاصل دست‌کاری گذشته از طریق فرآیند انتخاب است. (Huyssen, ۱۹۹۷: ۵۸)

در سیاست‌های شهری، راهبردهای هویت‌سازی و دستکاری حافظه‌ی جمعی از جمله ایجاد مکان، منظره‌سازی، بازاریابی شهر و اقدامات فستیوالی از طریق فرآیند سیاست‌گذاری و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تأکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی نشانه‌های آن و حذف ترومایی وقایع و پیشامدهای ناگوار با پاک‌سازی یا تغییرات عمده‌ی کالبدی نشانه‌های بارز که خوانش واقع را ممکن می‌سازند، صورت می‌پذیرد.



تصویر شماره (۱): فرآیند تدوین سیاست‌های خاطره‌ی شهری (منبع: نگارنده)

ایجاد تئاترهای خاطره با شاخص‌سازی بخش‌های به‌خصوص و حذف یا پنهان کردن بخش‌های نامطلوب به لحاظ اهداف سیاست‌گذاران با وجود این‌که تاریخی تحریف‌شده و سؤال‌برانگیز ایجاد می‌کند که با حذف میزان زیادی از حافظه‌ی شهری همراه است اما همین امر می‌تواند باعث پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردش‌گران بشود. هم‌اکنون و سواسی جهانی در زمینه‌ی تجلیل از خاطرات شهری همسو با ایده‌آل‌های حال حاضر جوامع و یادبودگرایی و در عین حال تحریف خاطرات شوک‌آور وجود دارد. (Huyssen, ۲۰۰۳) این شکل از رهیافت‌های منتهی به حذف یا ابداع مجدد فضا، کالبد و فعالیت سابقه‌ی طولانی‌تر از مطالعات مطرح‌شده دارند. به عنوان مثال تلاش ناموفق پروژه‌ی "شهرستان پهلوی" در دهه‌ی ۱۳۵۰-۱۳۴۰ برای تغییر نقش اقتصاد بافت سنتی بازار به منطقه‌ای برای گردش‌گران و پرتاب آن از زمان حال به گذشته‌ی دور و ایجاد یک مرکز جدید معتبر شهری در اراضی عباس‌آباد که می‌بایست با تصویری که محمدرضا پهلوی از پایتخت قرن بیست و یکم برای خود ساخته بود مطابقت داشته باشد. همین باعث دخالت ناگهانی او در سیاست‌های شهری شد. (اورکاد، ۱۳۷۵: ۲۳۶) و یا در کتاب "خاطره‌ی

شهری" (Crimson, ۲۰۰۵) اشاره به شهرهایی می‌شود که پیش از این سایت‌های صنعتی پیشتاز و مراکز فرهنگ مدرن بوده‌اند و هم‌اکنون در طی روند صنعتی‌زدایی به دنبال ابداع مجدد هویت و ایجاد نوستالژی دوره‌ی رونق صنعتی خود در قالب تئاترهای خاطره هستند. نمونه‌های مهم دیگر در زمینه‌ی این مداخلات مسأله‌ی حذف و تغییر تصویر و خاطرات نامطلوب ناشی از یک واقعه‌ی ناگوار همچون مورد نیویورک (Huyssen, ۲۰۰۳) و یا تغییرات ایجاد شده در نشانه‌های مرتبط با دوران جدایی آلمان شرقی و غربی در شهر برلین و تلاش در جهت ایجاد هویت شهری جدید در جامعه پس از اتحاد مجدد آلمان است. (Huyssen, ۱۹۹۷)

اقدامات عملیاتی در جهت بازآفرینی شهری با تأکید بر خاطرات جمعی

امروزه در جریان همانندسازی‌ها و یکسان‌شدگی‌های ناشی از جهانی‌شدن و در عین حال رشد سریع شهرها، خطر از میان رفتن مقادیر زیادی از حافظه‌ی فعالیتی و کالبدی شهر که ارتباط تنگاتنگی با خاطرات شهروندان و هویت شهر دارند، وجود دارد. مرمت شهری در قالب روایت بازآفرینی شهری بدون توجه به لایه‌های خاطره در بافت شهر و تنها با تأکید بر نیازهای کالبدی و فعالیتی موجب ایجاد شهری با حافظه‌ی کوتاه‌مدت می‌شود. شهری که کیفیت حیات شهری به دلیل ارتباط ضعیف ساکنان با محیط زندگی و سکونت‌گاه، تنزل یافته و هویت مکانی انسان شهرنشین و ریشه‌دار بودن سکونتش دچار بحران می‌شود. با وجود این که در بخش قبلی از فرآیندهای مداخله و تحریف خاطرات توسط سیاست‌های شهری با رویکردی انتقادی سخن به میان رفت، اما تقویت حافظه و خاطره‌ی شهری با رویکردی مشارکتی و متکثر نیز امکان‌پذیر است. در این راستا قدم اول تلفیق مطالعات و پژوهش‌های حوزه فرهنگ و خاطره شهری با فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری است (Hurley, ۲۰۱۰: ۱۹۹۶) و پژوهش‌گران با توجه به سه حوزه‌ی حفظ خاطره و فرهنگ شهری، یعنی فعالیت‌ها، محیط مصنوع و معنای شکل‌گرفته از زندگی شهری در اذهان شهروندان و مطالعه‌ی این حوزه‌ها مزیت‌ها، گرایش‌ها و تنگناهای ساختاری در جامعه‌ی هدف را به اطلاع برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌رسانند تا اقدامات در جهت تحریک فعالیت‌ها و عملکردهای جدید و نوآوری‌های مرتبط با ایجاد تعادل بین فعالیت، محیط مصنوع و معنا اتخاذ شود. (Montgomery, ۲۰۰۳: ۳۰۲) در رابطه با ایجاد شناخت مورد نظر، مطالعه‌ی وضعیت کاربری زمین، وجود فضاهای تفریحی و محل تعاملات اجتماعی چون کافه‌ها، گالری‌ها و موزه‌ها و سالن‌های تئاتر، سینما و فرهنگ‌سراها، رستوران‌ها و مکان‌های سوم و تأکید بر کارکردهای صبح و عصر، ریخت‌شناسی ریزدانه شهر، نماها و خط آسمان، تاریخچه‌ی توسعه و قدمت بافت و بناها، کیفیت فضاهای شهری و لبه‌های خیابان‌ها، نشانه‌های شهری، استخوان‌بندی و ساختار معبر، نام معبر، محلات و فضاها، یادمان‌ها، مجسمه‌ها و گرافیتی‌ها، منظر طبیعی و طرز آمیزش آن با منظر مصنوع و در عین حال تحقیق در مورد هویت، خوانایی و تصویر ذهنی، تاریخ رسمی مکتوب و شفاهی و قصه‌های شهر و زمان‌وارگی در فضاهای شهری موجود همگی می‌توانند خط راهنمای مناسبی برای برنامه‌ریزان به وجود آورند.

مرحله بعدی تعیین چشم‌انداز و راهبرد بازآفرینی فرهنگ محور و خاطره - منبا است. اگر چه در چشم‌انداز‌سازی باید سیاست‌های فرادست در نظر گرفته شود، اما این مسأله دلیل بر پایین بودن درجه‌ی آزادی در طرح‌های شهری با رویکرد خاطره - منبا نیست. تمرکز بر هویت محلی با توجه به نظر محققان و گرایش‌ات شهروندان، تشویق تنوع فعالیت‌ها و جذابیت منظر و ارتباط نزدیک برنامه‌ریزی و طراحی، لحاظ نمودن مشارکت مردمی در فرآیندهای تصمیم‌سازی و تأکید بر عرصه عمومی به خصوص فضاهای شهری، از جمله موضوعاتی هستند که در بین اغلب طرح‌های بازآفرینی فرهنگ محور و خاطره - منبا مشترکند. (INHERIT, ۲۰۰۷: ۹۴)

مرحله‌ی آخر، تدوین طرح‌های اجرایی و اقدامات عملی است که بنا به اولویت‌بندی مشارکتی به انجام می‌رسد. قدم ابتدایی این مرحله تدوین لیست

منابع

- اورکاد، برنار، "شهرسازی و بحران شهری در عهد محمدرضا پهلوی"، در "تهران پایتخت دویست ساله" زیر نظر شهیار عدل و برنار اورکاد، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، صص ۲۴۹-۲۳۱، ۱۳۷۵.

- حبیب، فرح، نادری، سید مجید و فروزان‌گهر، حمیده، "پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت"، نشریه‌ی هویت شهر، سال دوم، شماره‌ی ۳، صص ۲۳-۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.

- میرمقتدایی، مهنا، "معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر - مطالعه‌ی موردی شهر تهران"، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۷، صص ۱۶-۵، بهار ۱۳۸۸.

- Assmann, A. and Conrad, S. (eds.), "Memory in a global age: Discourses, Practices and Trajectories", Basingstoke: Palgrave Macmillan, ۲۰۱۰.

- Benjamin, Walter, "The Arcades Project", trans. Eiland, H. and McLaughlin, K., Cambridge, MA: Belknap Press, ۱۹۹۹.

- Busa, Alessandro, "City of Memory", in: "Encyclopedia of urban studies", ed. Ray Huchison, SAGE Publications, pp. ۱۶۰-۱۵۸, ۲۰۱۰.

- Crinson, Mark (ed.), "Urban Memory: History and Amnesia in the Modern City", New York: Routledge, ۲۰۰۵.

- Derrida, Jacques, "Specters of Marx: The State of the Dept, The work of Mourning and The New International", trans. Peggy Kamuf, London and New York: Routledge, ۱۹۹۴.

- Freud, Sigmund, "Civilization and Its Discontent", trans. Gay, P., New York: Norton, ۱۹۸۹ [۱۹۳۰].

- Hurley, Andrew, "Beyond Preservation: Using Public History to Revitalize Inner-Cities", Philadelphia: Temple University Press, ۲۰۱۰.

- Huyssen, Andreas, "The Voids of Berlin", Cultural Inquiry, Vol. ۲۴, No. ۱, pp. ۵۸-۸۱, autumn ۱۹۹۷.

- Huyssen, Andreas, "Present Pasts: Urban palimpsest and the politics of memory", Palo Alto, CA: Stanford University Press, ۲۰۰۳.

- INHERIT, "Investing in Heritage: A guide to successful Urban Regeneration", INHERIT Partner Organization, European Association of Historic Towns and Regions (EAHTR)

- Ladd, Brian, "The Ghosts of Berlin: Confronting German History in the Urban Landscape", Chicago: University of Chicago Press, ۱۹۹۷.

- Montgomery, John, "Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part ۱: Conceptualizing cultural quarters", Planning, Practice & Research, Vol. ۱۸, No. ۴, pp. ۲۹۳-۳۰۶, November ۲۰۰۳.

- Mumford, Lewis, "The Culture of Cities", Westport, CT: Greenwood Press, ۱۹۸۱.

- Rossi, Aldo, "The Architecture of the City", Cambridge: MIT Press, ۱۹۸۴.



بلند اقدامات بهبود بافت‌ها و فضاهای موردنظر است که با توجه به راهبردها، نشست‌های مشارکتی با نمایندگان مردمی و جلسات طوفان ذهنی و تحلیل وضع موجود و امکانات محلی توسط متخصصان صورت می‌پذیرد. پس از آن بنا به اهداف اجتماع که در مراحل پیشین تا حد زیادی برای ما روشن شده است و باز هم به نظرسنجی از مردم و بهینه‌سازی گزینه‌ها برای جلوگیری از تغییرات ناگهانی و شدید که می‌توانند موجب از میان رفتن ارزش‌های میراثی شوند، گزینه‌ها اولویت بندی و اقدامات آغاز می‌شود. عمده اقدامات شامل بهسازی و احیای فضاهای شهری، ایجاد امنیت در فضاهای بی‌دفاع و تبدیل آن‌ها به عرصه‌های سرزنده فعالیت اجتماعی، تأکید بر نشانه‌های هویت بخش و ارزشمند محلات و در کنار آن تلاش برای بهبود کیفیت‌های طراحی در کنار تقویت فعالیت‌های فرهنگی - هنری، اجتماعی و اقتصادی است. اقتصاد مدنظر این رویکرد، کوچک مقیاس و در عین حال با کیفیت تولید یا خدمات خاص و ویژه است تا موجب ایجاد تجربه‌هایی متفاوت برای ساکنان و همچنین بازدیدکنندگان و گردش‌گران شود و تمامی این اقدامات در جهت افزایش کیفیت زندگی محیطی، توجه به شاخص‌های پایداری محله‌ای، افزایش هویت محلی و ایجاد تعلق خاطر ساکنان به محل سکونتشان در کنار ایجاد پویایی اجتماعی و اقتصادی با استفاده از پتانسیل‌ها و توجه به میراث محلی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

هرچند تا کنون تفکدهای بسیاری به رویکرد مدرنیسم در یکسان‌انگاری مسأله سکونت‌گاه‌های انسانی شده و در حوزه‌ی مطالعات شهری پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه ارتباط زندگی شهری با مسأله‌ی خاطره، هویت و ریشه‌های زمانی - مکانی سکونت صورت گرفته است، اما در بسیاری طرح‌های شهری برنامه‌ریزان و طراحان توجهی به مسأله‌ی خاطره‌ی شهری و حافظه‌ی جمعی ندارند. شاید بتوان تفاوت مداخلات شهری با رویکرد بی‌توجه به عامل خاطره و مرمت شهری خاطره - مبنا را به اختلاف رویکرد روان‌پزشکان و روان‌کاوان در برخورد با مشکلات ذهن و روان آدمی تشبیه کرد. با این که مداخله‌ی عام و بدون نگاه به دیالوگ شهر و خاطره با سرعت بیشتر و همراه با پیچیدگی کم‌تر است، اما همان‌طور که ذکر شد می‌تواند موجب آسیب به میراث خاطره‌ی شهر شود که حاصل تجمع لایه‌های متعدد ناشی از زندگی هر روزه‌ی نسل‌های متمادی در بافت‌های شهری است.

فرآیندهای بازآفرینی خاطره - مبنا و فرهنگ‌محور در بافت‌های شهری، روندی زمان‌بر و نیازمند توجه و مطالعات گسترده و مشارکت‌جویی وسیع از کاربران بافت و فضاهای شهری است که بر سیاست‌ها و اقدامات چندوجهی و جامع‌نگر با افزایش تعاملات اجتماعی و معنابخشی به فضا از طریق خود‌شهروندان تأکید دارد و با استفاده از تفاوت خوانش‌ها و تکثر سلاقی موجب افزایش پایداری اجتماعی و محلی می‌شود. پایداری‌ای که حاصل فعال شدن پتانسیل‌های محلی و ایجاد تنوع و سرزندگی در تمامی ابعاد و حیات هر روزه در قالب ایجاد بسترهای خلق خاطره و تجربیات شهری است.

تلاش برای نابودی خاطرات یک امت

♦ سعید بابایی

سفر به یک کشور خارج از مرزهای وطنت همواره می‌تواند سرمنشأ اتفاقات، خاطرات و وقایع گوناگونی باشد که بتوانی آن‌ها را به عنوان ره‌آورد برای هم‌وطنانت بیاوری و شرح و بسط دهی. معمولاً هنگامی که سفر از نوع سفرهای زیارتی باشد دید افراد از یک "گردشگر" به یک "زائر" تبدیل می‌شود. همین امر هم باعث می‌شود نگرش افراد از کلیت شهرها و مناطق گرفته شده و تنها به اماکن زیارتی محدود گردد. این نوشتار حالتی بینابینی دارد. با این که شاید جنس نگاه آن، نگاه یک "زائر" باشد اما موضوعی که به تناسب موضوع این شماره بدان پرداخته شده است، نگاه فراتری است.

یکی از مسائلی که همواره مورد چالش - بعضاً شدید - بین علاقمندان به تاریخ، سنت و فرهنگ یک شهر (یا کشور) از یک سو و افراد پیرو مدرنیسم و توسعه از سوی دیگر، واقع شده است، بحث نوع نگرش به بافت‌های تاریخی شهرهای کهن است. در این جایگاه قصدی بر تشریح فواید حفظ این بافت‌ها نیست (زیرا در سایر مطالب این شماره به تفصیل در مورد آن سخن گفته شده است)، اما باید بر این نکته نیز تأکید کرد که اگر این تاریخ و آثار آن مربوط به نه تنها یک شهر و مردمش، نه تنها یک کشور و ملتش، بلکه متعلق به پیروان یک دین و آئین و امتش باشد، اهمیت ویژه و فوق‌العاده‌ای پیدا خواهد کرد.

سرزمین عربستان به عنوان سرمنشأ و سرآغاز ظهور و پیدایش دین مبین اسلام، یکی از این مناطق است. سرزمینی که تاریخ اسلام از شهر مکه‌اش آغاز می‌شود و در مدینه به اوج خود می‌رسد و در طول این سال‌ها و همچنین قرن‌های آینده‌اش شاهد بسیاری از اتفاقات و وقایع تاریخی بوده است. از هر منظر که به این وقایع بنگریم اهمیت حفظ آن‌ها را به نمایش می‌گذارد.

اگر با دید یک مسلمان موحد به آن بنگریم بسیار علاقمندیم تا بدانیم رسول این امت در کجا متولد شد؟ در کجا بزرگ شد؟ در کجا اعلام نبوت کرد؟ در کجا آزار دید و در کجا عبادت نمود؟ در کجا مجبور به جنگ شد و به کجا تبعید گشت؟ اگر هم از موضع یک گردشگر به این کشور سفر کنیم، باز هم علاقمند خواهیم بود از مواردی که ذکر شد مطلع شویم.

رویکرد حاکمیت این کشور در سده‌های اخیر با نگرش متعصبانه‌ی مذهبی به گونه‌ای بوده است که متأسفانه بسیاری از این یادها و یادگارها به بهانه‌های گوناگون نابود شده یا رو به نابودی نهاده است. عمده‌ی این نابودی‌ها به سبب دو نگرش به وقوع پیوسته است:

نگرش نخست: زائری که به این سرزمین می‌آید باید تنها به فکر عبادت و پرستش خدا باشد و هر نماد و علامتی که زائر را به سوی موردی غیر از عبادت سوق دهد باید نابود شود.

نگرش دوم: با توجه به روند روزافزون حضور زائران از کشورهای گوناگون در سرزمین عربستان، گریزی از گسترش حریم حرم‌های اصلی و همچنین راه‌ها و خیابان‌های ارتباطی و همین‌طور مکان‌های اسکان زائران نیست و در این روند توسعه، ناگزیر باید آثار تاریخی را نابود نمود.





می‌توان به عنوان شاهد این اتفاقات نامبارک به موارد زیر تنها به عنوان مثال اشاره نمود:

الف) چاه زمزم:

این چاه که از نقاط تاریخی ادیان توحیدی است در محوطه‌ی داخلی مسجدالحرام قرار داشت و زائران می‌توانستند به قسمت زیرین مراجعه نموده و با دیدن نمایی از این چاه، از آب آن استفاده نمایند. هنوز امکان استفاده از آب این چاه در کلمن‌های موجود در مسجد وجود دارد اما در دهه‌ی اخیر روی بخش ورودی این چاه به بهانه‌ی توسعه، پوشانده شده است.

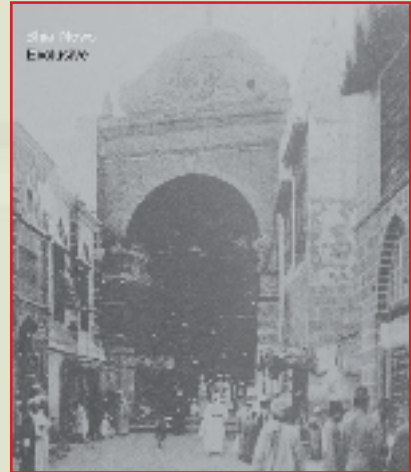
ب) محدوده‌ی قدیمی شهر مدینه (کوچه‌ی بنی‌هاشم):

به گفته‌ی بسیاری از زائرین و به شهادت عکس‌های باقی‌مانده از بافت قدیمی شهر مدینه در کنار دری که امروز "باب جبرئیل" خوانده می‌شود، کوچه‌ی تاریخی بنی‌هاشم که محل سکونت اهل بیت رسول اکرم (ص) بوده است و حداقل تا سه دهه‌ی پیش نیز وجود داشته است به بهانه‌ی گسترش مسجدالنبی به تمامی تخریب شده و هیچ اثری از آن باقی نمانده است. در صورتی که می‌شد حداقل بخشی از آن را حفظ نمود. باید به این مورد، تخریب بقاع متبرکه‌ی ائمه‌ی بقیع و همین‌طور نشانه‌های مزار سایر بزرگان و مشاهیر صدراسلام اشاره نمود که به مرور زمان در صد سال اخیر تخریب گشته‌اند.

ج) مساجد هفت‌گانه:

در جریان جنگ خندق و پیش از صورت گرفتن جنگ مسلمین در کنار خندقی که حفر می‌کنند به عبادت می‌پردازند تا زمان جنگ فرا برسد. پس از این واقعه‌ی تاریخی، مسلمانان در کنار محل عبادت بزرگان صدراسلام ۷ مسجد را احداث می‌کنند که تا دهه‌ی پیش محل بازدید و عبادت زائران سرزمین وحی بود. چیزی که در سفر اخیر مشاهده شد این بود که مسجد بزرگی احداث شده است که باعث تخریب و همچنین تعطیلی برخی از مساجد هفت‌گانه شده است. پیش از





این نیز مساجد هفت‌گانه مورد بی‌اعتنایی مقامات این کشور قرار گرفته بود. هم‌اکنون تنها مساجد فتح و سلمان در دسترس قرار دارند که در مسجد سلمان نیز بسته است. محوطه‌ای که سابقاً "مسجد حضرت فاطمه زهرا(س)" در آن وجود داشت و به عنوان یکی از مساجد سبعه، از اماکن مقدس و مورد زیارت حجاج و زائران در شهر مدینه‌ی منوره بود، توسط شهرداری مدینه به پارکی که برای تفریح و تفرج مردم ساخته شده و به نام "حدیقه الفتح (پارک فتح)" نام‌گذاری شده، ملحق گردیده است.



ه) محل میلاد رسول خدا:

این مکان مقدس نیز که شرح آن در تاریخ آمده است، با این که شامل بافت توسعه‌ای مسجدالحرام نشده است اما امروزه تبدیل به کتابخانه گشته است و هیچ نماد و اشاره‌ای به آن واقعه‌ی تاریخی ندارد.

د) غار حراء:

هرچند به سبب حضور دست‌فروش‌های عمدتاً پاکستانی پله‌هایی در دل کوه تراشیده شده تا دسترسی به این غار که محل عبادت رسول خدا و محل نزول اولین آیات قرآن است، تسهیل گردد اما هیچ‌گاه از سوی حکومت مرکزی مورد توجه و ساماندهی قرار نگرفته است.

و) مناطق تاریخی جنگ‌های صدراسلام:

مشهورترین منطقه‌ی بین این موارد، کوه احد است که جنگ احد در کنار آن به وقوع پیوسته است اما به مرور زمان و به سبب بی‌توجهی متولیان امر (و شاید با علت‌های خاص!) شاهد تخریب و همین‌طور تبدیل جغرافیایی منطقه و بنای ساختمان‌های جدید جهت ناپدید کردن آثار این مناطق است.

موارد فوق بخشی از مناطق تاریخی صدراسلام است که متأسفانه امروزه مورد تخریب قرار گرفته یا روبه‌ناپودی رفته است. از این دست موارد بسیار است و شاید به جرأت بتوان گفت که موارد باقیمانده از تاریخ صدر اسلام بسیار اندک است و این امر خیانتی آشکار در حق امت اسلامی است. از تنها بخش‌های باقیمانده از صدر اسلام می‌توان به محوطه‌ی قدیمی مسجدالنبی (محراب و منبر رسول...، صفة، خانه‌ی امام علی(ع)، ستون‌های مسجد) و مسجد الحرام و ارکان اصلی آن اشاره نمود.

جای خالی موزه‌ای که در آن اشاره‌ای به این موارد داشته باشد و آثار تاریخی را به نمایش عموم بگذارد نیز در کنار اماکن زیارتی خالی به نظر می‌رسد. البته موزه‌ای در منطقه‌ی تبوک وجود دارد که هرچند ناقص است اما همان نیز به سبب دوری مسیر مورد بازدید افراد زیادی قرار نمی‌گیرد.

هنگامی که در "بامیان" افغانستان مجسمه‌های عظیم بودایی مورد تخریب تفکر طالبانی قرار گرفت، اعتراضات جهانی افکار عمومی تمام جهان را به سوی این نقطه متوجه نمود اما متأسفانه جریان پوشاندن و نابودی خاطره‌های تاریخی به تدریج در طول سده‌ی اخیر توسط حاکمیت عربستان جریان داشته و دیر نخواهد پائید که به سبب نگرش نخست که بیان شد و با بهانه‌ی نگرش دوم، اثری از خاطرات امت اسلامی به جای نمی‌ماند.

ورودی شهر و هویت شهری (با تأکید بر ورودی‌های شهر مشهد)

Entry city and urban identity (With an emphasis on Entry's Mashhad)

✦ مریم قاسمی

کارشناسی ارشد جغرافیا برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد



چکیده:

فضای ورودی شهرها مفصل اتصال‌دهنده‌ی فضای داخل شهرها و فضای طبیعی خارج شهر می‌باشد که هم‌چون دیگر فضاهای شهری توقعاتی بر آن مترتب است. تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ناشی از مدرنیزه‌شدن زندگی امروزی، فضاهای شهری را در هر منطقه و ناحیه تحت تأثیر خود قرار داده است. فضای ورودی شهرهای ما نیز از این امر مصون نمانده‌اند و امروز حتی دارای حداقل ویژگی‌های فضای شهری مطلوب نیستند. از این رو با تبدیل فضای ورودی شهر قدیم (برج، بارو، دروازه و...) به کریدور ورودی با ساختمان‌های زشت و فرسوده، تعمیرکاری‌ها، کاربری‌های نظامی، انبار مصالح و... مواجه هستیم. کیفیت این ساخت‌وسازهای حاشیه‌ی ورودی به صورت پراکنده نشان از خودرو بودن جریان توسعه و نبود نظارت بر این فضاهاست، که باعث کاهش در کیفیت محیطی عملکرد حوزه می‌شود. هویت یکی از ارکان شخصیت است. لذا ایجاد شخصیت یکی از اهداف طراحی شهری است. ورودی‌های شهری یکی از پرسپکتیوهای خاص شهری است که در ایجاد شخصیت شهر اهمیت دارند و امروزه در طراحی ورودی شهر که به عنوان مدخل هر شهر است و باعث شکل‌گیری تصور ذهنی مردم و مسافران از شهر می‌شود، کمتر به مسئله‌ی هویتی هر شهر که نشان از هویت شهری است، توجه شده است. مشهد به عنوان دومین کلان‌شهر مذهبی جهان، که گردشگران زیادی به خود جذب می‌کند دارای ۴ محور ورودی است ولی این ورودی‌ها نیز به مشکلات گفته‌شده دچار است که باید این ورودی‌ها را متناسب با جذب گردشگران طراحی کرد. هدف از این مقاله ارائه‌ی راهکارهایی است برای طراحی اصولی ورودی‌های شهر به عنوان معرف هویت شهری که باعث می‌شود که هر مسافر و یا فردی که ابتدا وارد شهر می‌شود با طراحی مناسب ورودی به هویت شهر پی ببرد.

روش مطالعه و گردآوری اطلاعات این تحقیق توصیفی است و منابع مورد استفاده به‌صورت کتابخانه‌ای و نظری است و در برخی موارد از منابع اینترنتی نیز استفاده شده است.

واژگان کلیدی:

ورودی شهر، هویت شهری، شهر، طراحی شهری (Entry city, Urban identity, City, Urbandesig)

مقدمه

ورودی شهری در برگیرنده‌ی یک مسیر حرکتی است که جریان ورود به شهر از طریق آن میسر می‌شود. این عرصه که حذفاصل بستر طبیعی بیرون شهر و محیط مصنوع درون شهر است، ضمن آن که از مختصات نسبی هر دو محیط بهره برده است، از شخصیت و هویت مستقلی نیز برخوردار می‌باشد. (ابلقی، ۱۳۸۵: ۶۸). پذیرندگی، خوانایی و تشخیص از مشخصه‌های کیفی ورودی شهر است که از هر ورودی انتظار آن می‌رود، مقصود از پذیرندگی انتظار شخصی از پذیرفته‌شدن و احساس خوشایند داشتن هنگام ورود است. خوانایی، بر لزوم وضوح ورودی شهر به‌خصوص به دلیل حاکمیت سواره تأکید دارد و "تشخیص" کیفیتی است که به منظور تحقق آن، ورودی هر شهر باید معرف خصوصیات و عناصر شاخص هویتی همان شهر باشد. (روستا و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷) مردم باید قادر به درک شهرشان باشند و محیط شهری باید معنای مهم خود را فاش نماید، شهر نیز بایستی از طریق سمبل‌ها بیان‌گر موضوعات اخلاقی جامعه بوده و شهروندان را برای آگاهی از این موضوعات آموزش دهد. (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۴۲)

بدنه‌ی تحقیق ورودی شهر

دروازه و ورودی یک شهر، امکان اتصال دو گستره‌ی طبیعی و مصنوع را می‌سازد. این مبادی ورودی، عرصه‌های فضایی هستند که به صورت مفصل، امکان برقراری ارتباط و ایجاد تعامل مناسب میان فضای بیرون شهر و درون شهر برقرار می‌نمایند. عرصه‌های ورودی شهرها نه به عنوان فضایی از بطن شهر شناخته می‌شوند و نه بالطبع، بخشی از ساختار فضایی بیرون شهرها هستند. مبادی ورودی شهرها در عین حال از نظر کارکردی به عنوان مبادی خروجی نیز عمل می‌نمایند. به‌طور عام «ورودی» فضای واسط میان بیرون و درون می‌باشد. ورودی هر فضا اولین مکانی است که با حضور در آن خصوصیات کلی فضا، آداب ورود، حد خصوصی و عمومی بودن و سایر ویژگی‌های فضا کشف می‌شود. ورودی مکانی است خلق شده برای یک اتفاق که معنای این اتفاق، ورود و خروج آگاهانه از دنیایی به دنیای دیگر است. ورودی مکانی است که گذار روانی از عمری به‌خصوص و از بیرون به درون را میسر می‌شود (داورپور و مغاره، ۱۳۸۷، ۷۶). در گذشته‌های دور مفهوم ورودی تنها یک مکان فیزیکی بوده است که با ایجاد شهر و شهرنشین به این مفهوم در طول زمان کامل و کامل‌تر گردیده است که تبلور کالبدی آن را تحت عنوان دروازه می‌شناسیم.

آفرینش احساس ورود به شهر مهم‌ترین کارکرد مبادی ورودی است که این احساس، حاصل تعامل ۳ مفهوم: ورود روانی، ورود تصویری و ورود فیزیکی است. ورود روانی در بخش‌های اولیه مبادی ورودی صورت می‌گیرد که مخاطب به صورت ملموس، تغییر کیفیت محیط پیرامون مسیر حرکتی را درک می‌نماید. این تغییر کیفیت مخاطب را به لحاظ روانی، منتظر ورود به شهر می‌کند. ورود تصویری، با ظهور اولین نشانه‌ی بصری از شهر آغاز می‌شود. به‌تدریج و در تداوم حرکت، حس نزدیک شدن به شهر به حس حضور در شهر تبدیل می‌شود. آن بخش از ورودی که ناظر بر حس حضور در شهر می‌باشد عرصه‌ی ورود فیزیکی خوانده می‌شود. (روستا و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷)

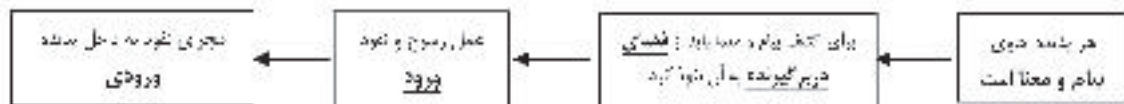
ورودی به عنوان یکی از نمادها و نشانه‌های شهر، نمایان‌گر فرهنگ و هویت شهر در ذهن بازدیدکنندگان و ساکنین آن است که در حال حاضر اغلب ورودی‌های شهر به دلیل عدم توجه به ضوابط و مقررات شهرسازی و علاوه بر ایجاد ناخوآنایی، سبب بی‌هویتی سیاسی و فرم شهر گردیده است. لذا با توجه به ورودی‌های شهر به عنوان معرف هویت شهری از طریق ایجاد مؤلفه‌های مصنوع مثل (سمبل، نشانه‌ها و مجسمه‌ها، تابلوها) رعایت اصول طراحی ورودی‌های شهر و... امروزه به عنوان عاملی انکارناپذیر در شهرهاست که معماران و طراحان شهری باید متناسب به هر شهر و هویت و کارکرد شهر ورودی شهر را طراحی کنند که باعث سرزندگی شهر شود.

هدف از این مقاله ارائه‌ی راهکارهایی است برای طراحی اصولی ورودی‌های شهر به عنوان معرف هویت شهری که باعث می‌شود که هر مسافر و یا فردی که ابتدا وارد شهر می‌شود با طراحی مناسب ورودی به هویت شهر پی ببرد.

محدوده‌ی مورد مطالعه

ورودی‌های شهرستان مشهد محدوده‌ی مورد مطالعه می‌باشد که با توجه به این که دومین کلان‌شهر مذهبی جهان است و سالانه ۱۶-۱۴ میلیون گردشگر از سراسر جهان را به خود جذب می‌کند، از ورودی‌های مناسبی برخوردار نیست و هویت فرهنگی و مذهبی شهر را معرفی نمی‌کند.

روندی برای تعریف ورودی



منبع: (خادمی، جوزم، ۱۳۸۷: ۸۵)

هویت

فرهنگ عمید هویت را به معنای «حقیقت شی یا شخص که مستقل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هم» می‌داند. در ادبیات فارسی، هویت بر شخصی دلالت دارد که از طریق درک صفات ذاتی و یا عرضی درک می‌شود. به عبارت دیگر به هر شی دارای صفات ویژه و منحصر به فردی است که آن را از سایر اشیاء قابل شناسایی می‌کند. (دکتر مهتامیر مقتدایی، طلایی ژاله، ۱۳۸۵: ۱۵) کاترین و ودوار نیز می‌گویند: هویت از طریق تشابه معین می‌شود، یعنی تشابه با انسان‌هایی مثل ما و تفاوت با آن‌هایی که مثل ما نیستند. مسئله‌ی هویت زمانی مطرح می‌شود که شخص خودش را با چیز دیگری مقایسه کند. نهایتاً این که هویت بر ماهیت، هستی و وجودی اطلاق می‌شود که از طریق صفات (ذاتی یا عرضی، عینی یا ذهنی) قابل شناسایی است. (میرمقتدایی، طلایی، ۱۳۸۵: ص ۱۷)

نقش ورودی شهر از گذشته تا امروز

۱- نقش دفاعی و امنیتی: دروازه‌ها جهت حفظ امنیت داخلی شهر سودمند بودند

زیرا که در شب هنگام و سایر مواقع ضروری آن‌ها را می‌بستند و از شهر در برابر هجوم راهزنان و غارتگران محافظت می‌کردند.

۲- نقش اقتصادی: ورودی شهر به عنوان محلی جهت کسب درآمد حکومت‌ها نیز مطرح بوده است. بدین صورت که مالیات و عوارضی که از صادرات و واردات کالا اخذ می‌شد و به عود جنس گمرکی معروف است در کنار دروازه‌های شهر از بازرگانان دریافت می‌گردید. در انطباق ورودی شهرهای قدیم با وضعیت فعلی شهرها، تفاوت‌هایی که ناشی از تغییر شیوه‌ی زندگی و عبور و مرور است قابل شناسایی است. امروزه اقامتگاه‌ها، پارکینگ‌ها، رستوران‌ها، فضاهای پذیرایی، فروشگاه‌های کوچک، دفتر معاملات تجاری عمده و... جایگزین کاروان‌سراهای سابق شده است. انواع خدمات اتومبیل در مدخل ورودی شهرها را می‌توان جایگزین بازارهای مستقر در ورودی شهر در دنیای کهن فرض نمود. دولت‌ها نیز با استفاده از قابلیت کنترلی که در مدخل شهرها بر حمل و نقل بار و مسافر و حتی حیوانات دارند به کسب درآمد از طریق عوارضی‌ها و... می‌پردازند.

۳- نقش اجتماعی: حضور شهروندان و عبور و توقف مسافران و کلیه کسانی که به سبب کار یا هر منظور دیگر از شهر خارج یا به آن وارد می‌شدند در پیرامون دروازه‌های اصلی و مهم هر شهر یک فضای اجتماعی پرتحرک و فعال پدید می‌آورد و به این ترتیب بعضی از فعالیت‌های اجتماعی و خصوصاً تفریحی در فضای ورودی شهر شکل می‌گیرد. نقش اجتماعی ورودی شهر در قالب نقش تفریحی، بدرقه و استقبال، جشن‌های ملی و مذهبی، معرفی بزرگان و اسطوره‌های شهر قابل بررسی است.

در گذشته اولین نشانه‌ی بصری شهر در ذهن ناظر، ورودی شهرها بود (دروازه، حصار، بارو و...) کالبد شهر در ظرف حصار و بارو و گاه خندق قرار داشته و ورود به شهر از طریق حوزی دروازه صورت می‌گرفته است.

حس ورود از طریق رؤیت حصار و بارو و ظهور کشتزار و باغات ایجاد شده و اولین تصویر عینی مسافران باروی شهر بوده است. ورودی‌ها در گذشته به لحاظ ادراکی و عملکردی قابل تأمل و بررسی می‌باشد. (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۱)

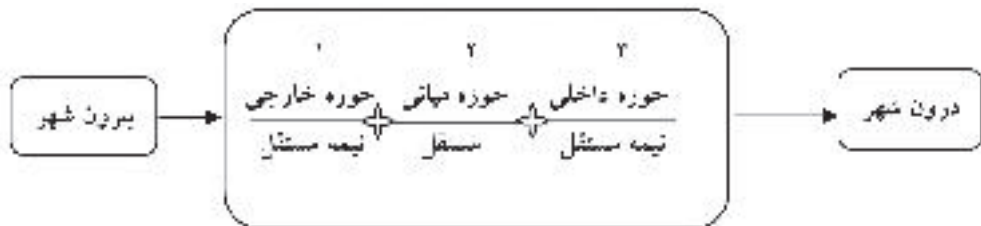
ویژگی‌های ادراکی شامل دعوت‌کنندگی، هویت بخشی، ایجاد حس مکان، ایجاد کریدور بصری و ادراکی بین فضای خارج و درون شهر و به لحاظ عملکردی شامل برقراری ارتباط فیزیکی بین فضای خارج و داخل، تأمین امنیت و نظارت، هدایت و جهت‌دهی به مسافران، معرفی سلسله مراتبی شهر و... است که توجه به این ویژگی بیانگر در نظر گرفتن توأم معنا، عملکرد و شکل در ورودی شهرهای قدیمی است. امروزه نیز با وجود این که نخستین فضای برخورد مسافر با شهر ورودی آن است و نخستین تصویر ذهنی و پیش‌داوری‌های وی بر این اساس صورت می‌گیرد، هم‌چنان با عدم ارائه‌ی تصویر مناسبی از ورودی‌ها روبه‌رو هستیم.

حوزه‌ی ورودی شهر

در شهرها با ایجاد دروازه‌ی جدید پشت تابلوی نام شهر یا نصب پارچه که روی آن به مسافرین خوش‌آمد گفته می‌شود، صورت می‌گیرد. حال آن که این راه حل پاسخگوی توقعات مورد انتظار از یک ورودی نیست، مضاف بر این که تنها نباید به جنبه‌های معمارانه طراحی ورودی پرداخت چون این امر مستلزم طراحی و برنامه‌ریزی عمده‌ای است که طراحی معماری بخشی از آن می‌باشد. (خادمی، جوزم، ۱۳۸۷: ۸۴). تمامی تعریف‌ها تأکید بر ماهیت غیرخطی ورودی شهر و توجه به این که ورودی شهرها تنها کریدور حرکتی نبوده، بلکه حوزه و عرصه‌ای هستند که کریدور حرکتی را در میان خود دارند، موارد مشترکی هستند که در این تعاریف به آن‌ها اشاره می‌شود.

مسیر حرکتی ورودی شهر به ۳ حوزه با ویژگی خاص خود قابل تفکیک است. در این جریان با عبور از داخل فضایی با خصوصیت مستقل، سلسله مراتب فضاهای مجزا قابل تشخیص و ادراک است و در مجموع کل به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند. حوزه‌ی میانی را می‌توان به عنوان حوزه‌ی حدوسط که هویت کاملاً مستقل دارد در نظر گرفت. این حوزه در واقع به عنوان بزرگ‌ترین و مؤثرترین حوزه در تبدیل سکانس‌ها به یکدیگر نقش مهمی را در فضای ورودی شهر ایفا می‌کند. این حوزه با استقرار بر روی مرز بیرون و درون شهر و دادن فرصت کافی برای تبدیل بیرون و درون به یکدیگر، به تغییر رفتار در دو طرف ورودی کمک می‌کند. این فضا به عنوان یک معضل با تغییر ریتم کالبدی و با کاستن از یک مرتبگی در مواجهه با هر یک از ۲ عرصه، تبدیل ملایم دو عرصه به یکدیگر را میسر می‌سازد. حوزه‌های کاره به عنوان حوزه‌های نیمه مستقل در مجموع فضاهای ورودی عمل می‌کنند.

تقسیم بندی فضای ورودی شهر



حوزه‌ی اول یا خارجی با ویژگی طبیعی بیشتر ناظر را آماده‌ی ورود به حوزه حدوسط می‌کند، این آمادگی برای ورود با ملاحظه تغییراتی در بافت حاشیه (رویت کارخانجات و...) و یا تغییر آهنگ حرکت وسایل نقلیه صورت می‌گیرد. این حوزه نقش ارتباط اولیه‌ی بیرون و طبیعت به حوزه‌ی میانی و در نهایت با پدیده‌ی شهر فراهم می‌کند. حوزه‌ی داخلی با ویژگی مصنوع بیشتر ارتباط حوزه‌ی حد وسط را با عناصر مصنوعی شهر میسر می‌سازد و در واقع تداوم حس نزدیک شدن به شهر که در حوزه‌ی حدوسط وجود دارد را به حس حضور در شهر در این حوزه تبدیل می‌شود.

تأثیر حرکت، سرعت و زمان در فضای ورودی شهر

فضای ورودی شهر شامل یک مسیر حرکت است که جریان ورود به شهر را با توجه به سرعت حرکت و زمان حرکت تسهیل می‌بخشد. اسامی مختلفی که برای فضاهای مخصوص حرکت وجود دارد، نشان‌گر این است که برای انسان انواع مختلف حرکت وجود دارد، از جمله اتوبان، کریدور، راه، خیابان اصلی، فرعی و... از آن جمله‌اند. هر چه سرعت بیشتر شود جزئیات کمتری برای درک باقی می‌ماند. با این ترتیب ادراک محیط برای ما از داخل یک اتومبیل در حال حرکت با ادراک ما از همان محیط در حال پیاده‌روی اختلاف زیادی دارد. (گروتز، ۱۳۸۳: ۴۰۵) زمان حرکت رابطه‌ی معکوس با سرعت حرکت دارد. در فضاهای ورودی شهری سرعت و زمان حرکت یکی از مؤلفه‌های مؤثر در ادراک فضاهای مجزا و تشخیص یا سلسله مراتب فضایی و عملکردی به هم پیوسته می‌باشد.

کیفیت ورودی شهرها و ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت محیطی در حوزه‌های ورودی شهر

کیفیت محیطی در ورودی شهرها را می‌توان به صورت زیر مورد ارزیابی قرار داد:

سازمان فضایی: سازمان ادراکی - سازمان بصری - سازمان کالبدی

سازمان فعالیتی: ارتباطی (ترافیکی) - محیط‌زیست

در ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت محیط هر چه هماهنگی بین مؤلفه‌ها بیشتر باشد، ادراک فضا سهل‌تر صورت می‌گیرد و تصویر ذهنی عمیق‌تری از آن به جای می‌ماند. در فضاهای شهری همچون فضای ورودی، دستیابی به این امر نیازمند انجام اقداماتی است که در این عرصه صورت می‌گیرد. اقداماتی که به صورت چندجانبه تمامی مسائل فرمی و محتوایی را در بر داشته باشد. در این راه وجود یک الگوی جامع برای متخصصین می‌تواند در بررسی و ارزیابی مؤلفه‌های کیفی حوزه ورودی، نقش اساسی ایفا کند.

جدول ۱: بررسی مؤلفه‌های کیفیت محیط در سه حوزه‌ی (خارجی، میانی، داخلی) فضای ورودی شهر

مؤلفه‌های کلی	حوزه خارجی نمونه مستقل خارجی	حوزه میانی مستقل میانی	حوزه داخلی نمونه مستقل داخلی
زیست‌محیطی	<ul style="list-style-type: none"> درختان تنگ‌برگ در صندل شهر پارک‌ها و بوته‌های طبیعی تعمیرات و رنگ‌آمیزی تزیینی پوشش گیاهی طبیعی 	<ul style="list-style-type: none"> درختان تنگ‌برگ در پارک‌ها تعمیرات، رنگ‌آمیزی و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> درختان تنگ‌برگ در پارک‌ها تعمیرات، رنگ‌آمیزی و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی
ساختاری	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت کامپوزیت و مصالح ساختمانی تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی
اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی
فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی 	<ul style="list-style-type: none"> تعمیرات و نظافت تعمیرات و رنگ‌آمیزی

(منبع: خادمی، جوزم، ۱۳۸۷: ۸۸)

مشهد و ورودی‌های نامناسب آن

شهرستان مشهد در طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۶۰ درجه و ۳۶ دقیقه و عرض جغرافیای ۳۵ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۸ دقیقه گسترده است. محدوده‌ی شهرستان مشهد از شمال به جمهوری ترکمنستان و شهرستان درگز، از غرب به شهرستان چناران و نیشابور، از شرق جمهوری ترکمنستان و سرخس و از جنوب به شهرستان تربت‌جام، فریمان و تربت‌حیدریه محدود است. وسعت این شهرستان حدوداً ۱۳۵۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. در این شهرستان دو رشته‌کوه مهم وجود دارد، رشته‌کوه بینالود در غرب و جنوب غربی و رشته‌کوه هزارمسجد که در شمال شرق شهرستان قرار دارند و اژدرکوه در ۳۰ کیلومتری مشهد از کوه‌های مهم این رشته‌کوه‌ها محسوب می‌شود. شهرستان مشهد در ارتفاع ۹۸۵ متری از سطح دریا واقع شده و دارای مناطق کوهستانی با قله‌های مرتفع و مناطق جلگه‌ای و نیمه‌کوبیری تا کوبیری می‌باشد (محمد صالحی فرد ۱۳۸۲)

ورودی‌های مشهد به عنوان کلان‌شهر مذهبی کشور فاقد نمایه‌های فرهنگی و مذهبی متناسب و در شان این شهر مذهبی است. در جاده‌های ورودی مشهد دور تا دور جاده در دو طرف مشاغل مزاحم و آلاینده به چشم می‌خورد و خانه‌هایی

که هر کدام به سلیقه‌ای بنا شده است. کوبین لینچ در تئوری شکل خوب شهر، هفت ارزش را برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می‌کند. شامل: سرزندگی، معنی تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت معیار یا سنجش شامل پنج مورد زیر است:

- ۱- ساختار
- ۲- هویت
- ۳- شفافیت
- ۴- سازگاری
- ۵- خوانایی

(لینچ، ۱۳۷۴: ۱۶۷، ۹۲)

هویت و ساختار از اجزای شکلی و ریخت‌شناسانه معنی هستند. «معنی» یعنی این که شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شده. از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنانش آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است. یعنی انطباق محیط با توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی. (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۵۲) به زعم لینچ، ساده‌ترین شکل بیان معنی در خصوص مفهوم این واژه، هویت

است. در واقع، معنی یک محل یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و بازشناسی نماید. به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود. این کیفیت است که طراحان غالباً در جستجوی آن بوده و درباره‌ی آن بحث می‌کنند، هویت، عملکردی واضح تقریباً عملی و قابل پیش‌بینی دارد. (دکتر بهزاد فر مصطفی، ۱۳۸۶: ۳۸)

عوامل و نشانه‌های هویتی شهر

سمبل‌ها: توجه به باطن و معنای ایشار و اعمال می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌دهنده‌ی فرد و اجتماع ایفای نقش نماید. نمادها می‌توانند رابطه‌ی انسان را با تاریخ و محیط اعتقاداتش بیان نماید. (نقی زاده ۱۳۸۶: ۳۵۰)

نشانه‌ها: عناصری که از نظر ظاهری اطلاعاتی را به ناظر القا می‌کند و این اطلاعات ناظر را به شناخت شهر و عنصر شهری و تمیز آن از سایر شهرها و عناصر همان شهر هدایت می‌کنند. می‌توان آن را معادل هویت ظاهری و طبیعی انسان قلمداد کرد.

عملکرد: عملکردهایی که به عنوان نشانه‌های هویتی شهر ظاهر می‌شوند، عموماً عملکردهایی هستند که مردم از سایر شهرها و حتی از سایر کشورها برای بهره‌گیری از آن به شهر مورد نظر می‌آیند. برخی از جنبه‌ی هویت عملکردی با استفاده از ویژگی‌های طبیعی به وجود آمده‌اند. برخی ناشی از برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و جنبه‌ی فرهنگی و تاریخی هستند. (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۳۵۳)

زمانه: عصر و دوران نشانه‌ی هویت محیط زندگی انسان ایفای نقش می‌کند. هر زمانه‌ای مانند هر موضوع دیگری متصف به برخی ویژگی‌هاست که مجموعه‌ی این ویژگی‌ها هویت او را می‌سازند و نشانه‌های دیگر از جمله فرم عمومی و اصالت و صوت و فناوری و خاطره‌ی جمعی، همگی نشانه‌های هویت شهری می‌باشند.

درک فضایی و هویت شهری

مردم باید قادر به درک شهرشان باشند. الگوی اساسی شهر، عملکردهای عمومی و موسسات آن را بشناسند و از فرصت‌های موجود آگاهی یابند، محیط شهری باید معانی مهم خود را فاش نماید، شهر بایستی از طریق سمبل‌ها بیانگر موضوعات اخلاقی جامعه بوده و شهروندان را برای آگاهی از این موضوعات آموزش دهد.

قابلیت زندگی، هویت، اصالت و فرصت‌های شهری از خصوصیات مثبت محیط شهری است که باید در خدمت فرد و شهروند و واحدهای کوچک اجتماعی قرار گیرد. ساختار شهر بایستی به طور مستقیم از طریق نهادها و به طور نمادی از طریق فضاهای عمومی‌اش دعوت‌کننده و شوق‌حیات عمومی باشد. (دکتر بهزادفر مصطفی، ۱۳۸۶: ۴۲)

هویت بیش از آن که معطوف به گذشته باشد به واسطه‌ی ارتباط با توقعات افراد، حال را در بر می‌گیرد و حتی باید بتواند تا آینده امتداد یابد. برای شفافیت هویت یک شهر باید مؤلفه‌های زنده شخصیت آن را شناخت. مؤلفه‌های یک شهر مثل انسان دارای ۲ بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می‌تواند از طریق ۳ محیط طبیعی، مصنوع و انسانی را از همدیگر تفکیک گردد. متغیرهای هویت این مؤلفه‌ها اگر دارای صفات اجتماعی می‌باشند، نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند. برای بررسی هویت هر شهر می‌بایست صفات اختصاصی هر متغیر در مؤلفه‌های طبیعی، مصنوع و انسانی را شناخت.

جنبه‌هایی که در ایجاد شخصیت شهر اهمیت دارند به قرار زیر است:

۱- زمینه‌ی کالبدی شهر که بر حسب اقلیم، توپوگرافی و دیگر عناصر شاخص جغرافیایی چون: رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، دریا و انواع حیات گیاهی و جانوری - بویژه درختان مشخص می‌شود.

۲- دیدها و پرسپکتیوهای خاص شهر شامل دید به درون و برون شهر، شامل خط آسمان، دیدهای متوالی و عناصر یا ترکیبی از عناصر که نقش



نشانه‌ای دارند، مرزها و لبه‌ها، نقاط ورودی یا دروازه‌ها و الگوی فضاهای باز. (میرمقتدایی، طلایی، ۱۳۸۵: ۴۱)

در ورودی‌های مشهد، هیچ نشان هویت فرهنگی یا تاریخی و مذهبی در این کلان‌شهر که قدمتی دیرینه دارد نمی‌یابید. مشهد در حالی در پیشانی ورودی خود چنین منظره‌هایی را به معرض نمایش گذاشته است که علاوه بر وجود حرم مطهر امام رضا (ع) در این شهر، از پیشینه‌ای عمیق در حوزه‌ی فرهنگ و ادب برخوردار است و بزرگانی چون فردوسی حکیم در این شهر روز و روزگاری زندگی می‌کردند و عناوین چون پاژ، سناباد و... همه مؤید پیشینه‌ی عمیق فرهنگی این شهر کهن است. در حال حاضر مشهد دارای چهار ورودی مهم از جمله ورودی جاده‌ی نیشابور، ورودی قوچان، ورودی کلات و نهایتاً ورودی سرخس است که در این میان ورودی جاده‌ی نیشابور و ورودی جاده‌ی قوچان بیشترین حجم زائر و مسافر را به خود اختصاص می‌دهد. وجود جاده‌های ناهموار و نایمن در کنار مناظر ناب و مشاغل مزاحم و... در شأن شهری مانند مشهد نیست این موضوع را حتی کارشناسان شهرسازی نیز تأکید می‌کنند و معتقدند ورودی شهر مشهد فاقد هویت فرهنگی است. مبادی ورودی مشهد فاقد نشانه‌های هویت فرهنگی است در یکی از ورودی‌های مشهد در مسیر جاده یا مشکل قدیمی کارخانه کمپوست روبه رو می‌شویم که این موضوع می‌تواند حس بدی را به افراد در هنگام ورود به شهر منتقل کند، ضمن این که در یکی دیگر از ورودی‌های مشهد با دشت‌ها و بیابان‌های بایر و خشک روبه رو می‌شویم و در کنار آن کارگاه‌ها و کارخانه به چشم می‌خورد. ورودی شهر تصویری از روح آن شهر است و ما در ورود به شهر مشهد تصویری مشوش از روح شهر را می‌بینیم. گاهی اوقات محوطه‌هایی برای اسقاط خودروهای فرسوده در جاده‌های ورودی به مشهد نیز مشاهده می‌شود که جلوه‌ی مناسبی برای شهر ندارد. هویت شهری مجموعه‌ای از صفات، مشخصات و عناصر فیزیکی است که بخشی از خاطرات عمومی شهروندان تلقی می‌شود و هویت شهری را می‌توان روح یک شهر قلمداد کرد زیرا در آستانه‌ی ورود به شهر زائر یا مسافر و حتی شهروند در برابر این خاطره‌ی مشترک در برابر روح شهر قرار می‌گیرد و این سبب می‌شود ارتباط بهتری با شهر برقرار کند.

راهکارهای پیشنهادی

عوامل موثر در طراحی فضای ورودی موفق:

از آن جا که ادراک بصری مهم‌ترین ادراک ما از فضا است، حرکت در فضا نقش مهمی در کمک به ایجاد این حس مکان قوی دارد. در طراحی فضاها برای یادمان‌سازی و ایجاد محرک‌های بصری از شیوه‌های مختلفی می‌توان بهره برد که هر یک در تغییر، تنوع، وحدت و توالی فضاها در طول یک مسیر یا در القای فضای ادراکی و ایجاد حس مکانی قوی عمل کرده و آن را تشدید می‌کند.

مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

۱- میزان محصوریت فضایی

۲- بعد فضا (تعریف‌شدگی آن)

۳- تسلسل فضایی

۴- سرعت و حرکت

با توجه به این عوامل در فضاهای ورودی شهرها با در نظر گرفتن میزان سرعت و حرکت در مسیر ورودی می‌بایست بعدها تعریف شده با تناسب موجه، دارای ریتم و هارمونی به نحوی تنظیم گردد تا برای ناظر که امروزه با سرعت بالایی وسیله نقلیه خود آن را رویت می‌کند معنای بیشتری بر آن تشخیص داده و تصویر ذهنی عمیق‌تری در وی ایجاد گردد تا هویت فضایی و خاطره‌انگیزی در نهایت کیفیت محیطی آن بیش از پیش جلوه‌گر شود. مهم‌ترین احساسی که باید در مسافر وارد شده به شهر القا شود حس ورود است که در وهله اول روانی و سپس عینی و فیزیکی می‌باشد. از آن جا که مشخص کردن ابتدا و انتهای حوزه‌ی ورودی امری غیر ممکن است و به لحاظ جنبه‌های روانی (ادراک آن) مهم‌ترین بخش تنظیم‌کننده‌ی پیکره و بدنه‌ی اصلی ورودی، ابتدا و انتهای آن می‌باشد که فصل مشترک برداشت‌های متفاوت است. کیفیت بصری بالا در اطراف مسیر ورودی به دلیل حفظ سیمای طبیعی منطقه موجب هویت‌بخشی و ایجاد انگیزه‌ی ورود در مسافر می‌گردد. علاوه بر آن نشانه-گذاری با عناصر مصنوع شهری (مانند: پرچم‌ها، پلاکاردها، علایم و...) در طول مسیر ورودی و هم چنین حفظ شیب موجود در مسیر باعث هویت-بخشی، خوانایی، هدایت و جهت‌دهی مسافران می‌گردد.

برای ساماندهی ورودی شهری و افزایش کیفیت محیطی آن‌ها پس از ارزیابی‌های صورت گرفته می‌بایست در واجد شرایط کردن عرصه‌ی ورودی به نحوی که یک عرصه‌ی ورودی شهری عام محسوب گرد اقدام کرد.

هم‌چنین باید ورودی با ویژگی‌های متمایز و خاص از دیگر ورودی‌ها و سازگار با شرایط و مختصات شهری خاص خود طراحی شود. امروزه براساس پدیده‌هایی چون حرکت سواره و بالطبع متحرک بودن ناظر، تعدد عناصر جذاب اما تعریف نشده در پیرامون شهر، وسعت و پراکندگی عظیم سطح شهر، محورهای ارتباطی قوی فاقد شهریت و مقوله‌هایی از این است در ورود به شهر تحقق مصداق‌های معمارانه‌ای جدید را طلب می‌کند. امروزه در شرایط جدید شهرنشینی ضروری است عناصر معمارانه از نو تعریف شود و شیوه‌ی بکارگیری آن‌ها در الگوهای فضایی نیز متناسب با حیات امروزه و آینده‌ی شهر اختیار شوند. (حائری: ۱۳۷۵، ۴۸)

رنگ یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند جهت حفظ تقویت خوانایی و هویت در تک‌تک فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد. رنگ‌ها معانی نمادین دارند و حتی در تصورات ذهنی ما نیز هر بنا با رنگ‌های خاصی تداعی می‌شود. مثلاً رنگ فیروزه‌ای و آبی به یادآور بناهای مذهبی و مساجد و رنگ‌های تند و شاد یادآور فضاهای کودکان می‌باشد. در حالی که امروزه رنگ در تمام شهرها و محله‌ها به صورت تصادفی و سلیقه‌ای به کار گرفته می‌شود طوری که بخش‌های تازه‌ی ساخت شهری کویری یا در حاشیه‌ی دریای خزر تفاوت چندانی با شهرهای دیگر مثلاً تهران ندارد.

علاوه بر موارد ذکر شده در بالا عوامل مشروحه‌ی زیر نیز در زمینه‌ی طراحی یک ورودی موفق نقش به‌سزایی دارد:

۱- ارتقای حس مکان در ورودی شهر

۲- بهره‌وری مناسب از پتانسیل‌های ورودی شهر با توجه به امکانات آن‌ها

۳- ایجاد فضاهای تفریحی و عملکرد تفریحی با حفظ جاذبه‌های محیطی

۴- ایجاد و گسترش زیرساخت‌هایی لازم جهت تجهیز ورودی شهر

۵- سازماندهی کاربری‌ها با توجه به معیارهای سازگاری، هم‌جواری و مطلوبیت





آن برمی‌خورند، بخش عمده‌ی تصویر اولیه‌ی شهر را شکل می‌دهد. تصاویر و حال و هوا و قوت مکان آن‌ها در شکل‌دهی ذهنیت مخاطبان در رابطه با شهری که پیش رو خواهند داشت بسیار مؤثر است. به هم خوردن تسلسل مراتب در نظام کالبدی شهرها سبب شده تا ورودی شهرها که یکی از حلقه‌های این اتصال است، عملکرد مناسبی نداشته باشد، نقش خود را به خوبی ایفا نکنند و حامل پیام، معما و یا تصویری از شهر نباشد. (سعید معصومی، ۱۳۸۹) فضای ورودی شهرها نیازمند ایجاد سلسله مراتب در مسیر حرکتی جریان ورود به شهر می‌باشد تا از یک مرتبگی ورود به شهر مواجه‌ی ناگهانی دوعرصه با هم جلوگیری شود. در این میان توجه به حوزه‌های واسط فضای خارج شهر به فضای داخل شهر بهترین ابزار برای دست‌یابی به این امر است. این حوزه‌ها که شامل حوزه‌های مستقل و نیمه مستقل است به عنوان مفصل، تغییر ریتم و آهنگ ورود به شهر را ممکن می‌سازد. این مفصل باید ویژگی‌های فرمی، عملکردی و معنایی را که در هر فضای شهری لازم است، داشته باشد. طراحی و اقدامات صورت گرفته در هر حوزه می‌بایست با جایگاه و توقعاتی که از آن حوزه انتظار می‌رود متناسب بوده و با تأمین مؤلفه‌های کیفی فوق به فضاهایی در شأن نام ورودی شهری برسیم که با هویت خاص و ایجاد خاطرات جمعی، تا مدت‌ها در ذهن هر مسافر و شهروندی باقی بماند. (خادمی، جوزم، ۱۳۸۸ :

۸۸) با شروع مدرنیسم در غرب تحولی شگرف در معماری و شهرسازی غربی به وقوع پیوست. برخورد مدرنیسم با شهرهای اسلامی نباید با همان انگاره‌های غربی که از فرهنگ، عوامل اقتصادی و اجتماعی سنن مغرب زمین نشأت می‌گیرد باشد. البته این به معنای عدم توسعه‌ی شهرهای اسلامی نیست، بلکه یک شهر اسلامی ضمن بهره‌مند شدن از مزایای یک شهر مدرن، بایستی با حفظ هویت و روحیه‌ی اسلامی و میراث فرهنگی غنی، در بستر زمان به مسیر خود ادامه دهد. امروزه معماران و شهرسازان به بهانه‌ی مدرنیته در شهرهای اسلامی دست به اقداماتی می‌زنند که فاقد هر گونه هویت اسلامی است که بیننده با دیدن این آثار نه تنها احساسش نسبت به هویت و تشخیص شهر بیشتر نمی‌شود بلکه فراموش می‌کند در کدام شهر و با کدام روحیه و با چه هویتی زندگی می‌کند. مانند مجموعه‌ی الخیریه در ریاض و برج جان هانکوگ در بوستون. در برخی شهرهای اسلامی مدرنیته موجب رشد و توسعه شهرها با حفظ هویت و آداب و سنن اسلامی آن‌ها شده است. (مرکز شهر ریاض) با بازسازی مرکز این شهر سعی شده هویت شهری و روحیه‌ی اسلامی آن حفظ شود. معماران و شهرسازان می‌توانند از مدرنیته به مثابه‌ی بستری مناسب برای رشد و توسعه‌ی شهرهای اسلامی استفاده کنند، لیکن آن‌چه که این بستر را

۶- ایجاد مجموعه‌های خدماتی متمرکز در فضای ورودی به منظور دسترسی آسان و سریع به انواع خدمات بین‌راهی، مسافرتی و فراغتی
 ۷- ایجاد مراکز عرضه و نمایش محصولات بومی و سنتی، محلی در مکان‌های مناسب در پهنه‌ی ورودی یا دسترسی مناسب
 ۸- ایجاد دسترسی‌های مناسب در عرض و هم‌چنین در طول محور به منظور ارتباط با فضاهای اطراف
 ۹- توسعه‌ی فضای سبز و گونه‌های گیاهی بومی در محدوده با توجه به شرایط طبیعی و فیزیکی حاکم بر محدوده
 ۱۰- ساماندهی میلمان شهری در محدوده برای این که گردشگران و مسافران تصویر مناسبی از شهر در خاطره‌ی خود داشته باشند
 ۱۱- تقویت عملکردهای مطلوب مؤثر و بارز و حذف و انتقال عملکردهای نامطلوب

نتیجه‌گیری:

وضعیت موجود میدانی شهرها در کشورمان به قدری نابسامان و طراحی نشده شکل گرفته است که به راستی می‌توان از آن‌ها به عنوان فضاهای رهاشده‌ی شهری یاد کرد. این نابسامانی از یک سو ناشی از تجمع کاربری‌های ناسازگار با فضای مطلوب شهری در محل ورودی شهرهاست (کاراوش، تعمیرگاه‌های اتومبیل و کارگاه‌های پراکنده‌ی صنعتی) از سوی دیگر کیفیت نازل ساخت و سازهای بدون طرح قبلی در حاشیه‌ی بلافاصل این محورهای شهری، فضاهای مغشوش و ناهماهنگی ایجاد نموده که به لحاظ بصری بسیار آلوده‌اند! نازل بودن شاخصه‌های خوانایی این محورها به عنوان فضای شهری، از دیگر مشکلات دست به گریبان ورودی شهرهاست. این فضاها هم‌چنین، توقعات موردی از ورود شهر را برآورده نساخته که به عنوان اولین فضاهای شهری که در مقابل تازه‌واردین قرار می‌گیرد، پذیرندگی و تشخیص لازم را ندارند. (ابوعلی، ۱۳۸۸: ۹۶) ورودی‌های امروز تنها به عنوان عنصری جهت مشخص کردن محدوده‌ی شهر عمل می‌کنند. آن‌چه امروزه در ورودی شهرها مشاهده می‌شود، تنها تقلیدی ناآگاهانه از کالبد و شکل ظاهری دروازه‌هاست. در حالی که مسافر یا گذرنده، هنگام نزدیک شدن به شهر بتواند تصویری کلی از بافت و زندگی شهر را در ذهن خود مجسم بدارد. گستردگی این تصویر و جامعیت آن با نزدیک شدن به شهر و شکل بستری که شهر در آن قرار گرفته، متفاوت است. بی‌توجهی به زمینه، امری است که موجب بی‌هویتی هر چه بیشتر شهرهای امروزه شده است. ورودی شهرها به عنوان اولین نقاطی که اکثر مسافران با

شکل می‌دهد و هویت می‌بخشد، مجموعه‌ی خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی جامعه‌ای است که قرن‌ها در این شهرها با اصالت فرهنگی و با اتکا به آداب و سنن خود زندگی کرده‌اند و تمدن‌های گوناگون و در عین حال، وحدت‌بخش اسلامی را به بشریت ارائه کرده‌اند. (شهریاری، ۱۳۸۰، ش ۶۳-۶۲: ۵۶)

هم‌چنین مبادی ورودی شهرها از جمله فضاهای فراموش شده‌ی آن‌ها بوده که از مشکلات و نابسامانی‌های متنوعی برخوردار می‌کند. این نابسامانی‌ها در ۲ سطح نمود می‌یابد. برخی از این نابسامانی‌ها منجر به آن گردیده‌اند که مبادی ورودی از حداقل مولفه‌های خوانده‌شدن به عنوان یک محیط مطلوب شهری بی‌بهره باشند. تصاویر کیفیتی که امروزه در قالب ورودی‌های شهرها در اختیار قرار می‌گیرد، این عرصه‌ها را به پست‌ترین لایه‌های فضایی شهرها تبدیل نموده است. کیفیت ساخت و سازهای حاشیه‌ی مبادی ورودی که به صورت مجتمع‌های پراکنده و مستقل ظهور یافته‌اند، بر فقدان برنامه‌ریزی و خودرو بودن جریان توسعه و نیز نبود نظارت در مبادی ورودی تأکید می‌ورزند.

در سطح دوم: فقدان غالب ویژگی‌های کلیدی هیچ‌گونه سنخیت و تناسبی میان شرایط موجود این حوزه‌ها با کیفیت فضایی مورد انتظار از مبادی ورودی را برقرار نمی‌سازد و جریان توسعه‌ی کالبدی شهرها با سرعت بیشتری دنبال می‌گردد. با توسعه‌ی گریزناپذیری شهرها، عرصه‌های مبادی ورودی شهرها نیز به بخش از بافت درون آن‌ها تبدیل می‌گردند. نگاه به گذشته و تأمل در ارزش‌های تاریخی مبادی ورودی، بررسی زمینه‌های تداوم مفاهیم میراثی شهرهای تاریخی در کالبد جدید و در اشکال متناسب و نو و کارآمد را ایجاد می‌نماید. نگاه به حال به همراهی و هماهنگی شأن و جایگاه حوزه‌های ورودی با شأنیت شهرها تأکید ورزیده و در نهایت نگاه به توسعه‌ی گریزناپذیر شهرها نوعی آینده‌نگری به منظور به حداقل رساندن دغدغه‌های بافت آنی آن‌ها را به همراه دارد. (مغاره، ۱۳۸۷: ۹۰)

امروزه هویت هر شهری بر اساس کیفیت فضاهای شهری آن شناخته می‌شود. از آن‌جا که فضاهای شهری ما اغلب از نظر عملکردهای مورد نظر نامناسب بوده و سیمای شهری آنان نشان از نوعی بی‌هویتی دارد، لازم است با استفاده از مکانیزم‌های گوناگون از جمله ارزیابی در مراحل مختلف در جهت رفع معضلات موجود اقدام می‌گردد. براین مبنا در شرایط فعلی که سرعت حرکت میان شهرها به شدت افزایش یافته است نیاز به وجود چنین فیلتری که سرعت جاده را به سرعت درون شهری تبدیل نماید و مسافر را آماده‌ی مواجهه با شهر کند، به شدت احساس می‌شود. بدیهی است که هر چه سرعت بالاتر می‌رود عرصه‌ی بیشتری باید در اختیار فرد قرار گیرد تا در سرعت بالا مجال ادراک ورود به شهر را داشته باشد. هر چه قدر این عرصه با روحیه‌ی استقبال و بدرقه هماهنگ‌تر باشد، در این راستا کمک مؤثرتری خواهد نمود. وجود مشاغل مزاحم در ورودی شهر مشهد از جمله تعمیرکاری‌ها و... به هیچ وجه در ورودی یک شهر با پیشینه‌ی فرهنگی، تاریخی و مذهبی مناسب نیست و این مشاغل باید به مکان دیگری منتقل شوند. ورودی‌های شهر مشهد مناسب این شهر نیست و به گونه‌ای شکل نگرفته که فضای معنوی و فرهنگی شهر را در بدو ورود در ذهن مسافر یا زائر تداعی کند. اعتقاد ما بر این است که اگر قرار باشد یک کلان‌شهر دارای هویت فرهنگی باشد و فرهنگ اسلامی و هویت دینی و تاریخی و فرهنگی آن توسط نهادهای مربوطه بخواند در ذهن زائر و مسافر تداعی شود به طور حتم آن شهر باید مشهد باشد.

بی‌توجهی به زمینه، امری است که موجب بی‌هویتی هر چه بیشتر شهرهای امروز شده است. ورودی شهرها فارغ از موقعیت قرارگیری شأن در فرم‌ها و اشکالی مشابه هم‌دیگر شناخته می‌شود و بار معنایی خاصی را به دنبال ندارد.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابلقی علی‌رضا و پورجوهری، امیرحسین (۱۳۸۵) مبادی ورودی شهرها و تدوین اصول و معیارهای ساماندهی برای بازیابی یک فضای شهری فراموش شده، مجله‌ی آبادی شماره ۵۳، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۲- بهزاد فرمصطفی (۱۳۸۶) هویت شهر، نگاهی به هویت تهران، نشر شهر.
- ۳- حائری، محمدرضا (۱۳۷۵) تهران کجاست؟ روش‌شناسی طراحی سازمان فضایی ورودی شهر تهران، فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، سال ششم، شماره ۳۷-۳۶.
- ۴- حمیدی ملیحه و دیگران (۱۳۷۶) استخوان‌بندی شهر تهران، جلد ۲، تهران، سازمان مشاورفنی و مهندسی شهر تهران.
- ۵- خادمی مسعود، رفیعی جوزم‌رضا (۱۳۸۸) بررسی مؤلفه‌های کیفیت محیط در فضای ورودی شهرها، مجله‌ی آبادی شماره ۶۲-۶۱.
- ۶- داوودپور زهره و مغاره وحید (۱۳۸۸) ضوابط ارزیابی نقش و کارکرد دروازه و فضای ورودی شهرها و مطالعه‌ی موردی دروازه قرآن شیراز، آبادی شماره ۶۲-۶۱.
- ۷- روستا مریم، خطیبی، محمدرضا (۱۳۸۵) تجربه‌ی طرح ساماندهی ورودی شهر، محور ورودی سنج از سمت تهران، مجله شماره ۵۳.
- ۸- سلطان زاده، حسین (۱۳۸۵) فضاهای شهری در بافت تاریخی ایران، چاپ سوم، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۹- شهریاری، سیدکمال‌الدین (۱۳۸۰) مدیریت شهرسازی اسلامی، فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، سال نهم، شماره ۶۳-۶۲.
- ۱۰- صالحی فرد، محمد (۱۳۸۲) طرح و پژوهش و بررسی اثرات و پیامدهای ورود گردشگران جهان به مشهد با تأکید بر گردشگران عرب حوزه‌ی خلیج فارس همراه با ارائه‌ی راهکارهای مطلوب جهت توسعه‌ی این صنعت.
- ۱۱- ظاهری، مصطفی (۱۳۸۰) بررسی ابعاد مؤثر در ترکیب منظر ورودی شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی هنر دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۲- قریب، فریدون (۱۳۸۲) ضوابط ساماندهی و معیارهای طراحی شهری برای مبادی ورودی شهرها، مجله‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۵۱، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۳- گروتز، یورگن (۱۳۸۳) زیباشناسی در معماری، مترجم: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۴- لینچ، کوین (۱۳۸۴) تئوری شکل خوب شهر، مترجم: سید حسین بحرینی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- لینچ، کوین (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۶- معصومی سعید، ۱۳۸۹.
- ۱۷- مغاره، وحید (۱۳۸۸)، کارکردهای شهری ورودی و دروازه، مجله‌ی آبادی، شماره ۶۲-۶۱.
- ۱۸- مقتدایی مهتامیر، طلایی ژاله (۱۳۸۵) هویت کالبدی شهر، مطالعه‌ی موردی تهران، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- ۱۹- نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

منابع اینترنتی:

۱. <http://\ architectfreehand.blagfa.com>
۲. <http://\ www.Farsnews.Com>
۳. <http://\ www.omsom.ir>

برگزاری کارگاه فهم معماری ایران از پنجره‌ی بوشهر

♦ دبیرخانه کارگاه فهم معماری ایران
panjareh.info

- پرداختن به مسائل بنیادین معماری ایران با توجه به هویت فرهنگی زیستگاه‌های متنوع حاصل از تعامل طولانی و مستمر و زنده‌ی انسان و سرزمین و معرفی مسائل مذکور به جامعه‌ی معماری کشور
- تلاش برای انتقال مفاهیم یافت شده به مسائل جاری معماری و شهرسازی برای یافتن پاسخ‌های به‌روز مبتنی بر تجربه‌ی تاریخی این سری کارگاه‌ها پیش از این در شهرهای شوشتر و گرگان و بیرجند نیز برگزار شده است و این بار در شهر بوشهر برگزار گردید.
برگزارکننده‌ی این کارگاه دبیرخانه‌ی رویدادهای معماری (وابسته به مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران) با همکاری نهادها و سازمان‌هایی نظیر سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، مؤسسه مطالعات و پژوهش خورشید مهرگان لیان، پژوهشکده تحقیقات کاربردی فرهنگ ایرانی - دانشگاه تهران، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران، معاونت عمرانی استانداری بوشهر، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر و... بوده است.

تمامی دانشجویان رشته‌های معماری و شهرسازی و سایر رشته‌های مرتبط و همچنین دانش‌آموختگان رشته‌های یادشده، که نهایتاً ده سال از اتمام تحصیلاتشان گذشته باشد، می‌توانستند منحصراً در گروه‌های سه نفره در این کارگاه ثبت‌نام کنند. انتخاب گروه‌ها برای شرکت در کارگاه طی دو مرحله‌ی اصلی صورت می‌گرفت. معیارهای انتخاب در مرحله‌ی اول فارغ از توانایی‌های علمی شرکت‌کنندگان بود. از مهم‌ترین اهداف تبیین این معیارها تنوع شرکت‌کنندگان کارگاه از وجوه مختلف و فراهم آوردن شرایط حضور افراد از سراسر ایران و با رشته‌ها و تخصص‌های

کارگاه فهم معماری ایران از پنجره‌ی بوشهر، از ۲۶ فروردین لغایت ۳۱ فروردین ماه سالجاری در بوشهر برگزار گردید. هدف اصلی برگزاری این کارگاه تلاش در این مسیر بوده تا به مسائل حقیقی پیش‌روی حوزه‌ی معماری و شهرسازی ایران، بر اساس خاستگاه اصلی آن‌ها، یعنی فرهنگ، بپردازد تا یکی از مهم‌ترین گام‌های تحقق این خواست، روشن کردن پرسش‌های اصلی این حوزه و جستجو برای یافتن پاسخ‌هایی است که ضمن کارآمد بودن، با ملموس‌تر ساختن مختصات فرهنگی حوزه‌های سکونتی متنوع سرزمین ایران، امکانی برای ارتقای معماری و شهرسازی در سطح ملی فراهم آورد.

پرداختن به وجوه فرهنگی معماری، توجه به شناسایی و فهم مسائل معماری در کلیه‌ی مراتب و انواع آن و جستجوی پاسخ برای آن‌ها با توجه به تجارب فرهنگی و داشته‌های زندگی طولانی و مستمر در سرزمین ایران و جستجوی تمرین‌هایی که به کمک آن‌ها می‌توان ملزومات گذار از وضع موجود به وضع مطلوب را فراهم کرد، از جمله مهم‌ترین نکات مورد تأکید در برگزاری رویدادهای فرهنگی «کارگاه فهم معماری ایران» و برنامه‌های پیش روی آن بوده است.

از سیاست‌های برگزاری این کارگاه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- فراهم کردن امکان ملاقات شرکت‌کنندگان کارگاه با اهالی حوزه‌های گوناگون فرهنگی ایران، که صاحبان و پدیدآورندگان و حافظان اصلی معماری هستند و نیز با «آثار معماری» که برخاسته از ویژگی‌های فرهنگی جای‌جای این سرزمین است.

- توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های آشکار و پنهان آثار و تلاش برای فهم علل آن از راه مقایسه‌ی خاستگاه‌های فرهنگی آن‌ها (بستر طبیعی و سرگذشت تاریخی هر یک)



مقاوت بود. مرحله‌ی دوم بر ارزیابی توانمندی‌های علمی و یا تخصصی شرکت‌کنندگان از منظر کارگاه متمرکز بود.

ثبت‌نام کارگاه از یازدهم اسفندماه ۱۳۹۰ آغاز گردید و ۱۵ فروردین ماه گروه‌های شرکت‌کننده مشخص گردیدند.

شروع رسمی «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» به بهمن ماه برمی‌گردد. فراخوان کارگاه منتشر شد و ۱۷۳۱ نفر در قالب گروه‌های سه نفره برای شرکت در آن، ثبت نام کردند. بعد از یک مرحله داوری، تعداد دو برابر ظرفیت، برای انجام یک تمرین پذیرفته شدند و بعد تمارین توسط هیئت داوران بررسی و ۸۷ گروه سه نفره از ۱۱ حوزه‌ی جغرافیایی کشور، برای حضور در هفتمین کارگاه فهم معماری ایران انتخاب شدند.

کارگروه‌های علمی، اجرایی و فرهنگی پیش از آغاز برنامه، در اسفند ماه به بوشهر سفر کردند تا بتوانند مقدمات این رویداد علمی، فرهنگی را آماده کنند. با مطالعات صورت گرفته، تم «تا او دریا هسی، تو زنده بویی» برای «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره بوشهر» انتخاب شد؛ جمله‌ای که به تعبیر مهندس سید محمد بهشتی، «فرهنگ رو به دریا»ی این خطه را به خوبی نشان می‌دهد.

تعلیقات نوروزی که تمام شد، گروه‌های اجرایی، فرهنگی و علمی کارگاه به مرور در بوشهر مستقر شدند. عمارت ایرانی با پنجره‌هایی رو به خلیج فارس، در اختیار دبیرخانه کارگاه قرار گرفت و هر کدام از بخش‌های اجرایی، در اتاقی از این تجارت‌خانه قدیمی مشغول به کار شدند. مجتمع خلیج فارس هم که فقط ۲۰ متر با دریا فاصله داشت، به محل اسکان شرکت‌کنندگان و مدیران گروه‌ها تبدیل شد تا آن‌ها بتوانند صبحشان را با تماشای کرانه آبی خلیج فارس آغاز کنند.

درک معماری و زندگی در ملاقات و گفتگو با شهر دوپست و شصت و یک نفر شرکت‌کنندگان در «کارگاه فهم معماری ایران از پنجره‌ی بوشهر» از اولین ساعات روز ۲۶ فروردین ماه، هر کدام از گوشه‌ای از ایران، به بوشهر رسیدند، مراحل پذیرش و اسکان را انجام دادند و در افتتاحیه‌ی کارگاه شرکت کردند تا تجربه‌ی فهم معماری بوشهر را با سخنان مهندس وحید قاسمی مدیر دبیرخانه‌ی رویدادهای معمار، آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری نماینده‌ی ولی فقیه و امام جمعه‌ی شهر بوشهر، مهندس حمیدرضا سپهری رییس هیات مدیره‌ی مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و البته «شاهنامه خوانی»، «مثنوی خوانی» و تماشای «مستند بوشهر» کاری از حمید سهیلی مظفر، آغاز کنند.



سپس، همه‌ی گروه‌ها برای شرکت در «نشست هم‌آوایی» به موزه‌ی دریانوردی رفتند، در فضای باز موزه، دور هم جمع شدند تا با هم، با اساتید، مدیران گروه‌ها و مشاوران علمی‌شان آشنا شوند.

تفاوت این کارگاه با کارگاه‌های پیشین این بود که این بار شرکت‌کنندگان از قبل، منابعی را مطالعه و موضوعات‌شان را انتخاب کرده بودند. به ۵ گروه که هر کدام سه مدیر داشت و شامل ۱۶ یا ۱۷ دسته‌ی ۳ نفره بود، تقسیم شدند. دو مدیر در کارگاه‌های پیشین حضور داشتند و با روند کارگاه آشنا بودند. مدیر سوم، دانشجو یا فارغ‌التحصیل معماری و محلی بود و منطقه را به خوبی می‌شناخت. همه‌ی گروه‌ها با مدیرانشان از ۴ مسیر تعیین شده، به «ملاقات شهر» رفتند. شرکت‌کنندگان این بار به طور مستقیم با مدیران در ارتباط بودند. اساتید هم به عنوان مشاوران علمی، هر کدام، هر بار با گروهی همراه شدند تا همه‌ی دانشجویها بتوانند از همراهی همه‌ی اساتید بهره‌مند شوند.



دانشجو‌هایی که به فراخور سوژه‌شان، به اطلاعات تاریخی و باستان‌شناسی احتیاج داشتند، از راهنمایی‌های دکتر ناصر نوروززاده چگینی و دکتر هایده لاله استفاده کردند. آن‌ها که راهنمایی‌های معمارانه می‌خواستند، سوالاتشان را از دکتر محمدرضا رحیم زاده، دکتر مهدی حجت و دکتر حمید ضیائی‌ان پرسیدند. مهندس محمد فروزانی و عبدالکریم مشایخ، از متخصصان بوشهری بودند که دانشجویها سوالات زیادی درباره‌ی وجوه مختلف زندگی در بوشهر از آن‌ها پرسیدند. و البته آن‌ها که دوست داشتند در پروژه‌ی نهایی‌شان از ابزار فیلم و عکس و گرافیک استفاده کنند، توانستند راهنمایی‌های شادمهر راستین و ابراهیم حقیقی را داشته باشند. اما در



نشست «تثبیت ایده» که قدم می‌زدی، می‌توانستی مشاوران علمی و فرهنگی بیشتری از جمله حمید سهیلی مظفر، نوشاد رکنی و ... را ببینی که شرکت کنندگان گرم صحبت با آن‌ها بودند.

ارائه دریافت‌های معمارانه از بوشهر

شرکت کنندگان، ۴ روز فرصت داشتند که معماری و زندگی بوشهری را در خلال بازدید از عمارت دهدشتی، عمارت امیریه، کلیسای گریگوری، مدرسه‌ی گلستان، عمارت طاهری، عمارت طیب، عمارت مهربان، موزه‌ی دریا و دریانوردی، مدرسه‌ی ۱۳ آبان، عمارت آسیایی فرد، مسجد اهل تسنن، عمارت نجفی، مسجد شیخ سعدون، عمارت دیری، آب انبار قوام و کنسولگری انگلیس، بفهمند و دیده‌ها و شنیده‌هایشان را ثبت کنند. در ۲ روز ابتدای برنامه به «ملاقات شهر» رفتند. یکی از جالب‌ترین قسمت‌های این ملاقات‌ها، بازدید از بندر عامری، مجموعه‌ی لنج‌سازی و گفتگو با ناخدا خلفی بود. معماران جوان در این ملاقات چندساعته سعی کردند زندگی مردان دریا را در خانه‌هایی روی آب، درک کنند. ناخدا خلفی و همکارانش برای ۳۰۰ نفری که برای بازدید از این بندر آمده بودند از دریا، لنج‌ها و تجربیاتشان گفتند.

شرکت کنندگان در نشست‌های «بوشهرشناسی»، «آشنایی با تاریخ خلیج فارس» و «معماری و سینما» شرکت کردند و روز سوم برنامه به «گفتگو با شهر» گذشت. از بعد از ظهر روز چهارم، «نشست تثبیت ایده‌ها» برگزار و بعد، آماده‌سازی آثار شروع شد. میز نسکافه و چای هم در ورودی مجتمع تربیت معلم بوشهر تعبیه شده بود تا گروه‌ها به همراه اساتیدشان بتوانند تا ظهر روز پنجم بیدار بمانند و پروژه‌هایشان را به سرانجام برسانند. و خب دیدن «کرکسیون»‌های دکتر مهدی حجت، شادمهر راستین، دکتر ناصر نوروززاده چگینی و ... که تا ۵ صبح ادامه داشتند، حتی اگر معماری نخوانده باشی، تجربه جالبی است.

در میانه‌ی پنجمین روز حضور شرکت کنندگان در کارگاه فهم معماری ایران از پنجره‌ی بوشهر، هر کدام از گروه‌های ۵ گانه، در یکی از کلاس‌های دانشگاه خلیج فارس، جمع شدند تا هر کدام از دسته‌های ۳ نفره، حاصل دریافت ۴ روزه‌اش را در معرض دآوری هم‌گروهی‌هایش قرار دهد. هر کدام از دسته‌ها نمره‌ای بین ۱ تا ۵ دریافت کردند و از هر گروه، سه کار به انتخاب اعضای همان گروه، برای ارائه در حضور مشاوران علمی کارگاه، برگزیده شدند. این آثار در مراسمی، صبح روز ۳۱ فروردین ماه در سالن سینمای آوینی برای هیئت داوران، همه‌ی گروه‌های شرکت‌کننده و علاق‌مندان، ارائه شدند. هیئت داوران، کوشا خدابنده لو، آیدین ورزی و امیرحسین هاشمی را به عنوان گروه حائز رتبه‌ی اول، محمد حسینی، امید خسروی راد و شهاب شرافت را به عنوان گروه حائز رتبه‌ی دوم، رضا ناصری پورنکلو، طیبه سعیدی گراغانی و احمدعلی نامداریان را به عنوان گروه حائز رتبه‌ی سوم و سمیرا تفضل، مسیح داوری، خاطره مروج، راحیل ندومی، دنیا اکبرزاده و خدیجه آذریاد را به عنوان دو گروه شایسته‌ی تقدیر اعلام کردند.

و به این ترتیب «کارگاه فهم معماری ایران، از پنجره‌ی بوشهر» که این بار برنامه‌های جنبی مختلفی مانند: نمایشگاه‌های سفر سنگ، سواد تجارت، عکس در بنیاد ایران‌شناسی و خاطرات مصور، پایگاه عکاسی و صندوق‌های با عنوان «پای حرف‌های شما» داشت، به پایان رسید و به قول دکتر مهدی حجت، بوشهر را به نقطه‌ی آشنا و پرننگی در ایران ذهن همه‌ی ما چند صد نفری که این رویداد را تجربه کردیم، تبدیل کرد.

نصاب پرکردہ کارگاہ

برگرفته ازسایت کارگاہ



عکاس : مریم زمردیان



عکاس : مریم زمردیان



عکاس : محمد حسینی



عکاس : پریراد گودرزی





عکاس : محمد حسینی



عکاس : مریم زمردیان



عکاس : محمد حسینی



عکاس : راحیل ندومی



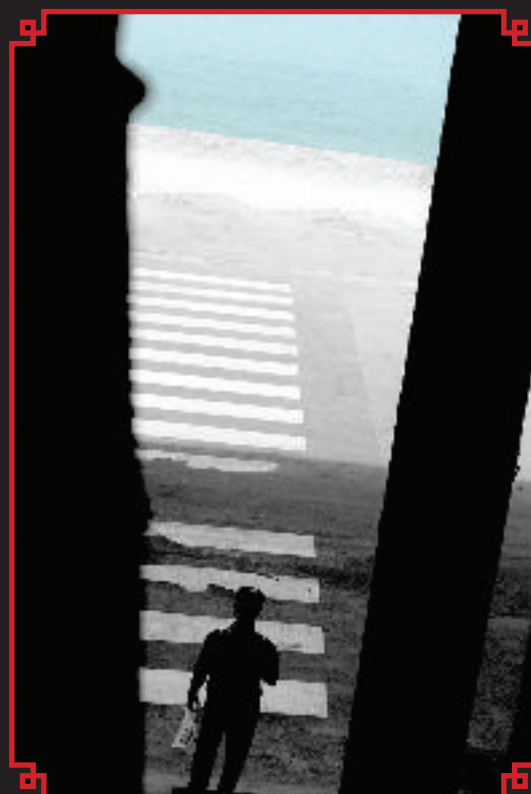
عکاس : رزا کوثری



عکاس : محمد نخئی



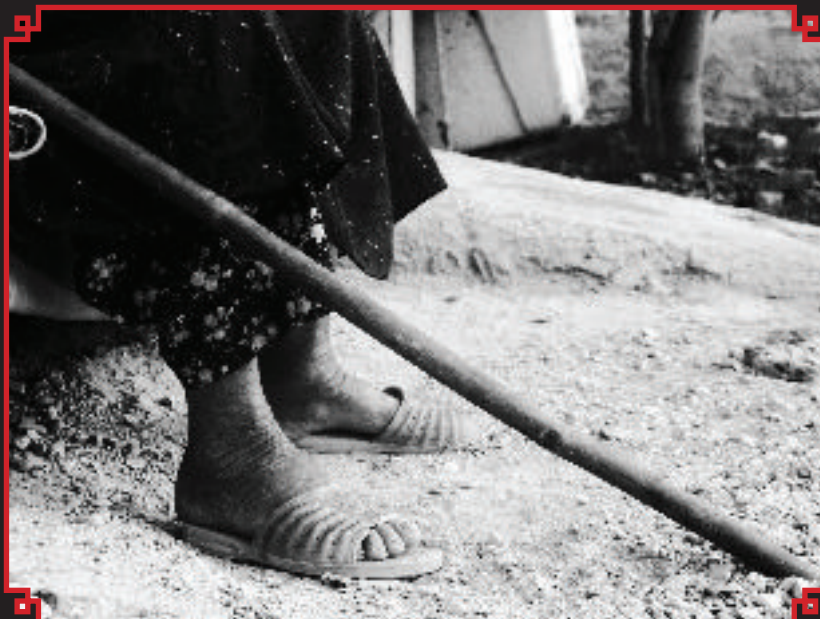
عکاس : مریم شهریاری



عکاس : مریم زمردیان



عکاس : محمد شاه حسینی



عکاس : راجیل ندومی



عکاس : مریم زمردیان



پوشه‌های دوران قاجار

برگرفته از سایت کاآه





بوشهر در دوران قاجار

پوشه در دوران قاجاریه



پوشش در دوران پهلوی

برگرفته از سایت کاگه

خانه مهربان



عمارت امیریه یا شهرداری



خانه دهدشتی

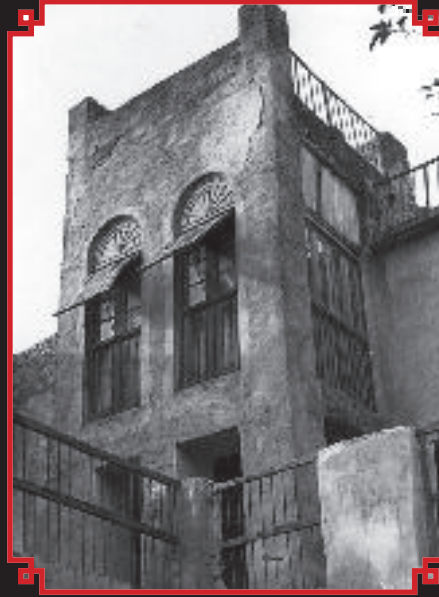


مدرسه معینی

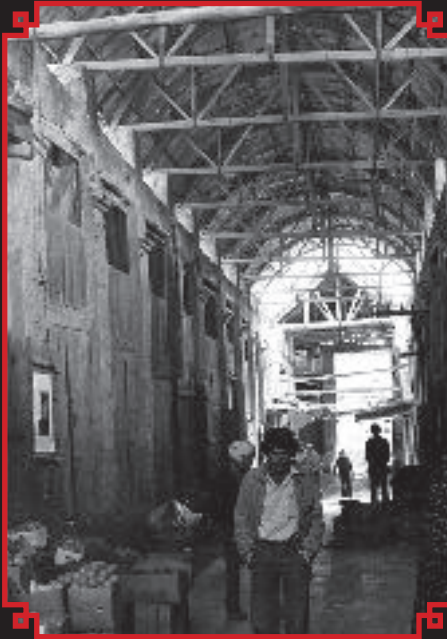


خانه ای در محله بهبهانی

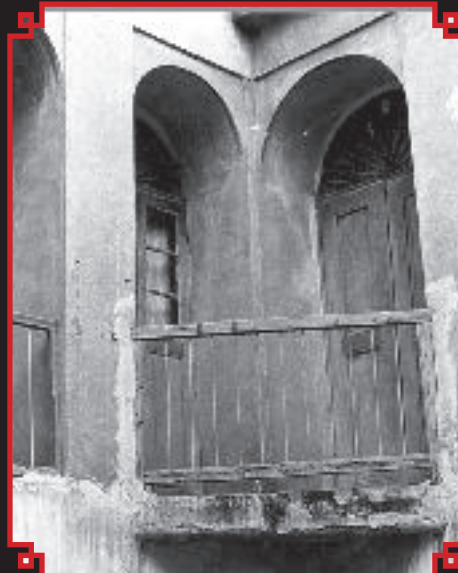
برشهر در دوران پهلوی



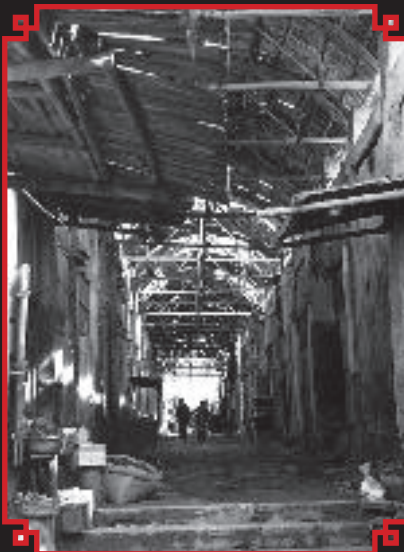
خانه ای در محله کوشی



بازارچه



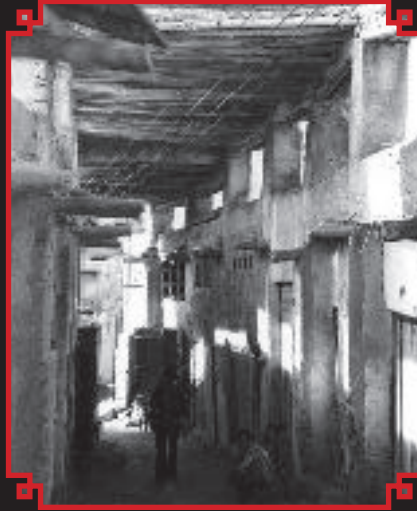
خانه ای در محله شینجی



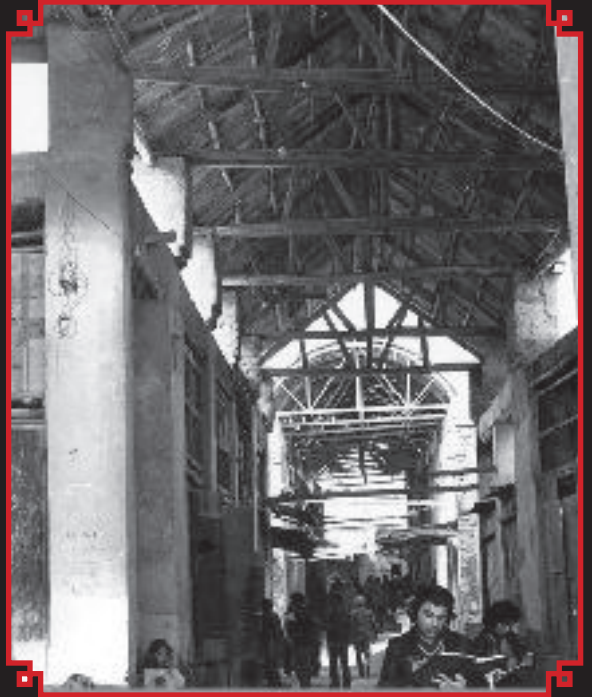
بازارچه



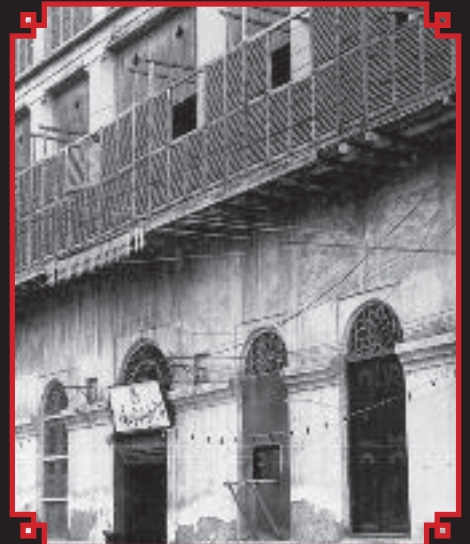
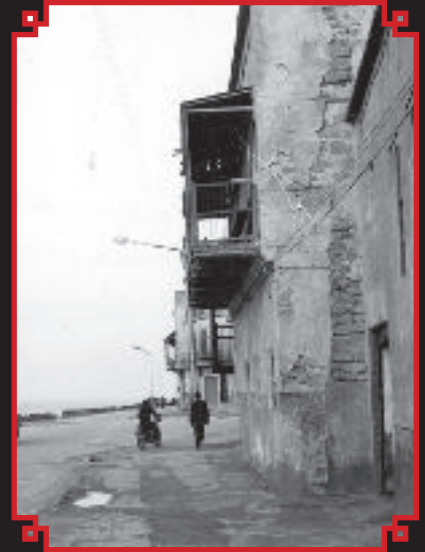
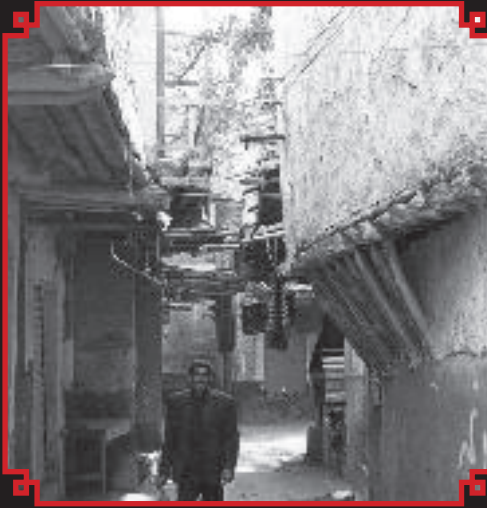
بازار مرغ فروش ها



بازار قصاب ها



بازار

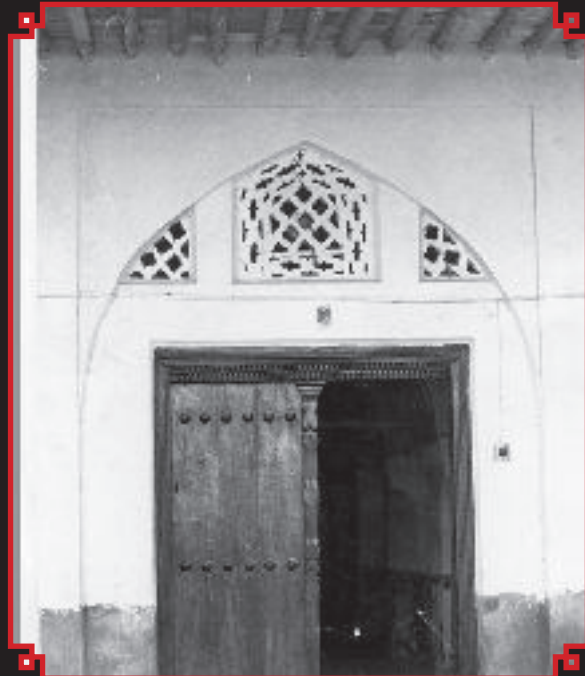
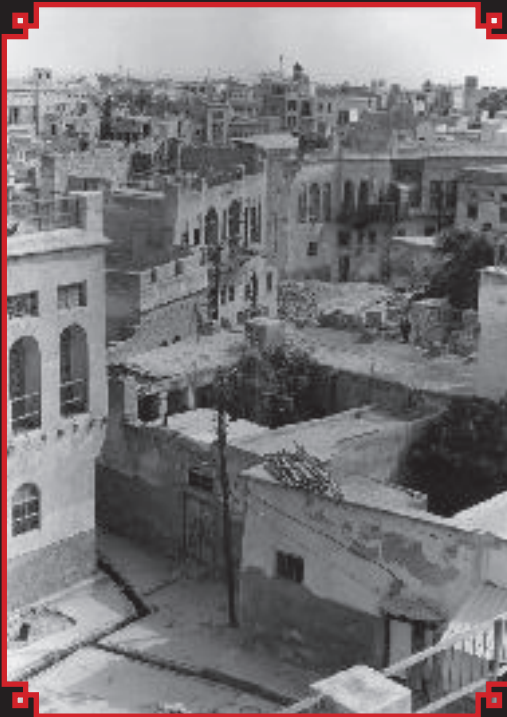


پوشش در دوران پهلوی

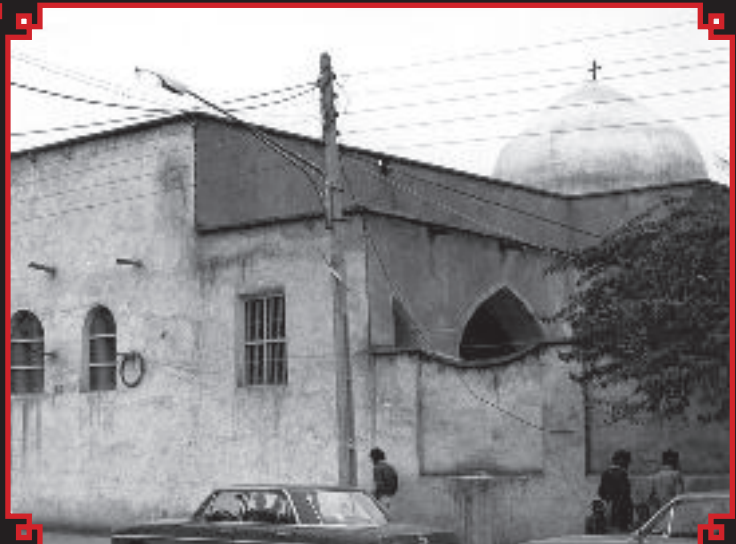
درب ورودی اصلی مسجد نوکازرونی - محله شنبدی



بوشهر در دوران پهلوی



مسجد جامع



کلیسای آرامنه - محله شنبدی



گزارشی درباره‌ی ویژگی‌های شهری و اجتماعی خیابان ایران

سرگذشت عبرت‌آموزیک خیابان

★ علی رنجی‌پور
روزنامه‌نگار



عین‌الدوله

این مطلب روایتی است از بلایی که بر سر خیابان ایران آمده؛ بلایی که این خیابان را از منطقه‌ای اعیان‌نشین و محله‌ای سرزنده و پرجنب‌وجوش با ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در گذشته، به خیابانی خنثی و بی‌رونق تبدیل کرده که کمتر نشانی می‌توان از شکوه گذشته‌اش در آن پیدا کرد.

سرگذشت خیابان ایران، سرگذشتی عبرت‌آموز است. برای همه‌ی خیابان‌ها و محله‌هایی که امروز اعیان‌نشین تهران‌اند و خود را در شأن و جایگاهی بالاتر از همه‌ی خیابان‌ها و محله‌های تهران می‌بینند، ایران‌خیابانی است که آینه‌ی تمام‌نمای ظهور و سقوط یک اعیان‌نشین است. خیابانی که در گذشته‌های نه چندان دور در سرتاسر تهران هیچ رقیبی در خوش‌نشینی نداشت. غالب ثروتمندان، اعیان، اشراف، روشنفکران، سیاسیون، بازاری‌ها، مرفهان و خلاصه طبقات بالادستی جامعه‌ی تازه‌مدرن شده‌ی ایرانی، در این خیابان منزل داشته‌اند و پایگاه اجتماعی نام‌داران تاریخ معاصر ایران در ۱۰۰ سال اخیر بود. کافی است کسی نام خیابان ایران یا نام قدیمی‌اش "عین‌الدوله" را در اسناد تاریخی شهر تهران یا شرح حال نام‌آوران معاصر جستجو کند، چه بسیار در شرح وقایع به نام این خیابان برخورد خواهد کرد و چه بسیار سیاسیون، شعراء، هنرمندان و... را خواهد دید که در زندگی‌نامه‌شان اشاره شده که در این‌جا متولد شده‌اند، درس خوانده‌اند و تأثیرگذارترین آثار ادبی و هنری‌شان را در همین خیابان تصنیف و تحریر کرده‌اند. مهم‌ترین محافل سیاسی، ادبی و مذهبی پایتخت در این خیابان تشکیل می‌شدند و نسخه‌ی بسیاری از وقایع تاریخی ایران در کوچه‌پسکویه‌های همین خیابان پیچیده می‌شد. وقایعی که تأثیر آن‌ها فراتر از اندازه‌ی یک شهر و کشور و در مقیاس منطقه و جهان بود. حتی اگر اهمیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این خیابان را در دوره‌های مختلف تاریخ مدرن ایران نادیده بگیریم و از شرح وقایع مهم تاریخی مثل مشروطه و... بگذریم و تاریخ معاصر ۳۰،۴۰ ساله را مرور کنیم باز هم این خیابان در تهران رقیبی نخواهد داشت. ادعای گزافی نیست اگر کسی بگوید که قلب انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ در این خیابان می‌تپید که اگر این‌گونه نبود هرگز امام(ره) پرتالهاب‌ترین روزهای انقلاب را در این خیابان نمی‌گذراند.

اما خیابان ایران امروز اصلاً حال و هوای خوشی ندارد. شاید خیلی‌ها با این وصف موافق نباشند و این خیابان را در مقایسه با دیگر خیابان‌ها و محله‌های پررونق تهران قدیم، شاداب و سرزنده ببینند، حیات اجتماعی‌اش را به رخ بکشند و حسینه‌ها، مساجد و مدرسه‌هایش را شاهد مثال بیاورند که زندگی شهری هنوز در این خیابان جریان دارد، اما به گمان نگارنده مقایسه‌ی خیابان ایران با سایر محله‌های پررونق تاریخی تهران قیاس درستی نیست. ایران را باید با خودش مقایسه کرد و وقتی صحبت از سرزندگی آن است باید حال و روز فعلی آن را در کنار گذشته‌ی درخشانش دید. باید دید و مقایسه کرد که امروز چه تعداد از رجال تهران و طبقات اعیان در این خیابان زندگی می‌کنند. باید تأثیرگذاری این خیابان را در مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران امروز تفسیر و تحلیل کرد. باید نوستالژی را کنار گذاشت و حتی در رجوع به مصادیق، صادقانه به سئوالاتی اینچنین پاسخ داد که خیابان ایران، امروز چه شباهتی به خیابان ایران دارد که درباره‌ی آن شنیدیم و خوانده‌ایم؟ آیا هم‌چنان این خیابان پایگاه سنتی - اجتماعی طبقه‌ی بالادستی تهران است؟ چرا امروزه این خیابان از سکنه‌ی قدیمی خود خالی شده؟ چرا ادیبان، هنرمندان و روشنفکران از این‌جا نقل‌مکان کرده و در تهران به این بزرگی پراکنده‌اند؟ چرا از سیاسیون دیگر کسی در این خیابان منزل ندارد؟ چرا بازاری‌ها علیرغم همجواری این خیابان با محل کارشان عطای این‌جا را به لقایش بخشیده‌اند و در قلهک، دروس، نیاوران و... ساکن شده‌اند؟

جریان توسعه‌ی تهران، جریان بی‌رحمی است. تغییرات بزرگ چنان در این شهر در زمان کوتاه اتفاق می‌افتد که تو گویی سیر تحولات در خیابان‌ها و محله‌های این شهر حتی از سیر تحولات انسانی نیز سریع‌تر است. خیابان ایران شاید به مراتب زودتر از ساکنان قدیمی‌اش پیر و فوتوت شده و به ورطه‌ی پیری و درماندگی افتاده. آن جوان رعنا و پرشور امروز پیرمردی است که نه دیگر بر و رویی

دارد و نه دل و دماغی و از آن شکوه گذشته‌اش تنها نوستالژی مانده است و خاطره که تا از میان نرفته باید این خاطرات را از درونش بیرون کشید و چون میراثی تاریخی حفظ و نگهداری نمود.

موقعیت جغرافیایی

خیابان ایران که زمانی شمال شهر تهران بود امروز در نیمه‌ی جنوبی پایتخت قرار دارد. حتی اگر بپذیریم که خطررضی جداکننده‌ی پایتخت خیابان انقلاب است - که البته این‌طور نیست و این خطررضی کمی بالاتر است - بازهم خیابان ایران در نیمه‌ی جنوبی قرار می‌گیرد. البته هنوز هم برخی عقیده دارند که خیابان ایران در مرکز شهر قرار دارد و این مرکزیت را به مناسبات شهری در این خیابان نیز نسبت می‌دهند. البته با توجه به شرایط اجتماعی و فعلی خیابان ایران به نظر نمی‌رسد که این تحلیل چندان درستی باشد. خیابان ایران ساختاری شمالی - جنوبی دارد که از سه‌راه امین‌حضور در خیابان ری از جنوب شروع می‌شود و به چهارراه آب‌سردار در خیابان مجاهدین اسلام منتهی می‌گردد. غرب محله به مسجد سپهسالار و مجموعه‌ی مجلس شورای اسلامی می‌سد. از شرق نیز کوچه پسکویه‌های خیابان ایران به خیابان شهیدا می‌رسد که هنوز که هنوز است یکی از محلات سنتی تهران

این مطلب از شماره ۱۳ (سپندماه) ماهنامه‌ی معماری و شهرسازی زیر نظر مجموعه مجلات همشهری گرفته شده است.

محسوب می‌شود. هر چند محله‌ی شهدا نیز رونق قدیم خود را ندارد اما به نسبت محلات مرکزی و جنوبی شهر هنوز هم محله‌ای سرپاست و زندگی در آن جریان دارد. بنابراین در تحلیل پیوستگی محلات خیابان ایران فقط از شرق با غرب محله‌ی شهدا پیوستگی دارد و جهات دیگر آن بسته است. ورودی و خروجی محدود خیابان در شمال و جنوب عملاً محله را در دو منطقی امین‌حضور و آب‌سردار بسته و مجموعه‌ی شهید مطهری (سپهسالار) نیز شرق خیابان را مسدود کرده است. این محدودیت‌ها عملاً یکی از عواملی است که به خصوص در بخش شمالی هنوز هویت محله‌ای خیابان ایران را نگه داشته است.

موقعیت اجتماعی و فرهنگی

در تحلیل موقعیت اجتماعی و فرهنگی خیابان ایران نمی‌توان موقعیت خاصی که مدارس در این ناحیه دارند را نادیده گرفت. مجموعه‌ی مدارس علوی - مهم‌ترین مجموعه‌ی آموزشی خیابان ایران - هنوز هم که هنوز است جزء مدارس اسم‌ورسم‌دار تهران به شمار می‌رود. مدرسه‌ای که به واسطه‌ی دانش‌آموختگان نام‌دار آن و همچنین وجه غالب مذهبی‌اش همیشه در میان مدارس ایرانی تافته‌ای جدابافته بوده و هنوز هم هست. مدرسه‌ی علوی امروز البته تفاوت‌های زیادی با مدرسه‌ی علوی بیست، سی سال پیش دارد. هرچند سایر مدرسه‌های اسم‌ورسم‌دار تهران مثل البرز، علامه‌حلی و... کم و بیش همین وضع را دارند اما با این همه هنوز هم برای درس خواندن در علوی باید از آزمون‌های سختی گذشت. به دنبال مدارس علوی چندین و چند مدرسه و مجتمع دیگر نیز در خیابان ایران تأسیس شدند و حال و هوای خیابان به خصوص در سال‌های بعد از انقلاب به صورتی درآمد که چیزی نمانده بود خیابان ایران از یک محله‌ی مسکونی با بافت محکم اجتماعی به یکی از محلات آموزشی قلب ماهیت گردد. چه بسا ادامه‌ی حضور همین مدرسه‌ی علوی و مدارس دیگر و چند مرکز مهم اجتماعی و فرهنگی که هنوز باریکه‌ای از گذشته را در این خیابان نگه داشته که در غیر این صورت معلوم نبود حال و روز این خیابان امروز چطور بود. خیابان ایران به جز مدرسه، مسجد، تکیه و حسینیه دارد که در ایام خاص مذهبی رونق خاصی دارد. بسیاری از اهالی خیابان ایران که از محله‌ی سابق خود هجرت و در محلات شمالی شهر مثل قلهک، دروس، نیاوران کاشانه کرده‌اند، در ایام و مناسبت‌های خاص به محله‌ی سابق خود بر می‌گردند و رحل اقامت در این مساجد و تکیا می‌افکنند که روزگاری پاتوق جوانی‌شان بود و ایام خوشی را در آن‌ها گذرانده بودند. در حالی که خیابان ایران دیگر آن رونق سابق را ندارد سقاخانه‌ای هست که در آن شمع روشن می‌کنند و نذر می‌کنند و این کارها را نه اهالی جدید و ساکنان محل، که خیلی وقت‌ها اهالی قدیم می‌کنند که هنوز دلشان با این جاست و دریغ روزگاری را می‌خورند که خیابان ایران سرشار از زندگی بود. روزگاری که مغازه‌های آن رونق بهتری داشتند و پیاده‌روهای خوش‌ساخت مملو از رفت‌وآمد مردان و زنانی بود که با هم آشنایی و سلام‌وعلیک داشتند. امروز پیاده‌رو خیابان ایران مثل سابق شلوغ نیست. پیاده‌روهایی که عرض‌شان نشانی از رونق و شکوه از دست‌رفته دارد. همان‌طور که بر دیواره‌ها و جداره‌های خیابان که با آجرهای پریده‌رنگ ساختمان‌های قدیمی پوشیده شده همین احساس را روایت می‌کنند. ساختمان‌هایی که هنوز هم می‌توان در برخی از آن‌ها نشانه‌هایی از معماری قاجاری و اوایل دوره‌ی پهلوی را دید. ساختمان‌هایی که نخستین مواجهه‌ی معماری ایران با معماری مدرن محسوب می‌شود و از قضا موفق‌ترین نمونه‌ها در جریان این روبرویی تا امروز بوده است. امروز از این معماری چیز زیادی جز ساختمان‌های نیمه‌مخروبه و از کار افتاده نمانده و صحبت درباره آن‌ها بیشتر مربوط به اخبار ناگواری است که گه‌گاه از حوزه‌ی میراث فرهنگی، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها درباره‌ی تخریب خانه‌های تاریخی تهران به گوش می‌رسد.

میوه‌فروشی ایران، اگر چه هنوز جلوی مغازه را با میوه‌های تازه و رنگی چیده اما آن قدری که قدیم میوه‌ها و سبزی‌هایش خریدار داشت، خریدار ندارد. کسی خیلی دل و دماغ پیاده‌روی ندارد به خصوص در بخش‌های پایین خیابان که به اندازه‌ی چندصدمتری بافت تجاری خاص امین‌حضور در آن پیشروی کرده بیشتر از تاکسی توی خیابان وانت‌هایی دیده می‌شود که یخچال و گاز به امین‌حضور می‌برند و می‌آورند و خلاصه چیزی بیشتر از سایه‌ای از خیابان ایرانی که بود روی سر محله باقی نمانده است.

موقعیت سیاسی

شاید هر محله و خیابان دیگر به جز ایران در این موقعیت قرار داشت شرایط سیاسی خاصی پیدا می‌کرد. هم‌جواری با مجلس که از صد سال پیش به این طرف کانون تحولات بزرگ و سرنوشت‌ساز در ایران بوده این خیابان را در میان محلات هم‌تراز متمایز می‌کند. بی‌تردید یکی از دلایل که دولت‌مردان در اواخر قاجار و اوایل پهلوی خیابان ایران را به عنوان محل سکونت خود برگزیدند نزدیک بودن آن به مراکز سیاسی بوده است. البته محلات و خیابان‌های دیگری نیز مثل ظهیرالاسلام و بهارستان بوده‌اند که آن‌ها نیز هم‌جوار کانون‌های اصلی قدرت بوده‌اند اما باید توجه داشت که هیچ‌گاه هیچ‌کدام از این محله‌ها بافت قدرتمند مسکونی نظیر آن چه در خیابان ایران وجود داشت را نداشته‌اند.

در دوره‌ی پهلوی دوم با انتقال کانون اصلی قدرت به شمال تهران، بسیاری از دولت‌مردان هم از این خیابان کوچ کردند اما به‌رغم این تغییر موقعیت باز هم چیزی از وجهه‌ی سیاسی این خیابان کم نشد. خیابان بازار در این دوره بیشتر پایگاه اجتماعی بازاری‌های سرشناس و مذهبی تهران بود. هم‌زمان با اوج‌گیری مخالفت‌ها با حکومت پهلوی و سیاسی شدن بازار تهران خیابان ایران نیز تبدیل به کانون فعالیت‌های سیاسی در مخالفت با پهلوی شد. در این دوره بخشی از روحانیون نیز در این خیابان منزل داشتند و محافل مذهبی و سیاسی مخالف رژیم شاه در این خیابان داغ‌داغ بود. اوج حیات سیاسی خیابان ایران، هم‌زمان با بازگشت امام(ره) در سال ۵۷ بود. اقامت ایشان در مدرسه‌های علوی و رفاه در خیابان ایران دوران اوج زندگی سیاسی این خیابان در تاریخ خود بود. مهم‌ترین و تأثیرگذارترین جلسات سیاسی در این خیابان برگزار می‌شد و سرنوشت‌های تصمیم‌ساز در این خیابان گرفته می‌شد. این دوران اوج سیاسی تا رفتن امام از این محله ادامه داشت. بعد از مدتی خیابان ایران از تب و تاب سیاسی افتاد مزید بر این انتقال مجلس نیز در این روند بی‌تأثیر نبود. تا این که آغاز تحولات سیال شهری تهران و توسعه‌ی شمالی و شرقی شهر اصولاً موقعیت اجتماعی و بالتبع سیاسی خیابان ایران را مانند همه‌ی محلات مرکزی شهر تحت‌تأثیر قرار داد و دوران افول اجتماعی و شهری این خیابان از همین زمان آغاز شد.

موقعیت تجاری

با همه‌ی این‌ها نمی‌توان در مورد خیابان ایران صحبت کرد و چیزی از تأثیرات تجاری که از جنوب به این خیابان سرایت کرده نگفت. به همان نسبتی که حیات اجتماعی و فرهنگی این خیابان از شمال خالی شده است از جنوب می‌توان به‌روشنی هجمه و پیش‌روی فضاها‌ی امین‌حضور را به سمت خیابان ایران مشاهده کرد. این پیش‌روی تا چندصدمتر انتهای خیابان به راحتی قابل مشاهده است. ترافیک وانت‌ها و بابراهایی که با چرخ، یخچال‌فریزر و اجاق‌گاز جابجا می‌کنند یکی از تصاویر آشنا در خیابان ایران است. اما جز این نشانه‌های روشن، اوضاع در کوچه پس‌کوچه‌های این خیابان، بدتر است. بسیاری از خانه‌های قدیمی امروز به انبارهای فروشگاه‌های لوازم‌خانگی سهرام امین‌حضور تبدیل شده‌اند، خانه‌هایی که روزگاری نه‌چندان دور، بهترین خانه‌ها یا عیان‌نشین تهران بودند، خانه‌هایی که حتی بدبین‌ترین افراد هم نمی‌توانست تصور کند که ۳۰، ۴۰ سال یا ۵۰ سال بعد، تا این حد سقوط کنند و این قدر از ارزش و اعتبار بیفتند.



۶۹۰ میلیارد تومان اعتبار سوخت در سال ۹۰ به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها پرداخت شد

قائم‌مقام سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور اعلام نمود ۶۹۰ میلیارد تومان اعتبار سوخت در سال ۹۰ به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها پرداخت شد. مهندس تایش فر قائم مقام سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با اعلام پرداخت مرحله پنجم اعتبارات سوخت، گفت: در سال ۹۰ در مجموع ۶۹۰ میلیارد تومان اعتبارات سوخت به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها پرداخت شد و این در حالی است که سال ۸۹ از این محل ۵۲۰ میلیارد تومان پرداخت شده بود. غلامحسین تایش فر با بیان این مطلب گفت: طی نیمه دوم اسفند ماه مرحله پنجم اعتبارات تبصره ۲ ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده (سوخت) به میزان ۷۸ میلیارد تومان به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها پرداخت شد. وی افزود: با توجه به سهم شهرداری‌ها از محل این اعتبارات، در این مرحله ۲۰ میلیارد تومان به حساب شهرداری کلان‌شهرها و ۲۸ میلیارد تومان به حساب سایر شهرداری‌ها پرداخت شد. وی همچنین گفت: در این مرحله ۲۰ میلیارد تومان نیز به حساب دهیاری‌ها پرداخت شد.



مهلت تشکیل پرونده‌ی قبول‌شدگان آزمون استخدامی شهرداری‌ها در چهار استان آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، لرستان و یزد اعلام شد

دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با صدور اطلاعیه‌ای از قبول‌شدگان آزمون استخدامی شهرداری‌ها در ۲۲ مهر ۹۰ در چهار استان خواست تا مدارک خود را تا خاتمه‌ی روز ۹۱/۱/۲۰ تکمیل نمایند. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، متن این اطلاعیه به این شرح است: "دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به اطلاع آن دسته از قبول‌شدگان آزمون استخدامی شهرداری‌ها مورخ ۹۰/۷/۲۲ در چهار استان آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، لرستان و یزد می‌رساند تا پایان وقت اداری روز یکشنبه ۹۱/۱/۲۰ فرصت دارند به همراه مدارک لازم به دفاتر امور شهری و شوراهای استانداری‌های مربوطه مراجعه و نسبت به تشکیل پرونده‌ی خود اقدام نمایند. بدیهی است مهلت فوق به هیچ وجه تمدید نگردیده و عدم تشکیل پرونده به منزله‌ی انصراف قطعی تلقی خواهد گردید."

آئین‌نامه‌ی جذب و نگهداری نیروهای نخبه و استعداد‌های برتر در شهرداری‌ها به استان‌ها ابلاغ شد.

معاون برنامه‌ریزی و توسعه‌ی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور اعلام کرده استناد تصویب‌نامه‌ی هیأت محترم وزیران، آئین‌نامه جذب و نگهداری نیروهای نخبه در دستگاه‌های اجرایی جهت اجرا در شهرداری‌ها به استانداری‌ها ابلاغ گردید. وی با بیان این مطلب گفت: این آئین‌نامه بیشتر از یکسال پیش از سوی معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌انسانی ریاست جمهوری لغو گردیده بود و تا قبل از لغو آن حدود ۶۰ نفر از نخبگان کشوری، از سوی دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تبدیل وضع و یا در شهرداری‌ها استخدام گردیده بودند. وی همچنین خاطرنشان کرد اجرایی شدن آئین‌نامه‌ی جذب و نگهداری نیروهای نخبه و استعداد‌های برتر از جمله اقدامات بسیار مؤثر در بحث ارتقاء سطح دانش در شهرداری‌ها و در راستای فراهم نمودن زمینه‌ی تولید علم و نوآوری در حوزه‌ی مدیریت شهری برشمرد. کوشش تبار در ادامه گفت: تصویب‌نامه‌ی مذکور از سوی دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور جهت اجرا به کلیه‌ی دفاتر امور شهری و شوراهای استانداری‌های سراسر کشور ابلاغ گردیده است و نخبگان مشمول ماده‌ی ۴ آئین‌نامه‌ی احراز استعداد‌های برتر و نخبگی مصوب ۸۵/۶/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات بنیاد ملی نخبگان و نیز کارمندان که قبل از ابلاغ این آئین‌نامه نخبه و استعداد برتر بوده‌اند یا در حین خدمت نخبه و استعداد برتر شناخته شوند از مزایای این تصویب‌نامه بهره‌مند خواهند شد. وی همچنین تأکید کرد که اطلاعات مربوط به این افراد می‌بایست در سامانه‌ی نظام اداری شهرداری‌های کشور به نشانی <http://omorshahrdari.ir> منظور گردد. وی در خاتمه گفت: به زودی با محوریت سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، نشست نخبگان مدیریت شهری انجام می‌شود تا از توانمندی‌ها و استعداد این عزیزان به عنوان سرمایه‌های حوزه‌ی مدیریت شهری استفاده گردد و دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان در تدارک برگزاری این نشست نخبگان می‌باشد.

جلسه هماهنگی نخستین نمایشگاه و همایش فرصتهای سرمایه گذاری شهرداری ها تشکیل شد

جلسه هماهنگی نخستین نمایشگاه و همایش ملی فرصتهای سرمایه گذاری شهرداری ها در دفتر معاون برنامه ریزی و توسعه سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و با حضور مدیرکل و کارشناسان دفاتر سرمایه گذاری و طرح های اقتصادی و روابط عمومی و مجری نمایشگاه تشکیل و در زمینه برنامه های اجرایی نمایشگاه و همایش بحث و تبادل نظر صورت گرفت. این نمایشگاه و همایش ملی با توجه به ضرورت شناخت فرصتهای برتر سرمایه گذاری در عرصه توسعه مدیریت شهری کشور و به اشتراک گذاشتن تجارب مفید شهرداری ها در این عرصه و با هدف توسعه پایدار شهری و تأمین مالی پروژه های اقتصادی مدیریت شهری در قالب تعامل سرمایه گذاران و مدیران شهری، مشارکت سرمایه گذاران داخلی و خارجی و با بکارگیری مشوق های موجود در عرصه مدیریت شهری نظیر: انتشار اوراق مشارکت، بهره گیری از اعتبارات صندوق توسعه ملی و منابع فینانس خارجی برپا می شود.

بر اساس برنامه ریزی های به عمل آمده این همایش و نمایشگاه نیمه نخست امسال از سوی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور برگزار خواهد شد تا در سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مدیریت شهری کشور با جذب منابع بیشتر در این امر مهم و خطیر مشارکت جدی و مؤثر داشته باشد.



همایش مدیریت پسماند همزمان با روز زمین پاک از سوی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در مشهد برگزار می شود

اولین همایش بین المللی و ششمین همایش ملی مدیریت پسماند با هدف ارائه آخرین دستاوردهای علمی، تحقیقاتی و اجرایی در زمینه مدیریت پسماند دوم و سوم اردیبهشت ماه و همزمان با روز زمین پاک توسط سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، استانداری خراسان رضوی، شهرداری مشهد و مراکز علمی کشور به میزبانی سازمان مدیریت پسماند شهرداری مشهد برگزار می شود.

محورهای برگزاری این همایش عبارت است از: مدیریت جامع پسماندهای شهری و روستایی (کاهش تولید، تفکیک از مبدأ، جمع آوری و حمل و نقل، بازیافت، پردازش مکانیکی و بیولوژیکی، دفع و دفن)، نقش آموزش، فرهنگ و مشارکت اجتماعی در مدیریت پسماندها، فناوری های نوین در فرایند مدیریت پسماند و اقتصاد در مدیریت پسماندها (هدفمندسازی پارانه ها، جهاد اقتصادی)، قوانین و مقررات ایران و سایر کشورها در مدیریت پسماندها، مشارکت بخش خصوصی در فرایند مدیریت پسماند، تولید مواد و انرژی از پسماند (کمپوست، زباله سوزها و...)، مکان یابی، ساماندهی، طراحی و راهبری مکان های دفن، مدیریت جزء ویژه پسماندهای عادی و مدیریت پسماندهای کشاورزی در حوزه روستایی دیگر محورهای برگزاری این همایش است.

از حدود ۹۰۰ مقاله رسیده به دبیرخانه این همایش که توسط استادان، پژوهشگران، دانشجویان و مدیران اجرائی حوزه مدیریت پسماند و مدیران و کارشناسان شهرداری ها ارسال شد در نهایت پس از بررسی این مقالات از سوی هیات داور ۱۶ مقاله جهت ارائه به صورت شفاهی و ۴۸ مقاله به صورت پوستر انتخاب و ۲۰۲ مقاله نیز در کتاب همایش عرضه می شود.

همزمان با برگزاری این همایش، پنج کارگاه آموزشی تخصصی نیز برگزار می شود که دو کارگاه زباله سوزی و مدیریت شیرابه در سایت های دفن و ساماندهی مراکز دفن پسماند با حضور استادان خارجی و سه کارگاه تبیین استراتژی مدیریت پسماند عادی کشور، تجربیات موفق در استحصال انرژی از محل های دفن زباله و تجربیات موفق در مدیریت پسماندهای روستایی با حضور استادان و مدیران حوزه مدیریت پسماند کشور برگزار می شود



شهرداری های برتر در زمینه خدمات رسانی به مسافران نوروزی انتخاب می شوند

جانشین ستاد هماهنگی تسهیلات سفرهای نوروزی در وزارت کشور از آغاز ارزیابی گزارش های عملکرد شهرداری ها و نمایندگان این ستاد به استان ها به منظور انتخاب شهرداری های برتر در زمینه خدمات رسانی به مسافران نوروزی خبر داد.

مهندس حمیدرضا حاجوی با بیان این مطلب گفت: این ستاد با هدف مدیریت منابع و امکانات موجود برای تسهیل شرایط سفر و راحتی مسافران نوروزی، گستردگی فعالیت شهرداری ها و ارائه خدمات حداکثری با توجه به نقش و جایگاه مدیریت شهری و افزایش بازدهی ارائه خدمات و ارتقاء رضایت مسافران نوروزی و شهروندان تشکیل شد.

وی فعالیت های شهرداری ها برای رفاه هرچه بیشتر شهروندان و مسافران نوروزی و گردشگران ایام نوروز را در سه بخش عمده آماده سازی عمومی شهر، ارائه تسهیلات و امکانات و اجرای برنامه های جنبی برای مدیریت اوقات فراغت مسافران و شهروندان بیان کرد و افزود: به این منظور بیش از ۶۵ اقدام تعریف شد که بیش از یک هزار و ۲۰۰ شهرداری سراسر کشور از نیمه دوم اسفندماه اقدامات مختلفی را در خصوص آن ها اجرا نمودند که در ارزیابی ها مد نظر قرار خواهد گرفت.

جانشین ستاد هماهنگی تسهیلات سفرهای نوروزی در وزارت کشور در زمینه شاخص های ارزیابی اقدامات شهرداری ها در تعطیلات نوروز گفت: به منظور انتخاب شهرداری های برتر در زمینه خدمات رسانی به مسافران نوروزی، ابتکارات و نوآوری های ارائه شده در زمینه خدمات رسانی به مسافران نوروزی و نحوه اقدام شهرداری ها در بخش های خدمات شهری، آتش نشانی و ایمنی، فنی و عمرانی، حمل و نقل عمومی شهری و فرهنگی - اجتماعی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

حاجوی افزود: شهرداری های سراسر کشور با رتبه های مختلف مرتبط با جمعیت و درجه شهرداری مشتمل بر: مراکز استان ها، شهرهای با جمعیت بالای ۲۰۰ هزار نفر، از ۵۰ هزار تا ۲۰۰ نفر و زیر ۵۰ هزار نفر ارزیابی می شوند.

وی در خاتمه ابراز امیدواری نمود که به یاری خدا با همکاری و هم افزایی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی شاهد اقدامات زیرساختی مختلفی در راستای ارتقای شاخص های توسعه فضاهای گردشگری مناسب و در خور شأن مردم عزیزمان در سراسر کشور باشیم و کارکنان خدمت شهرداری ها بار دیگر صفحه ای بر موفقیت های خود در عرصه تلاش و خدمات رسانی به شهروندان رقم بزنند.



ساخت پارکینگ سقفدار در بندرعباس الزامی است

معاون معماری و شهرسازی شهرداری بندرعباس بر الزام ساخت پارکینگ سقفدار در بندرعباس تأکید کرد. جعفر بهاری میمندی در حاشیه‌ی بازدید از تقاطع غیرهمسطح شهید بهشتی در جمع خبرنگاران گفت: در راستای رعایت طرح جامع و تفصیلی و با توجه به ضرورت تأمین توقفگاه خودرو در شهر بندرعباس، از این پس مناطق سه‌گانه‌ی شهرداری در دستور تهیه‌ی نقشه‌های صادر شده، ساخت الزامی پارکینگ سقفدار را قید می‌کنند.

بهاری میمندی افزود: در همین رابطه، ضوابط قبلی مربوط به لحاظ کردن پارکینگ در حیاط ساختمان، باطل اعلام می‌شود و متقاضیانی که بر اساس این ضوابط، دستور تهیه‌ی نقشه را دریافت کرده‌اند چنانچه تا پایان فروردین ماه امسال، عوارض مربوطه را پرداخت کرده و تا پایان خردادماه نیز پروانه‌ی ساخت دریافت کنند مشمول ضوابط سال جاری نمی‌شوند. وی ادامه داد: در همه‌ی ساخت‌وسازها سازندگان ملزم به تأمین پارکینگ هستند و شهرداری در هیچ شرایطی اجازه‌ی ساخت ملک بدون تأمین پارکینگ را نمی‌دهد و با متخلفان برخورد می‌کند.



تجهیز شریان‌ها و بزرگراه‌های مشهد به تابلوهای انرژی خورشیدی

مدیرعامل سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری مشهد از ایمن‌سازی شریان‌ها و بزرگراه‌های سطح شهر با نصب تابلوهای انتظامی الکترونیکی با قابلیت به‌کارگیری انرژی خورشیدی (سولار) خبر داد. سیدمهدی امامی‌میبدی اظهار داشت: از چندی پیش طرح‌هایی مبنی بر ایمن‌سازی معابر با استفاده از سیستم‌های سولار در برخی نقاط حادثه‌خیز شهر به اجرا رسید، که با بررسی کارشناسان و طبق آمارهای ثبت شده در این محل‌ها شاهد کاهش چشمگیری در زمینه‌ی سوانح رانندگی بودیم.

وی ادامه داد: این تابلوها با وضوح بیشتر و هم‌چنین توانایی انتقال پیام به رانندگان و عابران پیاده و از همه مهم‌تر استفاده از سیستم خورشیدی به منظور صرفه‌جویی در انرژی به عنوان تکنولوژی جدید در سیستم مدیریت و کنترل ترافیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جدیدترین کاربری‌های این تابلوها می‌توان به تابلوهای محدودیت سرعت در بسیاری از بزرگراه‌ها و هم‌چنین ورودی تقاطع‌های غیر هم‌سطح، تابلوهای هشداردهنده‌ی جهت‌نما در بیشتر این تقاطع‌ها و یا فلش‌های مسیرنما در پیچ‌های خطرناک بزرگراه کلانتری و دیگر تجهیزات مهم ترافیکی اشاره کرد.



تمام پارک‌های فرسوده‌ی کرج تا پایان سال ۹۲ تجهیز و بهسازی می‌شوند

مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرج از تجهیز و بهسازی تمامی پارک‌های فرسوده‌ی این کلان‌شهر تا پایان سال ۹۲ خبر داد.

عباس زارع اظهار داشت: برای ارتقای بخش فضای سبز در کرج، باید سیاست‌های راهبردی فضای سبز شهری در این کلان‌شهر مشخص شود. وی افزود: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرج در مجموع دو هدف عمده را دنبال می‌کند که یکی از آن‌ها تجهیز و بهسازی تمامی پارک‌های فرسوده‌ی این کلان‌شهر تا پایان سال ۹۲ است. هم‌اکنون عملیات مذکور در پارک‌های بزرگ شهر مانند نبوت، چمران و جهان‌نما آغاز شده است. در این زمینه مسئولان فضای سبز مناطق ۱۲گانه‌ی شهرداری کرج باید اهتمام ویژه‌ای را برای تجهیز، بازسازی و بهسازی فضای سبز موجود در منطقه‌ی تحت پوشش داشته باشند.

مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرج یادآور شد: برای بازسازی پارک‌ها، مناطق اولویت‌بندی می‌شوند و طبق اولویت اقدامات لازم انجام خواهد شد. دومین هدف عمده‌ی این سازمان این است که تا پایان سال ۹۴ هر شهروند کرجی از منزل خود تنها ۱۰ دقیقه زمان را صرف کند تا به پارک برسد.

برگزاری نخستین جشنواره‌ی انتخاب شهرداران نمونه‌ی کردستان

معاون عمرانی استاندار کردستان با تأکید بر ساماندهی امور شهرداری‌های استان و تقویت این نهادهای عمومی، از برگزاری نخستین جشنواره‌ی انتخاب شهرداران نمونه‌ی کردستان در سال جاری خبر داد.

وی اظهار داشت: توسعه‌ی شهرها یکی از اولویتهایی است که دولت برای ارائه‌ی خدمات در حوزه‌های مختلف همواره مورد نظر داشته و دارد. ارتقای شاخص‌های خدمت‌رسانی، مباحث مالی، توسعه‌ی فضای سبز، جلوگیری از اجرای طرح‌های بی‌کیفیت و بهره‌مندی از پیمانکاران حرفه‌ای و توانمند، همگی در قالب نظارت‌های دفتر فنی استانداری، دفتر امور شهری و تعدادی از اساتید نخبه‌ی دانشگاهی در هر یک از شهرهای استان مورد ارزیابی و نظارت قرار می‌گیرد. شهرهای استان از لحاظ فضای سبز و مبلمان شهری دارای مشکلات فراوانی بوده و در ورودی بیشتر شهرهای استان شاهد مقدار بسیار زیادی نخاله‌های ساختمانی و صنوف مزاحم هستیم که چهره‌ی بسیاری از شهرهای استان را نامتوازن کرده است. شهرداران موظفند در کم‌ترین زمان ممکن برای رفع این مشکل چاره‌اندیشی نمایند چرا که استان کردستان یکی از استان‌های مسافرپذیر کشور بوده و به هیچ وجه چهره‌ی این چینی از شهرهای استان قابل قبول نخواهد بود.



احداث مرکز داده‌ی استاندارد اصفهان در سال جاری

رئیس سازمان فاوا شهرداری اصفهان از آغاز ساخت مرکز داده‌ی شهرداری اصفهان با بالاترین استاندارد در این کلان‌شهر در سال جاری خبر داد. همایون یزدان‌پناه با تأکید بر این که این پروژه هم‌اکنون در مرحله‌ی طراحی بوده و ساخت آن در شش ماه دوم سال جاری آغاز می‌شود، اظهار داشت: یک مرکز داده‌ی استاندارد باید سیستم‌های نرم‌افزاری را با امنیت بالا نگهداری کند و بدون قطع سرویس و با سرعت استاندارد به استفاده‌کنندگان خدمات ارائه دهد. رئیس سازمان فاوا شهرداری ادامه داد: این مرکز داده محل نگهداری و پردازش داده‌های شهرداری است و در حال حاضر با استفاده از به‌روزترین دانش‌ها در حال طراحی است.

وی در ادامه به دیگر پروژه‌های سال جاری این سازمان اشاره کرد و یادآور شد: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده بیش از ۱۳۰ پروژه در سال ۹۱ توسط این سازمان انجام می‌شود. توسعه‌ی شبکه‌ی فیبر نوری، تکمیل طرح تجهیز اتوبوس‌ها به دستگاه موقعیت‌یاب اتوماتیک، کمک به فعال شدن سیستم‌های الکترونیک تاکسی‌رانی اصفهان و همکاری در اجرای کامل طرح آموزشی شهروند الکترونیک نیز در سال جاری انجام می‌شود.



اتوبوس‌های درون شهری اراک به بخش خصوصی واگذار می‌شود

سیدمرتضی میری، شهردار اراک، اظهار داشت: در سال گذشته ۹۸ درصد از اتوبوس‌های بخش خصوصی بخش حمل و نقل درون شهری اراک به بخش خصوصی واگذار شد که بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته تا پایان امسال صد درصد اتوبوس‌ها به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. وی تصریح کرد: حدود ۷۰ میلیون مسافر طی سال گذشته از طریق اتوبوس‌های درون شهری توسط اتوبوس‌های سازمان اتوبوسرانی شهرداری اراک جابه‌جا شدند که نسبت به سال ۸۹ بیش از ۶۵ درصد افزایش جابه‌جایی داشته است. شهردار اراک خارج کردن شهر اراک از هسته‌ی مرکزی با ساخت دو مجتمع بزرگ را از برنامه‌های مهم شهرداری در راستای کاهش سفرهای درون شهری عنوان کرد و ادامه داد: با توجه به ترافیک سنگینی که مسافرت‌های درون شهری به دنبال دارد، کاهش این مسافرت‌های درون شهری به عنوان یک سیاست در دستور کار قرار گرفته که این مهم نیازمند مشارکت تمام شهروندان است.

میری گفت: در حال حاضر ۱۴۷ دستگاه اتوبوس در اراک فعالیت دارند که میانگین جابه‌جایی مسافر به ازای هر دستگاه اتوبوس طی سال گذشته یک هزار و ۳۰۲ نفر بوده است.

شهرکرد

مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری شهرکرد گفت: در سال جدید پنج بوستان جدید در شهرکرد مرکز این استان ایجاد می‌شود.

کاشان

معاون خدمات شهری شهرداری کاشان از اجرای طرح جمع‌آوری زباله‌ها به صورت یک در میان خبر داد. کاهش ترافیک، کاهش مصرف سوخت، مدیریت زمان و صرفه‌جویی در هزینه‌های نیروی انسانی به‌ویژه ایجاد نظم در جمع‌آوری زباله‌ها در سطح شهر از مزایای اجرای این طرح است.

لاهیجان

شهردار لاهیجان در نخستین لحظات پس از تحویل سال ۱۳۹۱ در محل ستاد تسهیلات سفر شهرداری و در کنار سفره‌ی هفت‌سین با اهدای چای، کلوچه و صنایع‌دستی لاهیجان به همراه کتاب و فیلم‌های معرفی شهر از مسافران نوروزی استقبال کرد.

مهریز

با حضور مسؤولان استان یزد و شهرستان مهریز، کنگ احداث دومین ایستگاه آتش‌نشانی در مهریز به زمین زده شد. معاون عمرانی استاندار یزد در مراسم کنگ‌زنی دومین ایستگاه آتش‌نشانی مهریز ضمن قدردانی از فرماندار مهریز برای ساماندهی و پذیرایی از مسافران و مهمانان نوروزی از تکمیل این پروژه تا شش ماه آینده خبر داد.

ورامین

مسؤول امور گردشگری شهرداری ورامین گفت: با توجه به نقش سازنده‌ی شهروندان در مدیریت شهری و در راستای فراهم‌نمودن زمینه‌های حضور و مشارکت بیشتر آنان در مسایل شهری و شهروندی، نخستین جشنواره‌ی عکس‌زندگی شهری با همکاری کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر و توسط امور گردشگری حوزه‌ی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری ورامین آغاز شد.

آمل

هم‌زمان با روز جهانی بهداشت و هفته‌ی سلامت، نمایشگاه سلامت با حضور فرماندار، شهردار و رئیس شبکه‌ی بهداشت و درمان آمل با هدف آشنایی بیشتر مردم با مقوله‌ی سلامت در محوطه‌ی شهرداری آمل افتتاح شد.

بم

شهرداری بم با توجه به نزدیک شدن به فصل تابستان و تعطیلی مدارس، جهت رفاه حال شهروندان و ایجاد مکان‌های تفریح اقدام به تکمیل روشنایی تمامی پارک‌ها نموده است.

بوکان

شهرداری بوکان با همکاری تشکل طرفداران محیط‌زیست در روز طبیعت با پخش کیسه‌هایی در بین شهروندان و تعبیه‌ی ایستگاه‌های زباله، بانی گرامیداشت روز طبیعت بود.

بیرجند

مراسم معارفه‌ی مدیران مناطق دوگانه‌ی شهرداری با حضور شهردار بیرجند و جمعی از مسئولین شهرداری برگزار شد. در این مراسم شهردار بیرجند گفت: برای دستیابی به توسعه باید علوم مختلف را به حوزه‌های کاری وارد کرد و از فنون روز بهره برد.

پاوه

شهردار پاوه از تهیه‌ی نرم افزار اولین نسخه‌ی کتاب دیجیتالی آشنایی با جاذبه‌های گردشگری شهرستان پاوه خبر داد. این نرم افزار که جهت گوشی‌های تلفن همراه طراحی شده از مصوبات کمیته‌ی فرهنگی و اجتماعی شهرداری می‌باشد.

دزفول

همایش یک روزه‌ی اعضای شوراهای اسلامی، کارشناسان و مدیران استان در دزفول برگزار می‌شود.

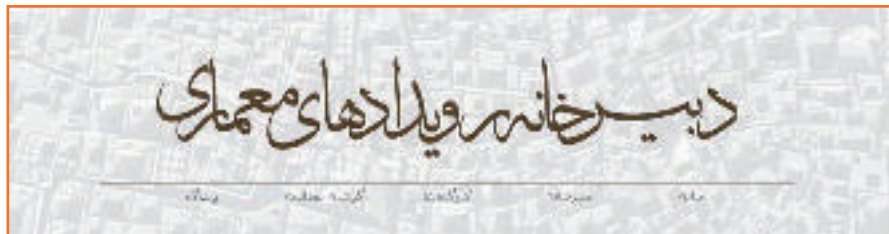
ساری

شهردار ساری در دیدار با پرسنل شهرداری ساری با اشاره به تحقق بیش از ۸۰ درصد از بودجه‌ی مصوب شده‌ی شورای اسلامی شهری ساری در سال ۱۳۹۰، سیاست شهرداری این شهر در سال جدید را تمرکز بر آسفالت، معابر و مبلمان شهری اعلام کرد.

شوشتر

عضو شورای شهر شوشتر از تصویب طرح جامع شوشتر در وزارت مسکن و راه‌سازی خبر داد و گفت: مشکلات شهرداری با تصویب این طرح کاهش می‌یابد.

معرفی پایگاه اطلاع رسانی دبیرخانه‌ی رویدادهای معماری



نوشته‌ای که در آن رگه‌هایی از معماری و شهرسازی مشاهده شود - به معرفی اثری از یک نویسنده و پرداختی معمارانه در آن اثر بپردازد. در این گوشه کاربران می‌توانند ضمن استفاده از ادبیات و پیگیری برای تهیه‌ی متن اصلی، نظر شخصی خود را نیز یادداشت نمایند.

بخش «وبلاگ» هرچند در پاره‌ای از اوقات به اشتباه جای بخش اخبار را گرفته است اما گاهی نیز حاوی دلنوشته‌ها و برداشت‌هایی است که افراد گوناگون در آن منعکس نموده‌اند: «به بوشهر قدیم که نگاه می‌کنی می‌بینی که شهر هم به زمانی به زبون دریا آشنا بوده. گفته بودم که دریا به جورایی پدر پدر بزرگ پدر بزرگ پدر بزرگ پدر بزرگ... بوشهر و بوشهری‌ها بوده و خوب همه - البته تا به زمانی - بلد بودن به زبون آب و اجدادیشون حرف بزنن! کوچه‌های بوشهر و خانه‌های بوشهر (بوشهر قدیم) انگار در ادامه‌ی دریان. انگار دریا وقتی به خشکی رسیده به ورد خونده و ساختمان‌ها و کوچه‌ها از زمین سبز شده‌اند: به ورد جادویی !!! - البته به همون زبونی که اهالی شهر هم می‌فهمیدن - این ورد پیرمردها و بزرگای شهر تا همین اواخر بلد بودند و قبل از این که بخوان خونه، کوچه، حیاط، بازار، دیوار و یا حتی دروازه بسازن می‌خوندنش و بعد شروع می‌کردن به ساختن. نتیجه این می‌شد که همه‌چی همونی می‌شد که باید باشه! (حالا با به خورده کم و زیاد)

اما این روزا کسی دیگه این ورد یادش نیست...

این پایگاه در آدرس
www.panjareh.info

قابل مشاهده است.

دبیرخانه‌ی رویدادهای معماری، مرکزی است فرهنگی، وابسته به مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران که فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۸۶ آغاز کرده است. این دبیرخانه کوشیده است تا با ایجاد پرسش‌های مناسب و درخور از چپستی معماری و شهرسازی ایران زمین و از راه تهیه‌ی بسترهای شایسته برای بحث پیرامون معماری ایران و فهم چگونگی پیوند آن با زندگی انسان ایرانی، به جست‌وجو در معنای معماری مطلوب و راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب بپردازد.

پایگاه اطلاع‌رسانی این مجموعه تلاش نموده است تا در کنار اطلاع‌رسانی از فعالیت‌های این مجموعه اطلاعات و تصاویر منحصر بفردی را از زمینه‌های کاری مجموعه ارائه نماید. با عنایت به موضوع این شماره‌ی نشریه شهرداری‌ها به سراغ این پایگاه رفتیم که پیش از این و در بخش گزارش خبری به پوشش یکی از برنامه‌های این مجموعه پرداختیم که در فروردین ماه سالجاری برگزار گردیده است.

سایت از نظر شکلی طراحی ساده ای دارد و وجه تمایز آن با بسیاری از سایت‌ها عکس مرکزی آن است که تصویری پانوراما از تمامی شرکت‌کنندگان در کارگاه فهم معماری ایران از پنجره‌ی بوشهر می‌باشد که به نوعی تجلیل از تمامی شرکت‌کنندگان در این برنامه است.

در «صفحه‌ی نخست» پایگاه، ارجاع‌هایی به بخش‌های درونی سایت از قبیل اخبار و گوشه‌ی مطالعه به چشم می‌خورد. در بخش «دبیرخانه» خبرهای کاملی از برگزاری برنامه‌های این مجموعه دیده می‌شود.

بهترین بخش سایت بخش «کارگاه» هاست که به طور اختصاصی به آخرین کارگاه یعنی شهر بوشهر اختصاص دارد. این بخش سایت هرچند کاربردی است اما شاید به جرأت می‌توان گفت که بهترین بخش پایگاه است که در صفحات داخلی آن (تمرین مرحله‌ی دوم) اطلاعات بسیار خوبی از بافت قدیمی و تاریخی شهر بوشهر از قبیل تصاویر دوره‌های مختلف قاجاریه و پهلوی این شهر و همچنین عکس‌های هوایی و نقشه‌های قدیمی شهر یافت می‌شود.

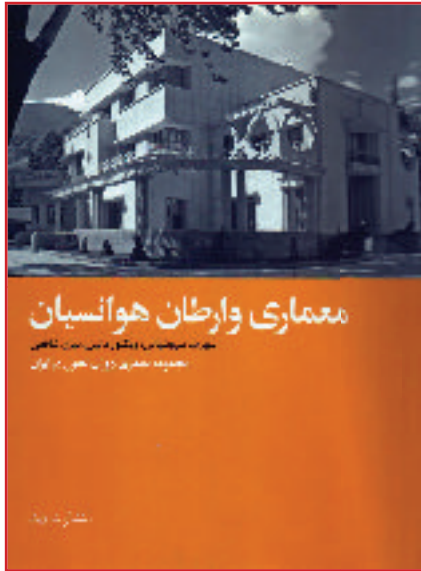
این بخش با طراحی زیبایی (هرچند در مرورگر فایرفاکس به هم ریخته است و کمتر کسی امروز توجه می‌کند که بسیاری از کاربران از این مرورگر استفاده می‌نمایند) به ارائه‌ی عکس‌ها، فیلم‌ها، اطلاعات شرکت‌کنندگان، نام برندگان کارگاه و... پرداخته است. صفحه‌ی اصلی سایت با وضوح ۸۶۴*۱۱۵۲ به بعد قابل رویت صحیح است و در وضوح ۷۶۸*۱۰۲۴ که متعارف بسیاری از مونیتورهای خانگی است همخوانی ندارد و محتوای سایت را بهم می‌ریزد.

«گوشه‌ی مطالعه» نیز عنوان حرکتی تازه در سایت دبیرخانه رویدادهای معماری است که از ابتدای خرداد سال نود کار خود را شروع کرده است. تحریریه‌ی سایت بر آن است تا با معرفی قسمتی از یک نوشته ادبی - آن هم

خاطره‌ها و تاریخچه از نوباوگ یک کلان‌شهر

عباس جلالی

نام کتاب: معماری وارطان هوانسیان
مجموعه‌ی معماری دوران تحول در ایران
نویسندگان: سروشینیان، سهراب
ویکتور دانیل - بیژن شافعی
انتشارات: انتشارات دید
چاپ نخست: ۱۳۸۷
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه در ۲۲۴ صفحه



بنا از چشم‌اندازهای مختلف، درشت‌نمایی هاست و طرح‌ها و پاره‌های جزئیات را نیز در بر می‌گیرد که در برخی، پدیدآوران برای جانمایی بنا در وضعیت کنونی از عکس‌های هوایی هم سود جستند.

وایسین فصل کتاب "معماری وارطان هوانسیان" است که پدیدآوران به تحلیل شیوه‌ی کار و سبک استاد پرداخته‌اند. برآیند این کار، تقسیم‌روند تحول در شیوه‌ی معماری وارطان است که به سه دور بخش کرده‌اند: دوره یکم - دانش‌اندوزی و کار در پاریس و آغاز کار در ایران (۱۳۱۹-۱۳۹۷ خ) دوره‌ی که وارطان جوان در مدارس معماری پاریس کار حرفه‌ای را در دفتر معماران نامدار اروپا آموخته و در بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده در جنگ اول جهانی تجربه‌ی کاری به دست آورده است. شکل چیره در آثار این دوره در ایران، روحیه‌ی آمیخته‌ای است که در آن از آمیزه‌های کلاسیک نو، هنرنو [=آرت نو] و آرت دکو و نوگرایی دیده می‌شود. این آثار از هنرستان دختران در ۱۳۱۴ خ. آغاز شده و به طرح مهمانخانه‌ی راه‌آهن در ۱۳۱۹ خ. می‌رسد. دوره‌ی دوم - پدیدآوران، این بازه‌ی زمانی (۱۳۲۹-۱۳۲۰) را دوره‌ی اصالت و پرکاری وارطان دانسته‌اند، زیرا که توانست شیوه‌ی خود را به عنوان سبک وارطان در تاریخ معماری ایران برای همیشه بنگارد. این دوره با ساخت مهمانخانه‌ی لاله در لاله‌زار آغاز می‌گردد. در پی آن ساختمان جیب در خیابان اکباتان که به شدت زیر تأثیر آپارتمان و سینمای قدیمی در خیابان سن دیدیه پاریس است، به ساختمان‌های سینما تئاتر متروپل و مجموعه‌ی تجاری - مسکونی جامی پایان می‌گیرد. دوره‌ی سوم که نام "تداوم فعالیت و تأثیر گرایش‌ات روز" را به آن داده‌اند، تأثیرات جریان روز معماری جهان و ایران در آن دیده می‌شود که سادگی، نوگرایی با بهره‌گیری از فناوری در آثار این دوره بچشم می‌زند، این آثار از دبیرستان حرفه‌ای نمازی (شیراز) در ۱۳۲۸ خ. و ویلای شخصی وارطان آغاز می‌شود و به ساختمان بانک سپه شعبه‌ی بازار ۱۳۴۴ خ. پایان می‌یابد که در این ساختمان برای نخستین بار با نقش "خودرو" در معماری آشنا می‌شویم و طبقه‌ی سوم و چهارم با گنجایش ۱۰۴ خودرو، جای پارکینگ را در طراحی ساختمان نشان می‌دهد. دو بخش پایانی کتاب به فهرست منابع و فهرست اعلام اختصاص یافته که این آخری نام کسان و جای‌نام‌ها را در بر می‌گیرد. این فهرست دستمایه‌ی علمی پژوهشی نیز به اثر داده است.

کتاب پاکیزه و ماندنی وارطان با ۳۴ صفحه‌ی انگلیسی با برگردان خوب نداقیاسی راه خود را به سوی آثار نگاشته‌ی معماری جهان نیز گشوده است که این خود گونه‌ای پیشگامی در راه معرفی معماری و معماری ایران به جامعه‌ی جهانی است. الگویی است برای کتاب‌های آینده و برای هر آن که گام در این راه نهاده باشد، گام‌شان استوار و نوشتگان‌شان بر صفحه‌ی تاریخ معماری ایران پاینده باد. انتشارات سازمان خواندن و دیدن این اثر ارزشمند را به همه‌ی دانشجویان معماری، طراحی، شهرسازی و جغرافیا و برنامه‌ریزی شهر و شهرداران توصیه می‌کند.



بارانی هم همدل (پدیدآورندگان) از هم‌نسلان دهه‌ی سوم سده‌ی چهاردهم خورشیدی، در سال ۱۳۶۲ گرد هم آمدند تا پس از مرگ استادی پیشگام، شاید که جای خالی او را در زمینه‌ی فراموش‌شده در پژوهش‌های معماری، آن هم در آن سال‌های پرافت‌وخیز پرکنند. اینان "جامعه‌ی مهندسان معمار ایران" را پی نهادند و کوشیدند تا راه را برای پژوهش بگشایند. این کتاب خود از نشانه‌های روشن این تکاپوی زیباست. کتاب معماری وارطان هوانسیان نمود اندیشه‌های معماری روزگار نوسازی پهلوی یکم (۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ خ) است که در کالبد ساختمان‌هایی که همچنان استوار و برپا مانده‌اند، چهره بسته است. وارطان را می‌توان از پیشگامان معماری و شهرسازی در دوران نوسازی و بازسازی تخت‌گاه ایران - تهران - برشمرد. شیوه‌ی کار وی چنان اثری برجای گذاشته که کارهای او در معماری ایران با نام "شیوه‌ی وارطانی" شناخته و ثبت شده است. وی از نخستین کسانی است که پس از معماری، دوره‌ی "شهرسازی" را نیز در فرانسه گذراند.

انگیزه‌ی گزینش این اثر برای معرفی و بررسی برای آن بود که ساخته‌های این معمار بزرگ و پیشاز نه تنها خاطره‌های تاریخی برای پایتخت یکصدساله‌ی دوره‌ی قاجاریان و پهلویان شمرده می‌شود، بلکه اینک به هویتی مانا برای این کلان‌شهر بدل شده است. پدیدآوران که خود بر جایگاه این آثار آگاه بوده‌اند، کتابی پاکیزه را فراهم آورده‌اند که بر کاغذهایی ماندگار (گلاسه) نوشته است. کتاب سرشار از عکس‌ها و طرح‌های وارطان و آثار اوست که گاه تمام صفحه و در موردی دو صفحه‌ی میانی را در بر گرفته است. روی جلد با عکس زیبایی از کاخ سعدآباد آراسته شده که یکی از زیباترین کارهای وارطان است. آن چه در نگاه نخست نظر را جلب می‌کند یکدستی عکس‌هاست که همگی سیاه و سفید هستند. در حالی که امکان چاپ رنگی بیشتر آثار نیز بوده است، اما پدیدآوران برای القای هر چه بیشتر قدمت و بازتاب فضایی از روزگاران گذشته دست به این کار زده‌اند که کاری ستودنی است. پدیدآوران برای نگاشتن این کتاب از ۳۳ منبع فارسی، ۳ منبع ارمنی، ۳ منبع انگلیسی و ۲ منبع فرانسه سود جستند. کتاب با مقدمه‌ای سه صفحه‌ای آغاز می‌گردد. زندگینامه‌ی کوتاه و در پی آن زندگینامه‌ی گسترده از وارطان که در کنار تصویر از دانشنامه‌ی معماری وی به زبان فرانسه چاپ شده است. این زندگینامه در سه بخش زیر آمده:

دوره‌ی نخست زندگی این ارمنی پرتلاش را از (۱۳۶۱ - ۱۳۷۴ خورشیدی) زادگاهش تبریز تا تهران پی گرفته است. دوره‌ی دوم از ۱۲۹۷ خ / ۱۹۱۹ م. که دوران اقامت در پاریس نام یافته و دوره‌ی سوم از ۱۳۱۴ خ / ۱۹۲۵ م. که "بازگشت به ایران" خوانده شده است. این سه دوره را بخشی به نام "فعالیت‌های فرهنگی" پایان می‌دهد. در همین جاست که می‌خوانیم وارطان پایه‌گذار دو مجله‌ی معماری و آن هم از نخستین‌ها در ایران با نام آرشیتکت و معماری نوین نیز بوده است.

در واقع فصل نخست کتاب زمینه‌های مؤثر بر معماری وارطان هوانسیان است که دو زیر فصل - زمینه‌های داخلی و زمینه‌های معماری - را در خود دارد. فصل‌های دیگر کتاب "بناهای دوره‌ی اول" است که از چهار اثر نخستین او؛ ساختمان هنرستان دختران، مهمانخانه‌ی دربند، کاخ سعدآباد، مهمان‌خانه‌ی ایستگاه راه‌آهن تهران فراهم آمده و در جای زبرفصل یاد شده و درباره‌ی پیشینه‌ی هر یک و طرح هر کدام به گسترده‌ی سخن رفته است.

فصل بعدی از بدنه‌ی اصلی کتاب "بناهای دوره‌ی دوم" است که از هفت اثر معماری وارطان، یعنی؛ مهمان پذیر لاله، ساختمان جیب، سینما تئاتر متروپل - پس از انقلاب رودکی - خانه‌ی مسکونی خیابان طالقانی، ساختمان - مسکونی اخوان، هتل (مهمانخانه‌ی) فردوسی، مجموعه‌ی تجاری - مسکونی جامی نام رفته است.

دو فصل بعد، "بناهای دوره‌ی سوم" که از دبیرستان حرفه‌ای نمازی (شیراز)، ویلای شخصی وارطان در زعفرانیه، ساختمان بانک سپه - شعبه‌ی توپخانه، بانک مرکزی سپه در اصفهان و بانک سپه شعبه‌ی بازار یاد شده که همانند فصل‌هایی پیشین سرشار از عکس‌های

Contents

Note	2
Special Report:	3
Tales of the City & Municipal sorrow/ M.Farahani	
Idea & Research:	8
Time and Human/ S.Ghasemian	
Space and urban landscape/ H.Ghanbari, F.Asadi	
Recognition of the Behavioral bases Concept in putting Quality into Urban spaces , (Sepah Street-Qazvin)/ M.Abbaszadegan, R.Norouzian	
Routing Paths walking of Historic Tourism of Mashhad/ R.Rezazade, F.Zarringalam	
Proposed: The Role of Places in Creation the Collective memory (Shareq quarter-Tehran)/ A.Khorasani	
Dialogue:	30
Sustainable city; Development on the bed of Evolving Tradition/ Interview with N.Takmil Homayoun	
Municipalities according to documents:	34
Monuments of a century Historical memories of the city/ A.Jalali	
Mayor's View:	39
Saqez City, The new Center of Tourism in the West of Iran/ M.Hamidian	
In Province:	44
Kurdistan, A Cultural Province / M.Hamidian	
Council & Participation:	45
Participation Effect on achieving the life spirit with urban memories in Oudlajan quarter in Tehran/ M.Farahani	
A, b, c of city:	52
Identity & Collective Memory Article/ M.Mansour rezaei, N.Rashid pour	
World's Experiences:	57
A review of Experience in Urban management in order to Reproduce the Place identity - Germany/ M.Pajooohan, B.Heydari	
Collective Memory, Identity and Construction place in Re-united Berlin/ Luise Heidenreich, Trans:A.Zoghi, N.Rashid pour	
World's cities & Municipalities:	68
Creation of The Relationship between Collective memory and Social composition/ F.Shahani	
Buildings, the history narrator of a city	
Plan and City:	69
Comparative study of four new cities/ S.Ghasemian	
Instruction:	75
Notional Influence of The city - memory in recreation Programs of Urban/ E.Zargari Marandi	
Souvenir:	78
Trying to Destroy the Memories of a Ommah/ S.Babaei	
Selective research:	81
City Entry and Urban identity (With an emphasis on Mashhad Entries)/ M.Ghasemi	
News report:	89
Understanding of Iranian Architecture Workshop, Booshehr's window	
The history lessons of a street/ A.Ranjipour	
Organization news	105
Brief news	107
Glance at cities	109
Amol/ Bam/ Bookun/ Birjand/ Pave/ Dezfool/ Suri/ Shooshtar/ Shahrekord/ Kashun/ Lahijun/ Mehriz/ Varamin	
Website:	110
Secretariat of Architectural Events/ S.Babaei	
New publication:	111
Historical Memory of A Young Metropolis/ A.Jalali	

106

Monthly Journal of Information
Educational and Research on
Urban Management and Planning
No. 106, April 2012

Shahrdariba

- Tales of the City & Municipal sorrow
- Space and urban landscape
- Rooting Paths walking of Historic Tourism of Mashhad
- Monuments of a century Historical memories of the city
- Saqqez City, The new center of Tourism in the West of Iran
- Collective Memory, Identity and Construction place in Re-united Berlin
- Creation of The Relationship between Collective memory and Social composition
- Buildings, the history narrator of a city
- City Entry and Urban identity
- Understanding of Iranian Architecture Workshop, Bushehr's window

